

۹
کشف
امام مهدی
علیه السلام



مجموعه فرمایشات، توقیعات و ادعیه حضرت صاحب الزمان (عج)

گردآوری: محمد خادمی شیرازی

تحفة امام مهدي (عج)

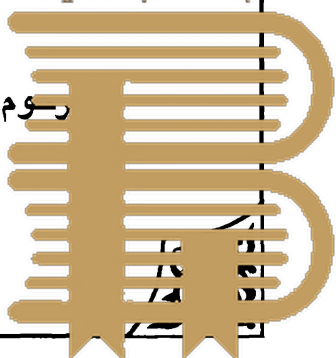
مجموعه سخنان، توقيعات و ادعية

حضرت بقية الله

ارواحنا له الفداء

شبكة كتب الشيعة

رسوم آيت الله محمد خادمي شيرازي



shiabooks.net

رابطه بديل < mktba.net

خادمی شیرازی، محمد، ۱۳۰۶، ۱۳۷۸
مجموعه سخنان، توقیعات و ادعیه حضرت بقیةالله ارواحنا الفداء /
محمد خادمی شیرازی. - تهران: موعود عصر(ع)، ۱۳۸۳
ISBN ۹۶۴-۶۹۶۸-۵۱-۱
ص. ۳۲۸

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیما.
عنوان دیگر: تحفه امام مهدی(عج) (مجموعه فرمایشات، توقیعات
و ادعیه حضرت صاحب الزمان(ع)).

کتابنامه: ص ۲۴۱-۲۴۶؛ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. محمد بن حسن(عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - ۲. محمد
بن حسن(عج) امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. -- توقیعات. ۳. دعاها. ۴.
مهدویت. ۵. احادیث شیعه. الف. عنوان. ب. عنوان: تحفه مهدی(عج)
(مجموعه فرمایشات، توقیعات و ادعیه حضرت صاحب الزمان(ع))

۳مخ/۲/۵۱ BP ۱۳۸۳

کتابخانه ملی ایران

۲۹۷/۹۵۹

۸۳/۹۸۰۸

تحفه امام مهدی(عج)

(مجموعه فرمایشات، توقیعات و ادعیه حضرت صاحب الزمان(ع))

نویسنده: محمد خادمی شیرازی(ره)

ناشر: موعود عصر(عج)

سال و محل نشر: تهران ۱۳۸۷

شمارگان: ۳۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۹۶۸-۵۱-۶

چاپخانه: پیام

نوبت چاپ: سوم

قیمت: ۲۷۰۰۰ ریال

نشانی ناشر: تهران - صندوق پستی ۸۳۴۷-۱۴۱۵۵

تلفن: ۶۶۹۵۶۱۶۷ نامبر: ۶۶۹۵۶۱۶۸

فهرست مطالب

فصل اول.....	۲۳
بیانات حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء لحظاتی پیش از تولد تا آغاز غیبت صغری	۲۳
سخن گفتن حضرت بقیة الله (روحی له الفداء) در زچیم مادر.....	۲۵
سخنان حضرت بقیة الله (روحی له الفداء) پس از ولادت.....	۲۶
مصلح جهان (ارواحنا له الفداء) در ساعات اولیة ولادت.....	۲۷
تکلم امام زمان ﴿عَلَيْهِ السَّلَام﴾ هنگام ولادت.....	۲۹
سخنان امام عصر ﴿عَلَيْهِ السَّلَام﴾ در لحظات اولیة زندگانی این جهان.....	۳۰
سخن گفتن حضرت بقیة الله (روحی له الفداء) در ساعات اولیة ولادت.....	۳۱
سخن گفتن حضرت صاحب الزمان ﴿عَلَيْهِ السَّلَام﴾ در ساعات اولیة ولادت.....	۳۳
سخنان امام عصر (روحی له الفداء) در خدمت پدر بزرگوارشان.....	۳۴
سخن گفتن امام عصر (روحی له الفداء) در کنار بدن مقدس حضرت عسکری ﴿عَلَيْهِ السَّلَام﴾.....	۵۷
فصل دوم.....	۵۹
تویعات صادره از پیشگاه مقدس حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء در غیبت صغری	۵۹
و کبری.....	۶۳
توقیع مبارک از ناحیة مقدسه به افتخار محمّدین عثمان (رضوان الله علیه).....	۶۳

- توقيع شريف حضرت بقیة الله (روحی له الفداء) به افتخار جناب عمري و فرزندش محمدين عثمان ۶۸
- توقيع مبارک حضرت بقیة الله (روحی له الفداء) در مورد ابوالعباس خضر بن ابی صالح ۷۴
- توقيع شريف حضرت بقیة الله ﴿عَلِيٌّ﴾ به افتخار یکی از شیعیان ۷۶
- توقيع مبارک حضرت امام زمان (ارواحنا له الفداء) به افتخار یکی از شیعیان ۷۸
- توقيع مبارک حضرت ولی عصر (روحی له الفداء) در تأیید محمدين عثمان عمري ۷۹
- توقيع حضرت صاحب الامر (روحی له الفداء) به افتخار اسحق بن یعقوب ۸۰
- خبر دادن حضرت صاحب الامر ﴿عَلِيٌّ﴾ از مرگ محمدين زیاد ۸۶
- توقيع حضرت بقیة الله (روحی له الفداء) برای جمعی از شیعیان ۸۷
- توقيع مبارک حضرت صاحب الامر (ارواحنا له الفداء) به افتخار جمعی از شیعیان ۸۹
- توقيع مبارک حضرت بقیة الله (روحی له الفداء) به جناب احمد بن اسحق ۹۵
- توقيع مبارک امام زمان ﴿عَلِيٌّ﴾ در ارتباط با «سلمغانی» مطرود ۱۰۵
- نامه محمدين عبدالله بن جعفر حمیری به پیشگاه مقدس حضرت بقیة الله (روحی له الفداء) ۱۰۸
- توقيع حضرت بقیة الله (روحی له الفداء) خطاب به شیخ مفید (رحمة الله علیه) ۱۱۶
- توقيع حضرت بقیة الله (روحی له الفداء) خطاب به محمدين نعمان مَلَقَب به «شیخ مفید» (رحمة الله علیه) ۱۱۸
- توقيع دیگر حضرت بقیة الله (روحی له الفداء) به افتخار شیخ مفید (علیه الزحمة) ۱۲۳
- توقيع مبارک امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) به افتخار شیخ مفید (علیه الزحمة) ۱۲۵
- توقيع مبارک امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) به افتخار احمد بن ابی روح (توسط جناب محمدين عثمان(ره)) ۱۳۱
- توقيع مبارک حضرت بقیة الله (روحی له الفداء) به افتخار ابی صالح خجندی ۱۳۳
- توقيع دیگری از وجود مقدس امام عصر (روحی لتراب مقدمه الفداء) ۱۳۴
- آخرین توقيع حضرت بقیة الله (روحی له الفداء) به جناب علی بن محمد سمری ۱۳۸
- فرمان حضرت ولی عصر (روحی له الفداء) برای همه ۱۴۱
- توقيع مبارک حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) به افتخار محمدين علی بن هلال

۱۴۷ کرخی

۱۵۱ توییغ دیگر حضرت بقیة الله (روحی له الفداء) به افتخار محمدين عبدالله حمیری

۱۶۰ توییغ دیگر حضرت امام زمان (عَلَيْهِ السَّلَامُ) به افتخار محمدين عبدالله حمیری

متن فرمان مبارک حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) توسط استوانة تقوی جناب حاج شیخ محمد

کوفی به افتخار مرحوم آية الله سید ابوالحسن اصفهانی ۱۷۸

۱۷۹ **فصل سوم**

۱۷۹ **بیانات حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء در روزهای اول ظهور**

۱۸۱ اولین خطبه و اعلامیة حضرت بقیة الله

۱۸۵ خطبه دوم حضرت بقیة الله (روحی له الفداء) در روزهای اول ظهور

۱۸۷ خطبه سوم از حضرت مهدی (روحی له الفداء) «اعلامیة جهانی»

۱۹۰ از جمله سخنان حضرت قائم (روحی له الفداء) هنگام ظهور

۱۹۱ اولین دعای حضرت ولی عصر (روحی له الفداء) در روزهای اول ظهور

۱۹۴ سخنرانی حضرت ولی عصر (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در شب اول ظهور

۱۹۶ سخنان حضرت بقیة الله (روحی له الفداء) هنگام قیام

۱۹۷ **فصل چهارم**

ادعیة مختلف نقل شده از حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء در غیبت صغری و کبری

۱۹۷

۱۹۹ دعای افتتاح منقول از حضرت بقیة الله (ارواحنا له الفداء)

۲۱۲ زیارت مبارکه آل یس

۲۲۱ دعای بعد از زیارت آل یس

۲۲۵ دعای در زمان غیبت امام عصر

۲۴۱ یکی دیگر از دعاهاى حضرت بقیة الله (روحی له الفداء)

۲۴۴ دعای دیگر از حضرت حجت (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

۲۴۵ دعای فَرَج از حضرت صاحب الامر

۲۴۷ زیارت حضرت امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در روز یکشنبه

- ۲۴۹ قُنُوتِ مولانا حجة بن الحسن العسكري
- ۲۵۲ قنوت دوم امام عصر (ارواحنه له الغذاء)
- ۲۵۷ «حرز» امام زمان علیه السلام
- ۲۵۸ دعای امام غایب علیه السلام
- ۲۶۲ دعای علوی مصری
- ۳۰۲ از جمله دعاهاى حضرت بقية الله علیه السلام برای رهایی از شدايد.
- ۳۰۳ تسبیح حضرت قائم علیه السلام از روز هجدهم تا آخر ماه
- ۳۰۴ دعای حضرت بقية الله (روحي له الغذاء) در روز عيد فطر پس از نماز صبح
- ۳۰۷ صلوات ابوالحسن ضرب اصفهانی
- ۳۱۳ امر به دعا برای وجود مقدس امام زمان علیه السلام
- ۳۱۶ دعای اول ماه مبارک رجب
- ۳۲۰ دعای دیگر ماه مبارک رجب
- ۳۲۲ زیارت رجبیه از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام
- ۳۲۵ دعا به افتخار محمدبن صلت قمی

پیشگفتار (چاپ دوم)

سخنان ناگفته و درهای ناسفته فراوانی پیرامون: گفتارها، نوشتارها، نیایشها و دیگر معارف وارده از پیشگاه حضرت بقیة اللہ ارواحنا فداء وجود دارد، که لازم است مرزداران دین و مرزبانان آیین، با تأسیس دانشکده‌ها و پژوهشکده‌ها، مسائل فقهی، عقیدتی، اخلاقی، اجتماعی و دیگر جنبه‌های حیاتی نهفته در توقیعات شریف و بیانات منیفة آن مصلح آسمانی را بررسی نموده، نتایج حاصله را در اختیار حوزه‌ها، دانشگاه‌ها و دیگر مراکز علمی و طبقات شیفته و دل‌باخته حضرتش قرار دهند.

مواد خام این تحقیق و کنکاش در مجامع حدیثی و منابع روایی آمده، ناقلان آثار و راویان اخبار، تعداد فراوانی از توقیعات شریف و بیانات منیفة آن حضرت را در آثار ارزشمند خود آورده‌اند که به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

- ۱ - شیخ صدوق، (م ۳۸۱ هـ) پنجاه دو توقیع شریف، تحت عنوان «ذکر التوقیعات الواردة عن القائم علیه السلام»^۱.
- ۲ - شیخ مفید (م ۴۱۳ هـ) بیست و چهار توقیع و گفتار، تحت عنوان «طرف من دلائل صاحب الزمان علیه السلام»^۲.
- ۳ - شیخ طوسی، (م ۴۶۰ هـ) ده توقیع شریف، تحت عنوان «بعض توقیعات الحجة

۱. کمال الدین ج ۲ صص ۴۲۸ - ۵۲۲، ج تهران.

۲. الارشاد مفید ۲ صص ۳۵۵ - ۳۶۷، ج ۱۴۱۳، قم.

- ۴ - عمادالدین ابن حمزه، محمد بن علی طوسی، از بزرگان سده ششم هجری، سی گفتار معجزآسا: تحت عنوان: «فی بیان ظهور آیاته عَلَيْهِ»^۲.
- ۵ - ابو منصور طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب عَلَيْهِ، از اعلام قرن ششم: بیست و سه توفیق شریف، تحت عنوان: «احتجاجات الامام المهدي المنتظر عَلَيْهِ»^۳.
- ۶ - امین الاسلام طبرسی، فضل بن حسن، صاحب مجمع البیان، (م ۵۴۸ هـ)، بیست و هشت توفیق تحت عنوان: «بعض ما خرج من توفیعاته»^۴.
- ۷ - فیض کاشانی، (م ۱۰۹۱ هـ)، بیست و دو توفیق شریف، تحت عنوان «مکاتیب الامام المنتظر»^۵.
- ۸ - علامه مجلسی، (م ۱۱۱۰ هـ)، بیست و سه توفیق شریف تحت عنوان «ما خرج من توفیعاته عَلَيْهِ»^۶.
- ۹ - میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی، (م ۱۳۴۸ هـ): صد و دوازده فقره از نیایشهای وارده پیرامون دعا برای تعجیل در امر فرج ضمن کتاب شریف مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام^۷.
- ۱۰ - (م ۱۴۱۵ هـ) بیست و سه خطبه و توفیق، تحت عنوان «نشاطات الامام المهدي عَلَيْهِ»^۸.

۱۱ - آیه الله صافی گلپایگانی، حاج شیخ لطف الله (معاصر): سیزده دعا تحت

۱. الغیبه شیخ طوسی، صص ۳۷۳ - ۴۱۷، ج ۱۴۱۱ هـ، قم.
۲. الثاقب فی المناقب، صص ۵۸۴ - ۶۱۵، ج ۱۴۱۱ هـ، قم.
۳. الاحتجاج طبرسی، ج ۲، صص ۴۶۱ - ۴۹۹، ج ۱۴۰۱ هـ، بیروت.
۴. اعلام الوری، ج ۲، صص ۲۵۵ - ۲۷۲، ج ۱۴۱۷ هـ، تهران.
۵. معادن الحکمة، ج ۲، صص ۲۷۵ - ۳۲۰، ج ۱۳۸۸ هـ، تهران.
۶. بحار الانوار، ج ۵۳، صص ۱۵۰ - ۱۹۷، ج ۱۳۸۴ هـ، تهران.
۷. مکیال المکارم، ج ۲، صص ۲ - ۱۰۳، ج ۱۳۹۸ هـ، قم.
۸. الامام المهدي من المهد الى الظهور، صص ۲۴۲ - ۳۴۰ و ۵۰۰ - ۵۱۷، ج ۱۴۰۵ هـ، بیروت.

عنوان «بعض الأدعية المأثورة عنه عليه السلام».^۱

۱۲ - گروهی از نویسندگان: چهل و دو توقیع و حدیث، تحت عنوان: «توقیعات الامام المهدي عليه السلام».^۲

اینها نمی از یم و اندکی از منابع بی شماری بود که بخشی از فصول آنها به گفتارها و نوشتارهای آن حضرت اختصاص یافته است و اما کتابهایی که به طور مستقل در این رابطه به رشته تحریر در آمده، بسیار است، که با عناوین برخی از آنها در اینجا آشنا می شویم:

۱ - توقیع الناحية المقدسه، از مؤلف ناشناخته، که نسخه ای از آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی تهران موجود است.^۳

۲ - توقیعات امام ثانی عشر عليه السلام، از علامه مجلسی، (م ۱۱۱۰ هـ)، چاپ سنگی ۱۳۱۳ هـ بمبئی، ۸۸ صفحه رقی.

۳ - توقیعات حضرت قائم عليه السلام، از مؤلف ناشناخته، چاپ سنگی، بمبئی.^۴

۴ - توقیعات مقدسه، از جعفر وجدانی (معاصر)، ج ۱۳۹۸ هـ تهران، ۹۰ صفحه رقی.

۵ - الرسائل و التوقیعات، از عبدالله بن جعفر حمیری، از اصحاب امام حسن عسکری عليه السلام.^۵

۶ - رساله مهدیه، از سید علی محمد بن سید محمد نقوی، مشهور به تاج العلماء، (م ۱۳۱۲ هـ)، به زبان اردو.

۱. منتخب الأثر صص ۵۱۹ - ۵۲۵، ج ۱۳۷۳ ش، تهران.

۲. معجم احادیث المهدي، ج ۴، صص ۲۷۵ - ۳۵۱، ج ۱۴۱۱ هـ قم.

۳. کتابنامه حضرت مهدی عليه السلام، ج ۱، صص ۲۵۸؛ فهرست مجلس، ج ۱، ص ۷۸۰.

۴. کتابنامه حضرت مهدی عليه السلام، ج ۱، صص ۲۵۸؛ فهرست مجلس، ج ۱، صص ۹۷۱.

۵. کتابنامه حضرت مهدی عليه السلام، ج ۱، صص ۳۹۰؛ الفهرست شیخ طوسی، ص ۱۳۲.

- ۷ - رساله مهدویہ، از مؤلف ناشناخته و چاپ هند، به زبان اردو.^۱
- ۸ - سخنان حضرت مهدی علیہ السلام، از استاد حاج میرزا عمران علیزاده (معاصر)، چ ۱۴۰۴ هـ قم، ۶۴ صفحه جیبی.
- ۹ - الصحیفة المبارکة المهدیة، از سید مرتضی مجتهدی سیستانی (معاصر)، چ ۱۴۱۹ هـ قم، ۷۵۹ صفحه وزیری.
- ۱۰ - الصحیفة القائمیة، از آیت الله شهید شیخ فضل الله نوری، (م ۱۳۲۷ هـ)^۲
- ۱۱ - الصحیفة المهدویة، از میرزا محمد بن رجبعلی تهرانی، شامل ۶۰ دعاء، که سال ۱۳۵۸ هـ از تألیف آن فارغ شده است.^۳
- ۱۲ - الصحیفة المهدویة والقائمیة، از مؤلف ناشناخته، که نسخه خطی آن به خط مؤلف در کتابخانه مرحوم آیت الله مرعشی به شماره ۱۰۴۱۴ موجود است.^۴
- ۱۳ - صحیفة المهدی علیہ السلام، از خطیب توانا، حاج شیخ عیسی سلیم پور اهری (معاصر)، چ ۱۴۰۶ هـ قم، ۱۲۰ صفحه وزیری.
- ۱۴ - صحیفة المهدی علیہ السلام، از جواد قیومی اصفهانی (معاصر)، چ ۱۳۷۳ ش، قم، ۳۸۹ صفحه وزیری.
- ۱۵ - الصحیفة الهادیة والتحفة المهدیة، از ابراهیم بن محسن کاشانی، چاپ سنگی ۱۳۱۸ هـ با تقریظی از مرحوم آیت الله حاج سید اسماعیل صدر، (م ۱۳۳۸ هـ)، ۲۵۸ صفحه رقی.
- ۱۶ - قرب الاسناد الی صاحب الأمر علیہ السلام، از ابوالعباس عبدالله بن جعفر حمیری، از اصحاب امام حسن عسکری علیہ السلام^۵
- ۱۷ - کلمة الامام المهدی علیہ السلام، از آیت الله شهید حاج سید حسن شیرازی، (م ۱۴۰۰)

۱. کتابنامہ حضرت مهدی علیہ السلام، ج ۱، صص ۴۱۰؛ الذریعہ، ج ۱۱، صص ۲۲۶.

۲. کتابنامہ حضرت مهدی علیہ السلام، ج ۲، صص ۴۸۶؛ تکملة نجوم السما، ج ۲، صص ۲۶۶.

۳. الذریعہ، ج ۱۵، صص ۲۴. ۴. کتابنامہ حضرت مهدی علیہ السلام، ج ۲، صص ۴۸۷.

۵. کتابنامہ، ج ۲، صص ۵۷۰؛ رجال نجاشی: ۲۲۰.

ه)، ج ۱۴۰۴ هـ، ۵۹۱ صفحه وزیری.

۱۸ - ترجمه کلمه الامام المهدي عليه السلام (ترجمه کتاب فوق) از دکتر سید حسن افتخارزاده (معاصر) جلد اول شامل تویعات، چ ۱۴۰۷ هـ، تهران، ۷۰۲ صفحه وزیری.

۱۹ - المختار من کلمات الامام المهدي عليه السلام، از استاد علامه حاج شیخ محمد غروی (معاصر) شامل پانصد فراز از کلمات دُرربار حضرت با شرح و تفصیل، در سه مجلد، چ ۱۴۱۴ هـ قم، ۱۹۶۳ صفحه وزیری.

۲۰ - مجموعه فرمایشات حضرت بقیة الله ارواحنا فداه (کتاب حاضر).

مؤلف بزرگوار دقیقاً ده سال پیش در ایام اقامت محدودشان در مشهد مقدس این اثر ارزشمند را به رشته تحریر درآورده و بیست و شش تویع شریف، شانزده گفتار و بیست و دو نیایش را از منابع مورد اعتماد و استناد، همراه با ترجمه روان در آن گردآوردند و اینک خوشوقتیم که چاپ جدید آن بسان ران ملخی به شیعیان شیفته و دوستان دلسوخته آن سلیمان زمان تقدیم می‌گردد.

برای درک اهمیت و ویژه این اثر و دیگر آثاری که در این رابطه منتشر شده، توجه خوانندگان گرامی را به خاطره جالب زیر جلب می‌کنیم:

در میان خاورشناسان بیشماری که به دلایل گوناگون درباره اسلام و تشیع به بحث و کنکاش پرداخته‌اند، پرفسور هنری گربین جایگاه خاصی دارد.

وی از معدود افرادی بود که همه ساله برای بهره‌وری از دانش بی‌کران اهل بیت علیهم السلام به ایران آمده و به محضر علمای اعلام می‌رسید و از خرمن ناپیدا کرانه معارف اهل بیت علیهم السلام خوشه‌چینی می‌کرد.

او روزهای تعطیل به محضر مفسر کبیر قرآن علامه طباطبایی، قدس سره، شرفیاب می‌شد و حقایق فراوانی پیرامون قرآن و عترت از محضر آن دانشمند فرزانه فرا می‌گرفته و آن را بسان گنجی پربها به کشورهای غربی به ارمغان می‌برد.

او در محضر بزرگ فیلسوف متأله مشرق زمین آن چنان با شخصیت والای حضرت

بقیة الله، ارواحنا فداه، آشنا شد که در شب نیمه شعبان ۱۳۵۳ ش، خطابۀ پرشوری از تلویزیون فرانسه ایراد کرد که اعجاب همگان را برانگیخت و در بسیاری از مطبوعات جهان منعکس گردید.

در ایام ارتحال دانشمند فرزانه مرحوم آیت الله حاج سید حسن الهی، برادر علامۀ طباطبایی، خود علامه برای شرکت در مجلس ترحیم ایشان به تبریز آمده بودند. روزی در محفل علمای تبریز که برای عرض تسلیت به محضر ایشان رسیده بودند، از پرفسور «هنری کربن» سخن به میان آمد، علامه فرمودند:

من روزی از هنری کربن پرسیدم: آیا شما دعاهاى پیش ساخته‌ای دارید که در کلیسا و دیگر مواقع نیایش از آنها استفاده کنید، یا هرکسى به ذوق خود و با زبان خود در مقابل خداوند متان به نیایش برمی‌خیزد؟ او در پاسخ گفت:

هر دو هست، هم دعاهاى پیش ساخته داریم و هم هر فرد مسیحی در حد بینش و سطح دانش خود، با آفریدگارش نیایش می‌کند. آنگاه افزود:

ولی من دعاهاى حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را در دفتر کوچکی یادداشت کرده‌ام و به هنگام نیایش آنها را از روی دفتر می‌خوانم. زیرا معتقد هستم که او تنها حجّت پروردگار در این زمان است و هرکسى باید به هنگام نیایش از دعاهاى صادره از آن قطب غالم امکان استفاده کند و با زبان آن حضرت با خدایش به نیایش پردازد.^۱

بسیار جالب است که یک خاور شناس مسیحی در قلب اروپا نیایشهای حضرت بقیة الله، ارواحنا فداه، را اسوه و الگوی خود قرار می‌دهد ولی بسیاری از شیعیان

دلسوخته حضرتش حتی یک نیایش از مولا و مقتدای خود بلند نیستند!!!

و چه زیبا گفته سعدی شیرازی:

«دوران با بصر، در حضور و نزدیکان بی بصر، دور»

فراموش نمی‌کنم که وقتی این مطلب را با برادر ارزشمندم دکتر اسماعیل منصباح‌زاده بازگو کردم، فرمودند: من نیز نسخه‌ای از کتاب «صحیفه المهدی علیه السلام» را با خود به لندن برده‌ام و هر روز یکی از نیایشهای حضرت ولی عصر صلوات الله علیه را بعد از نماز صبح می‌خوانم.

این نکته را از این جهت یادآور شدم که خوانندگان گرامی مجموعه‌های گرد آمده پیرامون بیانات حضرت بقیة الله، ارواحنا فداه، را قدر دانسته و به یک بار مطالعه کردن بسنده نکنند، بلکه در کنار قرآن و صحیفه سجّادیه قرارش داده و همه روزه از فیوضات بی‌کران سخنان گهربار حجت پروردگار علیه السلام بهره بگیرند، و به هنگام نیایش مؤلف، ناشر، مصحح و دیگر دست‌اندرکاران طبع و نشر این اثر ارزشمند را از دعای خیر فراموش نفرمایند. ان شاء الله.

غزوة ذیقعدة الحرام ۱۴۱۹ هـ

سالروز میلاد مسعود کریمه اهل بیت حضرت معصومه علیها السلام

حوزه علمیه قم، علی اکبر مهدی پور

مقدمه

همه ارادتمندان خاندان عصمت و طهارت، سلام الله عليهم اجمعين، علاقه‌مندند که از سخنان حیات‌بخش مصلح واقعی جهان حضرت ولی الله العظم، حجة بن الحسن العسكري، روحی لتراب مقدمه الفداء، تا اندازه‌ای آگاهی یافته، بیانات روح‌بخش آن سرور را وسیله تقویت بنیه و نیروی ایمان و عقیده خویش قرار دهند؛ به ویژه آن گروه از شیعیان آن حضرت که در آتش هجران می‌سوزند و در انتظار قیامش به سر می‌برند و همه چیز را در سایه قیام شکوه‌مند آن مولای عزیز می‌دانند؛ بندگان صالح خداوند که در انتظار پیاده شدن حکومت عدل گستر آن پیشوای محبوب آسمانی هستند و می‌دانند که خداوند به وعده خود وفا خواهد کرد و نماینده عزیز و آخرین سفیر خویش را بر جهان هستی غالب نموده، به دست توانای وی ریشه ستمگران را از بیخ و بن خواهد کند.

آری، همه تشنه نوشیدن آب گوارایی هستند که قرآن کریم از آن چنین یاد فرموده

است.

[قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ] ^۱ و همه می‌خواهند از سخنان زندگی‌بخش امام عزیز خود استفاده نمایند. بنابراین به خواست خداوند و عنایات

۱. سوره ملک (۶۷)، آیه ۳۰: بگو [به من خبر دهید] اگر آب آشامیدنی شما [به زمین] فرو رود، چه کسی آب گوارا و روان برایتان خواهد آورد؟ (ن).

کریمانه حضرتش، در این کتاب دلباختگان و سوختگان در آتش فراقش را به یاد بیانات آن مصلح بزرگ آسمانی از لحظهٔ اوّل ولادت تا روزهای اوّل ظهورش می‌اندازیم و از پیشگاه مقدّس آن حضرت استدعا داریم که توفیق بهره‌برداری عملی از راهنمایی‌های آن محبوب برجستهٔ آسمانی و نیز آمادگی خدمت در دولت کریمه‌اش را به ما عنایت فرماید. به امید رسیدن به این آرزو و هدف مقدّس و درک حکومت دادگسترش در سراسر جهان هستی. ان شاء الله.

ذکر ایم نکته خالی از لطف نیست که بزرگان علم حدیث، رضوان الله علیهم اجمعین، قبل از این حقیر به نحو احسن و اکمل و به بهترین وجه ممکن از بیانات حیات بخش آن قائد آسمانی استفاده نموده و دیگران را نیز بهره‌مند ساخته‌اند. بنابراین در این کتاب از خرمن علمی علما و بزرگان شیعه، رضوان الله علیهم اجمعین، استفاده شده است و نگارنده چیز تازه‌ای نیاورده است که تقدیم حضور دوستان امام عصر، روحی له الفداء، کند و صرفاً این کتاب مشتمل بر دو خصوصیت و ویژگی است:

اوّل آن که تاکنون مجموعهٔ سخنان دُرریار حضرت مهدی، عجل الله تعالی فرجه الشریف، از لحظات قبل از ولادت تا روزهای اوّل ظهور در یک کتاب جمع‌آوری نشده است و علمای ما در کتابهای معتبر به طور مشروح ولی به صورت پراکنده آن را بیان فرموده‌اند، جزاهم الله خیراً.

دوم آن که مجموعهٔ کلمات آخرین حجّت خداوند و زنده‌کنندهٔ جهان هستی، با ترجمهٔ فارسی و بعضاً با شرح مختصر و نیز دربارهٔ ابعاد زندگی پرفروغ حضرت خاتم اوصیاء، روحی له الفداء، و به ویژه در مورد برنامه‌های دولت کریمهٔ آن حضرت، در اختیار برادران و خواهرانی که مایهٔ علمی زیادی ندارند، قرار نگرفته است.

بنابراین امید است علاقه‌مندان آن سرور با در نظر گرفتن «انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال»^۱ از این کتاب بهرهٔ وافیه برده، همیشه خود را در خدمت و محضر امام زمان

۱. اشاره به کلام حضرت امیر علیه السلام، [برای سنجیدن ارزش حرف] به گفته بنگر نه به گوینده

خویش ببینند و غیبت نتواند به صورت پرده‌ای درآمده و آنان را از خدمت مولای عزیزشان دور کند.

اکنون با هم به سراغ زندگانی پر از اعجاز آن حضرت می‌رویم. آری، ما در دوره‌های مختلف زندگی آن امام معصوم علیه السلام پیوسته قدرت بی‌نهایت خداوندی را در مقابل خویش می‌بینیم. ان شاء الله، آن مصلح بزرگ در آینده بسیار نزدیک به امر خداوند و استعانت از قدرت بی‌پایانش جهان را قبضه کرده و مقررات حیات بخش قرآن کریم را در سراسر گیتی به مرحله اجرا در خواهد آورد.

اینک از لحظاتی قبل از ولادت حضرتش در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری به یاد آن یوسف عزیز از نظر پنهان به گفتگو می‌نشینیم؛

چون میسر نیست بر من کام او عشقبازی می‌کنم با نام او

ضمناً به جهت اهمیت موضوع و لزوم پاسخگویی به افراد بهانه جو و یا ناآگاه و کسانی که در شناخت وجود مقدس امام عصر، روحی له الفداء و عجل الله تعالی له الفرج، ضعیف هستند - با اینکه در مقدمه کتابهای «نشانه‌های ظهور او» و «خورشیدی که طلوع می‌کند» به طور مفصل و مشروح توضیح داده شده - تکرار این تذکر را در مقدمه کتاب حاضر نیز ضروری می‌دانم و در پاسخ این افراد که چرا این حقیر نوشته‌های خود را به حضرت بقیة الله، روحی له الفداء، اختصاص داده‌ام به اجمال و اختصار مطالبی به عرض می‌رسانم، باشد که مؤمنان را سودمند افتد.

وَ دَكَّرْ فَإِنَّ الدُّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ.^۱

۱. حضرت بقیة الله، حجّت منتظر، عجل الله تعالی فرجه الشریف،

امام زمان من است.

۲. تمام روایات رسیده از خاندان وحی را در ارتباط با آن سرور فرا

کلام. غرالحکم، ص ۴۳۸، ش ۱۰۰۳۷ (ن).

۱. سورة الذاریات (۵۱)، آیه ۵۵: و پند ده که پند برای مؤمنان سودمند است. (ن).

گرفته‌ام و در تمام وجودم جا گرفته است؛ پس بدین ترتیب همه جا در خدمت آن عزیزان و سروران هستم.

۳. غربت و تنهایی وجود مقدس حضرت ولی عصر امام زمان، عَجَلُ اللهُ تَعَالَى لَهُ الْفَرَجُ.

۴. غفلت شیعه از امام آسمانی خویش.

۵. تبلیغات زهرآگین دشمنان ولایت.

۶. مسئولیت هر فرد شیعه در ترویج آن سرور.

۷. ویژگی برنامه‌های آن قائد معظم.

۸. تحوُّلی که در جهان در سایه قیام آن وجود مقدس پدید می‌آید.

۹. ثوابهایی که بر یاد آن بزرگوار و توجه دادن شیعیان به آن امام عزیز و مهربان مترتب است.

۱۰. نیاز مبرم شیعه مخصوصاً منتظران ظهور آن حضرت به اینکه همواره به یاد حضرتش باشند.

۱۱. عنایت و دستگیری‌های حیات‌بخش آن پدر مهربان از این

حقیر.

۱۲. امید به ظهور حضرتش و اینکه نام این حقیر را هم در دفتر

علاقه‌مندان و منتظران قیامش امر به ثبت و ضبط فرماید.

آنچه ذکر شد به اضافه صدها دلیل دیگر موجب شده است که آثار قلمی این بنده ناتوان به آن عزیز غایب از نظر عَلَّاهُ اختصاص یابد. از شما خواننده عزیز استدعا دارم که از آن امام به مراتب مهربانتر از پدر بخواهید که قبول فرمایند و ابراز لطف کنند، چه اگر خدای ناخواسته کوچکترین غلّ و غشی مانند ریا و غیره در آن باشد، وای بر این ناچیز!! در خاتمه چون تألیف و تکمیل این کتاب در دوران تشرف این حقیر به ارض اقدس رضوی، علیه آلاف التَّحِيَّةِ وَالرَّثَاءِ، بوده است لذا به مقتضای ادب و شکر این نعمت، با

نهایت ادب و اظهار عجز و انکسار، با تمسک به قرآن مجید عرض می‌کنم: يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ
 مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضَّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي
 الْمُتَصَدِّقِينَ^۱.

ای سلطان عالم وجود و ای امام مهربان! این هدیه را از غلام روسیاه خویش بپذیر.
 آری، به احترام حضرت زهراى مرضیه علیها السلام و به جان گرامی جواد الائمه علیهم السلام، شما را
 قسم می‌دهم که بپذیرید که عَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ وَسَجِيَّتُكُمْ الْكِرَامُ^۲.

مشهد مقدس - خرداد ماه ۱۳۶۷ ش.

محمد خادمی شیرازی

۱. سورة يوسف (۱۲)، آیه ۸۸.

۲. زیارت جامعه کبیره: عادت شما نیکی کردن و مرام نیکوی شما کرامت ورزیدن است. (ن).

فصل اوّل

بیانات

حضرت بقیة الله

ارواحنا له الفداء

لحظاتی پیش از تولّد تا آغاز غیبت صغری

سخن گفتن حضرت بقیة الله (روحی له الفداء) در رَحِمِ مادر

قَالَتْ حَكِيمَةٌ فَلَمَّ أَزَلْ أَرْقُبَهَا إِلَى وَقْتِ طُلُوعِ الْفَجْرِ وَهِيَ نَائِمَةٌ بَيْنَ يَدَيَّ
لَا تَقْلِبُ جَنْبًا إِلَى جَنْبٍ حَتَّى إِذَا كَانَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ وَقْتِ طُلُوعِ الْفَجْرِ
وَوَبَّتْ فَرْعَةً فَضَمَّنْتُهَا إِلَى صَدْرِي وَسَمَّيْتُ عَلَيْهَا، فَصَاحَ أَبُو مُحَمَّدٍ عليه السلام
وَقَالَ: إِفْرَنْتِي عَلَيْهَا «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» فَأَقْبَلْتُ أَقْرَأَ عَلَيْهَا وَقُلْتُ
لَهَا: مَا حَالِكِ؟ قَالَتْ: ظَهَرَ الْأَمْرُ الَّذِي أَخْبَرَكَ بِهِ مَوْلَايَ. فَأَقْبَلْتُ أَقْرَأَ
عَلَيْهَا كَمَا أَمَرْتَنِي فَأَجَابَتِي الْجَنِينُ مِنْ بَطْنِهَا يَقْرَأُ كَمَا أَقْرَأُ وَ سَلَّمَ عَلَيَّ.^۱

حکیمه خاتون می‌گوید: طبق دستور امام حسن عسکری علیه السلام در شب نیمه شعبان همواره مراقب نرجس خاتون بودم. وی در خواب بود و همه چیز به آرامی می‌گذشت و چون نزدیک طلوع فجر شد، ناگهان [به سبب دردی شدید] با ناله از جای برخاست. ایشان را به سینه چسبانده و نام خداوند (بسم الله الرحمن الرحيم) را بر او خواندم. در این هنگام امام عسکری عليه السلام ندا در دادند که «سوره قدر بر او بخوان». و من شروع به خواندن آن سوره کردم و شنیدم بچه‌ای که در رحم نرجس است به من جواب می‌دهد و همراه با من سوره را تلاوت می‌کند، و به من سلام کرد.

سخنان حضرت بقیة الله (روحی له الفداء) پس از ولادت

قَالَتْ حَكِيمَةٌ وَإِذَا أَنَا بِالْضَّبِيِّ ﷺ سَاجِدًا عَلَيَّ وَجْهَهُ جَائِيًا عَلَيَّ رُكْبَتَيْهِ
رَافِعًا سَبَابَتَيْهِ نَحْوَ السَّمَاءِ وَهُوَ يَقُولُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا
شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنَّ أَبِي
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، ثُمَّ عَدَّ إِمَامًا إِمَامًا إِلَى أَنْ بَلَغَ إِلَى نَفْسِهِ فَقَالَ عَلَيْهِ
السَّلَامُ: اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي وَآتِنِي لِي أَمْرِي وَتَبِّثْ وَطْأَتِي وَأَمْلَأْ
الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَقِسْطًا.^۱

حکیمه خاتون عمه گرامی امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید: وارد اطاق مخصوص
نرجس خاتون شدم، نوزادی علیه السلام را در حال سجده دیدم در حالی که دو زانو روی به قبله
نشسته و دستهای مبارکش را به سوی آسمان بلند کرده بود، نخست به یگانگی خداوند
متعال و نبوت جدش خاتم انبیاء و امامت پدر مکرمش علی مرتضی امیرالمؤمنین و
ائمه پس از آن حضرت یکی پس از دیگری شهادت داد و آنگاه برای خودش این گونه
دعا فرمود: خداوند! به وعده‌ای که به من داده‌ای، وفا کن و امر قیام مرا تمام فرما.
قدمهایم را ثابت بدار و در سایه قیام من، جهان را پر از عدل و داد کن.

مصلح جهان (ارواحنا له الفداء) در ساعات اولیة ولادت

عَنْ نَسِيمٍ وَ مَارِيَةَ أَنَّهُ لَمَّا سَقَطَ صَاحِبُ الرِّمَانِ عَلَيْهِ مِنَ بَطْنِ أُمِّهِ سَقَطَ
جَائِئاً عَلَى رُكْبَتَيْهِ رَافِعاً سَبَابَتَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ عَطَسَ فَقَالَ أَلْحَدُّ لِلَّهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ: زَعَمَتِ الظُّلْمَةُ أَنَّ حُجَّةَ اللَّهِ
دَاحِضَةٌ وَلَوْ أُذِنَ لَنَا فِي الْكَلَامِ لَزَالَ الشُّكُّ.^۱

به طوری که نسیم و ماریه نقل می‌کنند وجود مقدس حضرت مهدی، عجل الله فرجه الشریف، بلافاصله پس از تولد از مادر، دو زانو رو به قبله نشسته، در حالی که انگشتان سبابه را به جانب آسمان بلند کرده بودند عطسه‌ای کرده، فرمودند: ستایش و حمد مخصوص ذات پاک خداوند است. و پس از درود بر جدش حضرت خاتم انبیاء و دودمان گرامی ایشان فرمودند: ستمگران پنداشتند که حجت خدا از بین رفته است، در حالی که اگر به ما اجازه سخن گفتن داده می‌شد [از طرف خداوند متعال] هر آینه تمام شکها را از بین می‌بردیم.

● همان گونه که خوانندگان گرامی ملاحظه می‌فرمایند سخن گفتن نوزاد در ابتدای تولد و ستایش خداوند متعال، معرفی فرستاده او و خاندان مقدس خاتم پیامبران و

اعلام نابودی ستمگران و محو پندارهای باطل آنان با هیچ یک از قوانین مادی و طبیعی تطبیق ندارد و همگی از خوارق عادت است.

الهی، این است معنای خلیفه و جانشین خداوند در روی زمین و داشتن ولایت مطلقه الهی بدیهی است که این امر در صورت اراده حضرت حق هیچ گونه استبعادی ندارد و به نص صریح قرآن در مورد حضرت عیسیٰ علی نبینا و آله و علیه السلام نیز اتفاق افتاده است که پس از تولد فرمود: «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا وَ جَعَلَنِي مُبَارَكًا...»^۱

۱. سوره مریم (۱۹)، آیه ۳۰: منم بنده خدا که به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است. (ن).

تکلم امام زمان (عجل الله فرجه) هنگام ولادت

عَنْ غِيَاثِ بْنِ أَسَدٍ، قَالَ سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُمَانَ الْعُمَرِيَّ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ يَقُولُ: لَمَّا وُلِدَ الْخَلْفُ الْمَهْدِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ سَطَعَ نُورٌ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ وَهُوَ يَقُولُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ».^{۲۱}

از غیاث بن اسد روایت شده که از جناب محمد بن عثمان عمری [که یکی از نواب اربعه امام زمان علیه السلام بوده است] شنیدم که می فرمود: هنگامی که حجت منتظر متولد شدند، نوری از بالای سرشان ساطع گردید و حضرت عرضه می داشتند: خداوندا! به یگانگی تو اعتراف می کنم و گواهی می دهم که ملائکه آسمان و صاحبان علم به عدل و داد قیام می کنند، و نیست خدایی جز او که حکیم و مقتدر است. خداوندا! تنها دینی که نزد تو اعتبار و رسمیت دارد، فقط اسلام است.

سخنان امام عصر (علیه السلام) در لحظات اولیه زندگی این جهان

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَتَنَى بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَةِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ حَتَّى وَقَفَ عَلَيَّ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِي فِي زَعْوَنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَخْذَرُونَ».^{۲۱}

وجود مقدس امام زمان سلام الله عليه در این عبارت کوتاه با شهادت به یگانگی خداوند متعال و نبوت خاتم انبیاء و امامت علی بن ابی طالب و فرزندان عزیزش، بشارت تشکیل حکومت حقه الهیه به وسیله بندگان صالح خدای تبارک و تعالی را می‌دهند و اینکه سرانجام، بندگان خاص خداوند بر فراغه و جباران غالب خواهند شد و دشمنان خداوند به هر مرحله‌ای از قدرت که برسند (فرعونیت و امثال آن) سرانجام از میان خواهند رفت.

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۴.

۲. سوره قصص (۲۸)، ایه ۶-۵: و خواسته کسانی که فرودست شده بودند، منت نهاده و آنان را پیشوایان [مردم] قرار دهیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم؛* و در زمین قدرتشان داده و به فرعون و هامان و لشکریانشان آنچه را از آن بیمناک بودند، نشان دهیم. (ن).

سخن گفتن حضرت بقیة الله (روحی له الفداء) در ساعات اولیة ولادت

فَسْتَوَىٰ وَلِيُّ اللَّهِ جَالِسًا فَمَسَحَ يَدَهُ عَلَىٰ رَأْسِهِ وَقَالَ لَهُ يَا بَنِيَّ انْطِقْ
بِقُدْرَةِ اللَّهِ فَاسْتَعَاذَ وَلِيُّ اللَّهِ ﷺ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَاسْتَفْتَحَ:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّخِئِنِ الرَّحِيمِ وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي
الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنُكِنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ
نُرِي فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمَ مَا كَانُوا يَخْذَرُونَ»^١ وَصَلَّى عَن
رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَاحِدًا وَاحِدًا.^٢

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

الْمُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ الْمَذْكُورُونَ فِي الْكِتَابِ «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى
الَّذِينَ... الخ» الَّذِينَ يَجْعَلُهُمُ اللَّهُ أئِمَّةً نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ، يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ
فَيُعْرِضُهُمْ وَيَذُلُّ أَعْدَاءَهُمْ.^٣

حضرتش سر از سجده برداشت. امام حسن عسکری علیه السلام دست مبارکش را بر سر

فرزند عزیزشان کشیدند و فرمودند: «فرزندم! به قدرت الهی سخن بگو».

آنگاه امام عصر علیه السلام پس از استعاذه از شیطان رجیم، با نام خداوند متعال آغاز به

٢. بحار الانوار، ج ٥١، ص ١٧.

١. سورة فصص (٢٨)، آیه ٥٦.

٣. همان، ص ١٨.

سخن فرموده، آیه شریفه‌ای را که دربارهٔ حکومت عدل‌پرور جهانی آن حضرت است و بشارت می‌دهد که سلطنت و حکومت روی زمین از آن بندگان ویژهٔ خداوند است، تلاوت فرموده، سپس بر رسول خدا و امیرالمؤمنین و ائمهٔ معصومین علیهم السّلام یکی پس از دیگری درود و صلوات فرستادند.

امام امیرالمؤمنین علیه السلام در معنی آیهٔ شریفهٔ «وَتُرِيدُ...» فرمودند: دربارهٔ اهل بیت است که مهدی ایشان قیام می‌کند و دشمنان آنان را ذلیل می‌سازد و بر قامت دوستانشان لباس عزّت می‌پوشاند.

سخن گفتن حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) در ساعات اولیه ولادت

قال إبراهيم بن محمد بن محمد وحدثني نسيم خادم أبي محمد (عليه السلام) قال: قال لي صاحب الزمان (عليه السلام) وقد دخلت عليه بعد مولده ليلة فعطست عنده فقال لي يرحمك الله. قالت نسيم ففرخت بذلك فقال لي (عليه السلام): ألا أبشرك في العطاس؟ فقلت: بلى! قال: هو أمان من الموت ثلاثة أيام.

نسیم خدمتکار حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) می گوید: یک شب پس از ولادت حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) بر آن حضرت وارد شدم و هنگامی که در خدمت ایشان بودم عطسه ای نمودم. بلافاصله حضرت فرمودند: «یرحمک الله» (خداوند تو را رحمت فرماید) و من از این موضوع خوشحال و شاد شدم. سپس حضرت فرمودند: آیا می خواهی از خاصیت و اهمیتی که در عطسه است تو را بشارت دهم؟ عرض کردم: بفرمایید. فرمودند: عطسه تا سه روز امان از مرگ است. یعنی عطسه کننده حتماً تا سه روز زنده است.

● البته علت خوشحالی نسیم خدمتکار حضرت از سخن گفتن نوزاد یک روزه، آن هم در ارتباط با یک مسأله اخلاقی و دستور مستحب و احترام به مؤمن، بر خوانندگان گرامی پوشیده نیست.

سخنان امام عصر (روحی له الفداء)

در خدمت پدر بزرگوارشان

خطاب به احمد بن اسحق و سعد بن عبدالله اشعری قمی

سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمِيُّ الْأَشْعَرِيُّ، قَالَ بَلِيثٌ بِأَشَدِّ التَّوَابِصِ مُنَارَعَةً فَقَالَ لِي يَوْمًا بَعْدَ مَا نَاطَرْتُهُ:

تَبَّأَ لَكَ وَلِأَصْحَابِكَ، أَنْتُمْ مَعَاشِرَ الرِّوَافِصِ تَقْصِدُونَ الْمُهَاجِرِينَ وَ
الْأَنْصَارَ بِالطَّغْنِ عَلَيْهِمْ وَبِالْجُودِ لِمَحَبَّةِ النَّبِيِّ لَهُمْ، فَالصِّدِيقُ هُوَ فَوْقَ
الصَّحَابَةِ بِسَبَبِ سَبْقِ الْإِسْلَامِ. أَلَا تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
آلِهِ إِنَّمَا ذَهَبَ بِهِ لَيْلَةَ الْغَارِ لِأَنَّهُ خَافَ عَلَيْهِ كَمَا خَافَ عَلَى نَفْسِهِ وَ لِمَا
عَلِمَ أَنَّهُ يَكُونُ الْخَلِيفَةَ فِي أُمَّتِهِ وَ أَرَادَ أَنْ يَضُونَ نَفْسَهُ كَمَا يَضُونَ عَلَيْهِ
السَّلَامُ خَاصَّةً نَفْسِهِ كَيْ لَا يَخْتَلَّ حَالُ الدِّينِ مِنْ بَعْدِهِ وَ يَكُونَ الْإِسْلَامُ
مُنْتَضِمًا وَقَدْ أَقَامَ عَلِيًّا عَلَى فِرَاشِهِ لِمَا كَانَ فِي عِلْمِهِ مَقَامَهُ لِأَجْرَمَ لَمْ
يُبَالِ مِنْ قَتْلِهِ.

قَالَ سَعْدُ إِنِّي قُلْتُ عَلَى ذَلِكَ أَجْوِبَةٌ لِكَيْتَهَا غَيْرُ مُسْكِنَةٍ.

ثُمَّ قَالَ مَعَاشِرَ الرِّوَافِصِ تَقُولُونَ إِنَّ «الْأَوَّلَ وَالْآخِرَ» كَانَا
يُنَافِقَانِ، وَتَسْتَدِلُّونَ عَلَى ذَلِكَ بِلَيْلَةِ الْعَقَبَةِ. ثُمَّ قَالَ لِي: أَخْبِرْنِي عَنِ
إِسْلَامِهِمَا، كَانَ مِنْ طَوْعٍ وَرَغْبَةٍ أَوْ كَانَ مِنْ إِكْرَاهٍ وَاجْبَارٍ؟

سعد بن عبدالله قمی اشعری گوید: روزی مرا با یکی از نواصب (لعنة الله عليه)^۱ و دشمنان سرسخت حضرت امیرالمؤمنین سلام الله عليه اتفاق صحبت و مناظره افتاد تا بحث ما به جایی رسید که به من گفت: مرگ بر تو و اصحاب تو! شما رافضیها (شیعیان) مهاجران را نکوهش می‌کنید و محبت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را نسبت به آنها انکار می‌کنید و حال آنکه ابوبکر به جهت سبقت در اسلام و افتخار همراهی با آن حضرت در غار، از همه دیگر اصحاب آن حضرت برتر است و پیامبر بزرگ همان گونه که بر جان خود می‌ترسید در مورد او هم نگران بود، زیرا می‌دانست که ابوبکر پس از او خلیفه امت اسلامی خواهد شد و اگر زنده باشد امر اسلام منظم و در صورتی که کشته شود امر اسلام مختل خواهد شد؛ در حالی که همان شب علی [علیه السلام] را در رختخواب خود خواباند، زیرا می‌دانست اگر علی [علیه السلام] کشته شود امر اسلام مختل نمی‌شود و در میان صحابه کسانی که جانشین او باشند، هستند.

سعد بن عبدالله می‌گوید: البته به او جوابهایی دادم، ولی ساکت نشد.

سپس آن مرد ناصبی به من گفت: شما رافضیها (شیعیان) می‌گویید اولی و دومی (ابوبکر و عمر) منافق‌اند و در این مورد به ماجرای شب «عقبه» استدلال می‌کنید. آیا به نظر شما اسلام آن دو نفر از روی رضا و رغبت بوده یا با اکراه و اجبار ایمان آورده‌اند؟

۱. نواصب به آن دسته از اهل سنت گفته می‌شود که با اهل بیت علیهم السلام اظهار عداوت و دشمنی کرده و از اسائه ادب در آستان ایشان کوتاهی نمی‌ورزند که البته اگر قریب به اتفاق اهل سنت چنین مرامی ندارند و با اینان دشمنند چرا که همانند شیعیان اهل بیت علیهم السلام را به واسطه اینکه خاندان رسول اکرم ﷺ می‌باشند، لازم الاحترام می‌دانند و عمده بحث میان شیعه و سنی بر سر خلافت و جانشینی پیامبر ﷺ می‌باشد. (ن.)

فَاخْتَرْتُ عَنْ جَوَابِ ذَلِكَ وَقُلْتُ مَعَ نَفْسِي إِنْ كُنْتُ أَحْبَبْتُهُ بِأَنَّهُ كَانَ عَنْ طَوَّعٍ فَيَقُولُ لَا يَكُونُ عَلَى هَذَا الْوَجْهِ إِيمَانُهُمَا عَنْ نِفَاقٍ وَإِنْ قُلْتُ كَانَ عَنْ إِكْرَاهٍ وَإِجْبَارٍ، لَمْ يَكُنْ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ لِلْإِسْلَامِ قُوَّةٌ حَتَّى يَكُونَ إِسْلَامُهُمَا بِإِكْرَاهٍ وَقَهْرٍ.

فَرَجَعْتُ عَنْ هَذَا الْخَضَمِ عَلَى حَالٍ يَنْقَطِعُ كِبْدِي فَأَخَذْتُ طُومَاراً وَكَتَبْتُ بِضِعْماً وَأَرْبَعِينَ مَسْئَلَةً مِنَ الْمَسَائِلِ الْغَامِضَةِ الَّتِي لَمْ يَكُنْ عِنْدِي جَوَابُهَا فَقُلْتُ أَذْفَعُهَا إِلَى صَاحِبِ مَوْلَايَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ الَّذِي كَانَ فِي قُمْ - أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ - فَلَمَّا طَلَبْتُهُ كَانَ هُوَ قَدْ ذَهَبَ فَمَشَيْتُ عَلَى آثَرِهِ فَأَذْرَكْتُهُ وَقُلْتُ الْحَالَ مَعَهُ فَقَالَ لِي: جِيءَ مَعِيَ إِلَى سَوْمَنْ رَأَى حَتَّى نَسَأَلَ عَنْ هَذِهِ الْمَسَائِلِ مَوْلَانَا الْحَسَنَ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ. فَذَهَبْتُ مَعَهُ إِلَى سَوْمَنْ رَأَى ثُمَّ جِئْنَا إِلَى بَابِ دَارِ مَوْلَانَا عَلَيْهِمَا السَّلَامَ. فَاسْتَأْذَنَّا عَلَيْهِ فَأَذِنَ لَنَا فَدَخَلْنَا الدَّارَ وَكَانَ مَعَ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ جِرَابٌ قَدْ سَتَرَهُ بِكِسَاءٍ طَبْرِيٍّ وَكَانَ فِيهِ مِائَةٌ وَسِتُّونَ ضُرَّةً مِنَ الذَّهَبِ وَالْوَرَقِ، عَلَى كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا خَاتَمٌ صَاحِبِهَا الَّذِي ذَفَعَهَا إِلَيْهِ.

وَلَمَّا دَخَلْنَا وَقَعَ أَغْيُنُنَا عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ كَانَ وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ وَقَدْ رَأَيْنَا عَلَى فَخْدِهِ عُلْماً يُشَبِّهُهُ الْمُشْتَرَى فِي الْحُسْنِ وَالْجَمَالِ، وَكَانَ عَلَى رَأْسِهِ ذُوَابَتَانِ وَكَانَ بَيْنَ يَدَيْهِ رُومَانٌ مِنَ الذَّهَبِ قَدْ حُلِيَ بِالْفُضُوصِ وَالْجَوَاهِرِ الثَّمِينَةِ قَدْ أَهْدَاهُ وَاحِدٌ مِنْ رُومَانِ الْبَصْرَةِ وَكَانَ فِي يَدِهِ قَلَمٌ يَكْتُبُ بِهِ شَيْئاً عَلَى قِرْطَاسٍ فَكَلَّمَا أَرَادَ أَنْ يَكْتُبَ شَيْئاً أَخَذَ الْعُلَامُ يَدَهُ فَأَلْقَى الرُّومَانِ حَتَّى يَذْهَبَ الْعُلَامُ إِلَيْهِ وَيَجِيءَ بِهِ فَلَمَّا تَرَكَ يَدَهُ يَكْتُبُ مَا شَاءَ.

سعد بن عبدالله اضافه می‌کند که از پاسخ بدین سؤال احتراز کرده، با خود گفتم اگر بگویم آن دو با رضا و رغبت ایمان آوردند، خواهد گفت پس نمی‌توان آنها را منافق دانست و اگر بگویم در نتیجه ترس و اجبار دین مقدس اسلام را پذیرفته‌اند می‌گوید در آن زمان اسلام چنین قدرتی که کسی به اکراه و اجبار به آن ایمان بیاورد نداشت.

به هر صورت، در حالی که نزدیک بود، قلبم از حرکت باز ایستد از وی فاصله گرفتم و متعاقباً طی نامه‌ای تعداد چهل و چند مسأله را که جوابی برای آنها نداشتم و بر من مشکل شده بود، نوشته، با خود گفتم از جناب احمد بن اسحق نماینده حضرت عسکری علیه السلام سؤال خواهم کرد، و پس از اینکه برای ملاقات با ایشان رفتم معلوم شد که به سوی سامراء حرکت کرده‌اند. من نیز به راه افتادم و در بین راه ایشان را دیده، ماجرا را با وی در میان گذاشتم. فرمودند: با من به سرّ من رأی (سامرا) بیا تا این مسائل را از مولایمان حضرت عسکری علیه السلام بپرسیم. من نیز همراه ایشان به سرّ من رأی رفتم و چون بدانجا رسیدیم به خانه حضرت عسکری علیه السلام رفتم و پس از کسب اجازه توفیق شرفیابی دست داد.

احمد بن اسحق با خود ظرفی (خورجین و مانند آن) داشت که در آن یکصد و شصت بدره طلا بود و به کسانی تعلق داشت که به ایشان داده بودند تا به امام حسن عسکری علیه السلام برساند و بر سر هر یک مهر صاحب پول منقوش بود.

هنگامی که وارد منزل حضرت امام حسن عسکری علیه السلام شدیم، جمال مبارک آن حضرت را که چون ماه شب چهارده می‌درخشید و پسر کوچکی که در حُسن و جمال همانند ستاره مشتری و روی زانوی حضرتش نشسته بود، زیارت کردیم. بر سر مبارک آن حضرت و در جلوی ایشان یک گوی طلایی که به جواهرات قیمتی آراسته و یکی از بزرگان بصره به آن حضرت هدیه کرده بود، قرار داشت. حضرت امام حسن عسکری علیه السلام قلمی در دست مبارکشان بود و بر روی کاغذ چیزی می‌نوشتند و گاهی که اراده می‌فرمودند مطلبی را بنویسند و فرزند عزیزشان قلم را از دست پدر بزرگوار می‌گرفتند، امام علیه السلام آن گوی را به طرفی می‌انداختند و چون وجود عزیز حضرت مهدی، روحی له الفداء برای بازگرداندن آن گوی تشریف می‌بردند، پدر عالیقدرشان از فرصت استفاده فرموده، آنچه که می‌خواستند، می‌نوشتند.

ثُمَّ فَتَحَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَقَ الْكِسَاءَ وَوَضَعَ الْجِرَابَ بَيْنَ يَدَيِ الْعَسْكَرِيِّ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَنَظَرَ الْعَسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْغُلامِ فَقَالَ فَضَّ الْخَائِثَمَ عَنْ هَدَايَا
 شَيْعَتِكَ وَمَوَالِيكَ. فَقَالَ: يَا مَوْلَايَ، أَيْجُوزُ أَنْ أَمُدَّ يَدًا طَاهِرَةً إِلَى هَدَايَا
 نَجَسَةٍ وَأَمْوَالٍ رَجَسَةٍ؟ ثُمَّ قَالَ يَا بْنَ إِسْحَقَ أَخْرِجْ مَا فِي الْجِرَابِ لِيَمِيزَ
 بَيْنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ ثُمَّ أَخْرَجَ صُرَّةً فَقَالَ الْغُلامُ هَذَا «لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ»
 مِنْ مَحَلَّةٍ كَذَا بِقَمِّ مُشْتَمَلٍ عَلَى اثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ دِينَاراً فِيهَا مِنْ تَمَنِ حُجْرَةٍ
 بِاعِهَا وَكَانَتْ إِزْثًا عَنْ أَبِيهِ خَمْسَةٌ وَأَرْبَعُونَ دِينَاراً وَمِنْ أَثْمَانِ سَبْعَةِ
 أَوْبٍ أَرْبَعَةَ عَشَرَ دِينَاراً وَفِيهِ مِنْ اجْرَةِ الْحَوَانِيتِ ثَلَاثَةُ دَنَانِيرٍ.
 فَقَالَ مَوْلَانَا عَلَيْهِ السَّلَامُ صَدَقْتَ يَا بَنِي، دُلَّ الرَّجُلَ عَلَى الْحَرَامِ مِنْهَا.

فَقَالَ الْغُلامُ فِي هَذِهِ الْعَيْنِ دِينَارٌ بِسَكَّةِ الرَّبِّيِّ تَارِيخُهُ فِي سَنَةِ (كَذَا) قَدْ
 ذَهَبَ نَصْفٌ نَقَشِهِ عَنْهُ وَثَلَاثَةُ أَقْطَاعٍ قَرَاضَةٍ بِالْوِزْنِ (دَانِقٍ وَنَصْفٍ) فِي
 هَذِهِ الصُّرَّةِ الْحَرَامِ هَذَا الْقَدْرُ، فَإِنَّ صَاحِبَ هَذِهِ الصُّرَّةِ فِي سَنَةِ كَذَا فِي
 شَهْرِ كَذَا كَانَ لَهُ عِنْدَ نَسَاجٍ وَهُوَ مِنْ جَمَلَةِ جِيرَانِهِ مَنْ وَرُبِعُ فَاتَى عَلَى
 ذَلِكَ زَمَانٍ كَثِيرٍ فَسَرَقَهُ سَارِقٌ مِنْ عِنْدِهِ فَاخْبَرَهُ النَّسَاجُ بِذَلِكَ فَمَا
 صَدَّقَهُ وَأَخَذَ الْعَرَامَةَ بِعَزْلِ أَدَقِّ مِنْهُ مَبْلَغٍ مَنْ وَنِصْفٍ ثُمَّ امْرَحَى نُسَيْحَ
 مِنْهُ ثَوْبٌ وَهَذَا الدِّينَارُ وَالْقَرَاضَةُ مِنْ تَمَنِ ثُمَّ حَلَّ عِقْدَهَا فَوَجَدَ الدِّينَارَ
 وَالْقَرَاضَةَ كَمَا أَخْبَرَ.

سپس احمد بن اسحق سرپوش را عقب زده، کیسه‌ها را خدمت حضرت عسکری علیه السلام نهاد. آن حضرت به فرزند دلبندشان فرمودند: عزیزم! از هدایای شیعیانیت مَهر بردار و آنها را باز کن. حضرت مهدی علیه السلام [خطاب به پدر بزرگوارشان] فرمودند: ای مولای من! آیا درست است که دست پاک [ولی خدا] به سوی اموال ناپاک و غیر حلال دراز شود؟ آنگاه فرمودند: ای احمد بن اسحق! آنچه در این ظرف است بیرون بیاور تا اینکه حلال و حرام را از یکدیگر جدا کنند. سپس احمد بن اسحق کیسه‌ای را بیرون آورد. امام مهدی، روحی له الفداء، فرمودند: این کیسه مربوط به فلان شخص از فلان محله قم بوده و هفتاد و دو دینار در آن است. چهل و پنج دینار آن مربوط به فروش خانه است که از ارث پدر به او رسیده و چهارده دینار آن از فروش هفت دست لباس و سه دینار آن از کرایه دکانها است.

در این هنگام حضرت عسکری علیه السلام فرمودند: راست می‌گویی فرزندم! این مرد را به آنچه در این مال، حرام است راهنمایی فرما. حضرت مهدی، روحی له الفداء، فرمودند: در این مال، دیناری هست که در ری ضرب شده و نیمی از آن نقش از بین رفته است و سه قطعه دیگر در این کیسه وجود دارد که حرام است، زیرا صاحب آن در فلان سال و فلان ماه در نزد نساج (بافنده) ای امانتی داشت و آن شخص در همسایگی او زندگی می‌کرد. مدتی مدید گذشت و در نتیجه اینکه دزدی دستبرد زد آن امانت ربه شده و با اینکه آن شخص به صاحب امانت اطلاع داد که امانتش ربه شده است او باور نکرد و بیش از ارزش آن امانت از او غرامت گرفت و از همان جنس پیراهنی دوخت و این پول از بهای آن پیراهن است. کیسه را چون گشودند عیناً همان طور بود که حضرت بقیة الله روحی له الفداء فرموده بودند.

ثُمَّ أَخْرَجَتْ صُرَّةً أُخْرَى، فَقَالَ الْغُلَامُ هَذَا لِغُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مِنَ الْمُحَلَّةِ
الْفَلَانِيَّةِ بِقَمٍّ وَالْعَيْنُ فِيهَا خَمْسُونَ دِينَاراً وَلَا يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نُذْنِبَ أَيْدِيَنَا
إِلَيْهَا.

قال: لم؟

فقال: مِنْ أَجْلِ أَنْ هَذِهِ الدَّانِيِرَ ثَمَنُ الْحِنْطَةِ وَكَانَتْ هَذِهِ الْحِنْطَةُ بَيْنَهُ وَ
بَيْنَ حُرَاتِهِ لَهُ، فَأَخَذَ نَصِيْبَهُ بِكَيْلٍ كَامِلٍ وَاعْطَى نَصِيْبَهُ بِكَيْلٍ نَاقِصٍ.
فقال مَوْلَانَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام: صَدَقْتَ يَا بَنِيَّ.

قال يَابْنَ إِسْحَقَ، احْمِلْ هَذِهِ الصُّرَّةَ وَبَلِّغْ أَصْحَابَهَا وَأَوْصِ بِتَبْلِيغِهَا إِلَى
أَصْحَابِهَا فَإِنَّهُ لَأُحَاجَّةٌ بِنَائِلِهَا، ثُمَّ قَالَ جِيءَ إِلَى بَنُوِّكَ الْعَجُوزِ
فقال أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَقَ كَانَ ذَلِكَ فِي حَقِيْبَةِ فَنَسِيْتُهُ ثُمَّ مَشَى أَحْمَدُ بْنُ
إِسْحاقَ لِيَجِيءَ بِذَلِكَ إِلَى مَوْلِينَا أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام.

وقال: ما جاء بك يا سعد؟ فقلتُ شوَقْنِي أَحْمَدُ بْنُ إِسْحاقَ إِلَى لِقَاءِ مَوْلَانَا
قال: المسائلُ التي أَرَدْتُ أَنْ تَسْأَلَ عَنْهَا؟

قلت: على حالها يا مولاي.

قال: فَسَأَلْتُ قَرَّةَ عَيْنِي - وَأَوْمِيءَ إِلَى الْغُلَامِ - مِمَّا بَدَأَكَ.

فقلت: يا مَوْلِينَا وَابْنَ مَوْلِينَا، رَوَى لَنَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
جَعَلَ طَلاقَ نَسَائِهِ إِلَى امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، حَتَّى أَنَّهُ بَعَثَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ رَسُولاً
إِلَى عَائِشَةَ وَقَالَ إِنَّكَ أَدْخَلْتِ الْهَلَاكَ عَلَى الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ بِالْعَشِّ الَّذِي
حَصَلَ مِنْكَ وَ أَوْرَدْتِ أَوْلَادَكَ فِي مَوْضِعِ الْهَلَاكِ بِالْجَهَالَةِ، فَإِنْ
امْتَنَعْتَ وَإِلَّا طَلَّقْتُكَ.

فَأَخْبَرُونَا يَا مَوْلَايَ عَنْ مَعْنَى الطَّلَاقِ الَّذِي فَوَّضَ حُكْمَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام؟

سپس کیسه دیگری را بیرون آوردند و به محض اینکه چشم مبارک حضرت بقیه الله امام مهدی، روحی له الفداء، به آن کیسه افتاد فرمودند: در این کیسه پنجاه دینار است و شایسته نیست که دست ما به سوی آن دراز شود. احمد بن اسحق عرض کرد: چرا؟ فرمودند: زیرا این پول بهای گندمی است که میان صاحب آن و زارع مشترک بوده و در وقت تقسیم، صاحب گندمها سهم خود را به طور کامل برداشته و سهم زارع را کمتر داده است.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: ای احمد بن اسحق! این کیسه‌ها و ظرفهای پول را ببر و به صاحبانشان تسلیم نما و به آنها توصیه کن که این کیسه‌ها را به صاحبان واقعی‌شان برسانند، زیرا ما نیازی به این گونه پولها نداریم. سپس فرمودند: پیراهن آن پیرزن را بده. احمد بن اسحق می‌گوید: آن پیراهن را در منزل فراموش کرده بودم. و در نتیجه برای آوردن آن راهی منزل شدم.

سعد بن عبدالله ادامه می‌دهد: سپس مولایم حضرت عسکری علیه السلام نگاهی به من افکنده، سؤال فرمودند: برای چه به اینجا آمده‌ای؟ عرض کردم: احمد بن اسحق مرا تشویق کرد تا به زیارت مولایم نایل شوم. فرمودند: مسائلی را که می‌خواستی سؤال کنی و بدان خاطر به اینجا آمده‌ای چه شد؟ عرض کردم: به همان صورت باقی است. فرمودند: از نور چشم [حضرت مهدی علیه السلام] بپرس. آنگاه عرض کردم: ای مولا و پسر مولای من! به طوری که برای ما روایت شده است، جد شما حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله موضوع طلاق زنان خویش را به امیرالمؤمنین علیه السلام و اگذار نمودند و در جنگ جمل امیرالمؤمنین علیه السلام طی پیامی به عایشه فرمودند: در نتیجه خطایی که مرتکب شده‌ای، امت اسلامی و اهلس را به هلاکت و فرزندان اسلام را به وادی جهالت و نادانی کشیده‌ای و اگر از این عمل دست برداری تو را طلاق میدهم. بفرمایید معنی طلاقی که پیامبر بزرگ ما به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تفویض فرمودند، چیست؟

فقال: إِنَّ اللَّهَ تَقَدَّسَ اسْمُهُ عَظَّمَ شَأْنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَخَصَّهِنَّ بِشَرَفِ الْأُمَّهَاتِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا ابْنَ حَسَنِ إِنَّ هَذَا شَرَفٌ بَاقٍ مَا دُمْنِ لِلَّهِ عَلَى طَاعَةٍ فَأَيَّتَهُنَّ عَصَبَ اللَّهُ بَعْدَى بِالْخُرُوجِ عَلَيْكَ فَطَلَّقَهَا مِنْ الْأَزْوَاجِ وَأَسْقَطَهَا مِنْ شَرَفِ أُمَّيَةِ الْمُؤْمِنِينَ.

ثم قلت: أَخْبِرْنِي عَنِ الْفَاحِشَةِ الْمُيْتَبَةِ الَّتِي إِذَا فَعَلَتِ الْمَرْأَةُ ذَلِكَ يَجُوزُ لِبَعْلِهَا أَنْ يُخْرِجَهَا مِنْ بَيْتِهِ فِي أَيَّامِ عَدَّتِهَا؟

فقال ﷺ: تِلْكَ الْفَاحِشَةُ الشُّعْقُ وَكَيْسَتْ بِالزَّنَا، لِأَنَّهَا إِذَا زَنَتْ يُقَامُ عَلَيْهَا لِأَجْلِ الْحَدِّ الَّذِي أُقِيمَ عَلَيْهَا وَأَمَّا إِذَا سَاحَقَتْ، فَيَجِبُ عَلَيْهَا الرَّجْمُ وَالرَّجْمُ هُوَ الْخَزْيُ وَمَنْ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِرَجْمِهَا فَقَدْ أَخْرَاهَا، لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَقْرِبَهَا.

ثم قلت: أَخْبِرْنِي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى لِنَبِيِّهِ مُوسَى «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ أَنْتَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى»^١ فَانْ فَتَقَاهَا الْفَرِيقَيْنِ يَزْعُمُونَ أَنَّهَا كَانَتْ مِنْ إِهَابِ الْمَيْتَةِ.

فقال ﷺ: مَنْ قَالَ ذَلِكَ افْتَرَى عَلَى مُوسَى وَاسْتَجْهَلَهُ فِي نَبْوَتِهِ، لِأَنَّهُ مَا خَلَا الْأَمْرُ فِيهَا مِنْ خَطِيئَةٍ، إِذَا كَانَ صَلَاةَ مُوسَى فِيهَا جَائِزَةً أَوْ غَيْرَ جَائِزَةً فَإِنْ كَانَتْ صَلَاةَ مُوسَى جَائِزَةً فِيهَا فَجَازَ لِمُوسَى أَنْ يَكُونَ لِأَيْسَرِهَا فِي تِلْكَ الْبِقْعَةِ وَإِنْ كَانَتْ مُقَدَّسَةً مُطَهَّرَةً وَإِنْ كَانَتْ صَلَوَتُهُ غَيْرَ جَائِزَةٍ فِيهَا فَقَدْ أَوْجَبَ أَنْ مُوسَى لَمْ يَعْرِفِ الْحَلَالَ وَالْأَحْرَامَ وَلَمْ يَعْلَمْ مَا جَازَتْ الصَّلَاةُ فِيهِ كَمَا لَمْ يَجُزْ وَهَذَا كُفْرٌ.

امام عصر روحی له الفداء در پاسخ سعدبن عبدالله فرمودند: خداوند بزرگ، مقام رسول اکرم صلی الله علیه وآله را بسیار والا و معظمّ قرار داده و به منظور حفظ کیان و شخصیت آن سرور، مقام همسران آن حضرت را گرامی داشته و آنها را به مقام «امّهات المؤمنین» مفتخر ساخته است. رسول معظمّ اسلام به امیرالمؤمنین فرمودند: یا علی! این شرف و افتخار برای همسران من تا وقتی باقی است که آنان بندگی خداوند را ترک نکرده، به مخالفت با شما برنخیزند و در غیر این صورت شما آنها را طلاق بده و از مقام «امّهات المؤمنین» خارج کن و این شرف و افتخار را از آنان بگیر.

سعدبن عبدالله می‌گوید: عرض کردم «فاحشه مبینه» چیست که اگر زن مرتکب آن گردد شوهرش در ایام عدّه [طلاق] می‌تواند او را از خانه‌اش بیرون کند؟

حضرت مهدی، علیه السلام فرمودند: این «فاحشه» زنا نیست و «مساحقه» است، زیرا اگر زنی زنا کند حدّ شرعی را بر او جاری می‌کنند و اگر کسی بخواهد با او ازدواج کند مانع از اجرای عقد نیست؛ در حالی که حدّ شرعی مساحقه، رجم (سنگباران) است و کسی که خداوند امر فرموده است او را رجم کنند گرفتار خزی (خواری) دنیا و آخرت خواهد بود و کسی نمی‌تواند با او ازدواج کند.

سپس عرض کردم: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه وآله! از فرمایش خداوند متعال به حضرت موسی (فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ...) ما را با خبر کن، زیرا فقهای شیعه و سنی می‌گویند نعلین حضرت موسی از پوست حیوان حرام گوشت (میته) بوده است.

امام عصر، روحی له الفداء، در جوابش فرمودند: کسی که این را بگوید به حضرت موسی افتراء زده و او را در نبوتش [از نظر علم به احکام] جاهل دانسته است زیرا از دو حال خارج نیست: یا نماز خواندن حضرت موسی در آن نعلین جایز است یا خیر. در صورتی که جایز باشد موسی می‌توانست آن کفش را در آن مکان نیز بپوشد اگر چه آن بارگاه پاک و پاکیزه باشد. و اگر نماز خواندن در آن برای حضرت موسی جایز نبود لازم می‌آید که موسی به حلال و حرام آگاهی نداشته باشد و نداند که نماز خواندن در این نعلین جایز نیست - همچنانکه جایز هم نیست - و این کفر است (نسبت دادن جهل به پیامبر و اینکه حلال و حرام الهی را از هم تمیز نمی‌دهد، کفر است).

قُلْتُ: فَاخْبِرْنِي يَا مَوْلَايَ عَنِ التَّأْوِيلِ فِيهَا.

قال عليه السلام: إِنَّ مَوْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ بِالْوَادِي الْمَقْدِسِ؛ فَقَالَ: يَا رَبِّ اأَنْتَى
أَخْلَصْتُ لَكَ الْمَحَبَّةَ مِنِّي وَعَسَلْتُ قَلْبِي عَمَّنْ سِوَاكَ وَكَانَ شَدِيدَ الْحَبِّ
لِأَهْلِهِ، فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ أَيْ ائْرِغْ حُبَّ أَهْلِكَ مِنْ
قَلْبِكَ إِنْ كَانَتْ مَحَبَّتُكَ لِي خَالِصَةً وَقَلْبِكَ مِنَ الْمِيلِ إِلَى مَنْ سِوَايَ
مَغْسُولًا.

فقلت: اخبرني عن تأويل كهيعص.

قال عليه السلام: هَذِهِ الْحُرُوفُ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ أَطَّلَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا عَبْدُهُ زَكَرِيَّا ثُمَّ
قَضَّهَا عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَذَلِكَ أَنَّ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ
سَأَلَ رَبَّهُ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْأَسْمَاءَ الْخَمْسَةَ فَأَهْبِطَ عَلَيْهِ جِبْرَائِيلُ فَعَلَّمَهُ إِيَّاهَا
فَكَانَ زَكَرِيَّا إِذَا ذَكَرَ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ سَرَى عَنْهُ هَمُّهُ
وَأَنْجَلَى كَوْبُهُ وَإِذَا ذَكَرَ اسْمَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَنَقَتْهُ الْعَبْرَةُ وَوَقَعَتْ
عَلَيْهِ الْبَهْرَةُ. فَقَالَ ذَاتَ يَوْمٍ إِلَهِي مَا بَالِي إِذَا ذَكَرْتُ أَرْبَعًا مِنْهُمْ تَسَلَّيْتُ
بِأَسْمَائِهِمْ مِنْ هُمُومِي وَإِذَا ذَكَرْتُ الْحُسَيْنَ عليه السلام تَدَمَّعَ عَيْنِي وَتَشَوَّرُ
زُفْرَتِي فَأَنْبِيَاءُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَنْ قِصَّتِهِ فَقَالَ «كِهَيْعَص.»^١

فَالْكَافُ اسْمٌ «كَرْبَلَاءَ» وَ«أَلْهَاءُ» «هَلَاكَ» وَالْيَاءُ «يَزِيدٌ» وَهُوَ ظَالِمٌ
الْحُسَيْنِ وَالْعَيْنُ «عَطَشُهُ» وَالضَّادُ «صَبْرُهُ» فَلَمَّا سَمِعَ بِذَلِكَ زَكَرِيَّا عليه السلام

عرض کردم: پس مولای من تأویل آیه چیست؟

حضرت بقیة الله، روحی له الفداء، فرمودند: موسی بن عمران که به وادی مقدّس [طوی] آمد عرض کرد: «خداوند! من محبّتم را نسبت به تو خالص کرده (به تو اختصاص داده) و خانه دلم را از غیر تو پاک نموده‌ام.» در حالی که خاندانش را بسیار دوست می‌داشت. لذا خداوند به او فرمود: «فَأَخْلَعُ نَفْلِيكَ» یعنی محبّت و علاقه شدید خانواده‌ات را از دل بیرون کن اگر محبّت تو نسبت به من خالص و از میل به جز من دلت پاک است. (چون جایگاه من است، باید محبّت اهل و عیال خود را از دل بیرون کنی). سپس عرض کردم: از تأویل «کهیعص» مرا مطلع فرمایید.

حضرت امام عصر علیه السلام در جواب فرمودند: این حروف از اخبار غیبیه است که خداوند زکریّا را از آن مطلع نمود؛ سپس داستان را برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله بیان فرمود و خلاصه ماجرا این است که زکریّا از خداوند درخواست نمود که اسامی پنج تن را به او یاد دهد و جبرئیل فرود آمده، اسامی پنجگانه را به ایشان تعلیم نمود. هر زمان که زکریّا نامهای محمد، علی، فاطمه و حسن علیهم السلام را می‌برد، شاد می‌شد، ولی آنگاه که نام مقدّس امام حسین علیه السلام را می‌برد، دلش شکسته و اشکش جاری می‌گشت. روزی گفت: خدایا! مرا چه می‌شود که هر گاه نام چهار تن بالا را می‌برم، دلم تسلی می‌یابد و هر گاه نام مبارک امام حسین علیه السلام را می‌برم اشکم جاری می‌شود و نفسم در سینه گره می‌خورد؟ خداوند از حادثه مربوط به امام حسین علیه السلام بدین گونه خبر داد که **«کهیعص»**.

امام عصر، روحی له الفداء، ادامه فرمودند که:

«کاف» اسم کربلا و **«هاء»** اشاره به شهادت و هلاکت عترت طاهره (خاندان مکرم حضرت رسالت) است؛ **«یا»** اشاره به یزید است که بر حسین علیه السلام ظلم نمود؛ **«عین»** اشاره به عطش و تشنگی حسین علیه السلام و یاران عزیز اوست و **«ص»** اشاره به صبر آن حضرت است در مقابل مصائب و شداید.

لَمْ يَفَارِقْ مَسْجِدَهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَمَعَ فِيهِنَ النَّاسَ مِنَ الدَّخُولِ عَلَيْهِ وَأَقْبَلَ
عَلَى الْبِكَاءِ وَالتَّحِيْبِ وَكَانَ يُرْتِيهِ:

إِلَهِي أَتَفْجِعُ خَيْرَ جَمِيعِ خَلْقِكَ بَوْلَدِهِ؟

إِلَهِي أَتَنْزِلُ بَلَوَى هَذِهِ الرِّزْيَةَ بِفَنَائِهِ؟

إِلَهِي تَحِلُّ كُرْبَةَ هَذِهِ الْمَصِيبَةِ بِسَاحَتَيْهِمَا؟

ثُمَّ كَانَ يَقُولُ: إِلَهِي أُرْزُقْنِي وَلِذَا تَقَرُّ بِهَ عَيْنِي عَلَى الْكَبِيرِ فَإِذَا رَزَقْتَنِيهِ
فَأَفْتَنِي بِحُبِّهِ ثُمَّ أَفْجِعْنِي بِهِ كَمَا تُفْجِعُ مُحَمَّدًا حَبِيبَكَ بَوْلَدِهِ.

فَرَزَقَهُ اللَّهُ يَحْيَى وَفَجَّعَهُ بِهِ وَكَانِي حَمْلُ يَحْيَى سِتَّةَ أَشْهُرٍ وَحَمْلُ الْحُسَيْنِ
كَذَلِكَ.

فَقُلْتُ: أَحْبَبْتَنِي يَا مَوْلَايَ عَنِ الْعِلَّةِ الَّتِي تَمْنَعُ الْقَوْمَ مِنْ اخْتِيَارِ الْإِمَامِ
لِأَنْفُسِهِمْ؟

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مُصْلِحٍ أَوْ مُفْسِدٍ؟

فَقُلْتُ: مُصْلِحٍ

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلْ يَجُوزُ أَنْ يَقَعَ خَيْرٌ تُهْمُ عَلَى الْمَفْسِدِ بَعْدَ أَنْ لَا يَعْلَمَ أَحَدٌ مَا
يَخْطُرُ بِبَالِ غَيْرِهِ مِنْ صَلَاحٍ أَوْ فَسَادٍ؟

قُلْتُ: بَلَى.

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَهِيَ (الْعِلَّةُ) أَيْدِئُهَا لَكَ بِيْرَهَانٍ يَقْبَلُ ذَلِكَ عَقْلُكَ.

قُلْتُ: نَعَمْ.

زکریّا علیه السّلام چون این بشنید در مسجد خویش سه روز اعتکاف نمود و از معاشرت با مردم خودداری کرد و پیوسته مشغول گریه و زاری بود و مرثیه سرایی می کرد:

بار خدا یا! آیا بهترین بندگان و مخلوقت را به مرگ فرزندش با این کیفیت مبتلا می کنی؟

بارالها! آیا این بلیّه را با شهادت حسین علیه السلام بر حبیب خاتم انبیاء نازل می فرمایی؟ خداوند! آیا بر علی و فاطمه لباس این مصیبت را می پوشانی؟ پروردگارا! آیا آثار این مصیبت بزرگ را در چهره علی و فاطمه ظاهر می سازی؟ آنگاه زکریّا عرض کرد: خداوند! به من نیز فرزندی عنایت فرما و او را در پیری مایه روشنایی چشمم قرارده و مرا به وسیله او امتحان فرما و در مرگ او دل مرا بسوزان، چنان که حبیب خاتم انبیاء را به مصیبت فرزندش مبتلا می کنی. خداوند به او یحیی را مرحمت فرمود که شهیدش کردند و مدّت حمل او نیز مانند امام حسین علیه السلام شش ماه بود.

سپس سعدبن عبدالله می گوید: عرض کردم مولای من! علّت اینکه مردم نمی توانند برای خودشان امام انتخاب کنند، چیست؟ امام علیه السلام در جوابم فرمودند: امام مُصلِح یا مُفسِد؟ عرض کردم: مصلِح.

امام عصر علیه السلام فرمودند: آیا ممکن است مردم در انتخاب اشتباه کنند و به جای پیشوا و امام پرهیزگار و مصلِح یک فرد غیر مصلِح را اختیار نمایند یا خیر؟ عرض کردم: آری، امکان این اشتباه هست.

امام زمان، روحی له الفداء، فرمودند: علّت اینکه مردم نمی توانند برای خود امام انتخاب کنند این است و من برای تو دلایلی ذکر می کنم که عقلت بپذیرد. عرض کردم: بفرمایید.

قال ﷺ: اخبرنى عن الرّسل الّذين اصطفاهم الله وانزّل عليهم الكتب وأيدّهم بالوحى والعصمة، اذهم اعلام الامم فاهدئى الى ثبّت الاختيار ومنهم موسى وعيسى هل يجوز مع وفور عقلهما وكمال علمهما اذهما على المنافق بالاختيار أن يقع خيّرتهما وهما يظنّان أنّه مؤمن؟ قلت: لا.

قال ﷺ: فهذا موسى كليم الله مع وفور عقله وكمال علمه ونزول الوحي عليه. اختار من اعيان قومه ووجه عسكره لِمِقات رَبِّهِ سَبْعِينَ رَجُلًا مِمَّنْ لَمْ يَشْكَ فِي اِيْمَانِهِمْ وَاخْلَاصِهِمْ فَوَقَعَ خَيْرُهُمْ عَلَى الْمُنَافِقِينَ قال الله عزّ وجلّ «وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِقاتنا» الآية. فلما وجدنا اختيار من قد اصطفاه الله للثبوت واقعا على الفاسد دون الاصلح وهو يظنّ أنّه الاصلح دون الفاسد، علّمنا أنّ لاختيار لمن لا يعلم ما تخفى الصدور و ماتكئ الضمائر و ينصرف عنه السرائر وأن لا خطر لاختيار المهاجرين والانتصار بغير وقوع خيرة الانبياء على ذوى الفساد لما ارادوا اهل الصلاح.

ثمّ قال مولانا ﷺ: يا سعد! من ادعى أنّ النّبىّ صلى الله عليه وآله - وهو خصمك - ذهب بمختار هذه الامّة مع نفسه الى الغار فانه خاف عليه كما خاف على نفسه لما علم أنّه الخليفة من بعده على امته لانه لم يكن من حكم الاختفاء أن يذهب بغيره معه وانما اقام عليا على مبيته لانه علم أنّه إن قتل لا يكون من الخلل بقتله ما يكون بقتل ابي بكر لانه يكون لعلّى من يقوم مقامه فى الامور.

امام علیه السّلام [در مقام بیان استدلال و دلیل بر اثبات مدّعی] فرمودند: به من بگو آیا انبیاء و فرستادگان الهی که راهنمایان مردمند و با (۱) نزول کتابهای آسمانی، (۲) فرستادن وحی به وسیله جبرئیل و (۳) مجهّز بودن به نیروی عصمت، مؤیّد هستند و بزرگانی مانند موسی و عیسی با آن عقل و کمالی که داشته‌اند ممکن است انتخابشان غلط بوده باشد و در حالی که خیال می‌کردند برگزیدگان آنها مؤمن هستند، از منافقین بوده باشند؟

عرض کردم: خیر، ای مولای من!

امام عصر علیه السلام فرمودند: با این وصف کلیم الله با آن فراوانی عقل و کمال علمی و برخوردار بودن از نیروی وحی از میان بزرگان قوم و لشکریانش هفتاد نفر را از همه طبقات اختیار کرد؛ آن هم کسانی را که در اخلاص و ایمان آنها شک و تردیدی نبود و دیدیم که چه شد. و خداوند بزرگ فرموده است: «وموسی هفتاد مرد از قوم خود برای وعده‌گاه برگزید.»

امام عصر علیه السلام فرمودند: پس هنگامی که مشاهده کردیم که انتخاب و اختیار برگزیدگان خداوند از سلسله جلیله انبیاء به این صورت درآمد و افراد فاسد به جای مردم صالح قرار گرفتند، نتیجه می‌گیریم افرادی که از درون اشخاص آگاهی ندارند حقّ اختیار و انتخاب از آنها گرفته شده است و پس از اینکه انتخاب انبیاء بر افراد مفسد پیاده شد، دیگر اعتباری برای اختیار و انتخاب مهاجرین و انصار پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله باقی نمی‌ماند تا برای پیامبر بزرگ اسلام و وصی و جانشین انتخاب کنند.

سپس امام عصر، روحی له الفداء، فرمودند: ای سعد! در مورد ادّعی دشمن تو راجع به اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله منتخب امت (ابوبکر) را به خود به غار بردند، زیرا ترسیدند اگر او کشته شود امر اسلام مختل گردد چون می‌دانستند که او پس از آن حضرت خلیفه می‌شود و رعایت اختفاء ایجاب می‌نمود کس دیگری را به غار نبرند و علی را در رختخواب خود خوابانیدند، زیرا می‌دانستند که اگر علی کشته شود اختلالی در اسلام پیدا نخواهد شد و اینکه کسانی که بتوانند جای علی را بگیرند و امور اسلام و مردم را منظم نمایند وجود داشتند.

لَمْ لَا تَنْقُضْ عَلَيْهِ بِقَوْلِكَ.

أَوْلَسْتُمْ تَقُولُونَ إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ إِنَّ الْخِلَافَةَ مِنْ بَعْدِي
ثَلَاثُونَ سَنَةً وَصَيَّرَهَا مَوْقُوفَةً عَلَى أَعْمَارِ هَؤُلَاءِ الْأَرْبَعَةِ (أَبِي بَكْرٍ، وَ
عُمَرَ، وَ عِثْمَانَ، وَ عَلِيًّا) فَإِنَّهُمْ كَانُوا عَلَى مَذْهَبِكُمْ خُلَفَاءَ رَسُولِ اللَّهِ فَإِنَّ
خَضَمَكَ لَمْ يَجِدْ بُدْأً مِنْ قَوْلِهِ: بَلَى. قُلْتَ لَهُ فَإِذَا كَانَ الْأَمْرُ كَذَلِكَ فَكَمَا
أَبُو بَكْرٍ الْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِهِ كَانَ هَذِهِ الثَّلَاثَةُ خُلَفَاءِ أُمَّتِهِ مِنْ بَعْدِهِ، فَلِمَ
ذَهَبَ بِخَلِيفَةٍ وَاحِدَةٍ وَ هُوَ (أَبُو بَكْرٍ) إِلَى الْغَارِ وَلَمْ يَذْهَبْ بِهَذِهِ الثَّلَاثَةِ؟
فَعَلَى هَذَا الْأَسَاسِ يَكُونُ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مُسْتَخْفًا بِهِمْ دُونَ
أَبِي بَكْرٍ، فَإِنَّهُ يَجِبُ عَلَيْهِ أَنْ يَفْعَلَ بِهِمْ مَا فَعَلَ بِأَبِي بَكْرٍ، فَلَمَّا لَمْ يَفْعَلْ
ذَلِكَ بِهِمْ يَكُونُ مُتَهَاوِنًا بِحَقُوقِهِمْ وَ تَارِكًا لِلشَّفَقَةِ عَلَيْهِمْ بَعْدَ أَنْ كَانَ
يَجِبُ أَنْ يَفْعَلَ بِهِمْ جَمِيعًا عَلَى تَرْتِيبِ خِلَافَتِهِمْ مَا فَعَلَ بِأَبِي بَكْرٍ.

وَ أَمَا مَا قَالَ لَكَ الْخَصْمُ بِأَنَّهُمَا أَسْلَمَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا؟ لِمَ أَمْ تَقُلُ بِأَنَّهُمَا
أَسْلَمَا طَمَعًا وَ ذَلِكَ أَنََّّهُمَا يُخَالِطَانِ مَعَ الْيَهُودِ وَ يُخْبِرَانِ بِخُرُوجِ مُحَمَّدٍ
ﷺ وَ اسْتِيلَانِهِ عَلَى الْعَرَبِ عَنِ التَّوْرَةِ وَ الْكِتَابِ الْمَقْدَسَةِ وَ مَلَايِمِ
قِصَّةِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ يَقُولُونَ لِهَذَا يَكُونُ اسْتِيلَانُهُ عَلَى الْعَرَبِ كَاسْتِيلَاءِ
(بِخْتِ النَّصْر) عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا أَنَّهُ يَدَّعَى التَّوْبَةَ وَ لَا يَكُونُ مِنْ

دربارهٔ این سؤال و ادعای این شخص چرا جواب نقضی ندادی؟ چرا نگفتی که مگر نه این است که شما در روایاتتان از قول رسول اکرم ﷺ نقل کرده‌اید که آن حضرت فرمودند خلافت پس از من سی سال خواهد بود و بقای عمر آن به وجود این چهار نفر (ابوبکر و عمر و عثمان و علی) بستگی دارد؟ بنابراین، این چهار نفر بر اساس مذهب شما جانشینان رسول الله هستند. قطعاً دشمن تو چاره‌ای ندارد جز اینکه بگوید «درست است»، (یعنی گفتهٔ تو را قبول کند ندارد). پس از این امر به دشمن می‌گویی با توجه به این موضوع همان‌گونه که ابوبکر خلیفهٔ پیامبر است، این سه نفر هم بوده‌اند؛ پس چرا پیامبر یکی از این چهار نفر (ابوبکر) را با خود به غار برد و آن سه نفر دیگر را نبرد؟ [در حالی که از نظر مقام و آثار وجودی، هر چهار نفر باید یکی باشند.] در این صورت، پیامبر اسلام ﷺ نسبت به آن سه نفر استخفاف ورزیده و ترک محبت نموده و از شفقتی که نسبت به ابوبکر روا داشته آنان را محروم کرده است.

● خلاصه و نتیجهٔ فرمایشات امام عصر، روحی له الفداء، ممکن است این طور باشد که: بُردن ابوبکر به غار نه تنها دلیل برخلیفه بودن او نیست بلکه دلیل بر ابطال خلافت او است؛ زیرا بنا بر گفته و روایت جعلی خودشان هر چهار نفر خلیفه بوده‌اند و یار غار بودن، به ابوبکر اختصاصی ندارد. بنابراین، ادعای تقدّم ابوبکر به دلیل همراهی با رسول الله ﷺ در غار نادرست و باطل است.

امام علیه السلام فرمودند: اما در مورد سؤال دیگر دشمن - دربارهٔ اسلام اولی و دمی که آیا از روی اختیار بود و یا به اکراه و اجبار اسلام آورده‌اند - چرا در جوابش نگفتی که آن دو نفر به جهت «طمع» ایمان آورده بودند و علت طمع آنان نیز این بود که آنها با یهودیان معاشرت داشتند و در نتیجهٔ این معاشرت از اینکه حضرت محمد ﷺ به پیامبری مبعوث خواهند شد و بر عرب استیلا پیدا می‌کنند، باخبر شده و از تورات و کتب مقدّسه ماجرای آن حضرت را شنیده بودند و به این دو نفر گفته شده بود همچنان که بخت‌النصر بر بنی اسرائیل مسلط شد حضرت محمد ﷺ نیز بر عرب استیلا می‌یابد، با

التَّبَوَّةَ فِي شَيْءٍ. فَلَمَّا ظَهَرَ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ فَسَاعَدَا مَعَهُ عَلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا
إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ) طَمَعَا أَنْ يَجِدَا مِنْ جِهَةِ وَلَايَةِ
رَسُولِ اللَّهِ وَلَايَةَ بَلَدٍ إِذَا تَنَزَّهَتْ أَمْرُهُ وَ حُسْنَ بَالُهُ وَ اسْتِقَامَتِ وَلَايَتُهُ.

فَلَمَّا آيَسَا مِنْ ذَلِكَ وَاقَفَا مَعَ امْتَاثِلِمَا لَيْلَةَ الْعَقَبَةِ وَ تَلَّخَمَا مِثْلَ مَنْ تَلَّخَمَ
مِنْهُمْ فَتَفَرَّوْا بِدَايَةِ رَسُولِ اللَّهِ لِتُسْقِطَهُ وَ يَصِيرَهَا لِكُلِّ بِسْقُوطِهِ بَعْدَ أَنْ
صَعِدَ الْعَقَبَةَ فِيمَنْ صَعَدَ فَحَفِظَ اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ مِنْ كَيْدِهِمْ وَ لَمْ يَقْدِرُوا أَنْ
يَفْعَلُوا شَيْئاً وَ كَانَ حَالُهُمَا كَحَالِ طَلْحَةَ وَ الرَّبِيعِ إِذْ جَانَا عَلِيّاً ﷺ وَ بَايَعَاهُ
طَمَعاً أَنْ تَكُونَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا وَلَايَةٌ فَلَمَّا لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ وَ آيَسَا مِنْ
الْوَلَايَةِ نَكَّنَا بَيْنَهُ وَ خَرَجَا عَلَيْهِ حَتَّى آلَ أَمْرُ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا إِلَى مَا يُؤَلُّ
أَمْرٌ مِنْ يَنْكُثُ الْعَهْدَ وَ الْمَوَاتِقَ.

ثم قام مولانا الحسن بن علي عليه السلام لصلوته و قام القائم معه
فَرَجَعْتُ مِنْ عِنْدِهِمَا وَ طَلَبْتُ أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَقَ فَاسْتَقْبَلَنِي بِاِكْيَافاً. قُلْتُ: مَا
أَبْطَأَكَ وَ مَا أَبْكَاكَ قَالَ قَدْ فَقَدْتُ الثَّوْبَ الَّذِي سَأَلَنِي مَوْلَايَ إِحْضَارَهُ؛
قُلْتُ: لَا بَأْسَ عَلَيْكَ فَأَخْبِرْهُ. فَدَخَلَ عَلَيْهِ وَ انْصَرَفَ مِنْ عِنْدِهِ مُتَسَبِّحاً وَ
هُوَ يُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ. قُلْتُ: مَا الْخَبْرُ؟ فَقَالَ: وَجَدْتُ الثَّوْبَ
مَبْسُوطاً تَحْتَ قَدَمِي مَوْلَانَا ﷺ يُصَلِّي عَلَيْهِ.

قَالَ سَعْدُ، فَحَمِدْنَا اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ عَلَى ذَلِكَ وَ جَعَلْنَا نَحْتَلِفُ بِغَدِّ ذَلِكَ
الْيَوْمِ إِلَى مَنْزِلِ مَوْلَانَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيَّاماً فَلَا تَرَى الْعُلَّامَ بَيْنَ يَدَيْهِ، فَلَمَّا
كَانَ يَوْمَ الْوِدَاعِ دَخَلْتُ أَنَا وَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَقَ وَ كَهْلَانٌ مِنْ أَهْلِ بَلَدِنَا
فَانْتَصَبَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَقَ بَيْنَ يَدَيْهِ قَائِماً وَ قَالَ: يَا بِنَّ رَسُولِ اللَّهِ
قَدْ دَنَّتِ الرَّحْلَةُ وَ اشْتَدَّتِ الْمِخْنَةُ، فَتَخُنْ نَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ

این تفاوت که حضرتش دعوی پیامبری دارد. بنابراین، آنگاه که موضوع رسالت حضرتش ظاهر شد، این دو تن در مورد شهادت لا اله الا الله و محمد رسول الله ﷺ با پیامبر اسلام مساعدت کردند تا شاید به مقامی دست یابند و پس از قدرت یافتن و استقرار حکومت حضرت رسول ﷺ، در حکومت شریک باشند. ولی آنگاه که از دستیابی به مقامی مأیوس شدند، با دوستان دیگرشان در شب عقبه سعی کردند مرکب سواری حضرت رسول ﷺ را منحرف نمایند تا در دره‌ای سقوط کند و پیامبر کشته شود؛ ولی خداوند پیامبرش را حفظ فرموده و او را از این توطئه نجات داد. و نظیر و مانند این دو نفر طلحه و زبیرند که با امیرالمؤمنین علیه السلام به طمع دستیابی به مقامی بیعت کردند و چون با توجه به عدالت امیرالمؤمنین علیه السلام، مأیوس شدند، بیعت خود را با حضرتش شکستند و نتیجه امرشان مانند دیگر بیعت شکنان شد، یعنی به ارتداد آنان از دین منجر گشت.

سعد بن عبدالله می‌گوید: سپس مولایم حضرت عسکری علیه السلام برای اقامه نماز برخاستند و حضرت قائم علیه السلام نیز با ایشان برخاستند و من از خدمتشان مرخص شدم و به دنبال احمد بن اسحق رفتم. در راه، او را دیدم که به سمت من می‌آمد و می‌گریست. از علت تأخیر و گریه‌اش سؤال کردم. پاسخ داد: پیراهنی را که مولایم از من خواسته بودند گم کرده‌ام. به ایشان گفتم: تقصیری نداری و موضوع را به مولایمان اطلاع بده. احمد بن اسحق حضور امام علیه السلام مشرف شد و در حالتی که خنده بر لب داشت و بر محمد و آل طاهرین وی صلوات می‌فرستاد مراجعت نمود. از موضوع استفسار کردم، گفت: مولایمان بر روی همان لباس مشغول نماز خواندن بودند.

سعد بن عبدالله می‌گوید: خدای را بدین جهت سپاس گفتیم و تا وقتی که در سامراء بودیم مکرر خدمت مولای عزیزمان حضرت عسکری علیه السلام شرفیاب می‌شدیم، ولی دیگر موفق به زیارت حضرت مهدی، روحی له الفداء، نشدیم. و چون هنگام بازگشت فرارسید برای عرض خداحافظی و وداع شرفیاب شدیم. احمد بن اسحق در پیشگاه حضرت عسکری علیه السلام ایستاده، عرضه داشت: ای فرزند رسول خدا! هنگام جدائی فرارسیده و باید از خدمت شما

المُضْطَفَى جَدِّكَ وَ عَلِيَّ الْمُزْتَضَى أَبِيكَ وَ عَلِيَّ سَيِّدَةَ النِّسَاءِ أُمَّكَ
فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ عَلِيَّ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْبَحْتَةِ عَمَّكَ وَ أَبِيكَ وَ عَلِيَّ
الْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِمَا أَبَانِكَ وَ أَنْ يُضَلِّيَ عَلَيْكَ وَ عَلِيَّ وَ لَدِكَ وَ تَزَعُبَ إِلَيْهِ
أَنْ يُعَلِّيَ كَعْبِكَ وَ يَكْبِتَ عَدْوُكَ وَ لَا جَعَلَ اللَّهُ هَذَا آخِرَ عَهْدِنَا مِنْ
لِقَائِكَ.

قال: فَلَمَّا قَالَ هَذِهِ الْكَلِمَةَ اسْتَعْبَرَ مَوْلَانَا ﷺ حَتَّى اسْتَهْمَلَتْ دُمُوعُهُ وَ
تَقَاطَرَتْ عَبْرَاتُهُ.

ثم قال ﷺ: يَا بَنَ إِسْحَقَ، لَا تُكَلِّفْ فِي دُعَائِكَ شَطَطاً فَإِنَّكَ مُلَاقِي اللَّهِ
فِي صَدْرِكَ هَذَا، فَخَرَّ أَحْمَدُ مَغْشِياً عَلَيْهِ، فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ: سَأَلْتُكَ بِاللَّهِ وَ
بِحُزْمَةِ جَدِّكَ إِلَّا مَا شَرَفْتَنِي بِحُوقَةٍ أَجْعَلُهَا كَفْناً فَأَدْخَلَ مَوْلَانَا يَدَهُ تَحْتَ
الْبِسَاطِ فَأَخْرَجَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ دِرْهَماً فَقَالَ ﷺ خُذْهَا وَ لَا تُسْفِكْ عَلَيَّ
نَفْسِكَ غَيْرَهَا فَإِنَّكَ لَنْ تَعْدِمَ مَا سَأَلْتَ وَ اللَّهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ.

قال سعد: فَلَمَّا صِرْنَا بَعْدَ مُنْصَرَفِنَا مِنْ حَضْرَةِ مَوْلَانَا ﷺ مِنْ حُلْوَانَ
عَلَى ثَلَاثَةِ فَرَاسِخَ حَمَّ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَقَ وَ ثَارَتْ عَلَيْهِ عِلَّةٌ صَعْبَةٌ أَيْسَ مِنْ
حَيَاتِهِ بِهَا فَلَمَّا وَرَدْنَا حُلْوَانَ وَ نَزَلْنَا فِي بَعْضِ الْخَانَاتِ دَعَا أَحْمَدُ بَنُ
إِسْحَقَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَلَدِهِ كَانَ قَاطِئاً بِهَا ثُمَّ قَالَ تَفَرَّقُوا عَنِّي هَذِهِ اللَّيْلَةَ
وَ اتْرَكُونِي وَ خُدِي. فَانْصَرَفْنَا عَنْهُ وَ رَجَعَ كُلُّ وَاحِدٍ إِلَى مَرْقَدِهِ. قَالَ سَعْدُ
فَلَمَّا حَانَ أَنْ يَنْكَشِفَ اللَّيْلُ عَنِ الصُّبْحِ أَصَابَتْنِي فِكْرَةٌ فَفَتَحْتُ عَيْنِي فَأَدَا
أَنَا بِكَافُورِ الْخَادِمِ، خَادِمِ مَوْلَانَا أَبِي مُحَمَّدٍ وَ هُوَ يَقُولُ: أَحْسَنَ اللَّهُ بِالْخَيْرِ

مرخص شویم. از خداوند درخواست می‌کنیم که بر جدّت خاتم انبیاء و پدرت علی مرتضی و مادرت سیدة النساء زهراى مرضیه و بر آقایان اهل بهشت، عموی عزیزت حضرت مجتبی و پدرت سیدالشهداء و ائمه پس از ایشان پدران گرامی شما، و نیز بر حضرتت و فرزند عزیزت [حضرت مهدی، روحی له الفداء] سلام و درود بی‌پایان فرستد و عظمت شما را فزونی بخشد و دشمنان را منکوب و خوار نماید و این ملاقات را آخرین دیدار ما قرار ندهد.

سعدبن عبدالله می‌گوید: چون سخن احمدبن اسحق بدینجا رسید، امام علیه السلام متقلب شدند و اشک از دیدگان مبارکشان روان گشت و فرمودند: احمدبن اسحق! تا می‌توانی در دعا کردن کوشش کن، زیرا به زودی به ملاقات خداوند خواهی رفت.

احمدبن اسحق با شنیدن این مطلب [یعنی خبر مرگ خویش] غش کرد و بر زمین افتاد و چون به هوش آمد عرض کرد: مولای من! شما را به خدا قسم و به احترام جدّتان [خاتم انبیاء] پارچه‌ای به من مرحمت فرمایید که برای خود کفن نمایم [و به آن تبرک جویم]. حضرت دست مبارک به زیر بساط بردند و مبلغ سیزده درهم بیرون آورده، فرمودند: این پول را بگیر و از پول دیگری مخارج زندگی را تأمین نما و آنچه که خواستی (کفن) داده خواهد شد و خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌سازد.

سعدبن عبدالله می‌گوید: چون از حضور مبارک حضرت عسکری علیه السلام مرخص شدیم و به سه فرسنگی حلوان رسیدیم، احمدبن اسحق دچار تب شدیدی شد که او را از حیات و زندگی مأیوس کرد و چون وارد حلوان شدیم در یکی از کاروانسراها منزل کردیم. احمدبن اسحق از ما خواست که او را تنها بگذاریم و ما نیز به اطاقهای خود رفتیم. سعد می‌گوید: نزدیک صبح که به یاد احمدبن اسحق بودم چون چشم باز کردم کافورخادم حضرت عسکری علیه السلام را دیدم که می‌گوید: خداوند در مورد مصیبت و مرگ برادر مقرب و محبوبتان به همه شما پاداش نیکو مرحمت فرماید. ما از غسل و کفن کردن دوست شما فارغ شدیم، برخیزید و او را دفن نمایید. با گفتن این جمله، کافور

عَزَاكُمُ وَ حَتَمَ بِالْمَخْيُوبِ رَزِيَّتِكُمْ، قَدْ فَرَعْنَا مِنْ غُسْلِ صَاحِبِكُمْ وَ مِنْ
تَكْفِينِهِ فَقَوْمُوا لِدْفَنِهِ فَإِنَّهُ مِنْ أَكْرَمِكُمْ مَحَلًّا عِنْدَ سَيِّدِكُمْ، ثُمَّ غَابَ عَنَّا
أَعْيُنِنَا.

فاجتمعنا على رأسه بالبكاء والتَّحْيِبِ والعويل حتى قضينا حقَّه و فرغنا
من امره، رحمه الله^۱.

خادم از نظر ما پنهان شد و ما با دوستان بر جنازه مقدس احمد بن اسحق گرد آمده، عزاداری کردیم و بدنش را به خاک سپردیم. خداوند او را از رحمت بی نهایت خویش بهره مند سازد.

● خواننده ارجمند! مسلماً لطف و عنایتی که در مورد احمد بن اسحق در خصوص غسل دادن و کفن کردن به عمل آمده از طرف حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بوده است و بر اساس قانون لطف، این برنامه باید در حضور خود مولای عزیزمان، روحی له الفداء، انجام شده باشد. خداوند تبارک و تعالی، این سعادت بزرگ را نصیب شما خواننده گرامی این کتاب و بنده ناقابل نویسنده بفرماید و به دست توانای حضرت بقیة الله، روحی له الفداء، افتخار کفن و دفن در خدمت آن سرور و زیر نظر مبارکشان شامل حال همه ما گردد. آمین.

سخن گفتن امام عصر (روحی له الفداء)
در کنار بدن مقدس حضرت عسکری (علیه السلام)

فَلَمَّا صِرْنَا بِالدَّارِ إِذَا نَحْنُ بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَلَى نَعْسِهِ
مُكْفَنًا فَتَقَدَّمَ جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ لِيُصَلِّيَ عَلَى أَخِيهِ، فَلَمَّا هَمَّ بِالتَّكْبِيرِ خَرَجَ
صَبِيٌّ بِوَجْهِهِ سَمْرَةٌ بِشَعْرِهِ قَطَطٌ بِأَسْنَانِهِ، تَفْلِيحٌ فَجَبَدَ رِءَاءَ جَعْفَرِ بْنِ عَلِيٍّ
وَقَالَ: «تَأَخَّرْ يَا عَمَّ فَإِنَّا أَحَقُّ بِالصَّلَاةِ عَلَى أَبِي». فَتَأَخَّرَ جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ وَ
قَدِازَنَدَ وَجْهَهُ فَتَقَدَّمَ الصَّبِيُّ فَصَلَّى عَلَيْهِ وَدُفِنَ إِلَى جَانِبِ قَبْرِ أَبِيهِ!

در تاریخ شهادت حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام)، مرحوم علامه مجلسی، رضوان
الله علیه، نقل می‌کند که راوی حدیث می‌گوید: چون وارد منزل حضرت عسکری (علیه السلام)
شدیم، جنازه مقدسش را که غسل داده و کفن کرده بودند، دیدیم. جعفر بن علی (برادر آن
حضرت) خواست بر بدن امام (علیه السلام) نماز گزارد. هنگامی که خواست تکبیر بگوید ناگهان
طفلی ماه‌روی نقاب بر چهره و با موهای پرپشت و دندانهایی باز و از هم جدا از پس پرده
بیرون آمد و عبای جعفر را گرفته، او را عقب زد و فرمود: «عمو! عقب برو. من باید بر
پدرم نماز بخوانم، زیرا من اولی و سزاوارترم.» در این هنگام جعفر در حالی که رنگ
صورتش دگرگون شده بود، کنار رفت. آن حضرت بر پدر نماز گزارد و حضرت عسکری
(علیه السلام) را در کنار پدر بزرگوارش، حضرت امام علی التقی سلام الله علیهما به خاک سپردند.

● اولویت امام زمان علیه السلام بر جعفرین علیّ برای نماز گزاردن بر پدر به جهات متعددی است از جمله اینکه آن حضرت فرزند حضرت عسکری علیه السلام بوده است و نیز اینکه «امام باید بر امام نماز بخواند» و دیگر مقام والای تقوای حضرتش و بی بهره بودن جعفر از تقوی و پرهیزگاری در آن زمان.

همان گونه که خوانندگان گرامی اطلاع دارند هنگام شهادت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام وجود مقدّس حضرت بقیّة الله عجل الله فرجه الشریف پنج ساله بوده‌اند و در حالی که منزل و خانواده آن حضرت در محاصره حکومت وقت بود، مع الوصف دشمنان نتوانستند به آن حضرت دسترسی یابند و حضرتش در مقابل چشم آنان جعفر را عقب رانده، بر جنازه پاک پدر، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نماز گزارد. آری، این است معنای ولایت مطلقه الهیه.

فصل دوم

توقیعات صادره از پیشگاه مقدس

حضرت بقیة الله

ارواحنا له الفداء

در غیبت صغری و کبری

● یکی از عنایات بزرگ حضرت بقیة الله، ارواحنا له الفداء، راهنمایی‌های ایشان در زمان غیبتشان می‌باشد، همان توقیعاتی که به افتخار مردان برجسته تقوی مانند نواب خاضه در زمان غیبت صغری و یا جناب شیخ مفید، اعلی الله مقامه، شرف صدور یافته است که طی آنها حضرت ولی عصر، عجل الله فرجه الشریف، نیازهای دنیوی و اخروی مردم را در ارتباط با دین و بندگی خداوند متعال بیان فرموده و حتی یکی از آن توقیعات می‌تواند احتیاجات مردم را تأمین کند. با استعانت از خداوند متعال، ضمن بیان توقیعات و فرامانهای صادر شده از ناحیه حضرتش، با رعایت اختصار به ترجمه و شرح آنها می‌پردازیم.

نکته لازم به تذکر اینکه برخی از نویسندگان محترم معاصر از ترجمه و شرح برخی از توقیعات، مثلاً توقیع مبارک که به افتخار جناب محمدبن عثمان برای بعضی از شیعیان در پاسخ به سوالات آنان صادر گردیده است، به عنوان اینکه چون ما در زمان غیبت به سر می‌بریم و لزوماً باید تقلید کنیم، از ترجمه این توقیع شریف خودداری کرده‌اند؛ در حالی که به نظر نگارنده، برعکس، لازم است نوشته شود، که دلایل لزوم آن ذیلاً به عرض می‌رسد:

۱. یکی از پایه‌های محکم اجتهاد فقهای بزرگ ما همان اخبار و احادیث رسیده از اهل بیت عصمت و طهارت، سلام الله علیهم اجمعین، است که به «سنت» تعبیر

می‌گردد.

۲. لازمهٔ نوشتن این حقایق، فراموش شدن و از یاد بردن وجود مقدس امام عصر، روحی له الفداء، است.

۳. در روایات به طور عموم امر فرموده‌اند که امر ما را زنده نگاه دارید. (احادیث رسیده از طرف ما را به دوستان ما گوشزد کنید).^۱

۴. همهٔ افراد شیعه می‌دانند که باید در زمان غیبت کبری از نواب عامهٔ حضرت بقیة الله، روحی له الفداء، تقلید نمایند.

۵. اتفاقاً تمام جوابهایی که آن وجود مقدس داده‌اند در رساله‌های عملیه با مختصر فرقی بیان شده و بنابراین بهتر است که فرمایشات آن حضرت برای شیعیان نشان گفته شود.

۱. به عنوان نمونه ر.ک: بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۵۴ - (ن).

توقیع مبارک

از ناحیه مقدسه به افتخار محمد بن عثمان (رضوان الله علیه)

عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْأَسَدِيِّ، قَالَ كَانَ فِيمَا وَرَدَ عَلَيَّ مِنْ
السَّنَخِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ الْعَمَرِي قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ فِي جَوَابِ
مَسْأَلِي إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أَمَا مَا سَأَلْتُ عَنْهُ، مِنَ الصَّلَاةِ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ عِنْدَ غُرُوبِهَا،
فَلَيْنَ كَانَ كَمَا يَقُولُونَ إِنَّ الشَّمْسَ تَطْلُعُ مِنْ بَيْنِ قَرْنَيْ الشَّيْطَانِ وَ تَغْرُبُ
بَيْنَ قَرْنَيْ الشَّيْطَانِ فَمَا أُرْغِمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ بِشَيْءٍ مِثْلِ الصَّلَاةِ فَصَلَّاهَا وَ
أُرْغِمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ.

مقام مقدس امام عصر، روحی له الفداء، طی این توقیع مبارک، به وسیله جناب
محمد بن عثمان که از نواب خاص حضرت در زمان غیبت صغری است، در پاسخ به
مسائلی که برخی از شیعیان نموده‌اند، چنین فرموده‌اند:

اما اینکه در مورد نماز خواندن هنگام طلوع و غروب آفتاب سؤال کرده‌ای.

- پس اگر چنان باشد که می‌گویند «آفتاب در میان دو شاخ شیطان طلوع و غروب
می‌نماید»، پس بدین ترتیب برای شکست دادن شیطان و بینی او را به خاک مالیدن، هیچ
چیز بهتر از نماز نیست. پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال.

وَ اَمَّا سَأَلْت عَنْهُ مِنْ أَمْرِ الْوَقْفِ عَلَى نَاحِيَّتِنَا وَ مَا يُجْعَلُ لَنَا ثُمَّ يَخْتِجُ
إِلَيْهِ صَاحِبُهُ فَكُلُّ مَا لَمْ يُسَلِّمْ فَصَاحِبُهُ فِيهِ بِالْخِيَارِ وَ كُلُّمَا سَلَّمَ فَلَا خِيَارَ
لِصَاحِبِهِ فِيهِ، إِخْتِجَ أَمْ لَمْ يَخْتِجْ، إِفْتَقَرَ إِلَيْهِ أَوْ اسْتَعْنَى عَنْهُ.

وَ اَمَّا مَا سَأَلْت عَنْهُ أَمْرٍ مِنْ أَمْرِ مَنْ يَسْتَحِلُّ مَا فِي يَدِهِ مِنْ أَمْوَالِنَا، أَوْ
يَتَصَرَّفُ فِيهِ تَصَرُّفَهُ فِي مَالِهِ مِنْ غَيْرِ أَمْرِنَا، فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ مُلْعُونٌ وَ
نَحْنُ خُصْمَاؤُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَ قَدْ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
«الْمُسْتَحِلُّ مِنْ عِثْرَتِي مَا حَرَّمَ اللَّهُ مُلْعُونٌ عَلَى لِسَانِي وَ لِسَانِ كُلِّ نَبِيٍّ
مُجَابٍ». فَمَنْ ظَلَمْنَا كَانَ فِي جُمْلَةِ الظَّالِمِينَ لَنَا وَ كَانَتْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ
لِقَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ «أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ»^۱.

وَ اَمَّا مَا سَأَلْت عَنْهُ مِنْ أَمْرِ الْمُؤَلُّودِ الَّذِي نَبَيْتَ قُلُقْتُهُ بَعْدَ مَا يُخْتِجُ،
هَلْ يُخْتِجُ مَرَّةً أُخْرَى، فَإِنَّهُ يَجِبُ أَنْ تُقَطَعَ قُلُقْتُهُ (مَرَّةً أُخْرَى). فَإِنَّ
الْأَرْضَ تُضَعُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ بَوْلِ الْأَغْلَفِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا.

وَ اَمَّا مَا سَأَلْت عَنْهُ مِنْ أَمْرِ الْمُصَلَّى وَ النَّارِ وَ الصُّورَةِ وَ السَّرَاجِ بَيْنَ
يَدَيْهِ، هَلْ تَجُوزُ صَلَوَتُهُ فَإِنَّ النَّاسَ اخْتَلَفُوا فِي ذَلِكَ قَبْلَكَ، فَإِنَّهُ جَائِزٌ
لِمَنْ لَمْ يَكُنْ مِنْ أَوْلَادِ عِبْدَةِ الْأَوْثَانِ وَ النَّسْرَانِ يُصَلَّى وَ الصُّورَةَ وَ
السَّرَاجِ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لَا يَجُوزُ ذَلِكَ لِمَنْ كَانَ مِنْ أَوْلَادِ عِبْدَةِ الْأَوْثَانِ وَ
النَّسْرَانِ.

درباره اموالی که برای ما وقف می‌کنند، سوال کرده بودی؟

- در این مورد اگر صاحب ملک، آن را تحویل و به تصرف وقف داده باشد، دیگر نمی‌تواند در آن تصرف کند و برای او بازگشتی نیست، چه محتاج باشد یا نباشد، ولی اگر تسلیم نکرده است اختیار او باقی است و می‌تواند در آن ملک تصرف نماید.

در مورد اموال ما سوال کرده بودی که آیا می‌شود در آن تصرف نمود

و آن را حلال دانست؟

- اگر کسی بدون اجازه ما در این گونه اموال تصرف کند، ملعون است و ما در روز قیامت دشمن او خواهیم بود، همان گونه که پیامبر بزرگ صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر کس اموال عترت مرا که خداوند تصرف در آن را بدون اجازه آنها حرام فرموده است، حلال بداند، مورد لعن من و همه انبیاء می‌باشد (دور از رحمت الهی است)». و هر کس به ما ظلم کند در زمره ستمکاران و مورد لعنت خداوندی است، چنان که خداوند می‌فرماید: «آگاه باشید که ستمگران مشمول لعنت ما هستند».

در مورد سوال از بچه‌ای که یک بار ختنه شده ولی پس از آن در موضع

ختنه پوست روئیده باشد آیا برای بار دوم ختنه لازم است یا خیر؟

- بلی، واجب است برای بار دیگر نیز ختنه کنند، زیرا زمینی که شخص ختنه نشده بر آن بول (ادرار) می‌کند تا چهل روز به درگاه خداوند بزرگ ناله و شکایت می‌کند.

و پاسخ اینکه آیا نماز نمازگزاری که آتش، عکس و چراغ در جلوی

او باشد صحیح است یا خیر؟

- اگر اجداد و نیاکان نمازگزار از بت پرستان و آتش پرستان نباشند نماز او صحیح است، ولی در صورتی که پدران و مادرانشان بت پرست و آتش پرست بوده‌اند، نماز در حالی که آتش، عکس و چراغ در پیش روی آنان باشد جایز نیست. (ممکن است با یادگذشتگان و روش

وَأَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ أَمْرِ الضَّيَاعِ الَّتِي لِنَاجِيَّتِنَا، هَلْ يَجُوزُ الْقِيَامُ
بِعِمَارَتِهَا وَ آدَاءِ الْخَرَاجِ مِنْهَا وَ صَرْفِ مَا يُفْضَلُ مِنْ دَخْلِهَا إِلَى النَّاجِيَةِ
إِحْتِسَاباً لِلنَّاجِرِ وَ تَقَرُّباً إِلَيْكُمْ، فَلَا يَجِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَتَّصِرَفَ فِي مَالٍ غَيْرِهِ
بِغَيْرِ إِذْنِهِ فَكَيْفَ يَجِلُّ ذَلِكَ فِي مَالِنَا. مَنْ فَعَلَ شَيْئاً مِنْ ذَلِكَ بِغَيْرِ أَمْرِنَا
فَقَدْ اسْتَحَلَّ مِنَّا مَا حُرِّمَ عَلَيْهِ وَ مَنْ أَكَلَ مِنْ أَمْوَالِنَا شَيْئاً فَإِنَّمَا يَأْكُلُ فِي
بَطْنِهِ نَاراً وَ سَيَضِلُّ سَعيراً.

وَأَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ أَمْرِ الرَّجُلِ الَّذِي يَجْعَلُ لِنَاجِيَّتِنَا ضَيْعَةً وَ
يُسَلِّمُهَا مِنْ قِيَمِ يَقُومُ بِهَا وَ يَغْمُرُهَا وَ يُوَدِّي مِنْ دَخْلِهَا خَرَاجَهَا وَ مَوْتَتَهَا
وَ يَجْعَلُ مَا يَبْقَى مِنَ الدَّخْلِ لِنَاجِيَّتِنَا، فَإِنَّ ذَلِكَ جَائِزٌ لِمَنْ جَعَلَهُ صَاحِبُ
الصَّنِيعَةِ قِيَمًا عَلَيْهِ، لَا يَجُوزُ ذَلِكَ لِغَيْرِهِ.

وَأَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنَ الثَّمَارِ مِنْ أَمْوَالِنَا يَمُرُّ بِهِ الْمَاءُ فَيَسْتَاوِلُ مِنْهُ
وَ يَأْكُلُ، هَلْ يَجِلُّ لَهُ ذَلِكَ، فَإِنَّهُ يَجِلُّ لَهُ أَكْلُهُ وَ يَخُومُ عَلَيْهِ حَمَلُهُ.^١

آنها دست از توحید و خداپرستی بردارند.^۱

سؤال کرده‌اید آیا بدون اجازه از ناحیه مقدسه شما می‌توان در املاک شما عمران و آبادانی کرد و پس از وضع مخارج، بقیه را به ناحیه مقدسه فرستاد و این عمل را به عنوان یک عبادت انجام داد؟

- خیر. تصرف در اموال هیچ کس بدون اجازه او جایز نیست؛ پس [به طریق اولی] چگونه تصرف در اموال ما بدون اجازه جایز است؟ هر کس تصرف در اموال ما را حلال بداند و مال ما را بخورد، گویی آتش جهنم خورده است.

سؤال کرده‌اید در مورد شخصی که به ما ملکی می‌دهد و کسی را برای آبادی آن ملک معین می‌کند تا پس از وضع مخارج، بقیه درآمد را برای ما بفرستد؟

- برای کسی که از طرف مالک و صاحب آن برای این کار تعیین شده جایز است و برای غیر او جایز نیست.

سؤال کرده‌اید آیا جایز است از میوه درختهایی که از کنار آنها عبور می‌کنیم بخوریم؟ (منظور درختهایی است که شاخه‌های آنها از دیوار باغ بیرون آمده و در مسیر عابر قرار گرفته باشد).

- خوردن میوه این گونه درختها برای عبورکننده حلال، ولی بردن آن حرام است.^۲

۱. علاوه بر توضیح مرحوم آیت الله خادمی، این وجه هم قابل فرض است که همانند بسیاری موارد دیگر انگیزه صدور چنین حکمی ممکن است تمایز شخص مسلمان و شیعه از اطرافیان خویش باشد کما اینکه در باب وجه کراهت پوشیدن لباسهای به رنگ مشکی، انداختن تحت الحنک عمامه و ... چنین فرضی وجود دارد (ن).

۲. به عبارت دیگر و به تعبیر فقها آن مقدار از میوه‌ها برای او حلال است، که در همانجا باشد و الا اینکه بخواهد مقداری را هم برای خوردن ببرد، آن مقدار اضافه حلال نیست و البته برخی شرایط دیگر هم برای آن وجود دارد مثل اینکه شخص عبورکننده از قبل قصد چنین عملی را نداشته باشد و به عمد از آنجا عبور نکرده باشد و ... (ن).

توقيع شريف حضرت بقیة الله (روحی له الفداء)
به افتخار جناب عمري و فرزندش محمدبن عثمان

تَوَقَّعَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ خَرَجَ إِلَى الْعَمْرِيِّ وَابْنِهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا،
رَوَاهُ سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَجَدْتُهُ مُنْبِتاً
بِحَطِّ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ.

وَفَقَّكُمَا اللَّهُ لِعِطَاعَتِهِ وَتَبَيَّنَّكُمَا عَلَى دِينِهِ وَاسْعَدَكُمَا بِمَرْضَاتِهِ، إِنَّتَهَى إِلَيْنَا
مَا ذَكَرْتُمَا أَنَّ الْمَيْمَنِيَّ أَخْبَرَكُمَا عَنِ الْمُخْتَارِ وَ مُنَاطِرَتِهِ مَنْ لَقِيَ وَ
اِحْتِجَاجِهِ بِأَنْ لَا خَلْفَ غَيْرَ جَعْفَرِ بْنِ عَلِيٍّ وَ تَضَدِيقِهِ إِتَاءَهُ.

وَفَهَمْتُ جَمِيعَ مَا كَتَبْتُمَا بِهِ مِمَّا قَالَ أَصْحَابُكُمْ عَنْهُ وَ أَنَا أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ
الْعَمَى بَعْدَ الْجَلَاءِ وَ مِنَ الضَّلَالَةِ بَعْدَ الْهُدَى وَ مِنْ مُوَبِقَاتِ الْأَعْمَالِ وَ
مُزْدِيَابِ الْفِتَنِ فَإِنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «الْم، أَحْسَبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ
يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ».

این فرمان از طرف حضرت ولی عصر، ارواحنا له الفداء، به افتخار جناب عمری و فرزندش محمدبن عثمان شرف صدور یافته و به قراری که شیخ ابو جعفر فرموده فرمان مزبور را به خط سعدبن عبدالله شخصاً دیده است. و اینک متن توقیع مبارک حضرت صاحب الزمان، روحی له الفداء:

خداوند شما دو نفر [پدر و پسر] را به طاعت و بندگی خویش موقت و بر دین خود ثابت قدم بدارد و در سایه رضای ذات پاکش به شما سعادت و دو جهان عنایت فرماید. آنچه که میثمی به شما خبر داده بود در مورد «مختار» و مناظره او با کسی که اظهار می داشته از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام جانشینی جز جعفر بن علی باقی نمانده، و او هم تصدیق کرده است، به ما رسید.

● آنچه در ابتدای این توقیع شریف - همان گونه که خوانندگان گرامی ملاحظه می فرمایند - در سه اصل مهم خلاصه می شود، عبارت است از:

۱. موفقیت، در اطاعت و بندگی حق تعالی است.
۲. مهمترین عامل موفقیت ثابت قدم بودن در دین است.
۳. زیر بنای سعادت هر فردی در در جهان، تحصیل رضای خداوند بزرگ است.

همچنین آنچه که شما به میثمی در پاسخ مطالبی که به یاران شما گفته بود، نوشتید نزد ما روشن است و من از اینکه پس از بینایی و بصیرت [در دین]، دچار نابینایی شوم [و حق را نبینم] و پس از هدایت، گمراه گردم و نیز از فتنه ها و عدم قبولی اعمال، به خدا پناه می برم؛ چه آنکه حق تعالی در قرآن کریم فرموده است: «آیا مردم خیال می کنند که اگر بگویند ایمان آورده اند از آنها می گذرند و آنان را آزمایش نمی کنند؟» [حتماً باید آزمایش شوند.]

● خواننده عزیز! در این قسمت از توقیع، مقام مقدس امام زمان علیه السلام به چند نکته مهم برای آموزش همگان اشاره فرموده اند:

۱. در هر حال باید به لطف خداوند پناه برد، زیرا امکان لغزش و سقوط برای همه وجود دارد.
۲. باید مراقب بود که فتنه ها ما را از پای در نیاورد.

كَيْفَ يَسْقُطُونَ فِي الْفِتْنَةِ وَ يَتَرَدَّدُونَ فِي الْحَيْرَةِ وَ يَأْخُذُونَ يَمِينًا وَ شِمَالًا، فَارْقُوا دِينَهُمْ أَمْ اِزْتَابُوا أَمْ عَانَدُوا الْحَقَّ أَمْ جَهِلُوا مَا جَاءَتْ بِهِ الرِّوَايَاتُ الصَّادِقَةُ وَ الْأَخْبَارُ الصَّحِيحَةُ أَوْ عَلِمُوا ذَلِكَ فَتَنَسَّوْا. أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُوا مِنْ حُجَّةٍ أَمَا ظَاهِرًا وَ أَمَا مَغْمُورًا.

وَ لَمْ يَعْلَمُوا انْتِظَامَ ائِمَّتِهِمْ بَعْدَ نَبِيِّهِمْ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَاجِدًا بَعْدَ وَاجِدٍ إِلَى أَنْ أَفْضَى الْأَمْرُ بِأَمْرِ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى الْمَاضِي يَغْنِي الْحَسَنَ ابْنَ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ فَقَامَ مَقَامَ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَ إِلَى طَرِيقِ مُسْتَقِيمٍ.

كَانَ نُورًا سَاطِعًا وَ قَمَرًا زَاهِرًا، اِخْتَارَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ مَا عِنْدَهُ فَحَضَنِي عَلَى مِنْهَاجِ آبَائِهِ (السَّهَادَةِ) عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَذْوًا وَتَلُّغًا بِالتَّلُّغِ عَلَى عَهْدِ عَهْدِهِ وَ وَصِيَّةِ أَوْصِيَ بِهَا إِلَى وَصِيِّ سَتَرَهُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ بِأَمْرِهِ إِلَى غَايَةِ وَ أَخْفَى مَكَانَهُ بِمَشِيئَتِهِ لِلْقَضَاءِ السَّابِقِ وَ الْقَدْرِ النَّافِذِ وَ فِينَا مَوْضِعُهُ وَ لَنَا فَضْلُهُ.

وَ لَوْ أَدَانَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيمَا قَدْ مَنَعَهُ وَ أزالَ عَنْهُ مَا قَدْ جَرَى بِهِ مِنْ حُكْمِهِ لِأَرَاهُمُ الْحَقَّ ظَاهِرًا بِأَحْسَنِ حَلِيَّةٍ وَ أَبْيَنِ دَلَالَةٍ وَ أَوْضَحِ عِلَامَةٍ وَ لَأَبَانَ نَفْسَهُ وَ قَامَ بِحُجَّتِهِ وَ لَكِنَّ أَقْدَارَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا تُغَالَبُ وَ إِرَادَتُهُ لَا تُرَدُّ وَ تَوْفِيقُهُ لَا يُسْتَبَقُ.

توضیح این نکته مناسب است که البته امام معصوم علیه السلام نه گمراه می‌شود و نه در فتنه‌ها گرفتار می‌آید، بلکه فرمایشات امام عصر، روحی له الفداء، برای ما است که موعظه شویم و پند بگیریم و آگاه باشیم.

چگونه در فتنه سقوط می‌کنند و در حیرت و سرگردانی به سر می‌برند و پیوسته به چپ و راست در حرکتند؟! آیا از دین خود جدا افتاده‌اند؟ (ارتباط آنها با دینشان قطع شده است؟) آیا از روایات معتبر در این مورد بی‌اطلاع هستند یا آگاهند ولی آن را از یاد برده‌اند؟ آیا نمی‌دانند که خداوند کره زمین را از حجت خالی نمی‌گذارد، اعم از اینکه آن حجت ظاهر و در میان مردم باشد یا غایب از انظار؟

آیا این دسته‌ای که در وجود امام [پس از حضرت عسکری علیه السلام] شک و تردید دارند، از برنامه منظم ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین پس از پیامبرشان صلی الله علیه و آله بی‌اطلاع هستند که چگونه یکی پس از دیگری طبق برنامه‌های تعیین شده به وظیفه خویش عمل کردند و نوبت به امام حسن عسکری علیه السلام رسید که جانشین پدرانش بود و به امر خداوند مردم را به سوی حق و راه مستقیم ولایت دعوت فرمود؟

او خورشیدی فروزان و ماهی درخشان بود که در آسمان ولایت و امامت می‌درخشید و آنگاه که ساعت مقرر فرا رسید و مانند اجداد گرامی‌اش به سبب شهادت، به جوار رحمت حق شتافت، مانند پدرانش بدون کم و زیاد به عهد خویش وفا نمود و وصیت خود را به وصی و جانشین خودش - که به امر خداوند باید تا روز موعود از نظرها پنهان باشد - سپرد. البته که در مورد جانشین او مقدر الهی این چنین است که محل زندگی او باید مخفی باشد و این برای ما فضیلتی است.

و آن روزی که خداوند به ما اجازه دهد و منع خود را از ظهور ما بردارد، حق در زیباترین لباسها و روشن‌ترین نشانه‌ها به مردم نشان داده شده، بر همگان آشکار خواهد شد و اساساً حق و حقیقت، خود معرفی خویش خواهد بود. لکن چه باید کرد؟ اکنون باید در برابر قضا و قدر الهی و اراده توانایش تسلیم و به انتظار توفیق از جانب ذات پاکش بود.

فَلْيَدْعُوا عَنْهُمْ اتِّبَاعَ الْهَوَىٰ وَ لْيُقِيمُوا عَلَىٰ أَضْلِهِمُ الَّذِي كَانُوا عَلَيْهِ وَلَا
يَبْحَثُوا عَمَّا سَبَّرَ عَنْهُمْ فَيَأْتِيَهُمْ وَلَا يَكْشِفُوا سِتْرَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَيَنْدُمُوا وَ
لْيَعْلَمُوا أَنَّ الْحَقَّ مَعَنَا وَفِينَا، لَا يَقُولُ ذَلِكَ سِوَانَا إِلَّا كَذَّابٌ مُفْتَرٍ وَ لَا
يَدَّعِيهِ غَيْرُنَا إِلَّا ضَالٌّ غَوِيٌّ. فَلْيَقْتَصِرُوا مِنَّا عَلَىٰ هَذِهِ الْجُمْلَةِ دُونَ
التَّفْسِيرِ وَ يَقْتَفُوا مِنْ ذَلِكَ بِالتَّغْرِيبِ دُونَ التَّضْرِيحِ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ.^۱

پس منکران و کسانى را که در شک و تردید هستند بخوانید تا دست از متابعت هوى و هوس بردارند و همان اصول [يعنى برنامه منظم ائمه معصومين عليهم السلام] را که پیروی می کردند رعایت کنند و همان راه را دنبال نمایند. از آنچه از آنها پوشیده است درگذرند و از بحث و فحص در آن خودداری کنند، که به گناه آلوده خواهند شد. اسرار الهی را فاش نکنند، که موجب پشیمانی آنان خواهد شد و بدانند که حق با ما و در راه دوستی ما است. هیچ کس جز ما این ادعا [يعنى دعوى امامت و جانشینی رسول اکرم صلی الله علیه و آله] را ندارد مگر دروغگویان و آنان که بر خداوند افترا بسته و گمراه خیانت پیشه می باشند. بدین مختصر که از ما شنیدید قناعت کنید و از تفصیل و شرح آن در گذرید.

● از مجموع سخنان حضرت بقیة الله، روحی له الفداء، در این فرمان به چند اصل مهم و حیاتی باید توجه نمود:

۱. برنامه های ائمه معصومین، سلام الله عليهم اجمعین، از طرف خداوند، عز و جل، معین گردیده است و آنچه آنها عمل فرموده اند از قبیل موضوع غیبت، ظهور، در خانه نشستن و شهادت و مدارا کردن با دشمنان برای حفظ اسلام و جلوگیری از

- ریختن خون شیعیان، همه و همه از جانب خداوند متعال بوده است.
۲. وجود مقدس حضرت بقیة الله، روحی له الفداء، در تمام آنات و لحظات منتظر فرمان خداوند تبارک و تعالی و آماده قیام هستند.
۳. تمام مردم در معرض امتحان و آزمایش قرار خواهند گرفت.
۴. بهترین و بالاترین وسیله قرب به آن حضرت، تسلیم محض ایشان بودن و چون و چرا نکردن درباره غیبت و تأخیر ظهور است.

توقیع مبارک حضرت بقیة الله (روحی له الفداء) در مورد ابوالعباس خضر بن ابی صالح

حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَمَّارُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ الْأَسْحَاقِ الْأَسْرُوشَنِيُّ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ الْخَضْرِيُّ أَبُو صَالِحٍ الْجَنْدِيُّ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّهُ خَرَجَ إِلَيْهِ مِنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ عليه السلام تَوْقِيعٌ بَعْدَ أَنْ كَانَ أُغْرِيَ بِالْفَخِصِ وَالطَّلَبِ وَصَارَ عَنْ وَطْنِهِ لِيَسْتَبَيِّنَ لَهُ مَا يَعْمَلُ عَلَيْهِ وَكَانَ نُسخَةً التَّوْقِيعِ:

مَنْ بَحَثَ فَقَدْ طَلَبَ، وَ مَنْ طَلَبَ فَقَدْ ذَلَّ، وَ مَنْ ذَلَّ فَقَدْ أَشَاطَ وَ مَنْ أَشَاطَ فَقَدْ أَشْرَكَ.

قال: فَكَفَّ عَنِ الطَّلَبِ وَ رَجَعَ.^۱

هر کس که دربارهٔ من جستجو کند، به دنبال من آمده است. و هر کس برای پیدا کردن من کوشش کند، دشمن را به سوی من راهنمایی کرده است. و هر کس دشمن را به سوی من رهنمون شود، جان مرا به خطر انداخته است. و هر کس که از نظر جانی خطری متوجه من کند، مشرک است.

و بدین ترتیب، خضر بن ابی صالح که مدت‌ها در طلب مقام مقدّس حضرت بقیة الله،

روحی له الفداء در شهرها و بلاد در جستجو بود، دست از این کار برداشته، به منزل خود بازگشت.

● همان گونه که خوانندگان ارجمند ملاحظه می‌فرمایند از این فرمان استفاده می‌شود که فحص و جستجو جهت پیدا کردن آن حضرت در زمان غیبت، جایز نیست. و البته هیچ‌کس در هر مقامی و دارای هر قدرتی که باشد امکان دسترسی به آن حضرت را نخواهد داشت و غرض، هدایت و راهنمایی دوستان است که راه رضا و تسلیم را ترک نکنند و تا روز موعود همچنان بسوزند و در انتظار آن آب حیات بسر برند. **اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ أَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ وَ انْتَقِمْ لَهُ مِنْ أَعْدَائِهِ**^۱.

۱. بار الها در فرج او تعجیل فرما و عدهات را در حق او محقق کن و از دشمنانش انتقام گیر. (ن.)

توقیع شریف حضرت بقیة الله (علیه السلام) به افتخاریکی از شیعیان

عَلِيُّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ، قَالَ وَ تَهَيَّأْتُ لِلْحَجِّ وَ دَدَعْتُ النَّاسَ وَ كُنْتُ عَلَى
 الْخُرُوجِ فَوَرَدَ: «نَحْنُ بِذَلِكَ كَارِهُونَ وَ الْأَمْرُ إِلَيْكَ» قَالَ فَضَاقَ
 صَدْرِي وَ اعْتَمَمْتُ وَ كَتَبْتُ أَنَا مُقِيمٌ عَلَى السَّمْعِ وَ الطَّاعَةِ غَيْرَ أَنِّي مُعْتَمِّمٌ
 بِتَخَلُّفِي عَنِ الْحَجِّ. فَوَقَعَ: «لَا يَضِيقَنَّ صَدْرَكَ فَإِنَّكَ سَتَحُجُّ مِنْ قَابِلٍ إِنْ
 شَاءَ اللَّهُ» قَالَ وَ لَمَّا كَانَ مِنْ قَابِلٍ كَتَبْتُ أُسْتَاذِي فَوَرَدَ الْإِذْنُ فَكَتَبْتُ أَنِّي
 عَادَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ الْعَبَّاسِ وَ أَنَا وَائِقٌ بِدِيَانَتِهِ وَ صِيَانَتِهِ فَوَرَدَ: «الْأَسَدِيُّ
 نِعْمَ الْعَدِيلُ، فَإِنْ قَدِمَ فَلَا تَخْتَرِ عَلَيْهِ» فَقَدِمَ الْأَسَدِيُّ وَ عَادَلْتُهُ!

علی [ناقل خبر] می‌گوید: پس از تصمیم و آماده شدن برای سفر حج و خداحافظی با دوستان و آشنایان، عازم حرکت بودم که از ناحیه مقدسه حضرت بقیة الله، روحی له الفداء، فرمانی رسید که: «ما از این سفر [حج] تو ناخشنودیم و کراهت داریم ولی موضوع موکول به تصمیم خودت می‌باشد.» و من که از این امر غمگین شده بودم با تقدیم عریضه‌ای خدمت حضرتش (علیه السلام) عرضه داشتم که دستورتان را اطاعت کرده، از این مسافرت منصرف گردیدم، ولی از عدم توفیق زیارت خانه خدا اندوهگین شده‌ام. در

پاسخ توقیعی شرف صدور یافت که: «دل‌تنگ مباش! به خواست خداوند سال آینده به حج خواهی رفت.»

در آستانه سال بعد، ضمن عریضه‌ای به حضور مبارکشان اجازه خواستم و مرحمت فرمودند. بار دیگر طی نامه دیگری معروض داشتم که در این سفر با محمد بن عباس که به دیانت و امانت وی اطمینان دارم همراه خواهم بود. در پاسخ فرمودند: «اسدی همراه خوبی است. اگر آمد، کسی را بر او ترجیح مده.» و متعاقباً شخص نامبرده آمد و با هم سفر حج رفتیم.

● همان‌گونه که خوانندگان گرامی ملاحظه می‌فرمایند حضرت بقیة الله، ارواحنا له الفداء، با لطف و عنایت خاصی همه برنامه‌های زندگی دوستان را تحت نظارت کامل دارند و مادی و معنوی آن را زیر نظر شامخ ولایت حفظ می‌فرمایند. نکته دیگر آنکه معنای ادب شیعه در مقابل امام معصوم همین است که در تمام مسائل مربوط به زندگی‌اش باید کسب اجازه کند.

توقیع مبارک حضرت امام زمان (ارواحنا له الفداء) به افتخار یکی از شیعیان

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ وَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ
جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ، قَالَ وَ جَرَى بَيْنَ قَوْمٍ مِنْ أَصْحَابِنَا مُجْتَمِعِينَ عَلَى كَلَامٍ
فِي مَجْلِسٍ فَكُتِبَ، عَلَيْهِ، إِلَى رَجُلٍ شَوْحَ مَا جَرَى فِي الْمَجْلِسِ.^۱

پدرم، رضی الله عنه، از سعد بن عبدالله نقل می‌کند که به طوری که ابوالحسن جعفر بن احمد برای من اظهار نمود، در مجلسی که میان جمعی از دوستان تشکیل شده بود، مطالبی مورد بحث قرار گرفت. حضرت بقیة الله، ارواحنا له الفداء، طی نامه‌ای به یکی از آنان که در مجلس شرکت داشت شرح آنچه در آن جمع و در آن مجلس گذشته بود، بیان فرمودند.

● آری، آن وجود مقدس همه چیز را می‌داند و بر همه چیز آگاهی دارند.

توقیع مبارک حضرت ولّی عصر (روحی له الفداء) در تأیید محمد بن عثمان عمری

عَنْ إِسْحَقَ بْنِ يَعْقُوبَ، قَالَ سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُثْمَانَ الْعُمَرِيَّ رَحِمَهُ اللَّهُ أَنْ
يُوصِلَ لِي كِتَاباً قَدْ سَأَلْتُ فِيهِ عَنْ مَسَائِلَ أَشْكَلْتُ عَلَيَّ فَوَقَعَ التَّوْقِيعُ
بِحَظِّ مَوْلَانَا صَاحِبِ الدَّارِ: «وَأَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ الْعُمَرِيَّ رَضِيَ اللَّهُ
عَنْهُ وَعَنْ أَبِيهِ مِنْ قَبْلُ، فَإِنَّهُ يُقْتَى وَكِتَابُهُ كِتَابِي»^١.

اسحاق بن یعقوب می‌گوید: در مورد برخی از مسائل که برای من به صورت مشکل باقی مانده بود از جناب محمد بن عثمان عمری، رحمة الله علیه، خواهش کردم که نامه و عریضه‌ام را تقدیم پیشگاه مقدسه حضرت بقیة الله امام زمان علیه السلام بنماید. سپس فرمانی به خط مولای عزیزمان حضرت صاحب الزمان علیه السلام به دست من رسید و طی آن فرموده بودند: «محمد بن عثمان - که خداوند از او و پدرش راضی باد - مورد اعتماد من و نامه او نامه من است.» (یعنی هر چه او جواب دهد، جواب من است.)

توقيع حضرت صاحب الامر (روحي له الفداء)
به افتخار اسحق بن يعقوب

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَعْقُوبَ، قَالَ سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُمَانَ الْعُمَرِيَّ رَحِمَهُ اللَّهُ -
أَنْ يُوَصِّلَ لِي كِتَابًا قَدْ سَأَلْتُ فِيهِ عَنْ مَسَائِلَ أَشْكَلَتْ عَلَيَّ فَوَرَدَ التَّوْقِيعُ
بِخَطِّ مَوْلَانَا صَاحِبِ الدَّارِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«أَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ، أَرَشَدَ اللَّهُ وَتَيَسَّرَكَ مِنْ أَمْرِ الْمُتَنَكِّرِينَ لِي مِنْ أَهْلِ
بَيْتِنَا وَبَنِي عَمَّنَا فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَبَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ، وَمَنْ
أَتَكَرَنِي فَلَيْسَ مِنِّي وَ سَبِيلُهُ سَبِيلُ ابْنِ نُوحٍ وَ أَمَا سَبِيلُ عَمِّي جَعْفَرٍ وَ
وَلَدِهِ فَسَبِيلُ إِخْوَةِ يُوشَعَ عَلَى بَيْتِنَا وَ آلِهِ وَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَمَا الْفُقَاعُ
فَشُرُوبُهُ حَرَامٌ وَ لَا بَأْسَ بِالسَّلْمَابِ. وَ أَمَا أَمْوَالُكُمْ فَمَا تَقْبَلُهَا إِلَّا لِتَطْهَرُوا،
فَمَنْ شَاءَ فَلْيَصِلْ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيَقْطَعْ، فَمَا آتَانَا اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ، وَ أَمَا
ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، كَذَبَ الْوَقَّاثُونَ، وَ أَمَا قَوْلُ مَنْ رَعِمَ
أَنَّ الْخُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يُقْتَلْ، فَكُفِّرْ وَ تَكْذِيبٌ وَ ضَلَالٌ.

وَ أَمَا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي
عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ.

اسحق بن یعقوب می‌گوید: در مورد برخی از مسائل که برای من مشکل شده بود توسط جناب محمد بن عثمان - که خدا از او و پدرش راضی باد - [نایب خاص حضرت بقیة الله، عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت صغری] عریضه‌ای به پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر، روحی له الفداء، تقدیم داشتم که جوابی از ناحیه مقدسه حضرت واصل شد بدین شرح:

خداوندا تو را به حق هدایت کند و ثابت قدم بدارد.

اما در خصوص انکار وجود من از طرف برخی از خویشاوندان (عموها و غیره)، بدان که میان خداوند متعال و بندگانش قرابت و خویشاوندی نیست و هر کس که مرا انکار کند از من نیست و راه او راه پسر نوح است (از ما نیستند).

در مورد عمویم جعفر و فرزندانش، وضع آنان همانند برادران یوسف علی نبینا و آله و علیهم السلام است. (هم ممکن است مورد غفو حضرت قرار گیرند، چنان که حضرت یوسف به برادرانش گفت «لَا تُتْرَبَ عَلَیْكُمْ الْیَوْمَ»^۱ و هم ممکن است توبه کنند، چنان که بعداً توبه کردند.) خوردن و استعمال فقاع (آبجو) حرام است، ولی نوشیدن «شلماب» مانعی ندارد. (شلماب شربتی است که از شلغم تهیه می‌شود.)

اما اینکه اموال شما را قبول می‌کنیم این است که اموال شما پاک بنا بر این، هر کس که می‌خواهد اموالش پاک شود بدهد و هر کس که نمی‌خواهد، ندهد. آنچه خداوند به ما عطا فرموده از آنچه شما می‌دهید بهتر است. (ما نیازی به اموال شما نداریم.) اما وقت ظهور ما موکول و منوط به اراده خداوند، عزوجل، است و هر کس برای ظهور ما وقت تعیین کند، دروغ گفته است.

و اما کسانی که پنداشته‌اند امام حسین علیه السلام کشته نشده کفر و گمراهی است. (گویندگان کافر و گمراهند.)

اما در مورد مسائل و حوادث جدیدی که برای شما پیدا می‌شود، به کسانی که احادیث ما را روایت می‌کنند رجوع کنید. (به کسانی که سخنان ما خاندان رسالت را برای شما می‌گویند مراجعه کنید و نه به کسانی که از خودشان در می‌آوردند.) و این دسته حجّت من بر شمایند و من حجّت خدا بر همه شما هستم.

وَأَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَانَ الْعُمَرَى - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَعَنْ أَبِيهِ مِنْ قَبْلُ، فَإِنَّهُ
ثَقَتَى وَكِتَابُهُ كِتَابِي.

وَأَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارِ الْأَهْوَازِيِّ فَسَيُضْلِحُ اللَّهُ قَلْبَهُ وَ يُزِيلُ عَنْهُ
شَكَّهُ.

وَأَمَّا مَا وَصَلْتَنَا بِهِ، فَلَا قَبُولَ عِنْدَنَا إِلَّا لِمَا طَابَ وَطَهَرَ، وَتَمَنُّ الْمُعْتَبَةِ حَرَامٌ.
وَأَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ شَادَانَ بْنِ نَعِيمٍ، فَإِنَّهُ رَجُلٌ مِنْ شِيعَتِنَا أَهْلُ الْبَيْتِ.

وَأَمَّا أَبُو الْخَطَّابِ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي زَيْنَبِ الْأَجْدَعِ مَلْعُونٌ وَأَصْحَابُهُ
مَلْعُونُونَ، فَلَا تُجَالِسْ أَهْلَ مَقَالَتِهِمْ وَ إِنِّي مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَ آبَائِي عَلَيْهِمُ
السَّلَامُ مِنْهُمْ بَرءٌ أَمْ.

وَأَمَّا الْمُتَلَبِّسُونَ بِأَمْوَالِنَا، فَمَنْ اسْتَحَلَّ مِنْهَا شَيْئًا فَآكَلَهُ فَإِنَّمَا يَأْكُلُ
التَّيْرَانَ.

وَأَمَّا الْخُمْسُ فَقَدْ أُبِيحَ لِشِيعَتِنَا وَ جُعِلُوا مِنْهُ فِي حِلٍّ أَلَى وَ قَتِ ظُهُورُ
أَمْرِنَا لِتَطْيِيبِ وَ لَادَتُهُمْ وَ لَا تُخْبِثُ.

وَأَمَّا نِدَامَةُ قَوْمٍ قَدْ شَكُّوا فِي دِينِ اللَّهِ عَلَيَّ مَا وَصَلُونَا بِهِ فَقَدْ أَقَلْنَا مِنْ
اسْتِقَالٍ وَ لَا حَاجَةَ لَنَا فِي صَلَةِ الشَّاكِينَ.

وَأَمَّا عَلَّةٌ مَا وَقَعَ مِنَ الْعُيُوبَةِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدِّلَكُمْ تَسْؤُكُمْ »^١

إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِطَاعِيَةِ زَمَانِهِ وَ إِنِّي
أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَ لَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاعِيَةِ فِي عُنُقِي.

و اما محمد بن عثمان عمری - که خداوند از او و پدرش راضی باد - مورد اعتماد من و نوشته و نامه او، نامه من است.

● آری، خواننده ارجمند! انسان در سایه پرهیزگاری و تقوی به جایی می‌رسد که

تالی تلو معصوم می‌شود: «فَأِنَّهُ تَقَتَّى وَ كِتَابُهُ كِتَابِي».

در خصوص محمد بن علی بن مهزیار اهوازی به زودی قلب او اصلاح می‌گردد و شک از دلش بیرون می‌رود.

و اما اموالی که برای ما فرستادی، ما آنها را قبول نمی‌کنیم، چون از حرام است و باید از حرام پاک شود.

در مورد محمد بن شاذان سؤال کرده بودی. او از شیعیان ما اهل بیت است.

اما ابوالخطاب محمد فرزند ابی زینب الاجدع و اصحابش ملعونند. با آنها معاشرت نکن و من از آنها بیزارم و پدران گرامی ام بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ از آنها بیزار بودند.

و اما در مورد کسانی که اموال ما را می‌خورند، اگر بر سبیل انکار باشد و حلال بدانند با خوردن اموال ما، شکمهای خود را از آتش جهنم پُر می‌کنند.

در مورد حُمس، آن را تا هنگام ظهور بر شیعیان خود حلال کردیم تا فرزندان آنها پاکیزه متولد شده، به دنیا بیایند. (یعنی از مال مشتهه تغذیه نکنند که در نتیجه فرزندان آنها ناپاک باشند).

در مورد شک و تردید عده‌ای در دین خدا و پشیمانی آنها از اموالی که برای ما ارسال نموده‌اند، باید بدانند که ما احتیاجی به اموال آنها نداریم.

در خصوص علت غیبت سؤال کرده بودید. خداوند متعال در قرآن کریمش می‌فرماید: «ای اهل ایمان! از چیزهایی که جواب آنها را نمی‌توانید تحمل کنید و ناراحت می‌شوید، سؤال نکنید.»

بدانید که هر کدام از پدران و اجداد من بیعت یکی از طاغوت‌های زمان خویش را به گردن داشتند؛ ولی من وقتی قیام می‌کنم، بیعت هیچ‌یک از گردن‌کشان و طاغوت‌های زمان را بر گردن ندارم.

وَأَمَّا وَجْهَ الْإِنْتِفَاعِ فِي غَيْبِي فَكَأَلِإِنْتِفَاعِ بِالسَّمْسِ إِذَا غَبِيَتْهَا عَنِ
 الْأَبْصَارِ السَّحَابُ وَإِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ
 السَّمَاءِ، فَأَغْلِقُوا السُّؤَالَ عَمَلًا يَغْنِيكُمْ وَلَا تَتَكَلَّفُوا عَلَيَّ مَا قَدْ كَفَيْتُمْ وَ
 اكْتَبِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 إِسْحَقَ بْنَ يَعْقُوبَ وَعَلَى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى.^۱

اما نحوه استفاده و انتفاع از وجود من در زمان غیبت کبری همانند استفاده از خورشید در یک روز ابری است. (یعنی اگرچه خورشید در زیر ابرهای متراکم پنهان است ولی از نور و حرارت آن همگان استفاده می‌کنند و اگر همان نباشد دیگر روز نیست و چون شب تار است.)

آگاه باشید که وجود من، موجب بقای کره زمین و امان برای همه مخلوقات است همچنانکه ستارگان موجب امان اهل آسمانند. بنابراین درهای سؤال را بر آنچه برای شما سودی ندارد و آن را از شما نخواسته‌اند، ببندید.)

برای تعجیل در امر ظهور و فرج ما بسیار دعا کنید که فرج شما در همین دعا کردن است. و سلام بر تو ای اسحاق بن یعقوب و بر هر که راه هدایت در پیش گیرد.

● خواننده عزیز! در مورد جمله مبارکه «وَ اكْتَبُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ» دو نکته لازم به ذکر است: یکی آنکه امر به دعا کردن بسیار برای تعجیل فرج شده و بنا به گفتهٔ علما و دانشمندان، امر ظاهر در وجوب است، و دیگر «اکثروا» - بسیار - باید دعا کرد و نهایی برای آن نیست. بنابراین، باید «زیاد» و «همیشه» دعا کرد.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ.

خبر دادن حضرت صاحب الامر علیه السلام از مرگ محمد بن زیاد

كَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادٍ الصَّمِيرِيُّ يَسْأَلُ صَاحِبَ الزَّمَانِ عَجَلَ اللَّهُ فَرْجَهُ كَفَنًا
يَتَيَّمَنُ بِمَا يَكُونُ مِنْ عِنْدِهِ فَوَرَدَ أَنَّكَ تَحْتَاجُ إِلَيْهِ سَنَةً إِحْدَى وَثَمَانِينَ.

فَمَاتَ رَحِمَهُ اللَّهُ - فِي الْوَقْتِ الَّذِي حَدَّثَهُ وَبَعَثَ إِلَيْهِ بِالْكَفَنِ قَبْلَ مَوْتِهِ

بِشَهْرِ ١

محمد بن زیاد صمیری از پیشگاه مقدس ولی عصر، ارواحنا له الفداء، کفنی تقاضا نمود تا به برکت آن از عذاب محفوظ باشد. آن حضرت، روحی له الفداء، در جوابش فرمودند: تو در سال هشتاد و یک به کفن احتیاج پیدا خواهی کرد. و همین طور هم شد و او در سال هشتاد و یک وفات نمود (همان سالی که آن حضرت، عجل الله فرجه، فرموده بودند) و یک ماه پیش از وفات وی از ناحیه مقدسه حضرت امام زمان علیه السلام کفن به محمد بن زیاد رسید.

● خداوند تبارک و تعالی از این کفنها نصیب بنده روسیاه نویسنده و شما خوانندگان

عزیز نیز بفرماید. آمین یا رب العالمین.

توقیع حضرت بقیة الله (روحی له الفداء) برای جمعی از شیعیان

توسط جناب محمدبن عثمان نایب خاص حضرت مهدی علیه السلام

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى هُوَ الَّذِي خَلَقَ الْأَجْسَامَ وَ قَسَمَ الْأَرْزَاقَ لِأَنَّهُ لَيْسَ بِجِسْمٍ وَ
لَا حَالٌ فِي جِسْمٍ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَ أَمَّا الْأَيْمَةُ
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَإِنَّهُمْ يَسْأَلُونَ اللَّهَ تَعَالَى فَيَخْلُقُ وَ يَسْأَلُونَهُ فَيَرْزُقُ إِجَاباً
لِمَسْئَلَتِهِمْ وَ إِعْظَاماً لِحَقِّهِمْ^۱.

میان جمعی از شیعیان در مورد نقش ائمه: درباره خلقت موجودات
اختلافی پدید آمد که خلاصه ماجرا بدین شرح است: برخی از آنان
می‌گفتند ائمه: خلق می‌کنند و روزی می‌دهند. عده دیگری معتقد بودند
که غیر از ذات باری تعالی، محال است کس دیگری بتواند موجودی را
خلق کند. گروه دیگری را عقیده این بود که خداوند متعال به ائمه قدرت
می‌دهد تا خلق کنند و روزی بدهند. دامنه اختلاف بالا گرفت و بالآخره
پیشنهاد شد به جناب محمد عثمان نایب خاص حضرت بقیة الله،
عجل الله تعالی فرجه الشریف، مراجعه کنند و توسط ایشان عریضه‌ای

به پیشگاه مقدّس امام زمان روحی له الفداء تقدیم دارند. پاسخ رسید که:

«خداوند متعال آفرینندهٔ تمامی مخلوقات و روزی دهندهٔ همهٔ آنهاست. او جسم نیست و مثل و مانند ندارد و شنوا و داناست. اما ائمهٔ معصومین، سلام الله علیهم اجمعین، سؤال و درخواست می‌کنند و خداوند موجودات را خلق می‌کند و از ذات مقدّس او تقاضا می‌کنند و او به خاطر احترام و مقامات عالیّهٔ آنان، اجابت فرموده، روزی می‌دهد.»

● آری، این است نقش ائمهٔ هدی، سلام الله علیهم اجمعین، در عالم خلقت.

توقیع مبارک حضرت صاحب الامر (ارواحنا له الفداء) به افتخار جمعی از شیعیان

تَشَاخَرُ ابْنُ أَبِي غَانِمٍ الْقَزْوِينِيُّ وَ جَمَاعَةٌ مِنَ الشَّيْعَةِ فِي الْخَلْفِ فَذَكَرَ
ابْنُ أَبِي غَانِمٍ أَنَّ أَبَا مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَضَى وَ لَا خَلْفَ لَهُ. ثُمَّ إِنَّهُمْ كَتَبُوا
فِي ذَلِكَ كِتَابًا وَ أَنْفَذُوهُ إِلَى النَّاجِيَةِ وَ أَعْلَمُوهُ بِمَا تَشَاخَرُوا فِيهِ، فَوَرَدَ
جَوَابُ كِتَابِهِمْ بِخَطِّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ السَّلَامِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَافَانَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ الْفِتَنِ وَ وَهَبَ
لَنَا وَ لَكُمْ رُوحَ الْيَقِينِ وَ آجَارَنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنْ سُوءِ الْمُنْقَلَبِ. إِنَّهُ أَنْهَى إِلَيَّ

میان جماعتی از شیعیان و پسر ابی غانم قزوینی در مورد جانشینی
حضرت امام حسن عسکری علیه السلام اختلاف افتاد. پسر ابی غانم گفت:
امام حسن عسکری علیه السلام در حالی که فرزندی پس از خودشان نداشتند
[بدون یادگار و جانشین] درگذشتند. سپس [توسط یکی از نواب
خاص] عریضه‌ای به پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر ارواحنا له
الفداء تقدیم نمودند. در پاسخ حضرت بقیة الله علیه السلام چنین فرمودند:

به نام خداوند بخشننده مهربان. خداوند همه ما و شما را از گمراهی و فتنه‌ها با
عافیت نجات دهد و به ما و شما روح یقین [به خداوند و رسول و قرآنش] عنایت
فرموده، از بداندیشی در انتخاب راه زندگی و تحوّل به سوی بدیها در پناه
خودش حفظ فرماید. به من خبر رسید که گروهی از شما درباره ولی امر

اَزِيَابُ جَمَاعَةٍ مِنْكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَا دَخَلَهُمْ مِنَ الشُّكِّ وَ الْخَيْرِ فِي
 وَاوَّلِ اَمْرِهِمْ، فَعَمْنَا ذٰلِكَ لَكُمْ لَنَا وَ سَاءَنَا فِيكُمْ لَا فِينَا.
 لِأَنَّ اللَّهَ مَعَنَا وَ لَا فَاقَةَ بِنَا إِلَى غَيْرِهِ وَ الْحَقُّ مَعَنَا فَلَنْ يُوحِشَنَا مَنْ قَعَدَ عَنَّا
 وَ نَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنَا وَ الْخَلْقُ بَعْدُ صَنَائِعُنَا.
 يَا هُوَلَاءِ، مَا لَكُمْ فِي الرَّيْبِ تَتَرَدَّدُونَ وَ فِي الْخَيْرِ تَنْعَكُسُونَ. أَوْ مَا
 سَمِعْتُمْ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا
 الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ.»^١
 أَوْ مَا عَلِمْتُمْ مَا جَاءَتْ بِهِ الْأَنْبَاءُ مِمَّا يَكُونُ وَ يَخْدُثُ فِي أَسْتَكْتُمُ عَنِ
 الْمَاضِيْنَ وَ الْبَاقِيْنَ مِنْهُمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.
 أَوْ مَا رَأَيْتُمْ كَيْفَ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ مَعَاقِلَ تَأْوُونَ إِلَيْهَا وَ أَعْلَامًا تَهْتَدُونَ بِهَا
 مِنْ لَدُنْ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَنْ ظَهَرَ الْمَاضِي ﷺ؛ كَلَّمَا غَابَ عِلْمُ
 بَدَاعِلُمْ وَ إِذَا أَقْلَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ فَلَمَّا قَبِضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى
 أَبْطَلَ دِينَهُ وَ قَطَعَ السَّبَبَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ، كَلَّا، مَا كَانَ ذٰلِكَ وَ لَا يَكُونُ
 حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ وَ يَظْهَرَ أَمْرُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ هُمْ كَارِهِوْنَ.

و امام زمان خویش دچار شک و حیرت شده‌اید. از این جهت غمگین شدم ولی نه برای خودم بلکه برای شما، و ناراحت شدم البتّه برای خود شما نه برای ما.

زیرا خداوند متعال با ماست و ما به جز ذات مقدّس وی به چیزی نیاز نداریم و حقّ همه جا با ماست. بنابراین، اگر گروهی [یا همهٔ مردم دنیا] با ما قطع رابطه کنند، هرگز در ما وحشتی ایجاد نمی‌کند. برای چه و به چه جهت دچار وحشت شویم در حالی که خداوند متعال، ما خاندان رسالت و امامت را به ید قدرت خویش خلق و در مکتب مخصوص خود تربیت فرموده است و همهٔ موجودات به طفیل وجود ما و یا بر حسب خواست ما آفریده شده‌اند؟

ای گروه شیعه! چه موجب شده است که در وجود ما شک و تردید کنید و در حیرت باشید؟ آیا فرمایش خداوند متعال را در قرآن کریم نشنیده‌اید که فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! فرمان خداوند و رسول گرامی او و صاحبان امر [ولایت] را اطاعت کنید»؟

آیا از آثار و جود وی و اخبار آنچه که برای ائمهٔ معصومین شما علیهم‌السلام از گذشتگان و آنان که باقی هستند پیش آمده است و روایات ایشان بی اطلاع‌اید و نمی‌دانید؟ (شیعه باید از آنچه برای ائمهٔ سلام الله علیهم اجمعین پیش آمده است، اگر چه به طور اختصار و اجمال، آگاهی داشته باشد و از این رهگذر ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام را بشناسد.)

آیا ندیدید خداوند متعال چگونه از بدو خلقت آدم علیه‌السلام پناهگاه و معقل و پرچمهای هدایتی برای شما قرار داد؟ (کنایه از سلسلهٔ جلیلهٔ انبیاء و اولیاء علیهم‌السلام است.) هرگاه یکی از پرچمهای هدایت به زمین می‌افتاد پرچمی دیگری به اهتزاز در می‌آمد و هر زمان که یکی از ستارگان درخشان آسمان توحید و نبوت و امامت غروب می‌کرد ستارهٔ فروزان دیگری به جای او طلوع می‌نمود. پس آنگاه که پدرم از دنیا رفت گمان کردید که خداوند بزرگ دین خود را باطل و بی‌سرپرست گذاشته و رشتهٔ ارتباط بین خود و مخلوقاتش را قطع کرده است. نه چنین است. نه در گذشته این طور شده و نه در آینده این طور خواهد شد، بلکه ارتباط میان خداوند و مخلوقاتش تا روز قیامت همواره برقرار خواهد بود، اگرچه دشمنان خداوند از این امر کراهت داشته و ناراحت باشند.

وَإِنَّ الْمَاضِيَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَضَى سَعِيداً فَقِيداً عَلَى مِنْهَاجِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ
السَّلَامُ خَذُوا النَّغْلَ بِالنَّغْلِ، وَفِينَا وَصِيَّتُهُ وَعِلْمُهُ، وَمَنْ هُوَ خَلْفُهُ وَمَنْ
هُوَ يَسُدُّ مَسَدَهُ، لَا يُنَازِعُنَا مَوْضِعَهُ إِلَّا ظَالِمٌ آثِمٌ، وَلَا يَدْعِيهِ دُونَنَا إِلَّا
جَاحِدٌ كَافِرٌ، وَ لَوْ لَا أَنَّ أَمَرَ اللَّهِ تَعَالَى لَا يُغْلَبُ وَلَا يَرُوهُ لَا يُظْهَرُ وَلَا يُغْلَبُ
لَظَهَرَ لَكُمْ مِنْ حَقِّنَا مَا تَبَيَّنُ مِنْهُ عُقُوبَتُكُمْ وَيُرِيلُ شُكْرَكُمْ، لَكِنَّهُ مَا شَاءَ
اللَّهُ كَانَ وَ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ سَلِّمُوا لَنَا وَ رُدُّوا الْأَمْرَ إِلَيْنَا فَعَلَيْنَا
الْبَاطِلَ كَمَا كَانَ مِثْلَ الْأَيْرَادِ.

وَلَا تُحَاوِلُوا كَشْفَ مَا عُطِيَ عَنْكُمْ، وَلَا تَمِيلُوا عَنِ الْيَمِينِ وَ تَعْدِلُوا إِلَى
الشَّمَالِ وَ اجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى الشُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ فَقَدْ نَصَحْتُ
لَكُمْ وَاللَّهُ شَاهِدٌ عَلَيَّ وَ عَلَيْكُمْ وَ لَوْلَا مَا عِنْدَنَا مِنْ مَحَبَّةٍ صَلَاحِكُمْ وَ
رَحْمَتِكُمْ وَالْإِشْفَاقِ عَلَيْكُمْ، لَكُنَّا عَنْ مُخَاطَبَتِكُمْ فِي شُعْلِ فِيمَا قَدْ امْتَحِنْتُ
بِهِ مِنْ مُنَازَعَةِ الظَّالِمِ العُتْلُ الطَّالِّ الْمُتَتَابِعِ فِي غَيْبِهِ. الْمُضَادُّ لِرَبِّهِ،
الدَّاعِي مَا لَيْسَ لَهُ، الْجَاحِدِ حَقٌّ مَنِ افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ، الظَّالِمِ العَاصِبِ
وَ فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لِي أُسُوةٌ حَسَنَةً. وَ سَيُزِدِي
الْجَاهِلُ رِدَاءَةَ عَمَلِهِ وَ سَيَعْلَمُ الْكَافِرُ لِمَنْ عُقْبَتِي الدَّارِ. عَصَمْنَا اللَّهُ وَ
إِتَاكُمْ مِنَ الْمَهَالِكِ وَ الْأَسْوَاءِ وَ الْآفَاتِ وَ الْعَاهَاتِ

پدرم حضرت امام حسن عسکری علیه السلام سعادتمندانه و در حالی که روش آباء و اجداد گرامی‌اش را دقیقاً در زندگی خویش و همهٔ مردم پیاده فرمود، از این جهان در گذشت. وصایا و علم آن حضرت در نزد ماست که جانشین و ادامه دهندهٔ راه او هستیم. هر کس که در امر امامت با ما منازعه کند، ستمگر و گناهکار است و هر که این مقام را ادعا کند کافر است. و اگر نه این بود که امر خداوند بر همه غالب است و سر بزرگ الهی نباید فاش گردد، مسلماً ما حق خود را بر شما چنان ظاهر می‌کردیم که عقل شما آن را درک کرده، شک و تردیدتان از بین برود. و البته هر چه که خداوند اراده فرموده، همان خواهد شد. برای هر مدتی، کتاب مخصوصی است [که در عالم غیب نوشته شده است.] (شاید اشاره به مدّت غیبت و زمان ظهور باشد که خداوند به آن آگاه است و البته خود آقا، حضرت بقیّه الله، روحی له الفداء، هم می‌دانند که چه زمانی ظهور خواهند کرد و باید بدانند.)

از خدا بترسید و تقویٰ پیشه کنید و امر [امامت] را به ما واگذارید که صدور آن بر ماست همان گونه که همهٔ لطفهای آن از جانب ماست (تمام خیرات از جانب ماست).

در برداشتن پرده از اسراری که بر شما پوشیده است، نکوشید و از راه راست منحرف نشوید و به سمت راست و چپ متمایل نگردید. هدف و مقصد خود را بر اساس دوستی و محبت با ما قرار دهید (یعنی هدف شما، ما باشیم) و راه روشن را دنبال کنید. آنچه لازمهٔ محبت و نصیحت بود به شما گفتم و خداوند بر من و شما گواه است. و اگر نسبت به شما محبت نداشتیم و به خاطر ترحم و شفقت نبود، حتماً سخن گفتن با شما را ترک می‌کردیم. و البته که تعدّی ستمگران پرخور به حقوق ما، برای امتحان، است.

آن ستمگری که در مقابل خداوند بزرگ سرکشی کرد و مدّعی مقامی شد که برای او نبود [و ادّعی امامت کرد] (شاید اشاره به ادّعی جعفر باشد) و در مقابل کسی که اطاعت از او واجب بود، ایستاد. و در جریان غضب حقّ مسلم دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله (غضب فدک) برای من یک نوع تأسی و پیروی وجود دارد و آن نادان به زودی نتیجهٔ عمل پست خود را خواهد دید و کفّار نیز جایگاه خود را در

كُلُّهَا بِرَحْمَتِهِ فَإِنَّهُ وَلِيُّ ذَلِكَ وَالْقَادِرُ عَلَى مَا يَشَاءُ وَكَانَ لَنَا وَلكُمْ وَلِيًّا
 وَحَافِظًا وَالسَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ وَالْأَوْلِيَاءِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ
 اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا^۱.

جهنم خواهند دید. خداوند ما و شما را از جمیع بلیات و آفات و بدیها محفوظ دارد، و او بر همه چیز تواناست و او نگهبان و حافظ ما است. و بر همه اوصیا و اولیا و بندگان صالح خداوند به ویژه بر محمد و خاندان پاک او سلام و درود باد.

۱. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۷۲.

توقیع مبارک حضرت بقیة الله (روحی له الفداء)
به جناب احمد بن اسحق

قالَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ: كَتَبَ إِلَيْهِ جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ كِتَاباً أَنَّ عِنْدَهُ مِنْ عِلْمِ
الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ مَا يُخْتاجُ إِلَيْهِ وَغَيْرَ ذَلِكَ مِنَ الْعُلُومِ كُلِّهَا. قَالَ
أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ فَلَمَّا قَرَأْتُ الْكِتَابَ كَتَبْتُ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ
السَّلَامُ وَصَيَّرْتُ كِتَابَ جَعْفَرٍ فِي دَرَجِهِ، فَخَرَجَ الْجَوَابُ إِلَيَّ ذَلِكَ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَتَانِي كِتَابُكَ أَتَّفَاكَ اللَّهُ، وَالْكِتَابُ الَّذِي أَنْفَذْتَهُ دَرَجَةً وَ أَحَاطَتْ

احمد بن اسحق می گوید: از جعفر بن علی نامه ای به دست من رسید
که طی آن ادعا کرده بود به علیه دین (حلال و حرام) و نیز کلیه علوم و
آنچه که مردم بدان نیازمندند، آگاهی دارد. پس از اینکه نامه را خواندم،
عریضه ای به پیشگاه مقدس حضرت امام عصر، روحی له الفداء،
نگاشته، نامه جعفر را نیز در جوف آن قرار دادم. متعاقباً از ناحیه مقدسه
جوابی بدین شرح واصل شد:

به نام خداوند بخشاینده مهربان

خداوند تو را پایدار بدارد. نامه تو و ضمیمه آن (نامه جعفر) به من رسید و از مضمون
آن که با اختلاف الفاظ و اشتباهات بسیار توأم بود، مطلع شدم و اگر شما هم دقت کرده

مَعْرِفَتِي بِجَمِيعِ مَا تَضَمَّنَتْهُ عَلَى اخْتِلَافِ الْفَاطِيهِ وَ تَكَرُّرِ الْخَطِيءِ فِيهِ، وَ لَوْ
تَدَبَّرْتَهُ لَوَقَفْتَ عَلَى بَعْضِ مَا وَقَفْتُ عَلَيْهِ مِنْهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
حَمْدًا لَا شَرِيكَ لَهُ عَلَى إِحْسَانِهِ إِلَيْنَا، وَ فَضْلِهِ عَلَيْنَا، أَبِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
لِلْحَقِّ الْأَيْمَانًا.

وَ لِلْبَاطِلِ إِلَّا ذُھُوقًا وَ هُوَ شَاهِدٌ بِمَا أَذْكَرُهُ وَ لِي عَلَيْكُمْ بِمَا أَقُولُهُ إِذَا
اجْتَمَعْنَا لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَ يَسْأَلُنَا عَمَّا نَخْنُ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ. أَنَّهُ لَمْ يَجْعَلْ
لِصَاحِبِ الْكِتَابِ عَلَى الْمَكْتُوبِ إِلَيْهِ وَ لَا عَلَيْكَ وَ لَا عَلَى أَحَدٍ مِنْ
الْخَلْقِ جَمِيعًا إِمَامَةً مُفْتَرَضَةً وَ لَا طَاعَةً وَ لَا ذِمَّةً وَ سَأَيِّبُ لَكُمْ جُمْلَةً
تَكْتَفُونَ بِهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

يَا هَذَا، يَرُوحُكَ اللَّهُ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَخْلُقِ الْخَلْقَ عَبَثًا وَ لَا أَهْمَلَهُمْ
سُدًى بَلْ خَلَقَهُمْ بِقَدَرْتِهِ وَ جَعَلَ لَهُمْ أَسْمَاعًا وَ أَبْصَارًا وَ قُلُوبًا وَ أَلْبَابًا ثُمَّ
بَعَثَ إِلَيْهِمُ النَّبِيَّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ، يَأْمُرُونَهُمْ بِطَاعَتِهِ
وَ يَنْهَوْنَهُمْ عَنِ مَعْصِيَتِهِ وَ يُعَرِّفُونَهُمْ مَا جَهَلُوهُ مِنْ أَمْرِ خَالِقِهِمْ وَ دِينِهِمْ وَ
أَنْزَلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا.

بودید به برخی از آنها آگاه می‌شدید. حمد و ثنا مختص ذات پاک خداوند متعال، پروردگار جهانیان است که برای او شریکی در احسان وی نسبت به ما و فضلش بر ما نیست. خداوند عزوجل، مقدر و معین فرموده است که حقّ به مرحله‌نهایی و کمال خود برسد. (پرچم حقّ در سراسر جهان هستی به دست ما به اهتزاز در آید.)

و خداوند اراده فرموده است که باطل از بین برود. و او بر آنچه بیان نمودم گواه است و آنچه که تذکر می‌دهم در روز قیامت بر شما حجّت خواهد بود و از آنچه که در آن اختلاف داشتیم سؤال خواهد کرد. خداوند، برای صاحب آن نامه (جعفر) هیچ‌گونه مقام و حقّی بر ما و شما و بر دیگر مخلوقات قرار نداده است و اطاعت او واجب نیست (آنچه در نامه‌اش ادّعا کرده، همگی دروغ است) و من طیّ یک جمله مطلب را به نحو کافی و کامل بیان خواهم کرد. ان شاء الله.

ای احمدبن اسحق! خداوند تو را از رحمت بی‌نهایتش بهره‌مند سازد. خداوند متعالی خلایق را بیهوده نیافریده و آنان را مهمل نگذاشته است، بلکه آنان را به قدرت کامله خویش آفریده (زیر بنای خلقت عالم هستی و موجودات، قدرت بی‌پایان خداوندی است) و برای رسیدن به کمال واقعی، اسباب تکامل را به آنان مرحمت فرموده است؛ از جمله برای شنیدن حقایق، گوش و برای دیدن آیات الهی، چشم و برای درک حقایق و تمیز باطل از حقّ، قلب و عقل عنایت فرمود [و اینها راهنمایان باطنی هستند] و سپس سلسله جلیل انبیاء علیهم‌السلام را برانگیخت که به نعمتهای او در آخرت و الطاف وی در این دنیا بشارت دهند و از عذاب او مردم را بترسانند و افراد جامعه را به اطاعت و فرمان‌برداری از خداوند دستور دهند و از نافرمانی و مخالفت وی بر حذر دارند و آنچه که در شناخت خداوند و دین مقدّس اسلام مؤثر است در اختیارشان قرار داده تا با عوامل جهل و نادانی مبارزه کنند. و از دیگر الطاف بزرگ الهی، فرو فرستادن قرآن کریم است که تمام موجبات خوشبختی و سعادت و همه عوامل بدبختی و شقاوت را بیان می‌دارد.

وَبَعَثَ إِلَيْهِمْ مَلَائِكَةً يَأْتِينَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَنْ بَعَثَهُمْ إِلَيْهِمْ بِالْفَضْلِ الَّذِي
 جَعَلَهُ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ وَمَا آتَاهُمْ مِنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَةِ وَ البراهينِ البَاهِرَةِ وَ
 الآيَاتِ الْعَالِيَةِ فَمِنْهُمْ مَنْ جَعَلَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَ سَلَامًا وَ اتَّخَذَهُ خَلِيلًا وَ
 مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَهُ تَكْلِيمًا وَ جَعَلَ عَصَاهُ تُعْبَانًا مُبِينًا وَ مِنْهُمْ مَنْ أَحْيَى
 الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أَبْرَأَ الْأَكْمَةَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ عَلَّمَهُ
 مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَ أَوْتَى مِنْ كُلِّ شَيْءٍ .

ثُمَّ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ وَ تَمَّمَ بِهِ نِعْمَتَهُ وَ
 خَتَمَ بِهِ أَنْبِيَاءَهُ وَ أَرْسَلَهُ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً وَ أَظْهَرَ مِنْ صِدْقِهِ مَا أَظْهَرَ وَ
 بَيَّنَّ مِنْ عِلْمَاتِهِ مَا بَيَّنَّ ثُمَّ قَبَضَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَمِيدًا فَقِيدًا
 سَعِيدًا وَ جَعَلَ الْأَمْرَ بَعْدَهُ إِلَى أَخِيهِ وَ ابْنِ عَمَّتِهِ وَ وَصِيَّتِهِ وَ وَارِثِهِ عَلِيَّ بْنَ
 أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ إِلَى الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهِ وَاجِدًا وَاجِدًا، أَخِي
 بِهِمْ دِينَهُ، وَ أَمَّ بِهِمْ نُورَهُ وَ جَعَلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ إِخْوَانِهِمْ وَ بَنِي عَمَّتِهِمْ وَ
 الْأَدْنِيِّينَ فَالْأَدْنِيِّينَ مِنْ ذَوِي أَرْحَامِهِمْ فُرْقَانًا بَيِّنًا يُعْرَفُ بِهِ الْحُجَّةُ مِنْ
 الْمَخْجُوجِ وَ الْإِمَامُ مِنَ الْمُتَأَمِّرِ بِأَنْ عَصَمَهُمْ مِنَ الذُّنُوبِ وَ بَرَّاهُمْ

دیگر از ابزار کمال، فرو فرستادن ملائکه است در میان مردم و کسانی که از طرف خداوند برای هدایت آنان مبعوث شده‌اند، که خود فضل الهی بر همه آنها (انبیاء و مردم) است. همچنین از نشانه‌های قدرت الهی آنکه دلایل و براهین منطقی و معجزاتی به وسیله انبیاء و پیامبران به منصفه ظهور رسیده است (هریک از پیامبران معجزه‌ای داشته‌اند که بدان وسیله دشمنان و منکران را مخدول و منکوب کرده‌اند)، از جمله برای برخی از آنان (حضرت ابراهیم علیه السلام) آتش را گلستان نمود و او را خلیل خویش قرار داد. با دیگری (حضرت موسی علی نبینا و آله و علیه السلام) سخن گفت و عصایش را ازدهایی مهیب نمود. پیامبر دیگری (حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام) با اجازه خداوند، مرده‌ها را زنده می‌نمود و بیماریها (پسی و جذام و غیره) را شفا می‌داد و به برخی دیگر از انبیاء (حضرت سلیمان علی نبینا و آله و علیه السلام) زبان حیوانات را آموخت و برای دستیابی به هر چیز، وسیله مناسب در اختیار آنها قرار می‌داد.

سپس حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به رسالت مبعوث فرمود و به وسیله او نعمت را تمام و نبوت و پیامبری را به او ختم نمود و وجود مقدسش را برای همه جهانیان رحمت و واسعة الهی قرار داد. آنچه که می‌باید، با راستگویی و صداقت ظاهر نمود و علائم و آیات و نشانه‌های قدرت خداوندی را آن گونه که لازم بود، بیان داشت و در حالی که تمام خوبیها که در سعادت هر انسانی مؤثر است در وجود گرامیش جمع بود، از این جهان رحلت فرمود و پس از او [خداوند بزرگ] امر اسلام و مسلمین و خلافت و امامت را به برادر، پسر عم، وصی و وارث وی علی بن ابی طالب و پس از آن حضرت، به فرزندانش یکی پس از دیگری سپرد تا با تعلیمات و راهنماییهای ائمه معصومین علیهم السلام دین خود را زنده و نور خود را تمام کند. و در میان فرزندان آن حضرت و برادران و پسر عموها و خویشان آنها تفاوت‌های روشن و آشکاری قرار داد تا امام از مأموم و حجت خدا از غیر او شناخته شوند.

آری، بدین طریق امام از مأموم و حجت خدا از کسی که باید از وی متابعت نماید شناخته شدند. برخی از امتیازات و برجستگی‌ها و ویژگی‌های ائمه معصومین به قرار زیر است:

مِنَ الْعُيُوبِ وَ طَهَّرَهُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَ نَزَّهَهُمْ مِنَ اللَّبِيسِ وَ جَعَلَهُمْ خُرَّانَ
عِلْمِهِ وَ مُشْتَوْدَعَ حِكْمَتِهِ وَ مَوْضِعَ سِرِّهِ وَ أَيْدَهُمْ بِالذَّلَائِلِ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ
لَكَانَ النَّاسُ عَلَى سَوَاءٍ وَ لَادَّعَى أَمْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كُلُّ أَحَدٍ وَ لَمَا عُرِفَ
الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ وَ لَأَ الْعَالِمُ مِنَ الْجَاهِلِ.

وَ قَدْ ادَّعَى هَذَا الْمُبْطِلُ الْمُفْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ بِمَا ادَّعَاهُ فَلَا أَدْرَى
بِأَيَّةِ حَالَةٍ هِيَ لَهُ رَجَاءٌ أَنْ يَتَمَّ دَعْوَاهُ، أَيْفَقِهِ فِي دِينِ اللَّهِ؟ فَوَ اللَّهِ مَا يَعْرِفُ
حَلَالًا مِنْ حَرَامٍ وَ لَا يَفْرُقُ بَيْنَ حَطَاٍ وَ صَوَابٍ أَمْ يَعْلَمُ؟ فَمَا يَعْلَمُ

۱. مقام عصمت دارند. (یعنی هرگز مرتکب گناه و خطا و لغزش نشوند و این به اختیار خود آنان است نه اینکه در ترک گناه مجبور باشند).
۲. جانشینان رسول اکرم ﷺ از تمام عیوب [ظاهری و باطنی] مبری و منزّه‌اند.
۳. برگزیدگان خدا و رسول او از تمام پلیدیها برکنارند.
۴. ذوات مقدّسه ائمه علیهم السلام از همه عوارض نفسانی به دورند.
۵. اوصیای رسول گرامی گنجینه‌های علوم خداوند بزرگند.
۶. حجت‌های خداوند پس از خاتم انبیاء ﷺ باید مرکز حکمت‌های الهی باشند.
۷. اوصیای دوازده‌گانه پیامبر بزرگ باید مرکز اسرار الهی باشند. (تمام اسرار عالم توحید در اختیار آنان است).

۸. این ذوات مقدّسه به وسیله دلایل و براهین و معجزات و کراماتی که خداوند متعال در اختیارشان قرار داده است مؤید به تأییدات الهی هستند و اگر این ویژگی‌ها را نداشتند با دیگران مساوی بودند و حقّ برتری از آنان سلب می‌شد.

● همان‌گونه که خوانندگان گرامی ملاحظه می‌فرمایند امتیازات و تجهیزات کوبنده‌ای که در هشت اصل فوق ذکر شد به شهادت دوست و دشمن در هیچ کس جز حضرت امیرالمؤمنین و یازده فرزندش ائمه معصومین، سلام الله علیهم اجمعین، وجود نداشته و ندارد. بنابراین فقط ذوات مقدّسه چهارده معصوم پاک علیهم السلام باید بر عالم و جهان حکومت کنند تا جهان انسانیت به سوی سعادت واقعی رهبری گردد. ان شاء الله تعالی این برنامه در حکومت عدالت‌پرور حضرت مهدی، بقیّة الله، روحی له الفداء، عملی خواهد شد.

با این تفصیل و خصوصیات اوصیای رسول اکرم ﷺ که برای شما نقل کردم، این پیرو باطل و دروغگو (جعفر و ادّعی باطل او) بر خداوند افترا بسته است. این شخص با امید به چه چیزی می‌خواهد این ادّعی عاری از حقیقت خود را ثابت کند؟ آیا با اطلاعاتی که در احکام الهی دارد؟ به خدا قسم این فرد آن قدر بی‌اطلاع است که حلال و

حَقًّا مِنْ بَاطِلٍ وَلَا مُحْكَمًا مِنْ مُشَابِهٍ وَلَا يَعْرِفُ حَدَّ الصَّلَاةِ وَوَقْتَهَا. أَمْ
بَوْرَعٍ، فَاللَّهُ شَنِيدٌ عَلَى تَرْكِهِ الصَّلَاةَ الْفَرَضَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا يُزَعَمُ ذَلِكَ
لِطَلْبِ الشُّعُودَةِ وَ لَعَلَّ حَبْرَهُ قَدْ تَأَدَّى إِلَيْكُمْ وَهَاتِيكَ ظُرُوفٌ مَسْكُورِهِ
مَنْصُوبَةٌ وَ آثَارٌ عِضَائِهِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَشْهُورَةٌ قَائِمَةٌ.

أَمْ بَيِّنَةٌ؟ فَلْيَأْتِ بِهَا. أَمْ بِحُجَّةٍ فَلْيَقِمْهَا. أَمْ بِدَلَالَةٍ فَلْيَدْكُزْهَا. قَالَ اللَّهُ
عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، حم تنزيلُ الْكِتَابِ مِنْ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ. مَا
خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ
كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مَعْرِضُونَ. قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أُرُونِي
مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ اثْنُونَ بِكِتَابٍ مِنْ
قَبْلِ هَذَا أَوْ آثَارَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُوا مِنْ
دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنِ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ وَ
إِذَا حُسِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَ كَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ»^١.

فَالْتَمِسْ، تَوَلَّى اللَّهُ تَوْفِيقَكَ، مِنْ هَذَا الظَّالِمِ مَا ذَكَرْتُ لَكَ وَ امْتَحِنُهُ وَ
سَلُهُ عَنْ آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ يُفَسِّرُهَا أَوْ صَلَاةٍ قَرِيبَةٍ يُبَيِّنُ خُدُودَهَا وَ مَا
يَجِبُ فِيهَا لِتَعْلَمَ حَالَهُ وَ مِقْدَارَهُ وَ يَظْهَرَ لَكَ عَوَارِضُهُ وَ نُفْسَانُهُ وَ اللَّهُ
حَسْبِيهِ،

حرام را نمی‌شناسد و میان بد و خوب فرق نمی‌گذارد. آیا به دانش خود تکیه دارد؟ او به قدری تهی دست است که حق و باطل را نمی‌شناسد، محکم و متشابه را نمی‌داند و از احکام نماز، حتی وقت آن آگاهی ندارد. آیا این مدعی فاقد صلاحیت، به ورع و تقوی خویش تکیه می‌کند؟ خداوند شاهد است که نماز واجب خویش را برای اینکه شعبده‌بازی یاد بگیرد ترک نموده است. حتماً از ظروف مشروب و آثار دیگری از گناهان او که مشهور است، اطلاع دارید.

آیا این شخص، برای اثبات مدّعی خود، آیه‌ای از قرآن یا حجّتی دارد؟ اگر این چنین است پس بیان کند و اگر دلیل دیگری دارد، بیاورد، چنان که خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است:

«به نام خداوند بخشنده مهربان این کتابی است نازل شده از سوی خداوند مقتدر حکیم. ما آسمانها و زمین و آنچه که در بین آسمانها و زمین است، همه را جز به حقّ و مدّتی که نام برده شده، نیافریدیم و آنها که کافر گشتند، از آنچه آنها را ترسانیدند، دوری گزینند. به آنها بگو به من نشان دهید آنهائی را که غیر از خدای یگانه می‌خوانند، چه چیز از زمین را آفریده‌اند؟ مگر در خلقت آسمانها شرکت داشته‌اند؟ کتابی را که پیش از این [قرآن] آمده باشد [و در آن نوشته باشد که آنها در خلقت آسمانها دخالت داشته‌اند] و یا علامتی که موجب یقین به این معنی باشد، اگر راستگو هستید، بیاورید. کیست گمراه‌تر از کسی که غیر از خدای یگانه را می‌خواند و تا روز قیامت دعایش مستجاب نمی‌شود؟ و آن خدایان باطل، از اینکه آنها را می‌خوانند غافلند. وقتی این مردم برانگیخته شدند، همین خدایان دشمن آنها خواهند بود و عبادت آنها را انکار می‌کنند.»

خداوند تو را توفیق دهد، آنچه برایت گفتم از این ستمکار ظالم بپرس و او را آزمایش کن. از یکی از آیات قرآن و تفسیر آن از وی سؤال نما و یا از نماز و شرایط آن از او باز پرس تا به معایب و کمبودهای او پی ببری و حال او را بدانی. و خداوند کفایت کننده است. خداوند حقّ را برای اهلش حفظ می‌کند و آن را در جایگاهش قرار می‌دهد.

حَفِظَ اللهُ الْحَقَّ عَلَى أَهْلِهِ، وَ أَقَرَّهُ فِي مُسْتَقَرِّهِ وَ قَدْ أَبَى اللهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ
تَكُونَ الْإِمَامَةُ فِي أَحْوَيْنِ بَعْدَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ إِذَا
إِذَنْ اللهُ لَنَا فِي الْقَوْلِ ظَهَرَ الْحَقُّ وَ أَضْمَحَلَّ الْبَاطِلُ، وَ انْحَسَرَ عَنْكُمْ، وَ
إِلَى اللهِ أَرْعَبُ فِي الْكِفَايَةِ وَ جَمِيلِ الصَّنْعِ وَ الْوَلَايَةِ، وَ حَسْبُنَا اللهُ وَ نِعْمَ
الْوَكِيلُ وَ صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ مُحَمَّدٍ^۱.

خداوند متعال پس از حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام امامت را در دو برادر
قرار نداده است. (یعنی پس از امام حسن و امام حسین علیهما السلام که دو برادر و هر دو امام
بودند، دیگر دو برادر از خاندان رسول گرامی امام نبودند و این امکان وجود ندارد.)
و آنگاه که خداوند اجازه فرماید که ما سخن گوئیم حق ظاهر خواهد شد و باطل از
میان خواهد رفت. البته توجه ما به خداوند بزرگ و الطاف اوست و ذات مقدّسش
بهترین وکیل برای ما است. و درود بر حضرت محمد و خاندان پاک و طاهر او باد.

توقیع مبارک امام زمان (علیه السلام)
در ارتباط با «سلمغانی» مطرود

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ دَاوُدَ الْقُمِيِّ، قَالَ وَجَدْتُ بِحِطِّ أَحْمَدَ
بْنِ إِبْرَاهِيمَ التَّوْبَخْتِيِّ وَ إِمْلَاءِ أَبِي الْقَاسِمِ الْحُسَيْنِيِّ بْنِ رُوحٍ، رَضِيَ اللَّهُ
عَنْهُ، عَلَى ظَهْرِ كِتَابٍ فِيهِ جَوَابَاتٌ وَ مَسَائِلُ أُفِدَّتْ مِنْ قَوْمٍ يَسْأَلُ عَنْهَا،
هَلْ هِيَ جَوَابَاتُ الْفَقِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْ جَوَابَاتُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
السَّلْمَغَانِيِّ لِأَنَّهُ حُكِيَ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ هَذِهِ الْمَسَائِلُ أَنَا أَجَبْتُ عَنْهَا فَكَتَبْتُ
إِلَيْهِمْ عَلَى ظَهْرِ كِتَابِهِمْ:

محمد بن داود قمی می گوید: نامه ای به خط احمد بن ابراهیم و املائی
حسین بن روح، رضوان الله علیه، دیدم که در آن پاره ای از مسایل واصله
از قم و جواب آنها نوشته شده بود. به طوری که گفته می شد شخصی به
نام محمد بن علی سلمغانی ادعا می نمود که مسایل مزبور را وی پاسخ
گفته است. در مورد اینکه جواب مسائل یاد شده از ناحیه مقدسه امام
عصر، عجل الله تعالی فرجه الشریف، می باشد و یا از طرف سلمغانی،
استعلام نمودند و در نتیجه این توقیع در تکذیب و رد گفتار سلمغانی،
لعنة الله علیه، صادر شد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ وَقَفْنَا عَلَى هَذِهِ الرُّقْعَةِ وَ مَا تَضَمَّنَتْهُ فَجَمِيعُهُ جَوَابُنَا وَ لَا مَدْخَلَ
لِلْمَخْذُولِ الضَّالِّ الْمُضِلِّ الْمَعْرُوفِ بِالْعَزَاقِرِيِّ لَعْنَةُ اللَّهِ فِي حَرْفٍ مِنْهُ وَ
قَدْ كَانَتْ أَشْيَاءُ خَرَجَتْ إِلَيْكُمْ عَلَى يَدَيْ أَحْمَدِ بْنِ هِلَالٍ وَ غَيْرِهِ مِنْ
نُظَرَائِهِ وَ كَانَ مِنْ أَرْتِدَادِهِمْ عَنِ الْإِسْلَامِ مِثْلُ مَا كَانَ مِنْ هَذَا عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ
اللَّهِ وَ غَضَبُهُ، فَاسْتَشَبْتُ قَدِيمًا فِي ذَلِكَ.

فَخَرَجَ الْجَوَابُ إِلَّا مِنْ اسْتَشَبَّتْ فَإِنَّهُ لَا ضَرَرَ فِي خُرُوجِ مَا خَرَجَ عَلَيَّ
أَيْدِيهِمْ وَ أَنَّ ذَلِكَ صَحِيحٌ.

وَ رُوِيَ قَدِيمًا عَنْ بَعْضِ الْعُلَمَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ الصَّلَاةُ أَنَّهُ سِئِلَ عَنْ
مِثْلِ هَذَا بِعَيْنِيهِ فِي بَعْضٍ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

الْعِلْمُ عَلَّمْنَا وَ لَا شَيْءَ عَلَيْنَا مِنْ كُفْرٍ مَنْ كَفَرَ فَمَا صَحَّ لَكُمْ مِمَّا خَرَجَ
عَلَيَّ يَدِهِ بِرِوَايَةِ غَيْرِهِ مِنَ الثَّقَاتِ رَحِمَهُمُ اللَّهُ، فَاحْمَدُوا اللَّهَ وَ اقْبَلُوهُ وَ مَا
شَكَّكُمْ فِيهِ أَوْلَمَ يَخْرُجُ إِلَيْكُمْ فِي ذَلِكَ إِلَّا عَلَى يَدِهِ فَرُدُّوهُ إِلَيْنَا
لِنُصَحِّحَهُ أَوْ نُبْطِلَهُ، وَ اللَّهُ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ وَ جَلَّ تَنَاؤُهُ وَ لَيْتَى تَوْفِيقُكُمْ وَ
حَسِينَا فِي أُمُورِنَا كُلِّهَا وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ.^١

به نام خداوند بخشاینده مهربان

این نامه و آنچه در آن بیان شده است به نظر ما رسید. تمام پاسخهایی که طی نامه مزبور داده شده از ماست و آن گمراه مخذول (محمد بن علی شلمغانی) معروف به عزاقری، لعنة الله علیه، کوچکترین دخالتی در آن نداشته است. در گذشته نیز مشابه و مانند ادعای این شخص، ادعایی توسط احمد بن هلال و امثال او شده که خود نمودار ارتداد این افراد از اسلام است. لعنت و غضب خداوند بر همه آنها باد. می خواستم این حقیقت قبلاً بر من روشن شود.

● در خصوص عبارت «فَأَسْتَشْبِتُ قَدِيماً فِي ذَلِكَ» (می خواستم این حقیقت

قبلاً بر من روشن شود) علامه مجلسی (ره) فرموده اند که ممکن است باقیمانده

سؤال قبلی باشد و یا اینکه سؤال دیگری باشد که اول آن افتاده است. پاسخ واصل

از پیشگاه مقدس امام عصر، ارواحنا له الفداء، بدین صورت شرف صدور یافت

«هر کس که تحقیق کند (واقع را درک کند) دیگر این قبیل مطالب ضرری به او

نخواهد داشت.»

و از برخی ائمه معصومین، سلام الله علیهم اجمعین، نیز نظیر این ماجرا در مورد

افرادى که مورد غضب الهی واقع شده اند، عیناً نقل شده است.

آن امام فرمودند: حقیقت علم نزد ماست و اگر کسی کافر شود، کفر او به شما ضرری

نخواهد داشت. در مورد مطالبی که به وسیله افراد موثق غیر از او (شلمغانی و امثال او)

به شما می رسد خدای را سپاسگزار باشید و از آن شخص امین قبول نمایید و اگر در

مواردی نسبت به اعتبار آنچه نقل می شود و یا اینکه به وسیله افراد غیر موثق به دست

شما می رسد شک دارید، برای ما بفرستید تا مطالب آن را برای شما تصحیح یا باطل

کنیم. خداوند بزرگ ولی شما و کفایت کننده همه امور ما و بهترین وکیل است.

نامه محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری
به پیشگاه مقدّس حضرت بقیة الله (روحی له الفداء)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَطَالَ اللَّهُ بَقَاءَكَ وَ أَدَامَ عِزَّكَ وَ تَأَيَّدَكَ وَ سَعَادَتَكَ وَ سَلَامَتَكَ وَ أَتَمَّ
نِعْمَتَهُ وَ زَادَ فِي إِحْسَانِهِ إِلَيْكَ وَ جَمِيلِ مَوَاهِبِهِ لَدَيْكَ وَ فَضْلِهِ عِنْدَكَ وَ
جَعَلَنِي مِنَ الشُّوْءِ فِدَاكَ وَ قَدَّمَنِي قَبْلَكَ، أَلْنَّاسُ يَتَنَافَسُونَ فِي
الدَّرَجَاتِ، فَمَنْ قَبِلَتْهُ كَانَ مَقْبُولاً وَ مَنْ دَفَعَتْهُ كَانَ وَضِعاً وَ الْخَامِلُ
مَنْ وَضَعَتْهُ وَ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ. وَ يَبْلَدُنَا أَيَّدَكَ اللَّهُ جَمَاعَةً مِنْ
الْوُجُوهِ يَتَسَاوُونَ وَ يَتَنَافَسُونَ فِي الْمُنْزَلَةِ.

وَ وَرَدَ أَيَّدَكَ اللَّهُ إِلَى جَمَاعَةٍ مِنْهُمْ فِي أَمْرِ أَمْرَتِهِمْ بِهِ مِنْ مُعَاوَنَةٍ «ص»
وَ أَخْرَجَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مَالِكِ الْمَعْرُوفِ بِمَالِكِ بَادُوكَةَ
وَ هُوَ خَتْنُ ص رَحِمَهُمُ اللَّهُ مِنْ بَيْنِهِمْ، فَأَعْتَمَّ بِذَلِكَ وَ سَأَلَنِي أَيَّدَكَ اللَّهُ أَنْ
أَعْلِمَكَ مَا نَالَهُ مِنْ ذَلِكَ فَإِنْ كَانَ مِنْ ذَنْبٍ اسْتَغْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ وَ إِنْ يَكُنْ
غَيْرَ ذَلِكَ عَوَفْتَهُ مَا يَسْكُنُ نَفْسُهُ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

التوقيع: لم نكاتب إلا من كاتبنا.

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، عریضه‌ای به ناحیه مقدسه امام عصر، روحی له الفداء، تقدیم داشته که خلاصه مضمون آن بدین قرار است:

خداوند بزرگ عمر مبارکت را طولانی فرماید، عزت و تأییدات وجود مقدست را مستدام بدارد، سلامت و سعادت و نعمتهایش را بر شما کامل فرماید، احسان و مواهب خویش را به شما فزونی بخشد، از فضل خود، شما را بیش از پیش برخوردار نماید و در پیش آمدهای سوء مرا فدای شما و مرگ مرا پیش از وجود مقدست قرار دهد.

مردم درباره درجات و مقامات با یکدیگر بحث می‌کنند و آن کسی را که شما قبول بفرمایید، مقبول و آن را که شما برانید، بی‌ارزش و پست است. هر که را شما فرومایه بدانید بدبخت دو جهان است و من از اینکه از آنها باشم به خداوند پناه می‌برم. خداوند شما را مؤید بدارد. در محلّ ما جماعتی هستند که در مورد منزلت و مقام با یکدیگر گفتگو می‌کنند. و نامه‌ای از ناحیه مقدسه شما برای گروهی از آنان رسیده است که طی آن به مساعدت و یاری کردن به «ص» (ممکن است اشاره به شخص خاصی باشد) امر فرموده‌اید و نامی از علی بن محمد معروف به «مالک بادوکه» برده نشده است و بدین جهت او ناراحت و غمگین شده، از من خواست که جریان را به عرض شما برسانم تا اگر علت نبردن نام او گناهی بوده که مرتکب شده است، طلب آمرزش کند و اگر غیر از این باشد، بیان فرمایید تا موجب آرامش خاطر او گردد. ان شاء الله تعالی.

جواب: هر کس به ما نامه نوشت، ما هم با او مکاتبه می‌کنیم.

● معلوم می‌شود در عریضه به محضر مبارک حضرت بقیة الله، روحی له الفداء، از مطالب مختلفی سؤال شده است، از جمله در مورد اینکه نام علی بن محمد بن حسین معروف به مالک ذکر نشده و نیز معلوم می‌شود که شخص مورد نظر، خود عریضه‌ای تقدیم نداشته است.

وَ قَدْ عَوَّدْتَنِي، أَدَامَ اللَّهُ عِرْكَكَ مِنْ تَفْضُلِكَ مَا أَنْتَ أَهْلُ أَنْ تُجْرِيَنَ عَلَيَّ
الْعَادَةَ وَ قَبْلَكَ أَعْرَكَكَ اللَّهُ الْفُقَهَاءَ^۱، أَنَا مُخْتِاجٌ إِلَى أَشْيَاءَ تَسْأَلُ لِي
عَنْهَا فَرَوَيْ لَنَا عَنِ الْعَالِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ إِمَامٍ قَوْمٍ صَلَّى بِهِمْ
بَعْضَ صَلَاتِهِمْ وَ حَدَّثَتْ عَلَيْهِ حَادِثَةٌ، كَيْفَ يَعْمَلُ مَنْ خَلَقَهُ؟ فَقَالَ يُؤَخَّرُ وَ
يُقَدَّمُ بَعْضُهُمْ وَ يَسِيمُ صَلَاتُهُمْ وَ يَغْتَسِلُ مَنْ مَسَّهُ.

التَّوْقِيعُ: لَيْسَ عَلَيَّ مِنْ نَحَاهُ إِلَّا غَسَلَ الْيَدَ وَإِذَا لَمْ تَخُدْثْ حَادِثَةً تَقْطَعُ
الصَّلَاةَ تَمَّ صَلَوَاتُهُ مَعَ الْقَوْمِ.

وَ رَوَى عَنِ الْعَالِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ مَنْ مَسَّ مَيْتًا بِخِرَارَتِهِ غَسَلَ يَدَهُ وَ
مَنْ مَسَّهُ وَ قَدْ بَرَدَ فَعَلَيْهِ الْغُسْلُ وَ هَذَا الْإِمَامُ فِي هَذِهِ الْحَالَةِ لَا يَكُونُ
مَسَّهُ إِلَّا بِخِرَارَتِهِ، وَ الْعَمَلُ مِنْ ذَلِكَ عَلَى مَا هُوَ وَ لَعَلَّهُ يَنْحِيهِ بِشِيَابِهِ وَ لَا
يَمَسُّهُ فَكَيْفَ يَجِبُ عَلَيْهِ الْغُسْلُ.

التَّوْقِيعُ: إِذَا مَسَّهُ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ، لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ إِلَّا غَسْلُ يَدِهِ.
وَ عَنِ صَلَاةِ الْبُغْفَرِ إِذَا سَهَا فِي التَّسْبِيحِ فِي قِيَامٍ أَوْ قُعُودٍ أَوْ رُكُوعٍ أَوْ
سُجُودٍ وَ ذَكَرَهُ فِي حَالَةٍ أُخْرَى قَدْ صَارَ فِيهَا مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ، هَلْ يُعِيدُ مَا
فَاتَهُ مِنْ ذَلِكَ التَّسْبِيحِ فِي الْحَالَةِ الَّتِي ذَكَرَهَا أَمْ يَتَجَاوَزُ فِي صَلَاتِهِ؟
التَّوْقِيعُ: إِذَا هُوَ سَهَا فِي حَالَةٍ مِنْ ذَلِكَ ثُمَّ ذَكَرَ فِي حَالَةٍ أُخْرَى، قَضَى مَا
فَاتَهُ فِي الْحَالَةِ الَّتِي ذَكَرَ.

سؤال: اگر امام جماعت در هنگامی که به نماز مشغول است، حادثه‌ای برایش رخ دهد (وفات کند) مأمومین چه کنند؟ و البتّه این سؤال قبلاً از دیگر ائمّه معصومین، سلام الله علیهم اجمعین، نیز شده و فرموده‌اند: برخی دیگر جلو بایستند و نماز را تمام کنند و هر که امام متوفی را مسّ کرده است باید غسل مسّ میت به جا آورد. این خلاصه پرسشی است که از فقها و عالم پیش از شما شده است.

جواب: و کسی که با لباس او را حرکت دهد، وظیفه‌ای جز شستن دست نخواهد داشت و اگر کاری انجام نداده که موجب قطع نماز باشد، نماز را با مردم تمام می‌کند.

سؤال: از امام علیه السلام منقول است که اگر کسی به مرده‌ای در حالی که بدن او هنوز گرم است دست بزند، فقط باید دستش را بشوید و چنانچه پس از سرد شدن بدن او دست بزند، باید غسل مسّ میت کند. و در این مورد نیز امام جماعت که ناگهان به زمین افتاده مسلماً بدن او گرم است و ممکن است تنها کاری که دیگران کرده‌اند این باشد که لباس او را گرفته و تغییر مکان داده باشند و بدن وی را مسّ نکرده و دست نزده باشند. پس چگونه غسل واجب می‌شود؟

جواب: اگر در حالتی که بدن میت هنوز گرم است، او را مسّ کند فقط باید دستش را بشوید.

سؤال: در نماز جعفر علیه السلام اگر تسیّحات را فراموش کند و در حال قیام و یا نشستن و یا رکوع و سجود و یا حالت دیگری به یادشان بیاید که تسیّحات مربوطه فراموش شده است، آیا در همان حالی که به خاطرشان آمد باید تسیّحات فراموش شده را بخوانند یا بر نماز اضافه کنند (پس از نماز بخوانند)؟

جواب: اگر تسیّحات را در حالتی فراموش کرد و در حالت دیگر یادش آمد، آنچه که از او فوت شده است در همان حالتی که متوجه شد به عنوان قضاء به جا آورد.

وَعَنِ الْمَرْثَةِ يَمُوتُ رَوْجُهَا، هَلْ يَجُوزُ أَنْ تَخْرُجَ فِي جَنَازَتِهِ أَمْ لَا؟
التَّوْقِيعُ: تَخْرُجُ فِي جَنَازَتِهِ.

وَهَلْ يَجُوزُ لَهَا وَهِيَ فِي عِدَّتِهَا أَنْ تَرُورَ قَبْرَ رَوْجِهَا أَمْ لَا؟
التَّوْقِيعُ: تَرُورُ قَبْرَ رَوْجِهَا وَلَا تَبِيْتُ عَنْ بَيْتِهَا.
وَهَلْ يَجُوزُ لَهَا أَنْ تَخْرُجَ فِي قَضَاءِ حَقِّ يَلْمُهَا أَمْ لَا تَبْرُحُ مِنْ بَيْتِهَا وَهِيَ
فِي عِدَّتِهَا؟
التَّوْقِيعُ: إِذَا كَانَ حَقٌّ حَرَجَتْ وَ قَضَتْهُ، وَإِذَا كَانَتْ لَهَا حَاجَةٌ لَمْ يَكُنْ لَهَا
مَنْ يَنْظُرُ فِيهَا حَرَجَتْ لَهَا حَتَّى تَقْضَى وَلَا تَبِيْتُ عَنْ مَنْزِلِهَا.

وَرُويَ فِي ثَوَابِ الْقُرْآنِ فِي الْفَرَايِضِ وَ غَيْرِهِ أَنَّ الْعَالِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ
عَجَبًا لِمَنْ لَمْ يَقْرَأْ فِي صَلَوَتِهِ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» كَيْفَ تَقْبَلُ
صَلَوَتَهُ وَ رُويَ مَا رَكَتَ صَلَاةً لَمْ يَقْرَأْ فِيهَا «يَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ». وَ رُويَ أَنَّ
مَنْ قَرَأَ فِي فَرَايِضِهِ «الْهُمَزَةَ»، أُعْطِيَ مِنَ الدُّنْيَا فَهَلْ يَجُوزُ أَنْ يَقْرَأَ
«الْهُمَزَةَ» وَ يَدَعَ هَذِهِ الشُّورَةَ الَّتِي ذَكَرْنَاهَا مَعَ مَا قَدْ رُويَ أَنَّهُ لَا تَقْبَلُ
الصَّلَاةَ وَ لَا تَزُكُّوا إِلَّا بِهِمَا.

التَّوْقِيعُ: الثَّوَابُ فِي الشُّورِ عَلَيَّ مَا قَدْ رُويَ وَ إِذَا تَرَكَ سُورَةً مِمَّا فِيهَا
الثَّوَابُ وَ قَرَأَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» لِفَضْلِهِمَا، أُعْطِيَ ثَوَابَ مَا
قَرَأَ وَ ثَوَابَ الشُّورَةِ الَّتِي تَرَكَ. وَ يَجُوزُ أَنْ يَقْرَأَ غَيْرَ هَاتَيْنِ الشُّورَتَيْنِ وَ
تَكُونُ صَلَوَتُهُ تَامَّةً وَ لَكِنْ يَكُونُ قَدْ تَرَكَ الْفَضْلَ.

سؤال: آیا زنی که شوهرش فوت شده است می‌تواند در تشییع جنازه او شرکت کند یا خیر؟

جواب: می‌تواند.

سؤال: آیا زنی که شوهرش فوت شده و در عده وفات است، می‌تواند به زیارت قبر شوهرش برود (فاتحه بخواند)؟

جواب: به زیارت قبر شوهرش می‌تواند برود، ولی شب را بیرون از خانه نماند.

سؤال: آیا زن می‌تواند برای انجام حاجتی از خانه شوهر بیرون برود در حالی که در عده وفات است؟

جواب: اگر نیازی داشته باشد و کسی که آن حاجت را تأمین کند، نباشد بیرون آمدن زن از منزل شوهر برای انجام حوائج، مانعی ندارد.

سؤال: در مورد ثواب قرائت قرآن در نمازهای واجب، از امام علیه السلام روایت شده است که هر کس در نماز سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» را نخواند، در قبول شدن نمازش تعجب است. و نیز روایت است نمازی که در آن سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» خوانده نشود، قبول و پاکیزه نیست. همچنین روایت شده است که هر کس در نمازهای واجبش سوره «هُمَزَه» را بخواند، از دنیا به او چنین و چنان داده خواهد شد. آیا جایز است که در نماز، سوره «هُمَزَه» را بخواند و سوره‌های «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را نخواند با وجود اینکه پاکیزگی و قبولی نماز در خواندن این دو سوره است؟

جواب: ثواب در سوره‌ها به همان اندازه‌ای است که روایت شده است و اگر کسی خواندن سوره‌ای را که ثواب دارد ترک کرده، به جای آن سوره‌های «قُلْ هُوَ اللَّهُ» و «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را به خاطر برتری و فضیلت آنها بخواند، هم ثواب سوره‌هایی که خوانده و هم ثواب سوره‌ای که خواندنش را ترک کرده است، به او داده می‌شود. خواندن سوره‌ای غیر از «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» نیز جایز و نماز هم درست و صحیح است، ولی کسی که این دو سوره را ترک کند، فضیلتی را از دست داده است.

وَعَنْ وِدَاعِ شَهْرِ رَمَضَانَ مَتَى يَكُونُ، فَقَدْ اِخْتَلَفَ أَصْحَابُنَا فَبَعْضُهُمْ يَقُولُ يُفْرَأُ فِي آخِرِ لَيْلَةٍ مِنْهُ وَبَعْضُهُمْ يَقُولُ هُوَ فِي آخِرِ يَوْمٍ مِنْهُ إِذَا رَأَى هِلَالَ شَوَالٍ.

التَّوْقِيعُ: الْعَمَلُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيَالِيهِ وَالْوِدَاعُ يَقَعُ فِي آخِرِ لَيْلَةٍ مِنْهُ، فَإِنْ خَافَ أَنْ يَنْقُصَ جَعَلَهُ فِي لَيْلَتَيْنِ.

وَعَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ»^١ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمَغْنِيُّ بِهِ «ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ»^٢ مَا هَذِهِ الْقُوَّةُ «مُطَاعٌ ثُمَّ آمِينَ»^٣ مَا هَذِهِ الطَّاعَةُ وَآيِنٌ هِيَ؟ فَرَأَيْكَ أَدَامَ اللَّهُ عَزَّكَ بِالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِمَسْئَلَةٍ مَنْ تَتَّقِي بِهِ مِنَ الْفُقَهَاءِ عَنْ هَذِهِ الْمَسَائِلِ وَاجَابَتِ عَنْهَا مُنْعِمًا مَعَ مَا تَشْرَحُهُ لِي مِنْ أَمْرِ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مَالِكٍ الْمُقَدَّمِ ذِكْرَهُ بِمَا يَسْكُنُ إِلَيْهِ وَيَعْتَدُّ بِنِعْمَةِ اللَّهِ عِنْدَهُ وَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِدُعَاءِ جَامِعٍ لِي وَبِإِخْوَانِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَعَلَّتْ مُثَابًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

التَّوْقِيعُ: جَمَعَ اللَّهُ لَكَ وَبِإِخْوَانِكَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَطَالَ اللَّهُ بِقَاءَكَ وَأَدَامَ عَزَّكَ وَتَأْيِيدَكَ وَكَرَامَتَكَ وَسَعَادَتَكَ وَسَلَامَتَكَ وَأَتَمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَزَادَ فِي إِحْسَانِهِ إِلَيْكَ وَجَمِيلِ مَوَاهِبِهِ لَدَيْكَ وَفَضَّلِهِ عِنْدَكَ وَجَعَلَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَمَكْرُوهٍ فِدَاكَ وَقَدَّمَنِي قَبْلَكَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ^٤

٢. سورة تكمير (٨١)، آية ٢٥.

١. سورة تكمير (٨١)، آية ١٩.

٤. بحارالانوار، ج ٥٣، ص ١٥١.

٣. سورة تكمير (٨١)، آية ٢١.

● همان گونه که خوانندگان گرامی ملاحظه می‌فرمایند، پاسخ حضرت بقیة الله، روحی له الفداء، بالاترین دلیل بر برتری و فضیلت قرائت سوره‌های قدر و توحید بر سوره‌های دیگر است که البته در باب فضیلت این دو سوره به طور کلی و خارج از نماز هم روایات زیادی وجود دارد.

سؤال: در خصوص وداع با ماه مبارک رمضان در میان اصحاب ما اختلاف است. برخی می‌گویند این عمل در شب آخر ماه باید انجام گیرد و بعضی دیگر می‌گویند باید در آخرین روز ماه رمضان، آنگاه که هلال ماه شوال رؤیت گردد، خوانده شود.

جواب: اعمال در ماه مبارک رمضان، در شبها انجام می‌گیرد و وداع با آن نیز در شب آخر ماه مبارک رمضان عمل می‌شود، ولی اگر کسی بترسد که نقصی حاصل شده، از ثواب آن کاسته گردد، می‌تواند برنامه وداع را در دو شب از ماه رمضان قرار بدهد.

در پایان مقام مقدّس حضرت بقیة الله روحی له الفداء، فقط به دو سؤال پاسخ داده‌اند: یکی در مورد تقاضای دعا برای خود سائل و همه برادران دینی، و دیگر در مورد محمد بن حسین بن مالک که در پایان اشاره شده است و قبلاً هم فرمودند: «ما با آن کسی که به ما نامه نوشته است، مکاتبه می‌کنیم». و اما در مورد سؤالات دیگر، جواب فرمودند و مسلماً مصلحت بزرگی در این امر نهفته است که ما از آن بی‌اطلاع هستیم و نمی‌دانیم.

در پایان، نویسنده عریضه به محضر مبارک حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء برای آن وجود مقدّس به شرح زیر دعا می‌کند:

خداوند عمر و عزّت شما را طولانی و مستدام بدارد و مؤید و سعادت‌مند و سلامت باشید. احسان و مواهب الهی درباره وجود مقدّس شما بیش از پیش باشد و من در کلیة بلاها و حوادث فدای آن وجود عزیز شوم و مرگم پیش از شما باشد. سپاس خدای جهانیان را و درود بر محمد و آل او باد.

● امید است این سعادت، یعنی قربانی شدن در راه آن وجود گرامی، نصیب این غلام شرمندۀ روسیاه نیز گردد. آمین.

توقیع حضرت بقیة الله (روحی له الفداء) در رثای شیخ مفید (رحمة الله علیه)

در باب شخصیت علیم و مقام والای شیخ مفید از نظر تقوی و ولایت اهل بیت، سلام الله علیهم اجمعین، هیچ گونه تردیدی برای دشمن وجود ندارد، چه رسد به دوستان، و به ویژه درباره ارتباط آن بزرگوار با وجود مقدس حضرت بقیة الله فی الارضین، ارواحنا له الفداء، همگی، از خاص و عام، اتفاق نظر دارند؛ بالاخص در مورد توقیعات پر محتوای آن حضرت که به افتخار شیخ مفید، رضوان الله علیه، شرف صدور یافته است.

کسی که این توقیعات و فرامین به نام او صادر شده به راستی از هر گونه معرفی و تکریم و تمجیدی بی نیاز است و همین بس که وجود مبارک حضرت مهدی، روحی له الفداء، در مرگ وی مرثیه سرایی فرموده است و عین عباراتی که روی سنگ مزار آن مرحوم در دیوان حضرت موسی بن جعفر و حضرت جواد الائمه، سلام الله علیهما، نوشته شده و عیناً فرمایشات حضرت بقیة الله، عجل الله تعالی فرجه الشریف، است در اینجا نقل می شود:

لَا صَوْتَ النَّاعِي بِفَقْدِكَ إِنَّهُ	يَوْمَ عَلَى آلِ الرَّسُولِ عَظِيمٌ
إِنْ كُنْتَ قَدْ غَيَّبْتَ فِي جَدِّهِ الثَّرِي	فَالْعِلْمُ وَ التَّوْحِيدُ فِيكَ مُقِيمٌ
فَالْحِجَّةُ الْمُهْدِيُّ يَفْرَحُ كُلَّمَا تَلَيْتَ	عَلَيْكَ مِنَ الدَّرُوسِ عُلُومٌ ^۱

رحلت تو بر خاندان عصمت و طهارت بسیار سخت است.
 اگر چه از نظرها پنهان شدی و بدن پاکت در زیر خاک مدفون گردید اما
 اساس علم و توحید در شخصیت و جودى همواره بر پاست.
 [وجود مقدس حضرت] مهدى بقیة الله [علیه السلام] از بیانات علمی و
 درسهایی که تو برای دانشجویان خود ایراد می‌کردی، همواره خشنود
 بود.

در این سه بیت شعر، مقام مقدس امام زمان، سلام الله علیه و عجل الله فرجه
 الشریف، از مرگ شیخ مفید، رضی الله عنه، اظهار تأسف فرموده‌اند.
 در این بخش متن توقیعات آن حضرت به شیخ مفید و ترجمه آنها به نظر خوانندگان
 محترم این کتاب می‌رسد.

توقيع حضرت بقیة الله (روحي له الفداء)

خطاب به محمد بن نعمان ملقب به «شيخ مفيد» (رحمة الله عليه)

لِلْمَلِكِ السَّيِّدِ وَالْوَلِيِّ الرَّشِيدِ، الشَّيْخِ الْمُفِيدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ
بْنِ النُّعْمَانِ أَدَامَ اللَّهُ إِعْزَاؤَهُ مِنْ مُسْتَوْدَعِ الْعَهْدِ الْمَأْخُوذِ عَلَى الْعِبَادِ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَمَا بَعْدُ، سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَوْلَى وَالْمُخْلِصُ فِي الدِّينِ، الْمَخْضُوضُ
فِينَا بِالْيَقِينِ، فَإِنَّا نَحْمَدُ إِلَيْكَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَتَسْأَلُهُ الصَّلَاةَ عَلَى
سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا، نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَنُعَلِّمُكَ، أَدَامَ اللَّهُ تَوْفِيقَكَ
لِنُصْرَةِ الْحَقِّ وَاجْتِزَالِ مَثُوبَتِكَ عَلَى نُطْقِكَ عَنَّا بِالصِّدْقِ، إِنَّهُ قَدْ أُذِنَ لَنَا
فِي تَشْرِيفِكَ بِالْمَكَاتِبَةِ.

وَ تَكْلِيفِكَ مَا تُؤَدِّيهِ عَنَّا إِلَى مَوَالِينَا قَبْلَكَ، أَعْرَضَهُمُ اللَّهُ بِطَاعَتِهِ وَكَفَاهُمُ
الْمُهَمَّ بِرِعَايَتِهِ لَهُمْ وَحِرَاسَتِهِ، فَحَفِّ، أَمَدَكَ اللَّهُ بِعَوْنِهِ عَلَى أَعْدَائِهِ
الْمَارِقِينَ مِنْ دِينِهِ عَلَى مَا نَذَكُّوهُ، وَاعْمَلْ فِي تَأْدِيبَتِهِ إِلَى مَنْ تَسْكُنُ إِلَيْهِ
بِمَا نَرِسُمُهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

نامه‌ای به برادر با ایمان و دوست رشید ما، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان -
 شیخ مفید - که خداوند عزّت وی را مستدام بدارد

سلام خداوند بر تو ای کسی که در دوستی ما به زیور اخلاص آراسته‌ای و در اعتقاد و
 ایمان به ما دارای امتیاز مخصوصی هستی. ما در مورد نعمت وجود تو خداوند یکتا را
 سپاسگزاریم. (ارزش و اهمیّت شیخ مفید رحمة الله از این جمله معلوم می‌شود. او در
 سایه محبت و دوستی خالصانه و بی‌شائبه نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت، سلام
 الله علیهم اجمعین، و مخصوصاً دشمنی با دشمنان ایشان و خدمت صادقانه به مذهب
 تشیع به جایی رسیده است که امام زمان علیه السلام به خاطر وجودش خداوند را شکر می‌کند
 و سپاس می‌گوید.)

و از پیشگاه مقدّس خداوندی استدعا می‌کنیم که بر سیّد و مولای ما حضرت
 محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و خاندان او درود و صلوات پیاپی و بی‌نهایت خویش را نازل
 فرماید.

از آنجا که در راه یاری حق و بیان سخنان و نصایح ما صادقانه کوشیدی، خداوند این
 افتخار را به شما ارزانی داشته و به ما اجازه فرموده است که با شما مکاتبه کنیم. (خداوند
 اجازه فرموده است که امام عصر علیه السلام به شیخ مفید، نامه مرقوم فرمایند. آری، این است
 ارزش مقام تقوی.)

شما مکلف هستید که اوامر و دستورات ما را به دوستان ما برسانی. خداوند عزّت و
 توفیق اطاعتش را به آنان مرحمت فرماید و مهمّات آنان را کفایت کرده، در پناه لطف
 خویش محفوظشان دارد.

با یاری خداوند متعال در مقابل دشمنان ما که از دین خداوند روی برگردانده‌اند، بر
 اساس تذکرات، استقامت کن و با خواست الهی، دستورات ما را به آنان که از تو
 می‌پذیرند و گفتار ما موجب آرامش آنها می‌باشد ابلاغ کن. با اینکه ما بر اساس فرمان
 خداوند بزرگ و صلاح واقعی ما و شیعیانمان تا زمانی که

نَحْنُ وَإِنْ كُنَّا ثَاوِينَ بِمَكَانِنَا الثَّانِي عَنْ مَسَاكِينِ الظَّالِمِينَ حَسَبِ الَّذِي
 أَرَانَاهُ اللَّهُ تَعَالَى لَنَا مِنَ الصَّلَاحِ وَ لِشِيَعَتِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي ذَلِكَ مَا دَامَتْ
 دَوْلَةُ الدُّنْيَا لِلْفَاسِقِينَ فَإِنَّا يُحِيطُ عَلْمُنَا بِأَبَائِكُمْ وَ لَا يُعْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ
 أَخْبَارِكُمْ وَ مَعْرِفَتُنَا بِالرُّؤْلِ الَّذِي أَصَابَكُمْ مُذْجَحَ كَثِيرٍ مِنْكُمْ إِلَى مَا كَانَ
 السَّلْفُ الصَّالِحُ عَنْهُ شَاسِعًا وَ نَبْدُوا الْعَهْدَ الْمَأْخُودَ مِنْهُمْ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ
 كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ. إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لِأَناسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْلَا
 ذَلِكَ لَنَزَلْ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْآعْدَاءُ.

فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ وَ ظَاهِرُونَا عَلَى انْتِيَاشِكُمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَدْ أَنَاقَتْ عَلَيْكُمْ
 يَهْلِكُ فِيهَا مَنْ حَمَّ أَجَلُهُ وَ يُحْمَى عَلَيْهِ مَنْ أَدْرَكَ أَمَلُهُ وَ هِيَ أَمَارَةٌ لِأَرْوْفِ
 حَرَكَتِنَا وَ (مُبَاشَّتِكُمْ) بِأَمْرِنَا وَ نَهْيِنَا وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

إِعْتَصِمُوا بِالْحَقِّ مِنَ سَبِّ نَارِ الْجَاهِلِيَّةِ يَخْشَشُهَا عَصَبُ أَمْوِيَّةٍ تَهْوُلُ بِهَا
 فِرْقَةٌ مَهْدِيَّةٌ أَنَا رَعِيمٌ بِنَجَاةٍ مَنْ لَمْ يَزَمْ مِنْهَا الْمَوَاطِنَ الْخَفِيَّةَ وَ سَلَكَ فِي
 الطَّغْنِ مِنْهَا السُّبُلَ الرَّضِيَّةَ. إِذَا حَلَّ جُمَادَى الْأُولَى مِنْ سَنَتِكُمْ هَذِهِ
 فَاعْتَبِرُوا بِمَا يَخْدُثُ فِيهِ وَ اسْتَيْقِظُوا مِنْ رَقَدَتِكُمْ لِمَا يَكُونُ مِنَ الَّذِي
 يَلِيهِ، سَتَظْهَرُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ جَلِيَّةٌ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلُهَا بِالسَّوِيَّةِ وَ
 يَخْدُثُ فِي أَرْضِ الْمَشْرِقِ مَا يُخْرِنُ وَ يُفْلِقُ وَ يَغْلِبُ مِنْ بَعْدِ عَلَى الْعِرَاقِ
 طَرَايِفٌ عَنِ الْإِسْلَامِ مَرَاقٍ، تَضِيقُ بِسَوْءِ فِعَالِهِمْ عَلَى أَهْلِ الْأَرْزَاقِ، ثُمَّ
 تَنْتَفِجُ النُّمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ بِبَوَارِ طَاغُوتٍ مِنَ الْأَشْرَارِ، يَسُرُّ بِهَلَاكِهِ الْمُتَّقُونَ
 الْأَخْيَارُ، وَ يَبْقَى لِمُرِيدِي الْحَجِّ مِنَ الْآفَاقِ مَا يَأْمُلُونَهُ عَلَى تَوْفِيرِ غَلِيَّةٍ
 مِنْهُمْ وَ اتِّفَاقٍ، وَ لَنَا فِي تَيْسِيرِ حَجَّتِهِمْ عَلَى الْإِخْتِيَارِ مِنْهُمْ وَ الْوِفَاقِ شَأْنٌ

حکومت در دنیا در اختیار ستمگران است در نقطه‌ای دور و پنهان از دیده‌ها به سر می‌بریم، ولی از تمام حوادث و ماجراهایی که بر شما می‌گذرد کاملاً مطلع هستیم و هیچ چیز از اخبار شما بر ما پوشیده نیست. از خطاها و گناهانی که بندگان صالح خداوند از آنها دوری می‌کردند ولی اکثر شما مرتکب آن شدید نیز باخبریم. از عهدشکنی‌ها و پشت سر گذاشتن عهد و پیمانها با اِطْلَاعِیْم [که همین عوامل موجب بدبختی و دوری شما از حریم ولایت شده است]. گویی اینها از لغزشهای خود خبر ندارند. با همه این گناهان، ما هرگز امور شما را مهمل نگذاشته، شما را فراموش نمی‌کنیم و اگر عنایات و توجهات مانبود، مصائب و حوادث زندگی، شما را در بر می‌گرفت و دشمنان، شما را از بین می‌بردند.

پس از خداوند بترسید و تقویٰ پیشه کنید و ما خاندان رسالت را مدد رسانید. در برابر فتنه‌هایی که پیش می‌آید، و البته عده‌ای در این آزمایش و برخورد با فتنه‌ها هلاک می‌شوند، مقاومت کنید و البته همه اینها از نشانه‌های حرکت و قیام ما هستند. اوامر و نواهی ما را متروک نگذارید و بدانید که علی‌رغم کراهت و ناخشنودی کفار و مشرکان، خداوند نور خود را تمام خواهد کرد.

تقیّه را از دست ندهید و از آتشی که جاهلیّت به رهبری بنی امیه افروخته است، پرهیزید. من که ولیّ خدا هستم سعادت پویندگان راه حقّ را تضمین می‌کنم. در این سال در ماه جمادی‌الاولیٰ حوادثی اتفاق می‌افتد که باید از آن عبرت بگیرید. در آسمان علامت و نشانه‌ای ظاهر می‌شود که کاملاً روشن است (همه می‌فهمند که این، آیت آسمانی است) و نیز نشانه‌ای در زمین همانند و مساوی آن پیدا خواهد شد. (ممکن است مساوی بودن آیت آسمان و زمینی، از لحاظ این باشد که هر دو از آیات الهی و غیبی اند.)

در مشرق زمین حادثه‌ای به وجود می‌آید که موجب حزن و اندوه و اضطراب است. پس از آن، گروهی، از امت اسلامی که در واقع با اسلام بیگانه هستند بر عراق مستولی خواهد شد و در نتیجه اعمال بد آنها وضع زندگی و آرزاق مردم سخت می‌شود. آنگاه با هلاک شدن طاغوت آن زمان، بندگان با تقویٰ خوشحال می‌شوند و راه حجّ خانه خدا بر اهلس گشوده می‌شود و به آسانی حجّ می‌کنند و امر مردم طبق مراد و خواسته آنها منظم

يُظَهِّرُ عَلَى نِظَامٍ وَ اسْتِاقٍ، فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ مَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ
 مَحَبَّتِنَا وَلْيَجْتَنِبْ مَا يَذْنِبُهُ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا فَإِنَّ امْرَأً يَبْتَغُهُ فُجَاءَةً
 حِينَ لَا يَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَ لَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدَمٌ عَلَى حُوبَةٍ وَ اللَّهُ يُلْهِمُكُمْ
 الرُّشْدَ وَ يَلْطَفُ لَكُمْ بِالتَّوْفِيقِ بِرَحْمَتِهِ^۱.

خواهد شد. پس سعی کنید اعمال شما طوری باشد که شما را به ما نزدیک سازد و از گناهانی که موجبات نارضایتی ما را فراهم نماید بترسید و دوری کنید.

● خواننده گرامی! آنچه مایه دوستی و نزدیکی به خاندان رسالت است، همانا بندگی خداوند متعال در ابعاد مختلف آن است.

امر قیام ما با اجازه خداوند به طور ناگهانی انجام خواهد شد و دیگر در آن هنگام توبه فایده‌ای ندارد و سودی نمی‌بخشد. عدم التزام به دستور ما موجب می‌شود که بدون توبه از دنیا بروند و دیگر ندامت و پشیمانی نفعی نخواهد داشت. خداوند شما را با الهامات غیبی خود ارشاد و توفیقات خویش را در سایه رحمت بی‌پایانش نصیب شما بفرماید.

توقیع دیگر حضرت بقیة الله (روحی له الفداء)
به افتخار شیخ مفید (علیه الرحمه)

هَذَا كِتَابُنَا إِلَيْكَ أَيُّهَا الْأَخُ الْوَلِيُّ وَالْمَخْلِصُ فِي وُدِّنَا الصَّفِيُّ، وَ النَّاصِرُ
لَنَا الْوَفِيُّ، حَرَسَكَ اللَّهُ بِعَيْنِهِ الَّتِي لَا تَنَامُ، فَاحْتَفِظْ بِهِ وَلَا تُظْهِرْ عَلَيَّ
حَظَّنَا الَّذِي سَطَرْنَاهُ بِمَا لَهُ ضَمَّنَاهُ أَحَدًا، وَأَدِّ مَا فِيهِ إِلَى مَنْ تَسْكُنُ إِلَيْهِ وَ
أَوْصِ جَمَاعَتَهُمْ بِالْعَمَلِ عَلَيْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ وَ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
الطَّاهِرِينَ^۱.

این نامه ای است به برادر راستگو و درستکار و دوست مخلص ما، کسی که در یاری ما کوتاهی نکرده و وفا را رعایت کرده است. خداوند تو را با دید قدرتش که هرگز به خواب نمی رود، محافظت فرماید.

[ای برادر با اخلاص] آنچه ما به تو نوشته ایم باید مستور و پوشیده باشد و به غیر از آنان که به جهت ایمانی که به ما دارند و مورد اعتماد ما هستند و سخنان ما موجب آسایش و آرامش خاطر آنها می شود و فرد دیگری نباید از مضمون این نامه آگاه گردد. به

همه دوستان ما سفارش کن که به محتوای فرمان ما با عنایت خداوند عمل کنند.

● همان گونه که خوانندگان گرامی ملاحظه می فرمایند وجود مقدس امام زمان

علیه السلام همه جا صحبت از عمل کردن به وظایف بندگی خداوند می فرمایند.

توقیع مبارک امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)
به افتخار شیخ مفید (علیه الرحمة)

وَرَدَ عَلَيْهِ كِتَابٌ آخَرَ مِنْ قِبَلِهِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، يَوْمَ الْخَمِيسِ الثَّالِثِ
وَالْعِشْرِينَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ سَنَةِ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ وَأَرْبَعِمِائَةٍ.

مِنْ عَبْدِ اللَّهِ الْمُرَابِطِ فِي سَبِيلِهِ إِلَى مُلْهِمِ الْحَقِّ وَدَلِيلِهِ

در تاریخ پنجشنبه بیست و سوم ذیحجه الحرام سال ۴۱۲ هجری
قمری فرمان دیگری از پیشگاه مقدس امام عصر، روحی له الفداء، به
افتخار شیخ مفید، اعلی الله مقامه، شرف صدور یافت که اینک متن و
ترجمه فرمان مزبور از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد:

این نامه‌ای است از سوی بنده خدا و آن کسی که پیوسته در راه او در حرکت است و
هیچ گاه از مسیر حق منحرف نمی‌شود به کسی که از حق الهام می‌گیرد [شیخ مفید (ره)]
و خود دلیل و راهنمای حق است.

● خوانندگان گرامی! عبارت فوق نمودار مقام پیراج و منزلت والای شیخ مفید رحمته
می‌باشد که پس از معصوم علیه السلام مانند او یا کم است و یا اصلاً وجود ندارد. در این
عبارت، نهایت ارج و ارزش نسبت به مقام مقدس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّاصِرُ لِلْحَقِّ، أَدَّاعَى إِلَى
 كَلِمَةِ الصِّدْقِ، فَإِنَّا نَحْمَدُ اللَّهَ إِلَيْكَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْهَنَا وَإِلَهُ آبَائِنَا
 الْأَوَّلِينَ وَنَسَأَلُهُ الصَّلَاةَ عَلَى نَبِيِّنَا وَسَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ
 وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ. وَبَعْدُ فَقَدْ كُنَّا نَنْظُرُنَا مُنَاجَاتِكَ
 عَصَمَكَ اللَّهُ بِالسَّبَبِ الَّذِي وَهَبَهُ لَكَ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَحَرَسَكَ مِنْ كَيْدِ
 أَعْدَائِهِ وَشَفَعْنَا ذَلِكَ الْآنَ مِنْ مُسْتَقَرِّ لَنَا يُنْصَبُ فِي شِمْرَاخٍ مِنْ بَهْمَاءِ
 صِرْنَا إِلَيْهِ أَنْفَاءً مِنْ عَمَالِيلِ أَلْجَأَ إِلَيْهِ السَّبَارِيثُ مِنَ الْإِيمَانِ وَيُوشِكُ أَنْ
 يَكُونَ هُبُوطُنَا مِنْهُ إِلَى صَخَصِحٍ مِنْ غَيْرِ بَعْدِ مِنَ الدَّهْرِ وَلَا تَطَاوُلٍ مِنَ
 الزَّمَانِ.

وَيَأْتِيكَ بِنَاءً مِمَّا بِمَا يَتَجَدَّدُ لَنَا مِنْ حَالٍ فَتَعْرِفُ بِذَلِكَ مَا تَعْتَمِدُهُ مِنْ
 الرُّؤْفَةِ إِلَيْنَا بِالْأَعْمَالِ وَاللَّهُ مُوَفِّقٌ لِدَلِّكَ بِرَحْمَتِهِ، فَلْتَكُنْ حَرَسَكَ اللَّهُ
 بِعَيْنِهِ الَّتِي لَا تَنَامُ أَنْ تُقَابِلَ بِذَلِكَ فِيهِ تُبَسَّلُ نُفُوسٌ قَوْمٍ حَرَّتْ بِاطِلَاءٍ

تقوی و بندگان صالح خداوند بزرگ از زبان مقدّس حضرت ولیّ الله اعظم، حجّه بن الحسن العسکری، ارواحنا له الفداء، بیان شده است. بنابراین، دوستان آن حضرت باید در مسیر تقوی و خدمت به مذهب تشیع و طریقه حقه جعفریه گامهای بلندتری بردارند تا اینکه جای «مفید»ها را پرکنند.

اکنون با هم به سخنان حضرت مهدی، امام زمان، روحی له الفداء، خطاب به دوست مخلص و باوفای اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، جناب شیخ مفید، رضوان الله علیه، گوش می دهیم. باشد که از برکات وجود مقدّس آن سرور و کلمات حیات بخش حضرتش به سعادت ابدی نایل گردیم.

به نام خداوند بخشنده مهربان. سلام و درود ما بر تو که یار و یاور حق هستی و پیوسته مردم را به راستی و پیروی از کلمه صدق (شاید منظور حضرت از کلمه صدق، توحید و یا پیروی از قرآن کریم و امامت اهل بیت باشد) راهنمایی و دعوت می نمایی. ما در مورد نعمت وجود و توفیقات تو، پروردگار یکتا را که خداوند ما و پدران ماست، سپاسگزاریم و حمد و ثنای خود را نسبت به ذات پاکش عرضه می داریم و از پیشگاه مقدّسش مسئلت می داریم که بر پیامبر و سید و مولای ما که خاتم پیامبران است و بر خاندان پاک و مطهر او درود فرستد.

ای شیخ مفید! مناجات تو (توجّهات تو به ساحت مقدّس خداوند) را دیدیم. خداوند در سایه موهبتی که در ارتباط با اولیاءاش به تو عنایت فرموده است از تو حراست و نگهداری فرماید و از شرّ دشمنان در امان باشی و شفاعت ما را در برآوردن حوایج شما بپذیرد و هم اکنون در جایگاه و خیمه ای در قلّه های کوه - که البتّه بر مردم پوشیده است - برای حوایج شما دعا می کنم. همچنین در بیابانهای تاریک و ظلمانی و صحراهای خشک و بی آب و علف که دست تطاول زمان بدان نمی رسد، برای شما دعا می کنم. و به همین زودی از این محلّ به دشت همواری که چندان از آبادی دور نباشد فرود می آییم و از حالات آینده خود آگاهی می سازم و بدان وسیله باخبر می شوی که به سبب کارهای خوب نزد ما مقرب باشی و خداوند در سایه رحمت خود تو را به این اعمال موفق داشته است. پس ای شیخ مفید!، که خداوند به وسیله

لِاسْتِزْهَابِ الْمُبْطِلِينَ وَ تَبْتِيحِ لِدِمَارِهَا السُّؤْمُونَ وَ يَحْزَنُ لِذَلِكَ
 الْمُجْرِمُونَ وَ آيَةٌ حَرَكْتِنَا مِنْ هَذِهِ اللُّوْثَةِ حَادِثَةٌ بِالْحَرَمِ الْمُعْظَمِ مِنْ
 رَجِسٍ مُنَافِقٍ مَذْمُومٍ مُسْتَحِلٍّ لِلدَّمِ الْمُحَرَّمِ يَغْمِدُ بِكَيْدِهِ أَهْلَ الْإِيمَانِ وَ لَا
 يَبْلُغُ بِذَلِكَ عَرْضَهُ مِنَ الظُّلْمِ لَهُمْ وَ الْعُدْوَانِ لِأَنَّنا مِنْ وَرَاءِ حِفْظِهِمْ
 بِالدُّعَاءِ الَّذِي لَا يُجْزِبُ عَنِ مَلِكِ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ فَلْيَطْمِئِنِّ بِذَلِكَ مِنْ
 أَوْلِيَانِنَا الْقُلُوبِ وَ لِيَتَّقُوا بِالْكَفَايَةِ مِنْهُ وَ إِنْ رَاعَتْهُمْ بِهِمُ الْخَطُوبُ وَ
 الْعَاقِبَةُ لِجَمِيلِ صُنْعِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ تَكُونُ حَمِيدَةً لَهُمْ مَا اجْتَنَبُوا الصَّهَى
 عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ.

وَ نَحْنُ نَعْقِدُ إِلَيْكَ آيَةَ الْوَلِيِّ الْمُخْلِصِ الْمُجَاهِدِ فِينَا الظَّالِمِينَ، أَيَّدَكَ اللَّهُ
 بِبُضْرَةِ الَّذِي أَيَّدَ بِهِ السَّلَفَ مِنْ أَوْلِيَانِنَا الصَّالِحِينَ، أَنَّهُ مِنَ اتَّقَى رَبَّهُ مِنْ
 إِخْوَانِكَ فِي الدِّينِ وَ خَرَجَ عَلَيْهِ بِمَا هُوَ مُسْتَحِقُّهُ كَانَ آمِنًا مِنَ الْفِتْنَةِ
 الْمُظِلَّةِ وَ مِحْنَتِهَا الْمُظْلِمَةِ الْمُضِلَّةِ وَ مَنْ بَجَلَ مِنْهُمْ بِمَا آعَارَهُ اللَّهُ مِنْ
 نِعْمَتِهِ عَلَى مَنْ أَمَرَهُ بِصَلَاتِهِ فَإِنَّهُ يَكُونُ خَاسِرًا بِذَلِكَ لِأَوْلَاهُ وَ آخِرَتِهِ. وَ
 لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهَهُمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ
 بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيُمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَسْتَعَجَلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ
 بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا
 يَتَّصِلُ بِنَا مِنْ نَكَرْهُهُ وَ لَا تُؤَثِّرُهُ مِنْهُمْ، وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ وَ هُوَ حَسْبُنَا وَ نِعْمَ
 الْوَكِيلُ وَ صَلَوَاتُهُ عَلَى سَيِّدِنَا الْبَشِيرِ النَّذِيرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ
 سَلَّمَ. وَ كُتِبَ فِي عُرْوَةِ سَوَالٍ مِنْ سَنَةِ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ وَ أَرْبَعِمِائَةٍ^١.

چشم عنایت خویش که هرگز آن را خواب فرا نگیرد، نگهداری‌ات کند، باید در مقابل باطل و طرفداران آنان که جان مردم را به خطر انداخته‌اند مقاومت کنی تا پیروان باطل را بترسانی و بیهوده کاران را نیز به وحشت بیندازی، و در نتیجه اهل ایمان از مخدول شدن آنان خوشحال می‌شوند و تبهکاران غمناک می‌گردند. و نشانه‌خانه‌نشینی ما جنبشی است که در سایه‌ حادثه‌ای در مکه معظمه و به دست شخص پلید و دورویی روی خواهد داد که خونریزی را مباح دانسته، با کید و نیرنگ خویش آهنگ جان مؤمنان می‌نماید، اما به هدف ظالمانه‌ خود نخواهد رسید، زیرا همواره دعای ما شامل حال اهل ایمان خواهد بود و خداوند آسمان و زمین، اجابت آن را به تأخیر نخواهد انداخت.

پس دل‌های دوستان و اولیای ما باید به آن اطمینان داشته باشد و بدانند که از آسیب و زیان آن دشمن در امان خواهند بود، اگر چه درگیریها و سختیهای هولناک آنها را بترسانند و باید بدانند که خداوند کفایت‌کننده امور آنها است و تا وقتی که شیعیان ما از گناهان دوری می‌کنند از عنایات او برخوردارند.

ای دوست مخلص و ای کسی که با ستمگران در راه ما مبارزه می‌کنی! خداوند بزرگ آن چنان که دوستان صالح ما را در گذشته یاری فرمود، تو را نیز با نصرت خود تأیید فرماید. ما با شما عهد می‌کنیم که هر کسی از برادران دینی شما (شیعیان) که تقوی را سرمایه خویش قرار دهد از فتنه‌های گمراه‌کننده ظلمت‌خیز در امان خواهد بود (مانند فتنه‌های زمان خودمان) و اگر کسی بر خلاف وظیفه رفتار کرده، از آنچه باید عمل کند بخل ورزد، مسلماً خسران و زیان دو جهان، نصیبش خواهد شد.

اگر شیعیان ما، که خداوند آنها را به طاعت و بندگی خویش موقت بدارد، در وفای به عهد و پیمان الهی اتفاق و اتحاد می‌داشتند و آن را محترم می‌شمردند، سعادت دیدار ما برای ایشان به تأخیر نمی‌افتاد و زودتر از این به سعادت دیدار ما نایل می‌شدند در صورتی که بر اساس معرفت واقعی و راستگویی و صداقت آنها نسبت به ما بود. (یعنی اگر در دوستی با ما صادق بودند.)

آنچه که موجب جدایی ما و دوستانمان گردیده و آنان را از دیدار ما محروم نموده است، گناهان و خطاهای آنان نسبت به احکام الهی است. و خداوند تنها یاری کننده و کفایت کننده تمام کارها و امور ما و بهترین وکیل برای ماست. درودهای الهی بر روان پاک خاتم انبیاء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خاندان بزرگ و برجسته او باد. این توفیق در روز اوّل ماه شوال چهارصد و دوازده نگارش [و شرف صدور] یافته است.

● خوانندگان گرامی! آنچه در این توفیق مبارک به عنوان بزرگترین وسیله سعادت

بدان اشاره شده، چند اصل مهم است:

۱. مقام والای شیخ مفید، رضوان الله علیه، که در نتیجه پیمودن راه تقوی، حجت

خداوند و امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام، به او سلام می‌کند.

۲. امام عصر، روحی له الفداء، بر اعمال همه مردم (*كُنَّا نَظُرُنَا مَنَاجَاتِكَ*) نظارت

عالیه دارند.

۳. دعای آن حضرت درباره شیخ مفید و هر دوست مخلص.

۴. تضمین یاری و نصرت خداوند درباره شیخ مفید و هر کس دیگری که راه او را

ادامه دهد.

۵. علت غیبی و محروم بودن ما از فیوضات و برکات وجود مقدس حضرت بقیة الله،

عجل الله تعالی فرجه الشریف، و بی‌سعادتگی از رهبری آن حضرت، گناهان و

لغزشهای اجتماع شیعه است. خداوند بزرگ همه ما را به صلاح و طی منازل تقوی و

پرهیزگاری و خدمت به مذهب و مکتب تشیع یاری فرماید. آمین یا رب

العالمین.

توقیع میارک امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)
به افتخار احمد بن ابی روح (توسط جناب محمد بن عثمان (ره))

احمد بن ابی روح می‌گوید: به سوی بغداد می‌رفتم تا مقداری از مال ابوالحسن خضرین محمد را که نزد من بود و به من امر شده بود که آن را به جناب محمد بن عثمان عمری نایب خاص حضرت بقیة الله تقدیم ولی پس از آن مرا امر کردند که اموال را به شخص دیگری بدهم (ظاهراً منظور خود ناحیه مقدسه حضرت، در و اضافه، می‌باشد) و ضمناً برای شفای مرضی که آن شخص بدان مبتلا بود تقاضای دعا نموده، بپرسم که آیا با در برداشتن و پوشیدن لباسی که از گُرک (وبر) تهیه شده باشد نماز صحیح است یا خیر؟ که نامه‌ای از ناحیه مقدسه حضرت بدین مضمون واصل گردید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَأَلْتُ الدُّعَاءَ عَنِ الْعِلَّةِ الَّتِي تَجِدُهَا، وَهَبَ اللَّهُ لَكَ الْعَافِيَةَ وَدَفَعَ عَنْكَ

الْآفَاتِ وَصَرَفَ عَنْكَ بَعْضَ مَا تَجِدُهُ مِنَ الْحَرَارَةِ وَ عَافَاكَ

به نام خداوند بخشنده مهربان

برای شفای بیماری خود خواسته بودی دعا کنم. خداوند به شما عافیت ارزانی دارد و آفات و بلیات را از شما دفع کند و پاره‌ای از امراض (حرارت) را که در وجود شما است دفع نماید و عافیت و سلامت به شما عنایت فرماید.

وَصَحَّ جَسْمُكَ وَ سَأَلْتَ مَا يَجِلُّ أَنْ يُصَلِّيَ فِيهِ مِنَ الْوَبْرِ وَ السَّمُورِ وَ
 الشَّنَجَابِ وَ الْفَنَكِ وَ الدَّقِّ وَ الْخَوَاصِلِ، فَأَمَّا السَّمُورُ وَ الثَّعَالِبُ فَحَرَامٌ
 عَلَيْكَ وَ عَلَى غَيْرِكَ الصَّلَاةُ فِيهِ وَ يَجِلُّ لَكَ جُلُودُ الْمَأْكُولِ مِنَ اللَّحْمِ
 إِذَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ غَيْرُهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكَ مَا تُصَلِّيَ فِيهِ فَالْخَوَاصِلُ جَائِزٌ
 لَكَ أَنْ تُصَلِّيَ فِيهِ الْفَرَا مَتَاعُ الْغَنَمِ مَا لَمْ يَذْبَحْ بِأَزْمِنِيَّةٍ يَذْبَحُهُ النَّصَارِيُّ
 عَلَى الصَّلِيبِ فَجَائِزٌ لَكَ أَنْ تَلْبَسَهُ إِذَا ذَبَحَهُ أَحَدٌ لَكَ (أَوْ مُخَالَفٌ تَشِيقُ
 بِهِ).^۱

اما در مورد چیزهایی که می شود با آنها نماز خواند. با پوست سمور (یک حیوان صحرائی) و روباه نماز خواندن حرام است و با پوست حیوانات مأکول اللحم (حیواناتی که گوشتشان برای خوردن حلال می باشد) که به وسیله یکی از برادران دینی تو یا فردی از مخالفان (اشاره به سنی ها) که مورد اعتماد تو باشد ذبح شود، پوشیدن آن جایز است و طبعاً نماز خواندن با آن مانعی ندارد.

توقیع مبارک حضرت بقیة الله (روحی له الفداء)
به افتخار ابی صالح خجندی

مَنْ بَحَثَ فَقَدْ طَلَبَ، وَ مَنْ طَلَبَ فَقَدْ دَلَّ، وَ مَنْ دَلَّ فَقَدْ أَشَاطَ وَ مَنْ
أَشَاطَ فَقَدْ أَشْرَكَ.^۱

ماجرای ابی صالح خجندی به طور اختصار این است که نامبرده نهایت درجه علاقه بلکه عشق شدید به زیارت حضرت بقیة الله، روحی له الفداء، داشت و برای رسیدن به آب حیات (دیدار حضرت مهدی، روحی له الفداء)، تلاش بسیار می‌کرد و سرانجام عریضه‌ای به پیشگاه مقدس امام عصر علیه السلام به وسیله جناب حسین بن روح (نایب خاص آن حضرت) تقدیم داشت و طی آن علاقه و اشتیاق شدید و جستجوی خود را در شهرها برای پیدا کردن آن وجود مقدس به عرض رساند. حضرت روحی له الفداء، در پاسخ چنین فرمودند:

هر که درباره من جستجو کند، به دنبال من آمده است و هر که برای پیدا کردن من کوشش کند، دشمن را به سوی من راهنمایی کرده است و هر کس که دشمن را به سوی من رهبری کند، جان مرا در خطر انداخته است و هر کس که از نظر جانی خطری متوجه من کند، مشرک است.

توقیع دیگری

از وجود مقدس امام عصر (روحی لتراب مقدمه الفداء)

مِنْ كِتَابٍ آخَرَ: فَرَأَيْكَ أَدَامَ اللَّهِ عَزَّكَ فِي تَأْمُلٍ رُفَعْتِي وَ التَّفَضُّلِ عَلَيَّ
بِمَا يَسْهَلُ لِأَضِيفَهُ إِلَى سَائِرِ أَيَادِيكَ عَلَيَّ وَ اخْتَجَجْتَ، أَدَامَ اللَّهُ عَزَّكَ، أَنْ
تَسْأَلَ لِي بَعْضَ الْفُقَهَاءِ عَنِ الْمُصَلِّي إِذَا قَامَ مِنَ التَّشَهُدِ الْأَوَّلِ لِلرُّكْعَةِ
الثَّالِثَةِ، هَلْ يَجِبُ عَلَيْهِ أَنْ يُكَبِّرَ فَإِنَّ بَعْضَ أَصْحَابِنَا قَالَ لَا يَجِبُ عَلَيْهِ
التَّكْبِيرُ وَ يُجْزِيهِ أَنْ يَقُولَ «بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ».

قَالَ: إِنَّ فِيهِ حَدِيثَيْنِ، أَمَا أَحَدُهُمَا فَإِنَّهُ إِذَا التَّقَلَّ مِنْ حَالَةٍ إِلَى حَالَةٍ
أُخْرَى فَعَلَيْهِ تَكْبِيرٌ وَ أَمَا الْآخَرُ فَإِنَّهُ رُوِيَ أَنَّهُ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السُّجْدَةِ
الثَّانِيَةِ فَكَبَّرَ ثُمَّ جَلَسَ ثُمَّ قَامَ فَلَيْسَ عَلَيْهِ لِلْقِيَامِ بَعْدَ الْقُعُودِ تَكْبِيرٌ وَ
كَذَلِكَ التَّشَهُدُ الْأَوَّلُ يَجْزِي هَذَا الْمَجْرَى وَ بَايَهُمَا أَخَذَتْ مِنْ جِهَةِ
التَّسْلِيمِ كَانَ صَوَابًا.

وَ عَنِ الْفَضِّ الْخُمَاهِنِ، هَلْ تَجُوزُ فِيهِ الصَّلَاةُ إِذَا كَانَ فِي أَضْبَعِهِ؟
فِيهِ كِرَاهَةٌ أَنْ يُصَلِّيَ فِيهِ وَ فِيهِ اِطْلَاقٌ وَ الْعَمَلُ عَلَى الْكِرَاهِيَةِ.

طی این توقیع و عریضه از پاره‌ای از مسایل و احکام شرعی
استعلام گردیده است از جمله اینکه:

سؤال: آیا نمازگزار پس از تشهد اول که برای رکعت سوم بر می‌خیزد باید تکبیر بگوید؟ برخی از اصحاب ما را عقیده بر این است که در این مورد تکبیر واجب نیست و اگر بگوید «بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ أَقْرَمُ وَ أَقْعَدُ» کافی است.

جواب: در این مورد دو حدیث است، مضمون یکی از آن دو این است که نمازگزار هنگامی که از حالتی به حالت دیگر منتقل گردد، باید تکبیر گوید. حدیث دیگر این است که نمازگزار اگر از سجده دوم سر برداشته، تکبیر بگوید و سپس نشسته و بعداً برخیزد، پس از برخاستن دیگر لازم نیست، تکبیر بگوید. در مورد تشهد اول نیز همین گونه است و به هر یک از دو حدیث از جهت تسلیم عمل کنی، صحیح است.

سؤال: و در مورد انگشت خماهن (فلزی است)، آیا اگر نمازگزار چنین انگشتی در انگشت داشته باشد نماز وی صحیح است؟
جواب: با چنین انگشتی نماز گزاردن، مکروه است.

وَعَنْ رَجُلٍ اشْتَرَى هَدِيًّا لِرَجُلٍ غَائِبٍ عَنْهُ وَ سَأَلَهُ أَنْ يَنْحَرَ عَنْهُ هَدِيًّا
بِمَعْنَى فَلَمَّا أَرَادَ نَحْرَ الْهَدْيِ نَسِيَ اسْمَ الرَّجُلِ وَ نَحَرَ الْهَدْيَ، ثُمَّ ذَكَرَهُ بَعْدَ
ذَلِكَ، أَيُجْزَى عَنْ الرَّجُلِ أَمْ لَا؟

لَا بَأْسَ بِذَلِكَ وَ قَدْ أَجَزَهُ عَنْ صَاحِبِهِ.

وَ عِنْدَنَا حَالُهُ مَجُوسٍ يَأْكُلُونَ الْمَيْتَةَ وَ لَا يَغْتَسِلُونَ مِنَ الْجَنَابَةِ وَ
يَنْسَجُونَ لَنَا ثِيَابًا، فَهَلْ يَجُوزُ الصَّلَاةُ فِيهَا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُغَسَّلَ؟
لَا بَأْسَ بِالصَّلَاةِ فِيهَا.

وَ عَنِ الْمُصَلِّي يَكُونُ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ فِي ظُلْمَةٍ، فَإِذَا سَجَدَ يَغْلَطُ
بِالسَّجَادَةِ وَ يَضَعُ جَبْهَتَهُ عَلَى مِسْحٍ أَوْ نَطْعٍ فَإِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ وَ جَدَّ
السَّجَادَةَ، هَلْ يَغْتَدُّ بِهَذِهِ السَّجَادَةِ أَمْ لَا يَغْتَدُّ بِهَا؟
مَا لَمْ يَسْتَوْجِئًا فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ فِي رَفْعِ رَأْسِهِ لِطَلَبِ الْخُمْرَةِ ١.

سؤال: شخصی از کسی خواست که در منی از طرف وی گوسفندی قربانی کند. شخص دوم هنگام ذبح قربانی نام شخص اول را فراموش کرد و پس از ذبح نام وی را به خاطر آورد. آیا این قربانی از طرف شخص اول کافی است و از او رفع تکلیف می‌کند؟

جواب: مانعی ندارد و از طرف صاحب آن مجزی و کافی است.

سؤال: نزدیک ما خیطاط مجوسی است که گوشت میته می‌خورند و از آلودگی جنابت پروایی ندارند. آیا با لباسی که برای ما می‌دوزند قبل از اینکه تطهیر شود، می‌توان نماز خواند؟

جواب: نماز در آن لباس مانعی ندارد.

سؤال: نمازگزاری هنگام نماز شب، در تاریکی سجاده را اشتباه می‌کند و پیشانی را بر غیر آنچه سجده بر آن صحیح است می‌گذارد و چون سر بر می‌دارد، سجاده را پیدا می‌کند. آیا این سجده کافی است یا خیر؟

جواب: تا زمانی که دو زانو ننشسته، می‌تواند سر خود را برای پیدا کردن سجاده یا محل سجده بلند کند.

آخرين توقيع حضرت بقیة الله (روحي له الفداء) به جناب علي بن محمد سمري

(آخرين نایت خاص ایشان)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يا عَلِيُّ بْنَ مُحَمَّدٍ السَّمُرِيُّ، أَغْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا
بَيْنَكَ وَبَيْنَ سِتِّهِ أَيَّامٍ. فَاجْمَعْ أَمْرَكَ وَلَا تُوصِلْ إِلَى أَحَدٍ فَيَقُومَ مَقَامَكَ
بَعْدَ وَفَاتِكَ. فَقَدْ وَقَعَتِ الْعَيْبَةُ التَّامَّةُ فَلَا ظَهْرَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى
ذِكْرُهُ وَذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمَدِ وَفَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا.

وَسَيَأْتِي إِلَى شَيْعَتِي مَنْ يَدْعِي الْمَشَاهِدَةَ. الْأَقْمَنِ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ
خُرُوجِ الشُّفِيَانِيِّ وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ^١.

به نام خداوند بخشاینده مهربان

ای علی بن محمد سمری! خداوند بزرگ، در مصیبت درگذشت تو به برادران دینیات پاداش عظیم عنایت فرماید. تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت. بنابراین، امور زندگی خود را تمام کن و هیچ کس را وصی و جانشین خویش قرار مده، زیرا دوران غیبت کبری آغاز شده است و امر ظهور موکول به اجازه خداوند بزرگ است که آن هم پس از:

۱. غیبتی بس طولانی؛

۲. قساوت دلهای مردم و دوری آنان از حقایق؛

۳. فراگیر شدن ظلم و جور در دنیا؛

خواهد بود.

به زودی افرادی به سوی شیعیان من آمده، ادعای مشاهده (نیابت خاصه) مرا خواهند کرد. آگاه باشید که هر کس قبل از خروج سفیانی و به گوش رسیدن صیحه آسمانی ادعای مشاهده کند دروغگو است و [بر خدا و رسول او] افترا می‌بندد. و تمام قدرتها و نیروها از آن خداوند متعال است.

● خواننده گرامی! برخی از کسانی که منکر امکان تشرف و زیارت حضرت بقیة الله، روحی له الفداء، در زمان غیبت کبری هستند به همین تویق استدلال می‌کنند؛ در حالی که بر اساس قراین موجود در فرمان حضرت، به خوبی معلوم می‌شود که منظور از ادعای مشاهده در این فرمان، دعوی نیابت خاصه است و جمله «فَأَجْمَعُ أَمْرَكَ وَ لَا تُوصِي إِلَيَّ أَحَدٌ» که یعنی امر خود را جمع کن (به اصطلاح امروزی‌ها، دفتر کار خویش را ببند) و هیچ کس را جانشین خود قرار مده، به وضوح و روشنی هرگونه نیابت خاصه را از طرف آن حضرت در زمان غیبت کبری منتفی

می‌نماید، و آنرا هیچ مانعی ندارد که گروهی به حضورش رسیده، از گفتار و کردارش بهره‌ها ببرند.

مرحوم میرزای نوری، در پایان کتاب «جَنَّةُ الْمَأْوَى» بخشی را به اثبات امکان رؤیت حضرت و تأویل توقیع شریف اختصاص داده است. بر این اساس، تردیدی در امکان رؤیت و زیارت حضرت ولیّ عصر، عَجَلُ الله فرجه الشَّریف، در زمان غیبت کبریٰ باقی نمی‌ماند و چه بسا هزاران نفر به دیدار آن کشتی نجات و مشعل هدایت نایل شده‌اند که بعداً از جدا شدن با دلایل قطعی بر آنها ثابت شده که حضرت ولیّ عصر، عَجَلُ الله فرجه الشَّریف، بوده است و تشرّف برخی از علمای بزرگوار از جمله سیدبن طاووس، علامه حلی، مقدّس اردبیلی، علامه بحرالعلوم، شیخ مرتضی انصاری و صدها نفر دیگر از علمای بزرگ در طول قرون متمادی، قطعی و بی‌تردید است.

فرمان حضرت ولی عصر (روحی له الفداء) برای همه

به وسیله جناب حسین بن روح

عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِيِّ، قَالَ كُنْتُ عِنْدَ الشَّيْخِ أَبِي الْقَاسِمِ
الْحُسَيْنِ بْنِ رُوحٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، مَعَ جَمَاعَةٍ مِنْهُمْ عَلِيُّ بْنُ عِيسَى
الْقَضْرِيِّ فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ شَيْءٍ. فَقَالَ لَهُ سَلْ
عَمَّا بَدَأَكَ.

فَقَالَ الرَّجُلُ أَخْبِرْنِي عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، أَهْوَى وَلِيُّ اللَّهِ؟
قال: نعم.

ابراهیم فرزند اسحاق طالقانی می‌گوید: با گروهی از جمله علی بن عیسی در خدمت جناب حسین بن روح بودیم. مردی برخاست و خطاب به حسین بن روح، رضوان الله علیه، عرض کرد: سؤالی دارم. ایشان فرمودند: بگو.

عرض کرد: آیا حضرت حسین بن علی علیهما السلام ولی خداوند بود؟
حسین بن روح فرمودند: آری.

قال: أَخْبِرْنِي عَنْ قَاتِلِهِ لَعَنَهُ اللَّهُ، أَمْ هُوَ عَدُوٌّ لِلَّهِ؟

قال: نَعَمْ.

قال الرَّجُلُ: فَهَلْ يَخْزُو أَنْ يُسَلِّطَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَدُوَّهُ عَلَيَّ وَوَلِيِّهِ؟
فَقَالَ أَبُو الْقَاسِمِ، قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ: إِنْ هُمْ عَنِّي مَا أَقُولُ لَكَ. إِنْ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ
تَعَالَى لَا يُخَاطِبُ النَّاسَ بِمُشَاهَدَةِ الْعِيَانِ وَلَا يُشَافِيهِمْ بِالْكَلَامِ وَلِكَيْتَهُ
جَلَّتْ عَظَمَتُهُ يَبْعَثُ إِلَيْهِمْ مِنْ أَجْنَابِهِمْ وَأَصْنَافِهِمْ بِشَرٍّ مِثْلَهُمْ وَلَوْ بَعَثَ
إِلَيْهِمْ رُسُلًا مِنْ غَيْرِ صِنْفِهِمْ وَصُورِهِمْ لَنَفَرُوا عَنْهُمْ وَ لَمْ يَقْبَلُوا مِنْهُمْ
فَلَمَّا جَاؤُهُمْ وَكَانُوا مِنْ جِنْسِهِمْ يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَ يَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ،
قَالُوا لَهُمْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِثْلُنَا لَا نَقْبَلُ مِنْكُمْ حَتَّى تَأْتُونَا بِشَيْءٍ نَهْجُرُ مِنْ أَنْ
نَأْتِيَ بِمِثْلِهِ، فَتَعَلَّمْ أَنْكُمْ مَخْضُوضُونَ دُونَنَا بِمَالٍ نَقْدِرُ عَلَيْهِ، فَجَعَلَ اللَّهُ
عَزَّ وَجَلَّ لَهُمُ الْمُعْجِزَاتِ الَّتِي يَفْعِلُ الْخَلْقُ عَنْهَا.

فَمِنْهُمْ مَنْ جَاءَ بِالطُّوفَانِ بَعْدَ الْأَعْذَارِ وَ الْأَنْذَارِ فَعَرِقَ جَمِيعُ مَنْ طَعَنَ وَ
تَمَرَّدَ.

وَ مِنْهُمْ مَنْ أَلْقَى فِي النَّارِ فَكَانَتْ عَلَيْهِ بَرْدًا وَ سَلَامًا. وَ مِنْهُمْ مَنْ أَخْرَجَ
مِنَ الْحَجَرِ الصُّلْبِ النَّاقَةَ وَ أَجْرِي مِنْ صُرْعِهَا لَبْنًا.

عرض کرد: آیا قاتل آن حضرت (یزید) - که لعنت خداوند بر او باد - دشمن خداوند بود؟ ایشان فرمودند: آری.

سپس عرض کرد: آیا جایز است که خداوند دشمن خود را بر ولی خود مسلط فرماید؟ جناب حسین بن روح فرمودند: توّجّه کن و در سخنان من دقت نما تا برای تو مطلب را توضیح دهم.

بدان که خداوند بزرگ با مردم، به صورت مشاهده و ملاقات سخن نمی‌گوید و با چشم دیده نمی‌شود؛ ولی ذات اقدسش پیامبرانی از نوع بشر برانگیخته است که همانند آنها هستند و اگر افرادی غیر از نوع بشر برمی‌انگیخت، مردم از آنان فرار می‌کردند و گفته آنها را نمی‌پذیرفتند.

پس از اینکه خداوند افرادی را مبعوث کرد و مردم به آنان گفتند که شما هم مانند ما هستید؛ غذا می‌خورید و راه می‌روید (از جهات ظاهری مانند غذا خوردن، راه رفتن، ازدواج و غیره شبیه به آنان بودند) و ما دعوت شما را بدون اینکه معجزه‌ای بیاورید (کاری که ما از انجام آن عاجز و ناتوان باشیم)، نمی‌پذیریم و البته پس از دیدن معجزات، برتری شما بر ما مسلم خواهد شد.

خداوند نیز به انبیاء، معجزات و خوارق عادات عنایت فرمود [که شاید آن را بتوان به «ولایت تکوینی» تعبیر نمود].

یکی (حضرت نوح) پس از آنکه قومش را انذار و ارشاد فرمود، در مقابل طغیان و تمرد آنان طوفانی فرا رسید که همه طاعیان و سرکشان را غرق نمود و فقط گروهی که با وی در کشتی بودند نجات یافتند.

در مورد دیگری (حضرت ابراهیم)، با اینکه نمرود برای سوزاندن آن سرور، بیابانی از آتش آماده کرد و آن حضرت را درون آتش انداختند، خداوند آتش را بر ابراهیم گلستان نمود.

در مورد یکی (حضرت صالح)، خداوند بزرگ برای آن حضرت و برای نشان دادن قدرت خویش، ناقه‌ای (شتری) از شکاف کوه بیرون آورد که از شیر آن استفاده می‌شد.

وَ مِنْهُمْ مَنْ فَلَقَ لَهُ الْبَحْرَ وَ فَجَّرَ لَهُ مِنَ الْعُيُونِ وَ جَعَلَ لَهُ الْقَصَا الْيَاسَةَ
ثُعْبَانًا تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ.

وَ مِنْهُمْ مَنْ أُبْرِءَ الْأَكْمَةَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أَخْبَى الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أَنْبَأَهُمْ بِمَا
يَأْكُلُونَ وَ مَا يَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِهِمْ.

وَ مِنْهُمْ مَنْ انشَقَّ لَهُ الْقَمَرُ وَ كَلَّمَتْهُ الْبُهَائِمُ مِثْلُ الْبَعِيرِ وَ الذَّنَبِ وَ غَيْرِ
ذَلِكَ.

فَلَمَّا آتَوْا بِمِثْلِ ذَلِكَ وَ عَجَزَ الْخَلْقُ عَنْ أَمَمِهِمْ مِنْ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِهِ كَانَ مِنْ
تَقْدِيرِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ وَ لَطْفِهِ بِعِبَادِهِ وَ حِكْمَتِهِ أَنْ جَعَلَ أَنْبِيَائَهُ مَعَ هَذِهِ
الْمُعْجِزَاتِ فِي حَالِ غَالِبِينَ وَ أُخْرَى مَغْلُوبِينَ وَ فِي حَالِ قَاهِرِينَ وَ أُخْرَى
مَقْهُورِينَ وَ لَوْ جَعَلَهُمُ اللَّهُ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِمْ غَالِبِينَ وَ قَاهِرِينَ وَ لَمْ
يَبْتَلِهِمْ وَ لَمْ يَمْتَحِنَهُمْ لَأَتَّخَذَهُمُ النَّاسُ هَيْئَةً مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَ لَمَا
عُرِفَ فَضْلُ صَبْرِهِمْ عَلَى الْبَلَاءِ وَ السِّحْنِ وَ الْإِخْتِبَارِ، وَ لَكِنَّهُ جَعَلَ
أَحْوَالَهُمْ فِي ذَلِكَ كَأَحْوَالِ غَيْرِهِمْ لِيَكُونُوا فِي حَالِ الْإِخْنَةِ وَ الْبَلْوَى
صَابِرِينَ وَ فِي حَالِ الْعَافِيَةِ وَ الظُّهُورِ عَلَى الْأَعْدَاءِ شَاكِرِينَ، وَ يَكُونُوا فِي
جَمِيعِ أَحْوَالِهِمْ مُتَوَاضِعِينَ غَيْرَ شَامِخِينَ وَ لَا مُتَجَبِّرِينَ.

وَ لِيَعْلَمَ الْعِبَادُ أَنَّ لَهُمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ الْهَاءُ هُوَ خَالِقُهُمْ وَ مُدَبِّرُهُمْ فَيَعْبُدُوهُ وَ
يُطِيعُوا رُسُلَهُ، وَ تَكُونَ حُجَّةُ اللَّهِ ثَابِتَةً عَلَى مَنْ تَجَاوَزَ الْحَدَّ فِيهِمْ وَ ادَّعَى
لَهُمُ الرُّبُوبِيَّةَ، أَوْ عَانَدَ وَ خَالَفَ وَ عَصَى وَ جَحَدَ بِمَا آتَتْ بِهِ الْأَنْبِيَاءُ
وَ الرُّسُلُ، وَ لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يَخِيئَ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ.

برای یکی (حضرت موسی)، خداوند رود نیل را شکافت و فرعون و فرعونیان را هلاک فرمود. همچنین دوازده چشمه از سنگی بیرون آورد و عصای خشک موسی را ازدهایی کرد که هر چه را می‌خواست می‌بلعید.

یکی (حضرت عیسی) امراض مختلفه را شفا می‌داد و با اجازه خداوند، مردگان را زنده می‌کرد و از آنچه مردم می‌خورند و در خانه‌هایشان ذخیره می‌نمودند، خبر می‌داد. و برای دیگری (حضرت محمد ﷺ)، خداوند بزرگ، کره ماه را به دو نیم فرمود و حیواناتی مانند شتر و گاو و غیر اینها با حضرتش سخن گفتند.

پس آنگاه که انبیاء، معجزات خود را به مردم نشان دادند و مردم از آوردن مانند آنها عاجز و ناتوان بودند تقدیر و حکم الهی این شد که فرستادگان خویش را با داشتن این همه معجزات گاهی غالب و بر دشمنان پیروز و زمانی مغلوب گردانند، و در حالتی قاهر و وقت دیگر مقهور باشند، و اگر در تمام این حالات و همیشه بر دشمن غالب و پیروز می‌شدند و به این گرفتاریها مبتلا نمی‌شدند و در معرض امتحان الهی قرار نمی‌گرفتند، مردم آنان را به عنوان خدای خویش تلقی و انتخاب می‌کردند و فضیلت مقام صبر و بردباری آنها در مقابل بلاها و امتحانات دیده و شناخته نمی‌شد. ولی خداوند آنها را مانند دیگران قرار داد تا در وقت ابتلاء به مصایب و سختیها صابر و شکیبا و هنگام عافیت و بهره‌برداری از نعمتها شاکر باشند و در تمام حالات متواضعانه رفتار کنند و متکبر نباشند.

برخورد انبیاء و اوصیاء با حوادث و ابتلاء آنان به مصایب برای این بوده است که مردم بدانند این ذوات مقدسه دارای خدایی هستند که آفریننده و مدبّر آنها است. پس باید از خداوند اطاعت کرد و فرمان پیامبران و فرستادگانش را اجرا نمود و در مقابل آنان که دعوی خدایی می‌کنند و نیز در مقابل کسانی که عناد ورزیده، آنچه را که انبیاء آورده‌اند انکار نمودند، حجتی باشند تا اینکه به وسیله حجتها و دلایل اقامه شده، منکران هلاک و افراد مطیع زنده شوند [و سرانجام راه سعادت را ببینند.]

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ): قَعُدْتُ إِلَى السَّيِّحِ
 أَبِي الْقَاسِمِ الْحُسَيْنِ بْنِ رُوحٍ (ره) فِي الْعَدِّ وَ أَنَا أَقُولُ فِي نَفْسِي: أَرَاهُ
 ذَكَرَ لَنَا مَا ذَكَرَ يَوْمَ أَمْسٍ مِنْ عِنْدَ نَفْسِهِ؟ فَأَبْتَرَأُنِي وَ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ بْنُ
 إِبْرَاهِيمَ، لَئِنْ أَخَّرَ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَّفَنِي الطَّيْرُ أَوْ تَهَوَّى بِي الرِّيحُ فِي
 مَكَانٍ سَحِيقٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقُولَ فِي دِينِ اللَّهِ بِرَأْيِي وَ مِنْ عِنْدِ
 نَفْسِي، بَلْ ذَلِكَ عَنِ الْأَصْلِ وَ مَسْمُوعٌ مِنَ الْحُبَّةِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ
 سَلَامُهُ^۱.

محمد بن ابراهیم فرزند اسحق می گوید: فردای آن روز به ملاقات جناب حسین بن روح رفتم و با خود می گفتم حسین بن روح دیروز یک سلسله مطالب از طرف خود برای ما اظهار نمود. ولی چون وارد شدم [بدون هیچ سخنی و بی آنکه چیزی بگویم] حسین بن روح فرمودند: ای محمد بن ابراهیم! اگر به بدترین عذابها مرا شکنجه دهند برای من بهتر است از اینکه در ارتباط با دین خداوند از نزد خود مطلبی بگویم. و تمام مطالبی که روز گذشته برای شما بیان کردم از زبان مقدس حجت و ولی خدا بود که خود مرکز همه علوم و معارف الهی هستند.

توقیع مبارک حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف)
به افتخار محمد بن علی بن هلال کرخی

وَمَا خَرَجَ عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ رَدًّا عَلَى الْعُلَاةِ مِنَ
التَّوْقِيعِ جَوَابًا لِكِتَابِ كُتَيْبِ بْنِ عَلِيٍّ بِنِ هِلَالِ
الْكَرْخِيِّ:

يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، تَعَالَى اللَّهُ وَجَلَّ عَمَّا يَصِفُونَ، سُبْحَانَهُ وَبِحَمْدِهِ، لَيْسَ
نَحْنُ شُرَكَاءُ فِي عِلْمِهِ وَلَا فِي قُدْرَتِهِ بَلْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ غَيْرُهُ كَمَا قَالَ فِي
مُحْكَمِ كِتَابِهِ تَبَارَكَتْ أَسْمَاؤُهُ «قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ

از جمله توقیعاتی که از طرف مقام مقدس حضرت ولی عصر،
صلوات الله علیه، در ردّ غلات شیعه و در پاسخ عریضه محمد بن علی
بن هلال کرخی شرف صدور یافته، این توقیع است که ترجمه آن ذیلاً به
نظر خوانندگان گرامی می‌رسد:

ای محمد بن علی! خداوند متعال بالاتر از آن است که به وصف آمده و او را حمد و
تنا گویند. ما خاندان رسالت شریک در علم خداوند و قدرت او نیستیم، بلکه غیب و
علم به آن مختصّ ذات پاک اوست، چنان که در قرآن مجیدش فرموده است: «ای حبیبم!
بگو غیب در آسمانها و زمین مختصّ ذات پاک خداوند است.»

وَالْأَرْضِ الْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ^١ وَأَنَا وَجَمِيعُ آبَائِي مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ، آدَمَ وَنُوحَ وَ
 إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَغَيْرِهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَمِنَ الْآخِرِينَ مُحَمَّدَ رَسُولَ اللَّهِ وَ
 عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَغَيْرِهِمْ مِمَّنْ مَضَى مِنَ الْأَنْبِيَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ
 اجمعين الى مبلغ ايامى و منتهى عصرى، عبيدالله عزوجل.

يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَ
 نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» * قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَ قَدْ كُنْتُ
 بَصِيرًا* قَالَ كَذَلِكَ آيَاتُنَا فَانْسِيهَا وَ كَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى.»^٢

يا محمد بن علي، قد آذانا جهلاء الشيعة و حُمقاً و هُم و من دینه جناح
 البعوضة أزجح منه، فاشهد الله الذى لا إله الا هو و كفى به شهيداً و
 رسوله محمداً ﷺ و ملائكته و انبيائه و اوليائه ﷺ و أشهدك و
 أشهد كل من سمع كتابى هذا، أنا بريء الى الله و الى رسوله ممن يقول
 إِنَّا نَعْلَمُ الْغَيْبَ وَ نُشَارِكُهُ فِي مَلِكِهِ أَوْ يُحَلِّقُنَا مَحَلًّا سِوَى الْمَحَلِّ الَّذِي
 رَضِيَهُ اللَّهُ لَنَا وَ خَلَقْنَا لَهُ أَوْ يَتَعَدَّى بِنَا عَمَّا قَدْ فَسَّرْتَهُ لَكَ وَ يَبْتَسُّهُ فِي
 صَدْرِ كِتَابِي وَ أَشْهَدُكُمْ أَنَّ كُلَّ مَنْ تَبَرَأَ مِنْهُ فَإِنَّ اللَّهَ يَبْرَأُ مِنْهُ وَ مَلَائِكَتُهُ وَ
 رُسُلُهُ وَ أَوْلِيَائِهِ.

وَ جَعَلْتُ هَذَا التَّوْقِيعَ الَّذِي فِي هَذَا الْكِتَابِ أَمَانَةً فِي عُنُقِكَ وَ عُنُقِ مَنْ
 سَمِعَهُ أَنْ لَا يَكْتُمَهُ لِأَحَدٍ مِنْ مَوَالِيٍّ وَ شِيَعَتِي حَتَّى يَظْهَرَ عَلَيَّ هَذَا التَّوْقِيعَ
 الْكُلِّ مِنَ الْمَوَالِيِّ، لَعَلَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَتَلَفَاهُمْ فَيَزِجِعُونِ إِلَى دِينِ اللَّهِ
 الْحَقِّ وَ يَنْتَهُونَ عَمَّا لَا يَعْلَمُونَ مِنْهُ أَمْرَهُ وَ لَا يُبْلِغُ مُنْتَهَاهُ، فَكُلُّ مَنْ
 فَهِمَ كِتَابِي وَ لَا يَزِجِعُ إِلَى مَا قَدْ أَمَرْتَهُ وَ نَهَيْتَهُ فَقَدْ حَلَّتْ عَلَيْهِ اللَّعْنَةُ مِنْ
 اللَّهِ وَ مِمَّنْ ذَكَرْتُ مِنْ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ.^٣

١. سورة نمل (٢٧)، آية ٦٥.

٢. سورة طه (٢٥)، آيات ١٢٧-١٢٤.

٣. طبرسي، الاحتجاج، ج ٢، ص ٤٧٣، ط بيروت.

من و همهٔ آباء و اجداد گرامی‌ام از اولین - آدم و نوح، ابراهیم و موسی و دیگر پیامبران الهی - و از آخرین - محمد و علی - و دیگر بزرگواران از ائمه معصومین، سلام الله علیهم اجمعین، تا امروز که نوبت امامت به من رسیده است، همگی بندگان خدا هستیم و خداوند بزرگ در قرآنش فرموده است: «کسی که از ذکر و یاد من اعراض کند (روی برگرداند)، معیشت او ضنک و سخت بوده، در قیامت نابینا محسور خواهد شد. او می‌گوید: خداوندا! چرا مرا نابینا محسور کردی در حالی که من بینا بودم؟ خداوند می‌فرماید: تو آیات ما را تکذیب نمودی ما نیز تو را به دست فراموشی سپردیم.»

ای محمد بن علی! نادانان شیعه و نابخردان آنها موجبات آزار و اذیت ما خاندان وحی را فراهم می‌کنند و افرادی که دینشان برای آنها به اندازهٔ یک بال مگس ارزش ندارد، باعث ناراحتی ما هستند.

من خداوند بزرگ را که خدایی جز او نیست به شهادت می‌گیرم و البته او برای شهادت، کافی است و همچنین حبیبش محمد ﷺ و ملائکه و پیامبران او و نیز تو و هر کس را که فرمان من به او برسد گواه می‌گیرم که از افرادی که می‌گویند علم غیب نزد ماست و ما در آفرینش موجودات شریک هستیم، و ما را از محلی که خداوند برای ما قرار داده و راضی است بالاتر می‌برند، بیزارم. همچنین از کسانی که از آنچه برای تو بیان کردم (بندگی خداوند) و از آنچه در ابتدای نامه‌ام بدان اشاره کردم گامی فراتر بروند، بیزارم و اینان البته گرفتار سخط و عذاب الهی خواهند بود. و من تو را گواه می‌گیرم که هر کس که ما از او بیزاری جویم، خداوند و ملائکه و فرستادگانش و اولیای الهی نیز از او بیزار خواهند بود.

[ای محمد بن علی! این تویق را به عنوان امانت به گردن تو و هر که نامهٔ من به او برسد قرار دادم و مکلف هستید که محتوای این فرمان را به همهٔ دوستان و شیعیان من برسانید. شاید خداوند متعال به آنها توفیق عنایت فرماید و در سایهٔ بهره‌برداری از کلمات من، به سوی دین حق برگردند و از آنچه نمی‌دانند، دست بردارند. پس هر کس از شیعیان و دوستان ما از مضمون فرمان من در این تویق آگاهی یافت و به آنچه در این فرمان بیان شده عمل نکرد سزاوار لعنت خداوند و ملائکه و فرستادگان و اولیای او خواهد بود.

● خواننده گرامی! آنچه از خلاصه این فرمان به دست می آید و باید به آن توجه داشت و عمل کرد دو اصل است:

۱. اینکه همه انبیاء و ائمه و اولیاء، بنده خدا هستند تمام قدرتهای مادی و معنوی آنها (ولایت تکوینی و تشریحی) از آن خداوند است.

۲. همه دوستان خاندان رسالت، بندگی خداوند را بر هر چیزی باید مقدم دارند.

توقیع دیگر حضرت بقیة الله (روحی له الفداء)
به افتخار محمد بن عبدالله حمیری

و فی کتابِ آخَرَ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْجَمَزِيِّ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ
السَّلَامُ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ الَّتِي سَأَلَهُ عَنْهَا فِي سَنَةِ سَبْعٍ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ: سَأَلَ
عَنِ الْمُخْرِمِ، يَجُوزُ أَنْ يَشُدَّ الْمَيْزَرَ مِنْ خَلْفِهِ عَلَى عَقْبِهِ بِالطُّولِ وَيَرْفَعُ
طَرَفَيْهِ إِلَى حَقْوَيْهِ وَيَجْمَعُهُمَا فِي خَاصِرَتِهِ وَيَعْقِدُهُمَا وَيُخْرِجُ الطَّرَفَيْنِ
الْآخَرَيْنِ مِنْ بَيْنِ رِجْلَيْهِ وَيَرْفَعُهُمَا إِلَى خَاصِرَتِهِ وَيَشُدُّ طَرَفَيْهِ إِلَى
وَرَكْبَتَيْهِ فَيَكُونُ مِثْلَ السَّرَاوِيلِ يَسْتُرُهُمَا هُنَاكَ فَإِنَّ الْمَيْزَرَ الْأَوَّلَ كُنَّا نَتَرَزُّ
بِهِ إِذَا رَكِبَ الرَّجُلُ جَمَلَهُ يَكْشِفُ مَا هُنَاكَ وَ هَذَا سِتْرٌ؟

در نامه دیگری که محمد بن عبدالله حمیری، رضوان الله علیه، به
پیشگاه مبارک حضرت بقیة الله، عجل الله فرجه الشریف، در سال
سیصد و هفت هجری قمری تقدیم داشت سوالاتی به شرح زیر نمود:

سؤال: آیا جایز است کسی که مُحرم است لنگ احرام را از درازا به پشت برده، دو
طرف آن را بالای آنها در دو طرف خاصره به یکدیگر بزنند و دو طرف دیگر را بالای
ران و خاصره به یکدیگر ببندد تا مثل شلوار شده، بدین طریق ستر عورت گردد؟ چه
آنکه در گذشته وقتی لنگ پوشیده، بر شتر سوار می شدیم پوشش درست و صحیحی
نداشت و آنچه را که پوشانده بودیم، ظاهر می شد، در حالی که اگر لنگ را این چنین
ببندیم، مستورتر خواهد بود.

فَأَجَابَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جَازَ أَنْ يَتَرَرَ الْإِنْسَانُ كَيْفَ شَاءَ إِذْ لَمْ يَخْذُثْ فِي
 الْمَيْتَرِ حَدَثًا بِمَقْرَاضٍ وَلَا أُبْرَةَ يُخْرِجُهُ بِهِ عَنِ حَدِّ الْمَيْتَرِ وَغَزْرَهُ غَزْرًا
 وَ لَمْ يَغْفُدْهُ وَ لَمْ يَشُدَّ بَعْضَهُ بِبَعْضٍ وَ إِذَا عُطِيَ سُورَتُهُ وَ رُكْبَتَيْهِ كِلَاهُمَا فَإِنَّ
 الشَّئْتَةَ الْمُجْمَعَةَ عَلَيْهَا بِغَيْرِ خِلَافٍ تَغْطِيهِ السُّرَّةُ وَ الرُّكْبَتَيْنِ وَ الْأَحْبَابِ إِلَيْنَا
 وَ الْأَفْضَلُ لِكُلِّ أَحَدٍ شُدُّهُ عَلَى السَّبِيلِ الْمَأْلُوفَةِ الْمَعْرُوفَةِ لِلنَّاسِ جَمِيعًا
 إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

وَ سَأَلَ: هَلْ يَجُوزُ أَنْ يَشُدَّ عَلَيْهِ مَكَانَ الْعَقْدِ تِكَّةً.

فَأَجَابَ «عَلَيْهِ السَّلَامُ»: لَا يَجُوزُ شُدُّ الْمَيْتَرِ بِشَيْءٍ سِوَاهُ مِنْ تِكَّةٍ وَ لَا
 غَيْرِهَا.

وَ سَأَلَ عَنِ التَّوَجُّهِ لِلصَّلَاةِ أَنْ يَقُولَ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَإِنَّ بَعْضَ أَصْحَابِنَا ذَكَرَ أَنَّهُ إِذَا قَالَ عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ
 أَبْدَعَ لَأَنَّا لَمْ نَجِدْهُ فِي شَيْءٍ مِنْ كُتُبِ الصَّلَاةِ خِلَافًا حَدِيثًا فِي كِتَابِ الْقَاسِمِ
 بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ إِنَّ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ
 لِلْحَسَنِ كَيْفَ تَتَوَجَّهَ؟ فَقَالَ، أَقُولُ لَتَيْبِكَ وَ سَعْدِيكَ. فَقَالَ لَهُ الصَّادِقُ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ، لَيْسَ عَنْ هَذَا أَسْأَلُكَ. كَيْفَ تَقُولُ وَجْهَتْ وَ جِهَيْ لِسَلْدِي
 فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ حَنِيفًا مُسْلِمًا؟ قَالَ الْحَسَنُ أَقُولُ.

فَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قُلْتَ ذَلِكَ فَقُلْ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ وَ
 مِنْهَاجِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْإِيْتِمَامِ بِآلِ مُحَمَّدٍ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَ مَا أَنَا مِنَ
 الْمُشْرِكِينَ.

جواب: لنگ را هر طور که خواست، می‌تواند بپوشد، البتّه تا وقتی که با قیچی و سوزن کاری در آن نکرده باشد که آن را از حالت لنگ بودن خارج کند. لنگ احرام را در یک جا جمع نکنند و به یکدیگر گره نزنند و نبندند. هنگامی که ناف و دو زانو پوشیده شود کفایت میکند، و پوشاندن ناف و زانوها سنت مورد اجماع مسلمین است که در آن اختلاف نظر نیست و آنچه مورد دلخواه و پسند ماست پیروی از روش عمومی مردم در بستن لنگ احرام به همین روش متداول و معروف است. ان شاء الله.

سؤال: آیا در بستن لنگ احرام به جای گره زدن، می‌توان از کمر بند استفاده کرد؟

جواب: بستن لنگ احرام با کمر بند و غیره جایز نیست و از غیر خود لنگ نمی‌شود استفاده کرد.

سؤال: در مورد «توجه^۱» قبل از نماز که بگوید «... عَلَيَّ مِلَّةَ اِبْرَاهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ» برخی از اصحاب گفته‌اند که گفتن عبارت «عَلَيَّ دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ» بدعت است، چون در احادیث مربوط در این مورد چیزی به ما نرسیده است و در این خصوص فقط یک حدیث در مرقومه قاسم بن محمد از جدش حسن بن راشد وجود دارد و مضمون آن این است که حضرت صادق علیه السلام از حسن سؤال کردند: چگونه «توجه» می‌کنی؟ او گفت: می‌گویم «لَبَّيْكَ وَ سَعْدُكَ^۲». امام صادق علیه السلام فرمودند: از این موضوع سؤال نکردم، چگونه می‌گویی «وَجْهَتُ وَجْهِي لِذِي فَطَرِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ خَنيفاً مُسْلِماً»؟ حسن گفت: همین طور می‌گویم. حضرت فرمودند: پس از اینکه این را گفتی بگو «... عَلَيَّ مِلَّةَ اِبْرَاهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ وَ مِنْهَاجِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْآيَتَامِ بِآلِ مُحَمَّدٍ خَنيفاً مُسْلِماً وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ».

۱. توجه قبل از نماز این است که بگوید: «وَجْهَتُ وَجْهِي لِذِي فَطَرِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ...»
 ۲. ظاهر آن شخص مزبور تصور کرده که منظور امام صادق علیه السلام در حج است، در حالی که مراد حضرت توجه قبل از نماز بوده است.

فَأَجَابَ ﷺ: التَّوَجُّهُ كُلُّهُ لَيْسَ بِفَرِيضَةٍ وَ السُّنَّةُ الْمُؤَكَّدَةُ فِيهِ الَّتِي هِيَ
كَالْإِجْمَاعِ الَّذِي لَا خِلَافَ فِيهِ وَجِهَتُهُ وَجِهَتِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَ
الْأَرْضَ خَيْفًا مُسْلِمًا عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ وَ هُدَى
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ. إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَخْيَأِي وَ
مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ
الْمُسْلِمِينَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ، أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ
الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، ثُمَّ أَقْرَأَ الْحَمْدَ. قَالَ الْفَقِيهُ
الَّذِي لَا يُسْكُ فِي عَمَلِهِ، إِنَّ الدِّينَ لِمُحَمَّدٍ وَ الْهَدْيَةَ لِعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
لِأَنَّهَا لَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ فِي عَقْبِهِ بَاقِيَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَمَنْ كَانَ
كَذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الْمُهْتَدِينَ وَ مَنْ شَكَ فَلَا دِينَ لَهُ وَ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ
الضَّلَالَةِ بَعْدَ الْهُدَى.

وَ سَأَلَهُ عَنِ الْقُنُوتِ فِي الْفَرِيضَةِ، إِذَا فَرَعَ مَنَّتْ دُعَائِهِ يَجُورُ أَنْ يَرُدَّ يَدَيْهِ
عَلَى وَجْهِهِ وَ صَدْرِهِ لِلْحَدِيثِ الَّذِي رُوِيَ «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَجَلَ مِنْ أَنْ
يَرُدَّ يَدَيْ عَبْدِهِ صَفْرًا بَلَّ يَمْلَأُهَا مِنْ رَحْمَتِهِ» أَمْ لَا يَجُورُ، فَإِنَّ بَعْضَ
أَصْحَابِنَا ذَكَرَ أَنَّهُ عَمِلَ فِي الصَّلَاةِ.

فَأَجَابَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَدُّ الْيَدَيْنِ مِنَ الْقُنُوتِ عَلَى الرَّأْسِ وَ الْوَجْهِ عَيْزٌ
جَائِزٌ فِي الْفَرَائِضِ وَ الَّذِي عَلَيْهِ الْعَمَلُ فِيهِ إِذَا رَجَعَ يَدُهُ فِي قُنُوتِ
الْفَرِيضَةِ وَ فَرَعَ مِنَ الدُّعَاءِ أَنْ يَرُدَّ بَطْنَ رَاخَتَيْهِ مَعَ صَدْرِهِ تَلْقَاءَ رُكْبَتَيْهِ
عَلَى تَمَهُّلٍ وَ يُكَبِّرُ وَ يَزَكِعُ وَ الْخَبِيرُ صَحِيحٌ وَ هُوَ فِي نَوَافِلِ النَّهَارِ وَ اللَّيْلِ
دُونَ الْفَرَائِضِ وَ الْعَمَلُ بِهَا أَفْضَلُ.

جواب: توجّه واجب نیست و مستحبّ مؤکّد این است که بگوید «وَجْهَتْ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ خَنِيفاً مُسْلِماً عَلَىٰ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ وَ هُدًى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ. إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اَعُوذُ بِاللّٰهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ».^۱ سپس حمد را قرائت کن.

امام علیه السلام که در کارش شکّی و تردیدی روا نیست فرموده‌اند که دین از آن محمّد صلی الله علیه و آله و سلم است و هدایت از آن حضرت علی امیرالمؤمنین علیه السلام، و این در اعقاب و فرزندان او تا روز قیامت باقی است. هرکس این گونه باشد از هدایت‌شدگان است و هرکس شک کند، دین ندارد. و به خداوند پناه می‌بریم از اینکه پس از هدایت شدن گمراه شویم.

سؤال: آیا نمازگزار در قنوت نمازهای واجب پس از اینکه از دعا فارغ شد، می‌توان دستش را به صورت و سینه‌اش بمالد؟ زیرا حدیث است که «خداوند عزّوجلّ بزرگتر از آن است که دست بنده را خالی برگرداند، بلکه آن را از رحمت خود پُر می‌کند». به طوری که نقل شده است، بعضی از اصحاب در نماز چنین کرده‌اند. آیا جایز است یا خیر؟

جواب: پس از قنوت نمازهای واجب، مالیدن دست به سر و صورت جایز نیست و آنچه که باید کرد این است که وقتی در قنوت نمازهای واجب از دعا فارغ شد، کف دستها را با سینه‌اش به آرامی در مقابل زانوها قرار داده، تکبیر گوید و به رکوع برود. و آن روایت هم درست است ولی در مورد نوافل روز و شب می‌باشد نه در نمازهای واجب، و عمل کردن به این روایت در نمازهای نافله بهتر است.

۱. به سوی خداوند روی می‌کنم که آسمانها و زمین را آفرید. توجّه من به سوی ذات حقّ در حالی است که یکتاپرست و مسلمان هستم و بر ملت ابراهیم و دین محمّد صلی الله علیه و آله و سلم و هدایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و از مشرکان نیستم. نماز و عبادت و حیات و ممات من برای خداوند، پروردگار عالمیان است. او را شریکی نیست و بدین مأمور شده‌ام و از مسلمین هستم. بار خدایا! مرا از مسلمانان قرار ده. به خداوند شنوای دانا از شیطان مردود و رانده شده پناه می‌برم. بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ...

وَسَأَلَ عَنْ سِجْدَةِ الشُّكْرِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ، فَإِنَّ بَعْضَ اصْحَابِنَا ذَكَرَ أَنَّهَا
بِدْعَةٌ، فَهَلْ يَجُوزُ أَنْ يَسْجُدَهَا الرَّجُلُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ وَإِنْ جَارَ قَفَى صَلَاةِ

الْمَغْرِبِ هِيَ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ أَوْ بَعْدَ الْأَرْبَعِ رَكَعَاتِ النَّوَافِلِ؟

فَأَجَابَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سِجْدَةُ الشُّكْرِ مِنَ الزَّمِ السُّنَنِ وَأَوْجِبُهَا وَلَمْ يَقُلْ
إِنَّ هَذِهِ السَّجْدَةَ بِدْعَةٌ إِلَّا مَنْ أَرَادَ أَنْ يُحَدِّثَ بِدْعَةً فِي دِينِ اللَّهِ. فَمَاذَا
الْخَيْرُ الْمَرْوِيُّ فِيهَا بَعْدَ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ وَالْإِخْتِلَافِ فِي أَنَّهَا بَعْدَ الثَّلَاثِ
أَوْ بَعْدَ الْأَرْبَعِ، فَإِنَّ فَضْلَ الدُّعَاءِ وَالتَّسْبِيحِ بَعْدَ الْفَرَايِضِ عَلَى الدُّعَاءِ
بِعَقِيبِ النَّوَافِلِ كَفَضْلِ الْفَرَايِضِ عَلَى النَّوَافِلِ وَالسَّجْدَةِ دُعَاءً وَتَسْبِيحًا
فَالأَفْضَلُ أَنْ تَكُونَ بَعْدَ الْقَرُوضِ، فَإِنْ جُعِلَتْ بَعْدَ النَّوَافِلِ أَيْضًا جَارًا.

وَسَأَلَ أَنْ لِبَعْضِ إِخْوَانِنَا مِمَّنْ نَعْرِفُهُ ضَيْعَةً جَدِيدَةً بِجَنْبِ ضَيْعَةِ خَرَابِ
لِلسُّلْطَانِ فِيهَا حِصَّةٌ وَكَرْتَهُ، رُبَّمَا زَرَعُوا حُدُودَهَا وَتَوَذَّيْهُمُ عُمَالُ
السُّلْطَانِ وَتَبَعَوْضُونَ فِي الْكُلِّ مِنْ غَلَّاتِ ضَيْعَتِهِ وَلَيْسَ لَهَا قِيَمَةٌ
لِخَرَابِهَا وَإِنَّمَا هِيَ بَائِرَةٌ مُنْذُ عِشْرِينَ سَنَةً وَهُوَ يَتَحَرَّجُ مِنْ شِرَائِهَا لِأَنَّهُ
يَقَالُ إِنَّ هَذِهِ الْحِصَّةَ مِنْ هَذِهِ الضَّيْعَةِ كَانَتْ قُبِضَتْ عَنِ الْوَقْفِ قَدِيمًا
لِلسُّلْطَانِ، فَإِنْ جَارَ شِرَائِهَا مِنَ السُّلْطَانِ وَكَانَ ذَلِكَ صَلَاحًا لَهُ وَعِمَارَةً
لِضَيْعَتِهِ وَإِنَّهُ يَزْرَعُ هَذِهِ الْحِصَّةَ مِنَ الْقَرْيَةِ الْبَائِرَةِ لِفَضْلِ مَاءِ ضَيْعَتِهِ
الْعَامِرَةِ وَيُنْحَسِمُ عَنْهُ أَوْلِيَاءُ سُلْطَانٍ وَإِنْ لَمْ يَجْزِ عَمَلٌ بِمَا تَأْمُرُهُ بِهِ إِنْ
شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): الضَّيْعَةُ لَا يَجُوزُ ابْتِياعُهَا إِلَّا مِنْ مَالِكِهَا أَوْ بِأَمْرِهِ
أَوْ رِضَا مِنْهُ.

سؤال: در مورد سجده شکر پس از نماز واجب، برخی از اصحاب گفته‌اند که این کار بدعت است. آیا جایز است که پس از نماز واجب سجده شکر نمود یا خیر؟ در صورتی که جایز است، در مورد نماز مغرب، پس از نماز واجب باید سجده کرد یا پس از نوافل مغرب؟

جواب: سجده شکر از لازم‌ترین و واجب‌ترین مستحبات است و کسی که آن را بدعت خوانده، خود قصد ایجاد بدعت در دین داشته است. اما خبری که در مورد سجده شکر روایت شده و در آن اختلاف است که پس از نماز مغرب است یا پس از چهار رکعت نافله آن، بدان که: فضیلت دعا و تسبیح پس از فرائض در مقایسه با دعا و تسبیح پس از نوافل، مشابه و مانند فضیلت خود فرائض بر نوافل است. و سجده، دعا و تسبیح می‌باشد، پس بهتر است که بعد از فريضه و نماز واجب باشد؛ البته پس از نوافل هم جایز و صحیح است.

سؤال: برخی از برادران ما در کنار کشتزار خرابی که سلطان و حکومت در آن سهم دارند، زمین زراعتی جدیدی دارد که کارگران و کشاورزان آنها به زراعت مشغولند. گاهی نمایندگان و کارگران سلطان موجب آزار و اذیت آنان را فراهم نموده، متعرض محصولات آنها می‌شوند. زمین مزبور، خراب است و قیمتی ندارد بلکه حدود بیست سال است که ویران شده است. خرید این زمین برای شخص یاد شده دشوار است. گفته می‌شود که این سهم از زمین وقف بوده و سلطان آن را به زور گرفته است. حال، اگر برای این شخص خرید زمین مزبور از سلطان جایز باشد به صلاح او خواهد بود و موجب آبادی زمین او می‌شود و می‌تواند این قسمت بایر از زمین را به اضافه آب خود به کار گرفته، آن را آباد کند و دیگر دست نمایندگان و کارگران سلطان و حکومت نیز کوتاه خواهد شد. و البته اگر جایز نباشد به هر دستوری که بفرمایید عمل خواهد کرد. جواب: زمین مزروعی را جز از مالک یا به دستور و رضایت وی نمی‌شود خریداری کرد.

وَسَأَلَ عَنْ رَجُلٍ اسْتَحَلَّ امْرَأَةً خَارِجَةً مِنْ حِجَابِهَا وَكَانَ يَخْتَزِرُ مِنْ أَنْ يَقَعَ وَلَدَ فِجَاءَتِ بَابِنِ، فَتَحْرَجُ الرَّجُلُ أَنْ لَا يَقْبَلَهُ فَقَبِلَهُ وَهُوَ شَاكٌ فِيهِ وَجَعَلَ يَجْرَى النَّفَقَةَ عَلَى أُمَّهِ وَ عَلَيْهِ حَتَّى مَاتَتِ الْأُمُّ وَ هُوَذَا يَجْرَى عَلَيْهِ غَيْرَ أَنَّهُ شَاكٌ فِيهِ لَيْسَ يَخْلِطُ بِنَفْسِهِ وَيَجْعَلُهُ وَ كَسَائِرِ وَ لَدِهِ فَعَلَ ذَلِكَ وَ إِنْ جَازَ أَنْ يَجْعَلَ لَهُ شَيْئاً مِنْ مَالِهِ دُونَ حَقِّهِ فَعَلَ.

فَأَجَابَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْأَسْتِحْلَالُ بِالْمَرْأَةِ يَقَعُ عَلَى وُجُوهِهِ وَ الْجَوَابُ يَخْتَلَفُ فِيهَا، فَلْيَذْكُرِ الْوُجْهَ الَّذِي وَقَعَ الْأَسْتِحْلَالُ بِهِ مَشْرُوحاً لِيَتَعَرَّفَ الْجَوَابُ فِيمَا يَسْأَلُ عَنْهُ مِنْ أُمَّ الْوَالِدِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ سَأَلَهُ الدُّعَاءَ لَهُ فَحَرَّجَ الْجَوَابُ.

جَادَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِمَا هُوَ جَلٌّ وَ تَعَالَى أَهْلُهُ إِجَابَتَنَا لِحَقِّهِ وَ رِعَايَتَنَا لِأَبِيهِ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ قُرْبَهُ مِنَّا وَ قَدَرَضِينَا بِمَا عَلِمْنَا مِنْ جَمِيلِ نَبِيِّهِ وَ وَقَفْنَا عَلَيْهِ مِنْ مُخَاطَبَتِهِ الْمُقَرَّرُ لَهُ مِنَ اللَّهِ الَّتِي يَرْضَى اللَّهُ عَسْرَ وَجَلٍّ وَ رَسُولُهُ وَ أَوْلِيَاؤُهُ وَ الرَّحْمَةَ بِمَا بَدَأْنَا، نَسَأَلُ اللَّهَ بِمَسْئَلَتِهِ مَا أَمَلَهُ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ عَاجِلٍ وَ آجِلٍ وَ أَنْ يُصْلِحَ لَهُ مِنْ أَمْرِ دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ مَا يَجِبُ صَلَاحُهُ، إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٍ.

وَ كَتَبَ إِلَيْهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَيْضاً فِي سَنَةِ ثَمَانٍ وَ ثَلَاثِينَ سَأَلَهُ عَنْ مَسَائِلٍ أُخْرَى كَتَبَ^١.

سؤال: مردی زنی را حلال خود دانسته و با لباس و حجاب او با وی آمیزش کرده و با اینکه از بچه‌دار شدن امتناع می‌کرده است ولی اتفاقاً زن بچه‌دار شده و پسری برای او زاده است. با اینکه پذیرش این فرزند برای او سخت بوده، ولی او را قبول کرده است. او شک داشته که مخارج زن و فرزند را داده است یا خیر تا مادر طفل فوت نمود و او همچنان آن بچه را سرپرستی کرده است ولی باز هم شک دارد که آیا فرزند وی به حساب می‌آید یا خیر و آیا می‌تواند طفل مزبور را به خود نسبت دهد یا نمی‌تواند؟ اگر بر او واجب است که او را به خود نسبت دهد و مانند دیگر فرزندان خود با او رفتار کند، این کار را بکند، و چنانچه باید چیزی به او داده، دیگر از اموال خود حقی برای او قرار ندهد، این گونه عمل کند.

جواب: حلال شمردن زن بر خود، صورتهای متعددی دارد و جواب هر کدام نیز متفاوت است. نحوه حلال شمردن را مشروحاً بنویسید تا جواب معلوم شود و وضعیت فرزند روشن گردد.

● خواننده عزیز! معلوم می‌شود در جواب ندادن به این سؤال مصلحت بزرگی بوده

است، و الا امام علی^{علیه السلام} عالم به ما کان و ما یکون می‌باشد. و همه چیز را می‌داند.^۱

نگارنده در پایان عریضه از آن حضرت تقاضای دعا کرده است.

حضرت بقیة الله، ارواحنا له الفداء، به این شرح درباره او دعا فرمودند.

امید است دعای آن حضرت شامل حال همه ما گردد. آمین یا رب العالمین:

خداوند به اندازه شایستگی خودش درباره او نیکی فرماید. جواب ما به او و رعایت ما نسبت به پدر او که خداوند او را رحمت کند، او را به ما نزدیک گرداند. چون از نیت و باطن او با اطلاعیم و از او خشنود شدید و برگفتگوی او آگاهی یافتیم از خداوند برای او چیزی را گواهی می‌دهیم که خداوند و رسولش و اولیای او خشنود گردند و از خداوند می‌خواهیم که تمام آرزوهایش را در مورد خیرات دنیا و آخرت برآورده فرماید و امور دین و دنیای او را که صلاح باشد اصلاح فرماید. البته خداوند ولی توانا و مقتدر است.

۱. از جمله حکمتهایی که می‌توان بر آن برشمرد چنین است: بنا برده شیعیان عادت کنند در این گونه مسایل و خصوصاً استفتائات توقع نداشته باشند شخص پاسخ دهنده با استفاده از علم عینا جواب بدهد و الا مسلم است مشکلات زیادی بدنبال می‌آورد و باب تأویل پاسخها را باز می‌کرد (ن).

توقيع ديگر حضرت امام زمان (علیه السلام)
به افتخار محمد بن عبدالله حمیری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَطَالَ اللَّهُ بِقَاكَ وَ أَدَامَ عِزَّكَ وَ كَرَامَتَكَ وَ سَعَادَتَكَ وَ سَلَامَتَكَ وَ أَتَمَّ
نِعْمَتَكَ وَ زَادَ فِي إِحْسَانِهِ إِلَيْكَ وَ جَمِيلِ مَوَاهِبِهِ لَدَيْكَ وَ فَضْلِهِ عَلَيْكَ
وَ جَزِيلِ قِسْمِهِ لَكَ وَ جَعَلَنِي مِنَ الشُّؤْمِ كُلِّهِ فِدَاكَ وَ قَدَّمَ نِي قَبْلَكَ. إِنَّ
قَبْلَنَا مَشَايِخَ وَ عَجَائِزَ يَصُومُونَ رَجَبًا مُنْذُ ثَلَاثِينَ سَنَةً وَ أَكْثَرَ وَ يَصَاوِنَ
بِشَعْبَانَ وَ شَهْرَ رَمَضَانَ، وَ رَوَى بَعْضُ أَصْحَابِنَا (أَنَّ صَوْمَهُ مَغْصِيَةً).
فَأَجَابَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ الْفَقِيهُ يَصُومُ مِنْهُ أَيَّامًا إِلَى خَمْسَةِ عَشَرَ يَوْمًا
إِلَّا أَنْ يَصُومَهُ عَنِ الثَّلَاثَةِ الْيَوْمِ الْفَائِتَةِ لِلْحَدِيثِ «إِنَّ نِعْمَ شَهْرُ الْقَضَاءِ
رَجَبٌ».

وَ سَأَلَ عَنْ رَجُلٍ يَكُونُ فِي مَخْمَلِهِ وَ الثَّلُجُ كَثِيرٌ بِقَامَةِ رَجُلٍ فَيَسْخَوْفُ إِنْ
نَزَلَ الْعَوْصُ فِيهِ وَ رُبَّمَا سَقَطَ الثَّلُجُ وَ هُوَ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ وَ لَا يَسْتَوِي
لَهُ أَنْ يَلِدَ شَيْئًا مِنْهُ لِكَثْرَتِهِ وَ تَهَافُتِهِ، هَلْ يَجُوزُ أَنْ يُصَلِّيَ فِي الْمَخْمَلِ
الْفَرِيضَةَ؟ فَقَدْ فَعَلْنَا ذَلِكَ أَيَّامًا فَهَلْ عَلَيْنَا فِي ذَلِكَ إِعَادَةُ أَمْ لَا؟
فَأَجَابَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا بَأْسَ بِهِ عِنْدَ الضَّرُورَةِ وَ الشَّدَةِ.

محمد بن عبدالله حمیری عریضه‌ای به این شرح برای حضرت

بقیه الله، ارواحنا له الفداء، نگاشتند:

خداوند عمر حضرتتان را طولانی و خوشبختی و سلامت آن وجود عزیز را پاینده دارد و نعمتش را بر شما تمام و احسانش را درباره شما زیاد کند و بر احسان و فضل و مواهب عالیّه خود بر شما فزونی بخشد و نصیب و قسمت‌های نیکو را شامل حال حضرتتان فرماید و در هر بلایی که متوجه وجود پر برکت شود، مرا فدای شما گرداند و من پیش مرگ آن وجود عزیز باشم. در میان ما پیرمردان و پیرزنانی هستند که متجاوز از سی سال یا بیشتر است که ماه رجب را روزه می‌گیرند و همچنان روزه گرفتن را تا ماه مبارک رمضان ادامه می‌دهند. برخی از اصحاب بر اساس حدیث گفته‌اند که روزه آنها معصیت و گناه است.

حضرت بقیّه الله روحی له الفداء جواب فرمودند.

فقیه فرموده است^۱ از اوّل ماه رجب تا پانزده روز، روزه بگیرد و آنگاه آن را قطع نماید، مگر از باب انجام قضای سه روز روزه که از او فوت شده باشد و بخواهد قضای آن سه روز را بگیرد که در این صورت اشکالی ندارد. البته این هم به جهت روایتی است که نقل شده مبنی بر اینکه «ماه رجب برای گرفتن روزه قضا، چه ماه خوبی است.»

سؤال: مردی در محمل و کجاوه، که بر روی شتر است، قرار دارد و با توجه به اینکه برف بسیاری به ارتفاع قامت یک انسان باریده است، می‌ترسد اگر از شتر پایین بیاید در برف فرو برود و چه بسا ممکن است که در حال بیرون آمدن از محمل، برف از بالا سقوط کند و او نتواند آن را از خود دور سازد. آیا در این صورت می‌تواند نماز واجب خود را در محمل بخواند؟ البته ما چند بار این کار را کرده‌ایم. آیا باید نمازهایی را که این گونه خوانده‌ایم اعاده کنیم یا خیر؟

جواب: هنگام ضرورت و در حالت اضطرار مانعی ندارد.

۱. منظور از فقیه، امام معصوم علیه السلام است.

وَسَأَلَ عَنِ الرَّجُلِ يَلْحَقُ الْإِمَامَ وَهُوَ رَاكِعٌ فَيَرْكَعُ مَعَهُ وَيَخْتَسِبُ تِلْكَ الرَّكْعَةَ. قَالَ بَغُضْ أَصْحَابِنَا قَالَ إِنْ لَمْ يَسْمَعْ تَكْبِيرَةَ الرَّكْعَةِ فَلَيْسَ لَهُ أَنْ يَغْتَدَّ بِتِلْكَ الرَّكْعَةِ.

فَأَجَابَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا لَحِقَ مَعَ الْإِمَامِ مِنْ تَسْبِيحِ الرَّكْعَةِ تَسْبِيحَةً وَاحِدَةً، اِغْتَدَّ بِتِلْكَ الرَّكْعَةِ وَإِنْ لَمْ يَسْمَعْ تَكْبِيرَةَ الرَّكْعَةِ.

وَسَأَلَ عَنْ رَجُلٍ صَلَّى الظُّهْرَ وَدَخَلَ فِي صَلَاةِ الْعَصْرِ، فَلَمَّا أَنْ صَلَّى مِنْ صَلَاةِ الْعَصْرِ رَكَعَتَيْنِ، اسْتَفَنَّ أَنَّهُ صَلَّى الظُّهْرَ رَكَعَتَيْنِ كَيْفَ يَضَعُ؟

فَأَجَابَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ كَانَ أَخَذَتْ بَيْنَ الصَّلَاةَيْنِ حَادِثَةٌ يَقْطَعُ بِهَا الصَّلَاةَ، أَعَادَ الصَّلَاةَيْنِ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ أَخَذَتْ حَادِثَةً جَعَلَ الرَّكَعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ تَبِيْعَةً لِصَلَاةِ الظُّهْرِ وَصَلَّى الْعَصْرَ بَعْدَ ذَلِكَ.

وَسَأَلَ عَنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، هَلْ يَتَوَالَدُونَ إِذَا دَخَلُوهَا أَمْ لَا؟

فَأَجَابَ: إِنَّ الْجَنَّةَ لَأَحْمَلُ فِيهَا لِلنِّسَاءِ وَلَا وِلَادَةً وَلَا طَمْتٌ وَلَا نِفَاسٌ وَلَا شِقَاءَ بِالطُّفُولِيَّةِ وَ «فِيهَا مَا تَشْتَهَى الْأَنْفُسُ وَ تَلَذُّ الْأَعْيُنُ» كَمَا قَالَ سُبْحَانَهُ، فَإِذَا الْمُؤْمِنُ إِشْتَهَى وَ لَدَأَ خَلَقَهُ اللهُ بِغَيْرِ حَمْلٍ وَلَا وِلَادَةٍ عَلَى الصُّورَةِ الَّتِي يُرِيدُ كَمَا خَلَقَ آدَمَ عَيْبَرَةً.

وَسَأَلَ عَنْ رَجُلٍ تَزَوَّجَ امْرَأَةً بِشَيْءٍ مَعْلُومٍ إِلَى وَقْتٍ مَعْلُومٍ وَ بَقِيَ لَهُ عَلَيْهَا وَقْتُ فَجَعَلَهَا فِي حِلٍّ مِمَّا بَقِيَ عَلَيْهَا وَ قَدْ كَانَتْ طَمِئَتْ قَبْلَ أَنْ يَجْعَلَهَا فِي حِلٍّ مِنْ أَيَّامِهَا بِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ. أَيْجُوزُ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا رَجُلٌ مَعْلُومٌ إِلَى وَقْتٍ مَعْلُومٍ عِنْدَ طَهْرِهَا مِنْ هَذِهِ الْحَيْضَةِ أَوْ يَسْتَقْبِلُ بِهَا حَيْضَةً

سؤال: مردی در حالی که امام جماعت در رکوع است تکبیر گفته، به رکوع می‌رود و آن را یک رکعت حساب می‌کند. برخی از اصحاب ما گفته‌اند اگر تکبیر رکوع را نشنود نمی‌تواند آن را یک رکعت حساب کند.

جواب: اگر به رکوع برسد و یک تسبیح را از امام در رکوع درک کند، می‌تواند آن را یک رکعت حساب کند اگر چه صدای تکبیر را نشنود.

سؤال: کسی نماز ظهر را خواند و وارد نماز عصر شد و پس از اینکه دو رکعت از نماز عصر را خواند، یقین کرد نماز ظهر را دو رکعتی خوانده است. تکلیف او چیست؟
جواب: اگر در بین نماز، چیزی که نماز را باطل می‌کند، انجام داده است هر دو نماز را اعاده می‌کند، و اگر انجام نداده است، دو رکعت اخیر را به نیت نماز ظهر برگردانده، سپس نماز عصر را می‌خواند.

سؤال: آیا اهل بهشت زاد و ولد می‌کنند (زنها باردار شوند و بچه بیاورند؟) یا خیر؟
جواب: در بهشت، زنان باردار نمی‌شوند تا بچه بزایند و خون حیض و نفاس هم نمی‌بینند و رنج بچه‌داری نیز نیست. همان‌گونه که خداوند فرموده است در بهشت آنچه چشمها و جانها از آن لذت برند، وجود دارد و هر گاه مؤمنی بخواهد بچه داشته باشد خداوند بدون باردار شدن و وضع حمل برای او بچه خلق می‌کند همان‌گونه که حضرت آدم را آفرید.

سؤال: مردی با زنی برای مدت معینی ازدواج نمود (ازدواج موقت) و مقداری که از آن مدت باقی مانده بود آن زن را رها کرد و بقیه مدت را به او بخشید. آن زن سه روز قبل از اینکه مدت وی بخشیده شود، حیض شد. آیا پس از پاک شدن از همین حیض، می‌تواند با مرد دیگری ازدواج کند یا اینکه باید حیض دیگری ببیند و پس از پاک شدن ازدواج کند؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يَسْتَقْبِلُ حَيْضَةً غَيْرَ تِلْكَ الْحَيْضَةِ لِأَنَّ أَقْلَ تِلْكَ
الْمِدَّةِ حَيْضَةٌ وَطُحْرُهَا تَامَةٌ.

وَ يَسْأَلُ عَنِ الْأَبْرَصِ وَ الْمَجْذُومِ وَ صَاحِبِ الْفَالِجِ، هَلْ يَجُوزُ شَهَادَتُهُمْ؟
فَقَدْ رَوَى لَنَا أَنَّهُمْ لَا يَأْتُونَ الْأَصْحَابَ.

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِنْ كَانَ بِهِمْ حَادِثًا، جَازَتْ شَهَادَتُهُمْ وَ إِنْ كَانَ
وَلَادَةً لَمْ يَجُزْ.

وَ سَأَلَ هَلْ يَجُوزُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَتَزَوَّجَ ابْنَةَ امْرَأَتِهِ؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِنْ كَانَتْ رُبَيْثٌ فِي حِجْرِهِ فَلَا يَجُوزُ....

وَ سَأَلَ هَلْ يَجُوزُ أَنْ يَتَزَوَّجَ بِنْتُ بِنْتِ امْرَأَةٍ ثُمَّ يَتَزَوَّجَ جَدَّتَهَا بَعْدَ ذَلِكَ.
فَأَجَابَ عَلَيْهِ: قَدْ نَهَى عَنْ ذَلِكَ.

وَ سَأَلَ عَنِ رَجُلٍ ادَّعَى عَلَى رَجُلٍ أَلْفَ دِرْهَمٍ وَ أَقَامَ بِهِ الْبَيِّنَةَ الْعَادِلَةَ
وَ ادَّعَى عَلَيْهِ أَيْضًا خَمْسِمِائَةَ دِرْهَمٍ فِي صَكِّ آخَرَ وَ مَاتَى دِرْهَمٍ فِي
صَكِّ آخَرَ وَ لَهُ بِذَلِكَ كُلُّهُ بَيِّنَةٌ عَادِلَةٌ وَ يَزْعُمُ الْمُدَّعَى عَلَيْهِ أَنَّ هَذِهِ
الصُّكَاكَ قَدْ دَخَلَتْ فِي الصُّكِّ الَّذِي بِالْفِ دِرْهَمٍ وَ الْمُدَّعَى مُنْكَرٌ أَنْ
يَكُونَ كَمَا زَعَمَ. فَهَلْ يَجِبُ أَلْفَ دِرْهَمٍ مَرَّةً وَاحِدَةً أَوْ يَجِبُ عَلَيْهِ كَمَا يَقِيمُ
الْبَيِّنَةَ وَ لَيْسَ فِي الصُّكَاكِ إِشْتِثَاءٌ، إِنَّمَا هِيَ صِكَاكٌ عَلَى وَجْهِهَا؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يُؤْخَذُ مِنَ الْمُدَّعَا عَلَيْهِ أَلْفَ دِرْهَمٍ مَرَّةً وَاحِدَةً وَ
هِيَ الَّتِي لَا شُبْهَةَ فِيهَا وَ يَرُدُّ الْيَمِينَ فِي الْأَلْفِ الْبَاقِيِ عَلَى الْمُدَّعَى فَإِنْ
نَكَلَ فَلَا حَقَّ لَهُ.

جواب: باید حیض دیگری ببیند، زیرا کمترین مدّت عدّه، یک حیض و یک طهر کامل است.

سؤال: آیا شهادت کسانی که به جذام و پسی و فلج مبتلا هستند، قبول است؟ چون روایت شده است که این گونه افراد نمی‌توانند امام جماعت باشند.

جواب: چنانچه این گونه افراد پس از تولّدشان به امراض یاد شده مبتلا شده باشند شهادت دادن آنان جایز است و چنانچه این بیماریها در آنها مادرزاد باشد، جایز نیست.

سؤال: آیا مرد می‌تواند با دختر زن خود ازدواج کند؟

جواب: اگر در دامان وی و نزد او تربیت یافته باشد، نمی‌تواند با آن دختر ازدواج کند...

سؤال: آیا با دختر دختر زنی می‌شود ازدواج کرد و بعداً با مادر بزرگ آن دختر ازدواج نمود یا جایز نیست؟

جواب: از این عمل نهی شده است.

سؤال: شخصی ادّعا کرده که هزار درهم از شخصی طلبکار است و شاهد عادل نیز شهادت داد و به موجب سند دیگر مجدّداً ادّعا کرد که پانصد درهم طلبکار است و در این مورد نیز شاهد عادل داشت. بار سوم با مدرک دیگر ادّعا کرد که سیصد درهم طلبکار است. در مرتبه چهارم سند دیگری آورد که دویست درهم طلبکار است و در این مورد بیّنه و شاهد عادل هم داشت و آن کسی که علیه او طرح دعویّ شده می‌گوید همه اینها داخل در همان هزار درهم است؛ ولی مدّعی، منکر این مطلب است. آیا در این صورت، باید فقط همان هزار درهم را بپردازد یا اینکه اسناد نیز به قوّت خود باقی و مستقلّ است و استثناء بردار نیست؟

جواب: از کسی که علیه او دعویّ اقامه شده است هزار درهم باید گرفته شود و برای هزار درهم دیگر مدّعی باید قسم بخورد. اگر از قسم خوردن امتناع کرد، حقّی نخواهد داشت.

وَسَأَلَ عَنِ طِينِ الْقَبْرِ يَوْضَعُ مَعَ الْمَيِّتِ فِي قَبْرِهِ، هَلْ يَجُوزُ ذَلِكَ أَمْ لَا؟
فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يَوْضَعُ مَعَ الْمَيِّتِ فِي قَبْرِهِ وَ يَخْلَطُ بِخِيُوطِهِ إِنْ
شَاءَ اللَّهُ.

وَسَأَلَ فَقَالَ رُوِيَ لَنَا عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَتَبَ عَلَى إِزَارِ ابْنِهِ
إِسْمَاعِيلُ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، فَهَلْ يَجُوزُ ذَلِكَ أَنْ تَكْتُبَ مِثْلَ ذَلِكَ
بِطِينِ الْقَبْرِ أَمْ غَيْرِهِ؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يَجُوزُ ذَلِكَ.

وَسَأَلَ هَلْ يَجُوزُ أَنْ يُسَبِّحَ الرَّجُلُ بِطِينِ الْقَبْرِ وَ هَلْ فِيهِ فَضْلٌ؟
فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يُسَبِّحُ الرَّجُلُ بِهِ فَمَا مِنْ شَيْءٍ مِنَ السَّبْحِ أَفْضَلَ
مِنْهُ وَ مِنْ فَضْلِهِ أَنْ الرَّجُلَ يَتَسَبَّحُ التَّنْبِيحَ وَ يُدِيرُ الشُّبْحَةَ فَيَكْتُبُ لَهُ
التَّنْبِيحُ.

وَسَأَلَ عَنِ السَّجْدَةِ عَلَى لَوْحٍ مِنْ طِينِ الْقَبْرِ وَ هَلْ فِيهِ فَضْلٌ؟
فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يَجُوزُ ذَلِكَ وَ فِيهِ الْفَضْلُ.

وَسَأَلَ عَنِ الرَّجُلِ يَزُورُ قُبُورَ الْأَيُّمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، هَلْ يَجُوزُ أَنْ يَسْجُدَ
عَلَى الْقَبْرِ؟ وَ هَلْ يَجُوزُ لِمَنْ صَلَّى عِنْدَ بَعْضِ قُبُورِهِمْ أَنْ يَقُومَ وَرَاءَ الْقَبْرِ
وَ يَجْعَلَ الْقَبْرَ قِبْلَةً وَ يَقُومَ عِنْدَ رَأْسِهِ وَ رِجْلَيْهِ وَ هَلْ يَجُوزُ أَنْ يَتَقَدَّمَ الْقَبْرَ
وَ يَصَلِّيَ وَ يَجْعَلَ الْقَبْرَ خَلْفَهُ أَمْ لَا؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): أَمَّا السُّجُودُ عَلَى الْقَبْرِ فَلَا يَجُوزُ فِي نَافِلَةٍ وَ لَا
فَرِيضَةٍ وَ لَا زِيَادَةٍ وَ الَّذِي عَلَيْهِ الْفَضْلُ أَنْ يَضَعَ خَدَّهُ الْأَيْمَنَ عَلَى الْقَبْرِ وَ
أَمَّا الصَّلَاةُ فَإِنَّهَا خَلْفَهُ وَ يَجْعَلُ الْقَبْرَ أَمَامَهُ وَ لَا يَجُوزُ أَنْ يَصَلِّيَ

سؤال: در مورد «گِل قبر»^۱ که همراه میت در قبر می‌گذارند، آیا این عمل درست است یا خیر؟

جواب: در قبر گذاشته می‌شود و به خواست خداوند با نخهای کفن وی مخلوط خواهد شد.

سؤال: از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که بر کفن فرزندشان اسماعیل نوشتند: «اسماعیل شهادت می‌دهد که خدایی جز خداوند یکتا نیست». آیا جایز است که با تربت قبر [امام حسین علیه السلام] یا چیز دیگری بنویسیم؟
جواب: این عمل جایز است.

سؤال: آیا از تربت می‌توان تسبیح درست کرد و تسبیح با تربت فضیلتی دارد یا خیر؟
جواب: با آن (تسبیح تربت)، تسبیح بگوید که چیزی از تسبیح گفتن با آن بالاتر نیست. و از جمله فضیلت و برتری آن، این است که گاهی که انسان تسبیح گفتن را فراموش می‌کند اما تسبیح را می‌گرداند، [به احترام و به سبب فضیلت تربت سیدالشهداء علیهم السلام] برای او ثواب تسبیح گفتن را می‌نویسند.

سؤال: آیا بر مهر تربت [امام حسین علیه السلام] سجده جایز است و آیا فضیلتی دارد یا خیر؟

جواب: این عمل جایز و در آن ثواب و فضیلت است.

سؤال: شخصی به زیارت قبور ائمه علیهم السلام می‌رود. آیا سجده بر قبور ائمه جایز است؟ آیا ایستادن پشت قبر و قبر را قبله خود قرار دادن جایز است؟ آیا می‌توان بالای سر و پایین پا ایستاد؟ و آیا جایز است پشت به قبر و رو به قبله ایستاده، نماز بخواند یا خیر؟
جواب: اما سجده بر قبر، نه در واجبات و نه در مستحبات و نه در نماز احتیاط، جایز نیست و آنچه بدان عمل می‌شود آن است که طرف راست صورت و گونه خود را روی قبر بگذارد. و اما نماز خواندن به نحوی که قبر در جلو قرار گرفته

۱. منظور تربت سیدالشهداء علیهم السلام است.

بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا عَنْ يَسَارِهِ لِأَنَّ الْإِمَامَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يُتَقَدَّمُ وَلَا يُسَاوَى.

وَسَأَلَ فَقَالَ يَجُوزُ لِلرَّجُلِ إِذَا صَلَّى الْفَرِيضَةَ أَوْ النَّافِلَةَ وَبِيَدِهِ الشُّبْحَةُ أَنْ يُدِيرَهَا وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يَجُوزُ ذَلِكَ إِذَا خَافَ الشَّهْرَ وَالْعُلْطَ.

وَسَأَلَ هَلْ يَجُوزُ أَنْ يُدِيرَ الشُّبْحَةَ بِيَدِهِ الْيَسَارِ إِذَا سَبَّحَ أَوْ لَا يَجُوزُ؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يَجُوزُ ذَلِكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَسَأَلَ فَقَالَ رُوِيَ عَنِ الْفَقِيهِ فِي بَيْعِ الْوَقْفِ حَبْرٌ مَأْثُورٌ «إِذَا كَانَ الْوَقْفُ عَلَى قَوْمٍ بِأَعْيَانِهِمْ وَأَعْقَابِهِمْ، فَاجْتَمَعَ أَهْلُ الْوَقْفِ عَلَى بَيْعِهِ وَكَانَ ذَلِكَ أَصْلَحَ لَهُمْ أَنْ يَبِيعُوهُ»، فَهَلْ يَجُوزُ أَنْ تَشْتَرِيَ مِنْ بَعْضِهِمْ إِنْ لَمْ يَجْتَمِعُوا كُلُّهُمْ عَلَى الْبَيْعِ أَمْ لَا يَجُوزُ إِلَّا أَنْ يَجْتَمِعُوا كُلُّهُمْ عَلَى ذَلِكَ وَعَنِ الْوَقْفِ الَّذِي لَا يَجُوزُ بَيْعُهُ؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِذَا كَانَ الْوَقْفُ عَلَى إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، فَلَا يَجُوزُ بَيْعُهُ وَإِنْ كَانَ عَلَى قَوْمٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، فَلْيَبِيعْ كُلُّ قَوْمٍ مَا يَقْدِرُونَ عَلَى بَيْعِهِ مُجْتَمِعِينَ وَمُتَّفَقِينَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

وَسَأَلَ هَلْ يَجُوزُ لِلْمُحْرَمِ أَنْ يُصَيِّرَ عَلَى ابْنِهِ الْمَرْتَكِ وَالثُّوبِيَا لِرَبِيعِ الْعَرَقِ أَمْ لَا يَجُوزُ؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يَجُوزُ ذَلِكَ وَبِاللَّهِ التَّوْفِيقُ.

وَسَأَلَ عَنِ الضَّرِيرِ، إِذَا شَهِدَ فِي حَالِ صِحَّتِهِ عَلَى شَهَادَةٍ ثُمَّ كَفَّ بَصَرَهُ وَ لَا يَرَى خَطَّهُ فَيَعْرِفُهُ، هَلْ يَجُوزُ شَهَادَتُهُ أَمْ لَا وَإِنْ ذَكَرَ هَذَا الشَّهَادَةَ، هَلْ يَجُوزُ أَنْ يُشْهَدَ عَلَى شَهَادَتِهِ أَمْ لَا يَجُوزُ؟

باشد جایز است، ولی در جلوی قبر یا طرف راست و چپ قبر نماز خواندن درست نیست و از امام - که درود خدا بر او و خاندانش باد - نباید جلو افتاد و در طرف مساوی امام نیز نباید ایستاد.

سؤال: در حال خواندن نماز اعمّ از واجب یا مستحبّ آیا گرداندن تسبیح جایز است یا خیر؟

جواب: اگر می‌ترسد که اشتباه و سهو کند، اشکالی ندارد.

سؤال: آیا گرداندن تسبیح با دست چپ در وقت ذکر جایز است یا خیر؟

جواب: این عمل جایز است و در حقیقت حمد و ستایش برای آفرینندهٔ دو جهان است.

سؤال: دربارهٔ فروش وقف از فقیه^۱ خبری به ما رسیده است «هرگاه برگرومی [هم بر خود آنها و هم اولاد آنان (وقف اولاد) مالی را] وقف کرده باشد. صاحبان وقف (موقوف علیهم) همگی قصد فروش موقوفه را که صلاح آنها نیز دره همین است، دارند. آیا برخی از آن افراد می‌توانند سهم دیگران را بخرند یا خیر؟ و آیا فقط در صورت رضایت همهٔ صاحبان موقوفه می‌توان آن را خرید و کدام موقوفه است که فروش آن جایز است؟

جواب: هرگاه وقف بر اما مسلمین باشد، فروش آن جایز نیست، و اگر بر جمعی از مسلمانان باشد، هر کس می‌تواند سهم خود را [چه با سایر موقوف علیهم و ای سهم شخص خود را] بفروشد. ان شاء الله.

سؤال: آیا محرم در حال احرام می‌تواند برای جلوگیری از بوی عرق به زیر بغل خود «مرتک» یا «توتیا»^۲ بمالد.

جواب: مانعی ندارد و توفیق از جانب خداوند است.

سؤال: شخصی در حال بینایی شهادتی نوشته است، اکنون نور چشمش را از دست داده و نمی‌تواند خطّ خودش را ببیند. آیا در این صورت شهادت او پذیرفته می‌شود یا نه؟ و آیا می‌تواند گواهی مجدّد به شهادت خود بدهد یا نمی‌تواند؟

۲. نوعی از بوی خوش.

۱. منظور امام علی^{علیه السلام} است.

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِذَا حَفِظَ الشَّهَادَةَ وَ حَفِظَ الرَّقْعَةَ، جَارَتْ شَهَادَتُهُ.

وَ سَأَلَ عَنِ الرَّجُلِ يُوقِفُ ضَيْعَةً وَ دَابَّةً وَ شَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِاسْمِ بَعْضِ وَ كَلَاءِ الْوَقْفِ ثُمَّ يَمُوتُ هَذَا الْوَكِيلُ أَوْ يَتَغَيَّرُ أَمْرُهُ وَ يَتَوَلَّى غَيْرُهُ، هَلْ يَجُوزُ أَنْ يَشْهَرَ الشَّاهِدُ لِهَذَا الَّذِي أَقِيمَ مَقَامَهُ إِذَا كَانَ أَضَلَّ الْوَقْفِ لِرَجُلٍ وَاحِدٍ أَمْ لَا يَجُوزُ ذَلِكَ؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): لَا يَجُوزُ ذَلِكَ لِأَنَّ الشَّهَادَةَ لَمْ تَقمْ لِلْوَكِيلِ وَ إِنَّمَا قَامَتْ لِلْمَالِكِ وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ «وَ أَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ»^١.

وَ سَأَلَ عَنِ الرَّكَعَتَيْنِ الْآخَرَتَيْنِ، قَدْ كَثُرَتْ فِيهَا الرُّوَايَاتُ فَبَعْضُ يَرَوِي أَنَّ قِرَاءَةَ الْحَمْدِ وَ خَدَاهُ أَفْضَلُ وَ بَعْضُ يَرَوِي أَنَّ التَّسْبِيحَ فِيهِمَا أَفْضَلُ، فَلَأَفْضَلُ لِيَايَهُمَا لِنَسْتَعْمِلَهُ؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): قَدْ نَسَخَتْ قِرَاءَةُ أُمَّ الْكِتَابِ فِي هَاتَيْنِ الرَّكَعَتَيْنِ التَّسْبِيحَ وَ الَّذِي نَسَخَ التَّسْبِيحَ قَوْلُ الْعَالِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كُلُّ صَلَاةٍ لَا قِرَاءَةَ فِيهَا فَهِيَ خَدَاجٌ إِلَّا لِلْعَلِيلِ أَوْ يَكْثُرُ عَلَيْهِ السَّهْوُ فَيَتَخَوَّفُ بَطْلَانَ الصَّلَاةِ عَلَيْهِ.

وَ سَأَلَ فَقَالَ يَتَّخِذُ عِنْدَنَا رَبُّ الْجُوزِ لَوْجَعَ الْحَلْقِ وَ الْبِجْحَةَ تُؤْخَذُ الْجُوزُ الرُّطْبُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَعَقَّدَ وَ يَدُقُّ دَقًّا نَاعِمًا وَ يُعْضَرُ مَاءُؤُهُ وَ يُصْفَى وَ يُطْبَخُ عَلَى النَّصْفِ وَ يُتْرَكُ يَوْمًا وَ لَيْلَةً ثُمَّ يُنْصَبُ عَلَى النَّارِ وَ يُلْقَى عَلَى كُلِّ سِتَّةِ أَرْطَالٍ مِنْهُ رَطْلٌ عَسَلٌ وَ يُغْلَى رَغْوَتُهُ وَ يُسْحَقُ مِنَ التُّشَادِرِ وَ الشَّبِّ الْيَمَانِيِّ مِنْ كُلِّ وَاحِدٍ نِصْفُ مِثْقَالٍ وَ يُذَافُ بِذَلِكَ

جواب: اگر گواهی دادن و زمان آن را به خاطر داشته باشد، می تواند شهادت بدهد.
 سؤال: شخصی زمین یا چهارپایی را وقف می کند و کسی را به عنوان وکیل وقف تعیین می نماید و بر این وقف گواه می گیرد. پس از آن، وکیل فوت می کند و یا وکالتش به هم می خورد و واقف، فرد دیگری را متولی وقف می کند. آیا آن کسی که شاهد بوده است با توجه به اینکه اصل وقف برای یک نفر بوده، می تواند برای شخص دومی که قائم مقام وکیل اول شده است، شهادت بدهد یا خیر؟

جواب: این کار جایز نیست، زیرا شهادت برای وکیل اقامه نشده بلکه برای مالک اقامه شده و خداوند فرموده است: «شهادت را برای خدا بر پا دارید.»

سؤال: در مورد دو رکعت آخر نماز، روایات بسیاری رسیده که قرائت سوره حمد به تنهایی بهتر و افضل است، ولی در برخی از روایات آمده که تسبیح افضل است. فضیلت و برتری با کدام است تا بدان عمل کنیم؟

جواب: قرائت «اُمّ الكتاب» سوره حمد، تسبیح را نسخ کرده است (حمد افضل است) و دلیل این نسخ، فرمایش امام علیه السلام است که هر نمازی که در آن قرائت نباشد ناقص است مگر برای بیمار یا کسی که دچار سهو و نسیان می شود و می ترسد که نمازش باطل شود.

سؤال: برای معالجه گلو و درد سینه، ما از «رَبِّ گردو» استفاده می کنیم بدین صورت که گردوی تازه را قبل از اینکه کاملاً سفت شود گرفته، می کوبند تا نرم شود و آب آن را گرفته، پس از صاف کردن، می جوشانند تا نصف آن تبخیر شود و نصف باقیمانده را یک شبانه روز کنار می گذارند و سپس آن را مجدداً حرارت می دهند و برای هر شش رطل از آن یک رطل عسل اضافه می کنند و می جوشانند و کف آن را گرفته، می پزند. سپس نوشادر و شب یمانی را می کوبند و از هر یک نیم مثقال در آن آب می ریزند

الْمَاءِ وَيُلْقَى فِيهِ دِزْهُمُ زَغْفَرَانٍ الْمَسْحُوقِ وَيُغْلَى وَيُؤْخَذُ رَغْوَتُهُ حَتَّى
يَصِيرَ مِثْلَ الْعَسَلِ نَحْنِيناً ثُمَّ يُنْزَلُ عَنِ النَّارِ وَيُبْرَدُ وَيُشْرَبُ مِنْهُ. فَهَلْ
يَجُوزُ شُرْبُهُ أَمْ لَا؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِذَا كَانَ كَثِيرَةً يُشْكِرُ أَوْ يُعَيِّرُ، فَقَلِيلُهُ وَكَثِيرُهُ حَرَامٌ
وَإِنْ كَانَ لَا يُشْكِرُ فَهَوَّ حَلَالٌ.

وَسَأَلَ عَنِ الرَّجُلِ يَعْزُضُ لَهُ الْحَاجَةُ مِمَّا لَا يَدْرِي أَنْ يَفْعَلَهَا أَمْ لَا فَيَأْخُذُ
خَاتَمِيهِ فَيَكْتُبُ فِي أَحَدِهِمَا «نَعَمْ إِفْعَلْ» وَفِي الْآخَرِ «لَا تَفْعَلْ»
فَيَسْتَحِيرُ اللَّهَ مَرَاراً ثُمَّ يَرَى فِيهِمَا فَيَخْرُجُ أَحَدَهُمَا فَيَعْمَلُ بِمَا يَخْرُجُ، فَهَلْ
يَجُوزُ ذَلِكَ أَمْ لَا وَالْعَامِلُ بِهِ وَالتَّارِكُ لَهُ أَهْوٍ مِثْلَ الْإِسْتِخَارَةِ أَمْ هُوَ
سِوَى ذَلِكَ؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): الَّذِي سُنَّتُهُ الْعَالِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي هَذِهِ
الْإِسْتِخَارَةِ بِالرُّقَاعِ وَالصَّلَوَةِ.

وَسَأَلَ عَنِ صَلَاةِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي أَيِّ أَوْقَاتٍ أَفْضَلُ أَنْ
تُصَلِّيَ فِيهِ وَهَلْ فِيهَا قُنُوتٌ وَإِنْ كَانَ قَفَى أَيِّ رَكَعَةٍ مِنْهَا؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): أَفْضَلُ أَوْقَاتُهَا صَدْرُ النَّهَارِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ ثُمَّ
فِي الْآيَاتِمِ شُبَّتْ وَآيٍ وَقَبْتِ صَلَاتَيْهَا مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ فَهَوَّ جَائِزٌ وَالْقُنُوتُ
فِيهَا مَرَّتَانِ، فِي الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ وَفِي الرَّابِعَةِ بَعْدَ الرُّكُوعِ.

وَسَأَلَ عَنِ الرَّجُلِ يَتَوَى إِخْرَاجَ شَيْءٍ مِنْ مَالِهِ وَآنَ يَذْفَعُهُ إِلَى رَجُلٍ مِنْ
إِخْوَانِهِ ثُمَّ يَجِدُ فِي أَقْرَبَائِهِ مُخْتِاجاً، أَيَضْرِفُ ذَلِكَ عَمَّنْ نَوَاهُ لَهُ أَوْ إِلَى
قَرَابَتِهِ؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يَضْرِفُهُ إِلَى أَدْنَاهُمَا وَأَقْرَبِهِمَا مِنْ مَذْهَبِهِ. فَإِنْ

و یک درهم زعفران ساییده نیز به آن اضافه می‌کنند و باز آن را جوشانده، گَشَش را می‌گیرند و می‌پزند تا مانند عسل غلیظ شود و پس از سرد شدن می‌نوشند. آیا خوردن این معجون جایز است یا خیر؟

جواب: اگر زیاد این معجون شکرآور است یا حال انسان را تغییر می‌دهد، کم و زیاد آن حرام و اگر سکرآور نیست حلال است.

سؤال: شخصی در مورد انجام عملی مردّد است و نمی‌داند چه کند. دو انگشتر را انتخاب کرده، روی یکی می‌نویسد «آری، انجام ده!» و روی دیگری می‌نویسد «انجام نده!» و پس از اینکه مکرّر طلب خیر از خداوند نمود به آن دو انگشتر نظر می‌افکند و به آن عمل می‌کند. آیا این کار، استخاره است یا خیر؟

جواب: آنچه رسیده و مورد پسند است، استخاره به رِقَاع (با برگه‌های کاغذ) است و نماز. (یعنی هر چه امام علیه السلام فرموده باید بدان عمل کرد.)

سؤال: در مورد وقت فضیلت نماز حضرت جعفر بن ابی طالب رحمة الله علیه پرسیدند و اینکه آیا این نیز قنوت هم دارد و چنانچه دارد، در کدام رکعت نماز باید خوانده شود؟

جواب: بهترین وقت برای خواندن نماز جعفر نزدیک ظهر جمعه است و در اوقات دیگر نیز می‌شود آن را خواند. دوبار قنوت دارد: یکی در رکعت دوم پیش از رکوع، و دیگری در رکعت چهارم پس از رکوع.

سؤال: شخصی نیت کرده بود که مقداری از اموالش را به یکی از برادران دینی خود بدهد؛ سپس به یکی از خویشاوندان خود برخورد می‌کند که از آن برادر دینی نیازمندتر است. آیا می‌تواند آنچه را که نیت کرده بود به اقوام خویش بدهد؟

جواب: آن را به نزدیکترین افراد از نظر مذهبش بدهد و اگر بخواهد بر اساس فرمان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام که فرموده‌اند «خداوند صدقه را در صورتی که انسان خویشاوند محتاج داشته باشد، نمی‌پذیرد» عمل کند، در این صورت [بہتر است] آن مال را بین نزدیکان و آن کسی که نیت کرده بود، تقسیم کند تا همه فضیلت را به دست آورد.

ذَهَبَ إِلَى قَوْلِ الْعَالِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَا يَقْبَلُ اللَّهُ وَالصَّدَقَةَ وَدَوْرَجِمٍ مُخْتَاَجٍ، فَلْيَتَسَمَّ بَيْنَ الْقَرَابَةِ وَبَيْنَ الَّذِي نَوَى حَتَّى يَكُونَ قَدْ أَخَذَ بِالْفُضْلِ كُلِّهِ.

وَسَأَلَ فَقَالَ: اخْتَلَفَ أَصْحَابُنَا فِي مَهْرِ الْمَرْأَةِ. فَقَالَ بَعْضُهُمْ إِذَا دَخَلَ بِهَا سَقَطَ الْمَهْرُ وَلَا شَيْءَ لَهَا وَقَالَ بَعْضُهُمْ هُوَ لِأَزْمٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. فَكَيْفَ ذَلِكَ وَمَا الَّذِي يَجِبُ فِيهِ؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِنْ كَانَ عَلَيْهِ بِالْمَهْرِ كِتَابٌ فِيهِ ذَكَرَ دَيْنٌ فَهُوَ لِأَزْمٍ لَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَإِنْ كُنَّ عَلَيْهِ كِتَابٌ ذَكَرَ فِيهِ الصَّدَاقُ سَقَطَ إِذَا دَخَلَ بِهَا وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ كِتَابٌ فَإِذَا دَخَلَ بِهَا سَقَطَ بَاقِي الصَّدَاقِ.

وَسَأَلَ فَقَالَ: رُوِيَ لَنَا عَنْ صَاحِبِ الْعُسْكَرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الصَّلَاةِ فِي الْحَزِّ الَّذِي نُعْشِ بِوَيْرِ الْأَرْزَبِ، فَوَقَّعَ يَجُورُ. وَرُوِيَ عَنْهُ أَيْضاً أَنَّهُ لَا يَجُورُ، فَأَيُّ الْحَبْرَيْنِ يُعْمَلُ بِهِ؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِنَّمَا حُرِّمَ فِي هَذِهِ الْأَوْبَارِ وَالْجُلُودِ، فَأَمَّا الْأَوْبَارُ وَخِذَاهَا فَكُلُّ حَلَالٍ، قَدْ سُئِلَ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ عَنْ قَوْلِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يُصَلِّي فِي الثَّعْلَبِ وَلَا فِي الْأَرْزَبِ وَلَا فِي النَّوْبِ الَّذِي يَلِيهِ. فَقَالَ إِنَّمَا عَنِ الْجُلُودِ دُونَ غَيْرِهَا.

وَسَأَلَ فَقَالَ: يَتَّخِذُ بِإِصْفِهَانِ ثِيَابَ عَتَابِيَّةٍ عَلَى عَمَلِ الْوَشَاءِ مِنْ قَرَأَ أَوْ أَبْرِيَسَمَ، هَلْ يَجُورُ الصَّلَاةُ فِيهَا أَمْ لَا؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): لَا يَجُورُ الصَّلَاةُ إِلَّا فِي تَوْبِ سِدَاءٍ أَوْ لِحْمَتِهِ قَطَنٍ

سؤال: در میان اصحاب ما درباره مهریه زن اختلاف وجود دارد. برخی گفته‌اند اگر با زن نزدیکی (دخول) کند، مهر ساقط می‌شود و چیزی برای زن نیست. برخی دیگر گفته‌اند که مهر در دنیا و آخرت به عهده او می‌باشد. این مسأله چگونه است و چه چیز واجب است؟

جواب: اگر مهریه‌ای که بر او لازم شده در نامه‌ای نوشته شده و به عنوان دین و قرض مرقوم است، پرداخت آن در دنیا و آخرت بر او لازم است و اگر نوشته‌ای ندارد که صدق نوشته‌ای شده باشد، وقتی دخول کرد، ساقط می‌شود.

سؤال: از حضرت عسکری علیه السلام برای ما حدیث کرده‌اند که از آن حضرت در مورد نماز خواندن در لباسی که با مو و کرک خرگوش مخلوط می‌باشد، سؤال شده است. آن حضرت فرموده‌اند جایز است. نیز در ارتباط با همین مسأله سؤال شده است، فرموده‌اند نماز در این لباس جایز نیست. به کدامیک از این دو روایت عمل شود؟

جواب: کرک و مو همراه پوست خرگوش حرام است. اما کرک و مو به تنهایی حلال است. و در مورد روایتی که از حضرت صادق علیه السلام منقول است که طی آن فرموده‌اند در لباسی از خرگوش و روباه باشد و نماز خوانده نمی‌شود، البته مقصود آن حضرت، این است که در پوست آنها نمی‌شود نماز خواند.

سؤال: در اصفهان لباسهایی به نام «عتابیه» از قز یا ابریشم بافته می‌شود. آیا نماز خواندن در آنها جایز است یا جایز نیست؟

جواب: نماز جز در لباسی که تار و پودش از پنبه یا کتان باشد، جایز نیست.

وَ سَأَلَ عَنِ الْمَسْحِ عَلَى الرَّجْلَيْهِ وَ بَايَهِمَا يُبْدَأُ بِالْيَمِينِ أَوْ يَمْسَحُ عَلَيْهِمَا
جَمِيعاً مَعاً؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يُمَسَّحُ عَلَيْهِمَا مَعاً، فَإِنْ بَدَأَ بِأَحَدِهِمَا قَبْلَ الْآخَرِ
فَلَا يُبْتَدَأُ إِلَّا بِالْيَمِينِ.

وَ سَأَلَ عَنِ صَلَاةِ الْجَعْفَرِ فِي السَّفَرِ، هَلْ يَجُوزُ أَنْ يُصَلِّيَ أَمْ لَا؟
فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يَجُوزُ ذَلِكَ.

وَ سَأَلَ عَنِ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، مَنْ سَهَى فَجَازَ التَّكْبِيرَ أَكْثَرَ مِنْ
أَرْبَعٍ وَ ثَلَاثِينَ هَلْ يَرْجِعُ إِلَى أَرْبَعٍ وَ ثَلَاثِي: أَمْ يَسْتَأْنِفُ وَ إِذَا سَبَّحَ تَمَامَ
سَبْعَةٍ وَ سِتِّينَ، هَلْ يَرْجِعُ إِلَى سِتَّةٍ وَ سِتِّينَ أَوْ يَسْتَأْنِفُ وَ مَا الَّذِي يَجِبُ
فِي ذَلِكَ؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِذَا سَهَى فِي التَّكْبِيرِ حَتَّى يَجُوزَ أَرْبَعَةٌ وَ ثَلَاثِينَ
عَادَ إِلَى ثَلَاثَةٍ وَ ثَلَاثِينَ وَ بَنَى عَلَيْهَا وَ إِذَا سَهَى فِي التَّسْبِيحِ فَتَجَاوَزَ
سَبْعاً وَ سِتِّينَ تَسْبِيحَةً، عَادَ إِلَى سِتَّةٍ وَ سِتِّينَ وَ بَنَى عَلَيْهَا فَإِذَا جَاوَزَ
التَّحْمِيدَ مِائَةً فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ. ١

سؤال: آیا هر دو پا را با هم می‌توان مسح کرد یا باید یکی پس از دیگری مسح شود، یعنی اول پای راست و سپس پای چپ؟

جواب: هر دو را به هم می‌توان مسح کرد، و اگر خواست اول یکی را مسح کند باید از پای راست شروع کند و بعد پای چپ را مسح نماید.

سؤال: آیا خواندن نماز حضرت جعفر طیار در مسافرت جایز است یا خیر؟
جواب: جایز است.

سؤال: در مورد تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها، اگر کسی اشتباهاً بیش از سی و چهار مرتبه «الله اکبر» بگوید، آیا باید به همان سی و چهار مرتبه بازگردد و یا اینکه باید از ابتدا شروع کند و نیز اگر شصت و هفت مرتبه تسبیح گفت، آیا باید به شصت و شش بازگردد یا باید از ابتدا شروع کند؟ در این مورد تکلیف وی چیست؟

جواب: هرگاه در گفتن «الله اکبر» اشتباه کرد و از سی و چهار گذشت، بنا را بر سی و سه بگذارد و اگر در گفتن «سبحان الله» اشتباه کرد و از شصت و هفت تجاوز نمود، بنا را بر شصت و شش بگذارد و در مورد «الحمد لله» اگر تجاوز نمود و بیش از صد تا گفت، اشکالی ندارد و بر او چیزی نیست.

متن فرمان مبارک حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء)

توسط استوانه تقوی جناب حاج شیخ محمد کوفی

به افتخار مرحوم آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی

أَرْخِضْ نَفْسَكَ وَاجْعَلْ مَجْلِسَكَ فِي الدَّهْلِيزِ وَأَقْضِ حَوَائِجَ النَّاسِ
نَحْنُ نَنْصُرُكَ!

خودت را در اختیار مردم بگذار و محل نشستن خویش را در ورودی خانه قرار بده [تا مردم سریعتر بتوانند با تو ارتباط پیدا کنند] و حوایج مردم را برآور. ما تو را یاری می‌کنیم.

فصل سوم

بیانات

حضرت بقیة الله

ارواحنا له الفداء

در روزهای اول ظهور

اولین خطبه و اعلامیه حضرت بقیة الله

روحي له الفداء

قَالَ الْإِمَامُ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْقَائِمُ يَوْمَئِذٍ بِمَكَّةَ قَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى
الْبَيْتِ الْحَرَامِ مُسْتَجِيرًا بِهِ فَيُنَادِي أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَسْتَنْفِرُ اللَّهَ، فَمَنْ أَجَابَنَا
مِنَ النَّاسِ فَإِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدٍ وَنَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَبِمُحَمَّدٍ،
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَمَنْ حَاجَّنِي فِي آدَمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِآدَمَ
وَ مَنْ حَاجَّنِي فِي نُوحٍ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِنُوحٍ وَ مَنْ حَاجَّنِي فِي

از امام باقر علیه السلام روایت شده که آن حضرت فرمودند: در روز اول
ظهور، قائم ما در مکه در کنار بیت الله الحرام در حالتی که به کعبه تکیه
داده است مردم جهان را مخاطب قرار داده، چنین می فرماید:

ای مردم! ما آل محمد - که درود خداوند بر او و خاندانش باد - در درجه اول از
خداوند بزرگ و در مرتبه دوم از بندگان خداوند که جواب ما را می دهند یاری می طلبیم.
(البته طلب یاری از مردم به جهت امتحان و اتمام حجت بر آنها است.)
ای مردم! ما خاندان پیامبر شما هستیم و از هر کس به خداوند بزرگ و حبیبش رسول
الله سزاوارتریم [و از نظر مقام، برتری داریم].

إِبْرَاهِيمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ وَمَنْ حَاجَّنِي فِي مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ وَمَنْ حَاجَّنِي فِي النَّبِيِّينَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّبِيِّينَ، أَلَيْسَ اللهُ يَقُولُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ «إِنَّ اللهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^١.

فَأَنَا بَعِيَّةٌ مِنْ آدَمَ وَذَخِيرَةٌ مِنْ نُوحٍ وَمُضْطَفَى مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَصَفْوَةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، أَلَا فَمَنْ حَاجَّنِي فِي كِتَابِ اللهِ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِكِتَابِ اللهِ، أَلَا وَمَنْ حَاجَّنِي فِي سُنَّةِ رَسُولِ اللهِ فَإِنَّا أَوْلَى بِسُنَّةِ رَسُولِ اللهِ، فَأَنْشِدُ اللهُ مَنْ سَمِعَ كَلَامِي أَلْيُؤْمَ لَنَا بَلَعِ الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْغَائِبِ وَ أَسْأَلُكُمْ بِحَقِّ اللهِ وَحَقِّ رَسُولِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِحَقِّي فَإِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقَّ الْقَرِيبِ مِنْ رَسُولِ اللهِ أَلَا أَعْتَمُونَا وَتَمَعْتُمُونَا مَعَنَ

ای مردم! هرکس در ارتباط با حضرت آدم با من مجادله کند بداند من از او به آدم اولی‌ترم و آن که در رابطه با شخصیت نوح با من محاجه کند من بر او نسبت به نوح مقدم هستم و هرکس بخواهد در ارتباط با ابراهیم با من مجادله کند من از او نسبت به ابراهیم برتری دارم و اگر کسی بخواهد با شخصیت محمد - که درود خداوند بر او و خاندانش باد - با من محاجه کند مسلماً من نسبت به حضرت محمد از او احق و اولی [و تنها فرزند و باقیمانده او و یگانه نگهبان دین و شخصیت او] هستم و هرکس که بخواهد در ارتباط با بقیه انبیاء و فرستادگان خداوند به محاجه با من برخیزد، من بر او نسبت به انبیاء تقدم دارم [و جانشین اجراکننده تمام طرحهای آنها من هستم]. آیا خداوند در قرآن مجیدش نفرموده است: «به درستی که خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان اختیار فرموده و بعضی را بر برخی برتری داده است. و البته خداوند شنوا و دانا است.»؟

پس ای مردم! من تنها باقیمانده از آدم و یگانه ذخیره نوح پیامبر و خلاصه و برگزیده از ابراهیم و از محمد هستم که درود خداوند بر آن بزرگوار و خاندانش باد. ای مردم! بدانید آن کس که بخواهد در قرآن با من مجادله نماید من از همه اولی‌تر به قرآن خداوند هستم [و تمام علوم و معارف قرآن و قوانین حیات بخش آن در نزد من است].

ای مردم! آگاه باشید هرکس که درباره سنت رسول اکرم [یعنی تعلیمات آن حضرت و خاندان عزیزش] با من مجادله کند، من اولی‌تر از او هستم. پس شما را به خداوند سوگند می‌دهم هرکس که امروز سخنان مرا می‌شنود آن را به آنتهایی که در اینجا حاضر نیستند برساند، و شما را به حق خداوند و رسول او و آن حقی که من بر شما دارم [یعنی حق ذوالقربای پیامبر بودن] سوگند می‌دهم که ما را در حقوقمان یاری نمایید و جلوی ظلم و ستمی را که درباره ما روا داشتند بگیرید؛ چه آنکه حقوق ما را پنهان ساختند و

يَظْلِمُنَا فَقَدْ أَخِفْنَا وَ ظَلَمْنَا وَ طَرِدْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَ ابْتَأَيْنَا وَ بَغَى عَلَيْنَا وَ
 دَفَعْنَا عَنْ حَقِّنَا وَ افْتَرَى أَهْلُ الْبَاطِلِ عَلَيْنَا فَاللَّهُ اللَّهُ فِينَا لَا تَخْذُلُونَا
 وَانصُرُونَا يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ تَعَالَى. ۱

درباره ما ظلم کردند و از وطنمان آواره نمودند و نسبت به ما غدر روا داشتند و پیروان باطل بر ما افترا بستند. از خدا بترسید، ما را مخدول نکنید، بلکه یاری کنید تا خداوند شما را نصرت عطا فرماید.

خطبه دوّم حضرت بقیّة الله (روحی له الفداء) در روزهای اوّل ظهور

عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ خُطْبَةً آخَرَ مَعَ اخْتِلَافٍ يَسِيرٍ ثُمَّ يَظْهَرُ
الْمَهْدِيُّ بِمَكَّةَ عِنْدَ الْعِشَاءِ وَمَعَهُ رَأْيَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ
سَلَّمَ، وَقَمِيصُهُ وَسَيْفُهُ وَعَلَامَاتُ وَنُورٌ وَبَيَانٌ فَإِذَا صَلَّى الْعِشَاءَ نَادَى
بِأَعْلَى صَوْتِهِ: أَذْكُرْكُمْ اللَّهُ أَيُّهَا النَّاسُ وَمَقَامَكُمْ بَيْنَ يَدَيَّ رَبِّكُمْ وَقَدْ أَكَّدَ
الْمُحَبَّةَ وَبَعَثَ الْأَنْبِيَاءَ وَأَنْزَلَ الْكِتَابَ يَا مُرُكُّمُ أَنْ لَا تُشْرِكُوا بِهِ

در خطبه دیگر با اختلاف کمی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمودند: مهدی ما در وقت عشاء، در حالتی که پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله در دست آن سرور و پیراهن و شمشیر آن بزرگوار همراه اوست و نیز نشانه‌هایی که عبارت باشد از نور و درخشندگی جمال خاتم و قدرت بیان و سخن گفتن آن سرور، وی را همراهی می‌کند، پس از خواندن نماز عشاء، با صدای بلند فریاد می‌زند:

ای مردم عالم! شما را متذکر و متوجه خداوند متعال می‌کنم و نیز ایستادنتان را در مقابل خداوند و اینکه او حجّت خود را به وسیله ارسال پیامبران و نزول کتابهای آسمانی بر شما تمام کرده است و امر فرموده که او را به یگانگی یاد کنید

سَيِّئاً وَ أَنْ تُحَافِظُوا عَلٰى طَاعَتِهِ وَ طَاعَةِ رَسُوْلِهِ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
 وَ سَلَّمَ، وَ أَنْ تُخَيُّوْا مَا أَحْيَا الْقُرْآنَ وَ تُمَيِّثُوْا أَمَانَتَ وَ تَكُوْنُوْا أَغْوَاناً عَلٰى
 الْهُدٰى وَ وُزَرَآءَ عَلٰى التَّقْوٰى فَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ دَنَا فِنَاؤُهَا وَ زَوَّأَهَا وَ أَذْنَتْ
 بِأَلْوَدَاعِ وَ إِنِّىْ أَدْعُوْكُمْ إِلَى اللهِ وَ رَسُوْلِهِ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ ، آلِهِ وَ سَلَّمَ،
 وَ الْعَمَلِ بِكِتَابِهِ وَ إِمَاتَةِ الْبَاطِلِ وَ إِحْيَاءِ السُّنَّةِ ۱

و از شرک دوری ورزید و در طاعت و بندگی او و فرمانبرداری از پیامبرش کوشا باشید و آنچه را که قرآن زنده نموده (قوانین حیات بخش آن را)، زنده نگاه دارید و آنچه قرآن مرگ آن را اعلام فرموده است شما نیز آن را نابود کنید و یار و مددکار هدایت و رستگاری باشید. تقوی و پرهیزکاری را نگهبان باشید. بدانید که دنیا رو به زوال و در حال وداع با همگان است و من شما را به چهار اصل حیاتی دعوت می‌کنم:

۱. ایمان به خداوند بزرگ و اطاعت از دستوراتش.
۲. اعتقاد به رسول اکرم - که درود خدا بر او باد - و فرمانبرداری از آن حضرت.
۳. عمل کردن به قرآن و احکام سعادت بخش آن.
۴. نابود ساختن باطل و مبارزه با آن.
۵. زنده کردن سنتهای از بین رفته اسلام و بازگرداندن آنها به جای اولیه خود.

خطبه سوّم از حضرت مهدی (روحی له الفداء)

یا

«اعلامیّه جهانی»

عَنِ الصّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ سَيِّدُنَا الْقَائِمُ مُسْنِدًا ظَهَرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَ
يَقُولُ يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ!

أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ وَ شَيْثَ، فَهَا أَنَا ذَا آدَمَ وَ شَيْثَ. أَلَا وَ مَنْ
أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى نُوحَ وَ وَكِدِهِ سَامَ، فَهَا أَنَا ذَا نُوحَ وَ سَامَ. أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ
أَنْ يَنْظُرَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ، فَهَا أَنَا ذَا إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ. أَلَا وَ مَنْ
أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى عِيسَى وَ شَمْعُونَ فَهَا أَنَا ذَا عِيسَى وَ شَمْعُونَ. أَلَا وَ مَنْ
أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: آقای ما قائم آل

محمد پشت به خانه کعبه می زند و می فرماید:

ای مردم! هرکسی که بخواهد آدم و شیث را ببیند، بیاید مرا ببیند. آری، من همان آدم و شیث هستم. آگاه باشید، هرکس که بخواهد نوح و فرزندش سام را ببیند، من همان ابراهیم و اسماعیل هستم. آگاه باشید، هرکس که بخواهد عیسی و شمعون را ببیند، من همان و شمعون منم. ای مردم! بدانید که اگر بخواهید محمد و امیرالمؤمنین را ببینید، من همان

إلى مُحَمَّدٍ وَآمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا، فَهَا أَنَا ذَا مُحَمَّدٌ وَ
 آمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَهَا أَنَا ذَا
 الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ. أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْأَيْمَةِ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ
 فَهَا أَنَا ذَا الْأَيْمَةِ أَجِيبُوا إِلَى مَسْأَلَتِي فَإِنِّي أَنْبِئُكُمْ بِمَا بُئِيتُمْ بِهِ وَمَا لَمْ
 تُنَبِّئُوهُ وَمَنْ كَانَ يَقْرَأُ الْكُتُبَ وَالصُّحُفَ فَلْيَسْمَعْ مِنِّي.

ثُمَّ يَبْتَدِئُ بِالصُّحُفِ الَّتِي أَنْزَلَهَا اللَّهُ عَلَى آدَمَ وَشَيْثَ وَيَقُولُ أُمَّةَ آدَمَ وَ
 شَيْثَ هِبَةَ اللَّهِ، هَذِهِ وَاللَّهُ هِيَ الصُّحُفُ حَقًّا وَ لَقَدْ أَرَانَا مَا لَمْ نَكُنْ نَعْلَمُهُ
 فِيهَا وَمَا كَانَ خَفِيَ عَلَيْنَا وَمَا كَانَ أَسْقَطَ مِنْهَا وَبَدَّلَ وَحُرِّفَ.

ثُمَّ يَقْرَأُ صُحُفَ نُوحٍ وَصُحُفَ إِبْرَاهِيمَ وَالتَّوْرَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالتَّوْرَةَ
 أَهْلُ التَّوْرَةِ وَالتَّوْرَةَ وَالتَّوْرَةَ هَذِهِ وَاللَّهُ صُحُفَ نُوحٍ وَ إِبْرَاهِيمَ حَقًّا وَمَا
 أَسْقَطَ مِنْهَا وَبَدَّلَ وَحُرِّفَ مِنْهَا. هَذِهِ وَاللَّهُ التَّوْرَةَ الْجَامِعَةَ وَالتَّوْرَةَ
 التَّامَّ وَالتَّوْرَةَ الْكَامِلُ، أَنَّهَا أَضْعَافٌ مَا قَرَأْنَا مِنْهَا.

ثُمَّ يَتْلُوا الْقُرْآنَ فَيَقُولُ الْمُسْلِمُونَ هَذِهِ وَاللَّهُ الْقُرْآنَ حَقًّا الَّذِي أَنْزَلَهُ اللَّهُ
 عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَا أَسْقَطَ مِنْهُ وَحُرِّفَ وَبَدَّلَ. ١

محمد و امیرالمؤمنین هستم - که درود خداوند بر آنها باد - آگاه باشید، اگر بخواهید حسن و حسین را ببینید، من همان حسن و حسین ام. ای مردم! اگر بخواهید ائمه از فرزندان حسین را ببینید، من همان پیشوایان از فرزندان حسین هستم [یعنی همه عزیزان و فرستادگان خداوند در من خلاصه شده‌اند]. پس دعوت مرا اجابت کنید برای اینکه آنچه آنها به شما فرمودند و فرمودند من به شما خواهم گفت و شما را آگاه می‌کنم. هرکسی که کتابهای آسمانی را می‌خواند پس بشنود تا برای او بخوانم.

آنگاه شروع می‌کند به خواندن صحفی که بر آدم و شیث نازل شده است و پیروان آدم و شیث اقرار می‌کنند و می‌گویند به خدا قسم این همان صحفی است که بر آدم و شیث نازل شده و این آقا چیزهایی به ما نشان داد که قبلاً نمی‌دانستیم و بر ما مخفی بود و به علاوه، کوچکترین حرفی از آنها نیفتاده و تحریف هم نشده است.

سپس شروع می‌کند به خواندن صحف نوح و ابراهیم و نیز تورات و انجیل. پس اهل تورات و انجیل و زبور می‌گویند به خدا قسم این است تورات جامع و زبور تمام و انجیل کامل. به درستی که بیش از آنچه ما از این کتابها خوانده بودیم برای ما قرائت فرمودند.

آنگاه شروع به خواندن قرآن مجید می‌فرماید. پس پیروان قرآن می‌گویند به خدا قسم این همان قرآنی است که خداوند بر پیامبرش نازل فرموده و حرفی از آن نیفتاده و همچنین تحریف و تبدیلی در آن صورت نگرفته است.

از جمله سخنان حضرت قائم (روحی له الفداء)
هنگام ظهور

عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ إِذَا
قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ «فَفَرَزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي
حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ».^{۲۱}

امام صادق از پدرش حضرت باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند

هرگاه قائم ما علیه السلام قیام نماید برای مردم این آیه شریفه را تلاوت می‌کند:

«چون از شما ترسیدم لذا دوری اختیار کردم؛ اما خداوند بزرگ مرا از فرستادگان
خویش قرار داده و نیز مقام فرمانروایی و حکومت بر جهان هستی را به من عطا فرموده
است.»

اولین دعای حضرت ولی عصر (روحی له الفداء) در روزهای اول ظهور

● در شب جمعه‌ای که قصد داشتم فردای آن شب ترجمه دعای ذیل (لَا إِلَهَ إِلَّا حَقًّا حَقًّا... الخ) بنویسم، وجود مقدس حضرت بقیة الله، روحی له الفداء، را در خواب دیدم. فرمودند: این دعا را از کجا گرفته‌ای؟ عرض کردم: از کتابهای مرحوم علامه مجلسی گرفته‌ام. فرمودند: علامه مجلسی الآن نزد ما است. گرچه اینجانب تمایلی به نقل این مطلب نداشتم ولی بدان جهت که بیان قدر و منزلت علامه مجلسی، رضوان الله علیه، لازم می‌نمود و ضمناً اعتبار این دعا را هم که از فرمایشات خودشان است، امضاء فرمودند، مبادرت به نگاشتن آن نمودم. و اینک ترجمه دعای حضرت بقیة الله، عجل الله فرجه الشریف،.

وجود مقدس آقا امیرالمؤمنین، سلام الله علیه، می‌فرمایند: گویا می‌بینم فرزندم حضرت مهدی، ارواحنا له الفداء، در ساعات اول ظهورش سوار بر مرکب از ناحیه وادی السلام به طرف مسجد سهله، در حالی که نور از پیشانی مرکب سواری‌اش می‌درخشد، در حرکت است و این دعا را می‌خواند:

قال أمير المؤمنين عليه السلام كاتني به قد عبر من وادي السلام الى
مسيل السهلة على قرس محجل له شراخ يزهر، يدعو ويقول في
دُعائه:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَصِدْقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعْبُدًا
وَرِقًّا اللَّهُمَّ مِعْرَ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَحَيْدٍ وَمَذَلِّ كُلِّ جَبَّارٍ عِنْدِي، أَنْتَ كُنْفِي حِينَ
تُعِينِي الْمَذَاهِبَ وَتَضِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضَ بِمَا رَحُبْتُ. اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي وَكُنْتُ
غَنِيًّا عَنْ خَلْقِي وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّاي لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ. يَا مُنْشِرَ
الرَّحْمَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا وَمُخْرِجَ الْبَرَكَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ
بِشُمُوحِ الرَّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَرَّضُونَ، يَا مَنْ وَصَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ
الْمَدَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطْوَتِهِ خَائِفُونَ. أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي
فَطَرْتَهُ بِه خَلَقْتَ فَكُلُّ لَكَ مُذْعِنُونَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنْجِزَ لِي أَمْرِي وَتُعَجِّلَ لِي فِي الْفَرَجِ وَتَكْفِيَنِي وَتُعَافِيَنِي وَ
تَقْضِيَ حَوَائِجِي السَّاعَةَ، السَّاعَةَ، اللَّيْلَةَ، اللَّيْلَةَ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ. ١

خدایی جز او که حقاً آفریننده همه عالم هستی است، وجود ندارد. آری، او بر حق است. از روی ایمان و صادقانه به خداوندی او اعتراف می‌کنم. در کمال عبودیت و بندگی او را می‌ستایم. خداوند! تو عزت دهنده هر مؤمن بی‌یار و تنهایی و خوارکننده هر ستمگر و سرکش. بار خدایا! تنها پشت و پناه من هنگام هجوم اجانب و حمله ستمگران، تویی. آری در وقتی که کره زمین با این وسعت بر من تنگ می‌شود، یار منحصر به فرد من تو هستی. خداوند! تو مرا آفریدی در حالتی که نیازی به آفرینش من نداشتی و اگر نصرت و یاریهای ذات مقدس تو نبود، مغلوب حوادث می‌شدم.^۱ ای کسی که رحمت بی‌نهایت خود را از مرکز آن به تمام عالم وجود منتشر می‌سازی و برات خود را از مرکز آن خارج می‌کنی و در اختیار بندگانت قرار می‌دهی! ای خداوندی که عظمت را مخصوص به ذات پاک خود قرار داده‌ای، بنابراین عزت اولیای الهی از عزت تو سرچشمه می‌گیرد! ای آفریننده‌ای که پادشاهان در مقابل قدرت تو خود را خوار و ذلیل می‌بینند و از توانایی و قدرت زوال‌ناپذیرت هراسناکند! تو را بدان اسمی که همه مخلوقات و موجودات عالم هستی را به وسیله آن آفریدی، می‌خوانم^۲ و همه آنها در مقابل ذات پاک تو اعتراف و اقرار دارند. از پیشگاه مقدس تو استدعا می‌کنم که به روان تابناک جدّم و خاندان عزیزش سلام و درود فرستی و:

۱. امر قیام مرا منجز فرمایی.

۲. در ظهورم تعجیل فرمایی.

۳. امور مرا خود کفایت کنی.

۴. در تمام ابعاد، عافیت نصیبم فرمایی.

۵. خواسته‌های مرا برآورده فرمایی.

البته در همین ساعت؛ آری در همین ساعت؛ و در همین شب؛ آری همین شب. می‌دانم که ذات پاک تو بر هر کاری تواناست.

۱. ممکن است اشاره به حوادث زندگی پر خروش آن حضرت از ساعت اول ولادت تا زمان غیبت صغری و کبری و عنایات غیبی که از جانب خداوند بزرگ به آن عزیز رسیده است، باشد.
 ۲. اشاره به اسم مقدس اعظم یا اسماء دیگر خداوند است که در سایه آنها جهان وجود آفریده شده است.

سخنرانی حضرت ولی عصر (علیه السلام) در شب اول ظهور

وَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ يَسْظَهَرُ
الْمَهْدِيُّ بِمَكَّةَ عِنْدَ الْعِشَاءِ وَمَعَهُ رَأْيَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ
سَلَّمَ وَ قَمِيضُهُ وَ سَيْفُهُ وَ عَلَامَاتُ وَ نُورٌ وَ بَيَانٌ فَإِذَا صَلَّى الْعِشَاءَ نَادَى
بِأَعْلَى صَوْتِهِ يَقُولُ: أَدْكُرُّكُمْ اللَّهُ أَيُّهَا النَّاسُ وَ مَقَامَكُمْ بَيْنَ يَدَيَّ رَبِّكُمْ
فَقَدْ اتَّخَذَ الْحُجَّةَ وَ بَعَثَ الْأَنْبِيَاءَ وَ أَنْزَلَ الْكِتَابَ وَ أَمَرَكُمْ أَنْ لَا تُشْرِكُوا بِهِ
شَيْئاً وَ أَنْ تُحَافِظُوا عَلَيَّ طَاعَتِهِ وَ طَاعَةَ رَسُولِهِ وَ أَنْ تُخَيَّرُوا مَا أَحْسَبِي
الْقُرْآنَ وَ تُمِثُّوا مَا أَمَاتَ وَ تَكُونُوا أَعْوَاناً عَلَيَّ الْمَهْدِيِّ وَ وَرّاً عَلَيَّ
التَّقْوَى فَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ دَنَتْ فَنَآؤُهَا وَ زَوَالُهَا وَ إِذْنَتْ بِالسُّودَاعِ وَ آتَى
أَدْعُوكُمْ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ وَ الْعَمَلِ بِكِتَابِهِ وَ إِمَاتَةِ الْبَاطِلِ وَ إِخْيَاءِ
سُنَّتِهِ. ١

جابر در ارتباط با اولین شب قیام و حکومت جهانی حضرت بقیة
الله، ارواحنا له الفداء، از وجود مقدس حضرت جواد الائمه (علیه السلام) روایت
می‌کند که آن حضرت فرمودند: حضرت مهدی (علیه السلام) شبانگاه در وقت
نماز عشاء و در مسجد الحرام ظهور می‌کند در حالتی که پرچم رسول

اکرم - که درود خدا بر او و خاندانش باد - به دست و پیراهن آن حضرت و شمشیر مخصوص آن بزرگوار را به همراه دارد به علاوه نشانه‌ایی از نور و بیان. پس چون نماز عشاء را به جا آوردند با صدای بسیار بلند می‌فرماید.

ای مردم! من خدا را به یاد شما می‌آورم و ایستادن شما را در پیشگاه خداوند.^۱ مردم! خداوند با فرستادن انبیا، حجّت را بر شما تمام کرد [و راه سعادت و شقاوت را نشان داد] و قرآن را بر شما نازل کرد و امر فرمود که شریکی برای خداوند قایل نشوید و اینکه در اطاعت از او و پیامبرش کوتاهی نرورزید و هرآنچه را قرآن زنده کرده است شما آن را زنده کنید و آنچه را قرآن نابود و به اصطلاح مرگش را اعلام نموده است شما نیز آن را بمیرانید و بکشوید یاور هادیان به سوی خیر باشید و خود از مقام واقعی هدایت استفاده کنید و همیشه طرفدار تقوی و پرهیزگاری باشید و به درستی که دنیای شما نزدیک به فنا و نابودی است و با زبان مخصوص خودش با شما خداحافظی می‌کند. و من شما را [به چند اصل حیاتی] دعوت می‌کنم:

۱. به سوی خداوند (بندگی خداوند).

۲. به سوی فرستاده او [حضرت محمد بن عبدالله ﷺ].

۳. بیایید به احکام و مقررات خداوند عمل کنید.

۴. باطل را بمیرانید (امحاء بدعتها، مکتبهای ضد قرآن و خلاصه فرهنگ غیر قرآن).

۵. سنتهای الهی و آنچه را که پیامبر فرموده است زنده کنید (اوامر و نواهی خداوند).

سخنان حضرت بقیة الله (روحی له الفداء) هنگام قیام

عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ يَقُولُ:
أَيُّهَا النَّاسُ نَحْنُ الَّذِينَ وَعَدَكُمُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ
فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ
الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^۱

روایت بالا از جانب زیدبن علی نقل شده است که فرمودند زمانی
که قائم آل محمد [صلوات الله عليهم اجمعین] قیام کنند به مردم چنین
می فرمایند:

ای مردم! ما همان خاندانی هستیم که خداوند در قرآن کریمش به شما وعده فرموده
است که وقتی حکومت به ایشان داده می شود «آنان در بر پا داشتن نماز و دادن زکات و
امر به معروف و نهی از منکر جدیت خواهند نمود و البته عاقبت همه امور مخصوص
به ذات پاک خداوند است.»

● یعنی در دولت خاندان عصمت و طهارت این دسته از احکام و سایر قوانین دیگر
الهی اجرا خواهد شد، و آلا این دودمان پاک همیشه حتی در زندانها و در حال اسارت
نیز این احکام را به دقت اجرا می کردند.

فصل چهارم

ادعیه مختلف نقل شده از

حضرت بقیة الله

ارواحنا له الفداء

در غیبت صغری و کبری

۱

دعای افتتاح

منقول از حضرت بقیة الله (ارواحنا له الفداء)

● دعای مبارک افتتاح که در شبهای ماه مبارک رمضان خوانده می شود، متضمن یک دوره معارف عالیة اسلامی می باشد که در ضمن عناوین مختلفه به شرح زیر بیان شده است:

- حمد و ثنای الهی و اهمیت آن.

- شکایت از عدم تشکیل حکومت کریمه خداوند و نابسامانیهای ناشی از آن (عقب افتادن حکومت مزبور).

- یاد نعمتهای بهشتی و ذکر جهنم و عذابهایی آن.

- جایگاه بندگان صالح خداوند و انتظار پیوستن به آنان به ویژه یاد فرستادگان الهی مخصوصاً وجود مقدس رسول اکرم ﷺ و ائمه معصومین، سلام الله علیهم اجمعین، و بالاخص ذکر بنیانگذار حکومت خداوند بزرگ در سراسر گیتی حضرت مهدی، بقیة الله، روحی له الفداء..

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَجِيبُ الشَّاءَ بِحَمْدِكَ وَأَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنْكَ وَآيَقُنْتُ
أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ
فِي مَوْضِعِ التَّكَالِ وَالنَّقْمَةِ وَأَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ
وَالْعِظَمَةِ.

اللَّهُمَّ أَذْنَتِي لِي فِي دُعَائِكَ وَمَسْئَلَتِكَ فَاسْمَعْ يَا سَمِيعُ مِدْحَتِي وَاجِبِ
يَا رَحِيمُ دَعْوَتِي وَأَقِلْ يَا غَفُورُ عَثْرَتِي.

فَكَمْ يَا إِلَهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَوَّجْتَهَا وَهُومٌ قَدْ كَشَفْتَهَا وَعَثْرَةٍ قَدْ أَقَلْتَهَا وَ
رُخْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا وَحَلَقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتُهَا.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلْدًا وَلَا دَأً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي
الْمُلْكِ وَلَا لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِيلِ وَكَبِيرُهُ تَكْبِيرًا.

الْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَيَّ جَمِيعِ نِعَمِهِ كُلِّهَا.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا مُضَادَّ لَهُ فِي مُلْكِهِ وَلَا مُنَازِعَ لَهُ فِي أَمْرِهِ.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ وَلَا شَبِيهَ لَهُ فِي عِظَمَتِهِ. الْحَمْدُ
لِلَّهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ أَمْرُهُ وَحَمْدُهُ الظَّاهِرُ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ الْبَاسِطُ بِالْجُودِ

يَدُهُ الَّذِي لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ وَلَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ إِلَّا جُودًا وَكِرَمًا، إِنَّهُ
هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَلْكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ وَغِنَاكَ عَنْهُ
قَدِيمٌ وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ.

به نام خداوند بخشاینده مهربان

بار خدا یا! همانا که من سپاس تو را با ستایش تو آغاز می‌کنم و تو آنچه را درست و صواب است از سر بخشش انجام می‌دهی و به یقین می‌دانم که همانا تو در مقام بخشایش و رحمت، رحیم‌ترین رحم‌کنندگانی و در مقام عبرت قرار دادن بدکاران و مکافات دادن به عقوبت، سخت‌ترین عقاب‌کنندگانی و در موضع کبریا و عظمت، بزرگترین قدرتمندی.

خداوند! به ما اجازه فرموده‌ای که تو را بخوانیم و دعا کنیم و از سوی دیگر تضمین نموده‌ای که اجابت فرمایی. پس ای شنوا! ستایشم را بشنو، و ای مهربان! دعای مرا اجابت فرما، و ای آمرزگار! از لغزشهایم درگذر.

پروردگارا! در گذشته از بسیاری از خطاها و لغزشهایم صرف‌نظر فرموده و رحمت واسعة خود را فراگیر نمودی و زنجیرهای بلا را گسستی. پس تو را ستوده و سپاس می‌گویم. حمد و سپاس مر خدایی را که برای خود جفت و زوج و فرزندی قرار نداده و در حکمرانی بر جهان هستی شریکی ندارد و ذات پاکش نیازمند مساعدت و کمکی نیست و شایسته بزرگترین تکریم و تعظیمهاست.

خداوند را با تمام صفات کمالیه‌ای که دارد حمد می‌کنم. آفریدگاری را که در ملک و ملکوت مخالفی ندارد و کسی را یارای منازعه و ستیز با او نیست، ستایش می‌کنم.

حمد خدایی را که او را در آفرینشش شریکی نباشد و در عظمتش مانند. حمد خدایی را که در میان آفریدگان فرمان و ستایشش فاش باشد و بزرگواری‌اش به سبب کرمش، ظاهر و دستش به بخشش گشوده؛ خدایی که گنجینه‌هایش کاهش نپذیرد و بسیاری عطا، جز جود و کرمش را نیفزاید. همانا که او عزیز و بسیار بخشنده است.

پروردگارا! تعداد کمی از نیازمندیهای بسیار و زیادم را از درگاه مقدّست تقاضا می‌کنم با اینکه احتیاج و نیازم به آن فوق‌العاده است و ذات پاک تو از ابتدا بی‌نیاز بوده است. اگر چه حواجیم برای من بسیار بزرگ هستند ولی برای تو انجام و برآوردن آنها بسیار ساده و آسان است.

اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبِي وَ تَجَاوُزَكَ عَنْ خَطِيئَتِي وَ صَفْحَكَ عَنْ ظُلْمِي وَ سِتْرَكَ عَلَيَّ قَبِيحَ عَمَلِي وَ حِلْمَكَ عَنْ كَثِيرِ جُزْمِي عِنْدَ مَا كَانَ مِنْ خَطَايَا وَ عَنَدِي، أطمعني في أن أسألك ما لا أستوجبه منك الذي رزقتني من رحمتك و أريتني من قدرتك و عرفتني من إجابتك فصرت أذعوك أمانة و أسألك مستأنساً لا خائفاً و لا رجلاً مديلاً عليك فيما قصدت فيه إليك فإن أبطأ عني عتبت بجهلي عليك و لعل الذي أبطأ عني هو خير لي ليعلمك بعاقبة الأمور، فلم أر مولى كريماً أضبر على عبدي لئيم منك عليّ يارب.

إنك تدعوني فأولي عنك و تتحجب إليّ فاتبعض إليك و تتودد إليّ فلا أقبل منك كأن لي التظؤل عليك فلم يمنعك ذلك من الرحمة لي و الإحسان إليّ و التفضل عليّ بجزودك و كرمك فأرحم عبدك الجاهل و جدد عليه بفضل إحسانك، إنك جواد كريم.

أحمد لله مالِك الملِك، مُجْرِي الفلِك، مُسَخِّر الرِّيح، فالقِ الأَصْباحِ دِيانِ الدِّينِ، رَبِّ الْعَالَمِينَ.

أحمد لله عليّ جليبه بعد علمه و الحمد لله عليّ عفوه بعد قدرته، و الحمد لله عليّ طول آتاه في غضبه و هو قادر علي ما يريد.

أحمد لله خالق الخلق، باسط الرزق، فالقِ الأَصْباحِ، ذِي الْجَلالِ وَالْإِكْرَامِ وَ الْفَضْلِ وَ الْإِنْعَامِ الَّذِي بَعْدَ فَلَا يُرَى وَ قَرِيبَ فَشْهِدِ النَّجْوَى تَبَارَكَ وَ تَعَالَى.

بار خدایا! عفو و بخشایش و گذشت تو از خطاها و لغزشهای من و ظلم و ستمهایی که مرتکب شده‌ام و نیز پرده‌پوشی تو در مورد جرایمی که عمداً انجام داده‌ام موجب شده است که طمع کرده، از تو چیزی که استحقاق و لیاقت آن را ندارم، تقاضا و استدعا کنم. قدرت و توانایی تو را در انجام خواسته‌م، دیدم و اجابت تو را شناختم و با امنیت و بدون ترس از تو درخواست کردم. اگر انجام خواسته‌ها و برآورده شدن نیازهایم به تأخیر می‌افتاد تو را مورد خطاب و عتاب قرار می‌دادم، در حالی که آن تأخیر به صلاح و سود من بوده است زیرا تو به عاقبت امور همه آگاه و عالمی.

بار خدایا! تو بسیار صبور و بردباری و من و مولایی چون تو که تا این اندازه در برابر نادانی بنده‌اش بردبار و صبور باشد، ندیده‌ام..

خداوندا! تو مرا می‌خوانی و من از تو روی می‌گردانم؛ تو با من دوستی می‌کنی و من بر تو خشم می‌گیرم؛ تو نسبت به من محبت و شفقت می‌ورزی و من در نتیجه جهل و نادانی خود از تو نمی‌پذیرم و گویی مرا بر تو حق نعمت است. علی‌رغم این همه نادانی من، تو مرا از کرم و رحمت محروم نمی‌فرمایی. پس بنده نادان خود را ببخشای و از رحمت بهره‌مندش ساز؛ چه آنکه تو بسیار کریم و بخشنده‌ای.

سپاس و ستایش مختصّ خدایی است که مالک جهان وجود است؛ آن که تسخیر کننده بادها و طوفانها و شکافنده شب و پدید آورنده روز و فرمانروای روز جزا است. ستایش و سپاس خدایی را که با وجود آگاهی و علم به [گناهان ما] صبر و بردباری پیشه می‌سازد و سپاس خداوندی را که با وجود قدرت [بر عقوبت و مجازات کردن گنهکاران] عفو می‌فرماید. سپاس خداوند را بر صبر طولانی وی، با اینکه بر همه چیز توانا است. ستایش و سپاس مخصوص ذات پاکی است که همه مخلوقات را آفریده و سفره و خوان روزی را برای همه آنها گسترده است؛ خدایی که پدید آورنده صبح است و صاحب جلال و بزرگواری و فضل و انعام؛ پروردگاری که از دیده‌ها و نظرها دور است و دیده نمی‌شود، اما از همه نزدیکتر و بر تمام رازهای پنهان، ناظر و آگاه است.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مَنَازِعٌ يُعَادِلُهُ وَ لَا شَيْءٌ يُشَاكِلُهُ وَ لَا ظَهِيرٌ
يُعَايِدُهُ قَهَرَ بِعِزَّتِهِ الْآعِزَّاءَ وَ تَوَاضَعَ لِعَظَمَتِهِ الْعُظْمَاءَ فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ مَا
يَشَاءُ.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُجِيبُنِي حِينَ أَنَادِيهِ وَ يَسْتُرُ عَلَيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَ أَنَا أَعْيِيهِ.
وَ يُعَظِّمُ النِّعْمَةَ فَلَا أُجَازِيهِ، فَكَمْ مِنْ مَوْهَبَةٍ هَنِيئَةٍ قَدْ أَعْطَانِي وَ عَظِيمَةٍ
مُخَوِّفَةٍ قَدْ كَفَانِي وَ بَهْجَةٍ مُوَبِّقَةٍ قَدْ أَرَانِي فَاتْنِي عَلَيْهِ حَامِداً وَ أَذْكَرُهُ
مُسَبِّحاً.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُهْتَكُ حِجَابُهُ وَ لَا يُغْلَقُ بَابُهُ وَ لَا يُرَدُّ سَائِلُهُ وَ لَا
يُخَيَّبُ أَمَلُهُ.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ وَ يُنَجِّي الصَّالِحِينَ وَ يَرْفَعُ
الْمُسْتَضْعَفِينَ وَ يَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ وَ يُهْلِكُ مُلُوكاً وَ يَسْتَخْلِفُ آخَرِينَ.
وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ قَاصِمِ الْجَبَّارِينَ، مُبِيرِ الظَّالِمِينَ، مُدْرِكِ الْهَارِبِينَ، نِكَالِ
الظَّالِمِينَ، صَرِيحِ الْمُسْتَضْرِحِينَ، مَوْضِعِ حَاجَاتِ الطَّالِبِينَ، مُعْتَمِدِ
الْمُؤْمِنِينَ.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مِنْ حَسْبِيهِ تَوَعَّدَ السَّمَاءَ وَ سُكَّانَهَا وَ تَوَجَّفُ الْأَرْضُ وَ
عَمَارُهَا وَ تَمُوجُ الْبِحَارِ وَ مَنْ يَسْبِيحُ فِي عَمْرَاتِهَا.

او خداوندی بلند مرتبه و بزرگوار است.

سپاس خدایی را سزاست که هیچ کس را یارای منازعه و ستیز با او در ملک و حکومت نیست، نه شریکی دارد که مانند او باشد و نه کسی که او را یاری دهد؛ خداوندی که تمام قدرتمندان و گردنکشان در مقابل قدرت او مقهور و ناتوانند؛ پروردگاری که با قدرت بی‌نهایتش هر آنچه خواهد، انجام دهد.

سپاس مخصوص ذات مقدّس خداوندی است که هر گاه او را بخوانم، جواب می‌دهد و در حالی که او را نافرمانی می‌کنم، تمام عیوب و نقایص مرا مستور و پوشیده می‌دارد؛ خداوندی که نعمتهای بزرگش را به من ارزانی می‌دارد، در حالی که من او را شکرگزار نیستم. چه بسیار مواهب و بخششهای بزرگی که به من عنایت فرموده و چه حوادث هراس انگیزی که از آن نگاهم داشته و شادیهای شگفت‌انگیزی که به من عنایت فرموده است. او را سپاس و ستایش می‌کنم و از هر عیب و نقصی منزّه و پاکش می‌دانم. حمد و سپاس شایسته خداوندی است که پرده او را بر قبایح اعمال بندگان، کس نتواند بدزد؛ پروردگاری که سائل را محروم نمی‌کند و آن که فضل او را امید داشته باشد، ناامید نگردد.

سپاس مر خدایی را که به کسانی که دچار وحشت و ترس و بیم هستند ایمنی می‌بخشد و بندگان صالح و شایسته را نجات می‌دهد؛ ناتوانان را بلندمرتبه و گردنکشان را خوار می‌سازد؛ پادشاهان را هلاک و دیگران را جایگزین آنان می‌کند.

سپاس من مختص آن پروردگاری است که در هم شکننده سرکشان و نابودکننده ستمگران است؛ خدایی که هرکس از او گریزد، باز در دست قدرت او اسیر است و ستمگران را به کیفر می‌رساند. او فریادرس دادخواهان است و مرجع حوایج نیازمندان، و اعتماد اهل ایمان تنها به اوست.

سپاس خداوندی را سزاست که آسمانها و ساکنان آن و زمین و اهلس از ترس و بیم او بر خود می‌لرزند و دریاها و آنچه در آن شناور است در جوش و خروش و اضطرابند.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَخْلُقُ وَ لَمْ يُخْلَقْ وَ يَزْرُقُ وَ يَطْعَمُ وَ لَا يُطْعَمُ وَ يُمِيتُ
 الْأَحْيَاءَ وَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ
 شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ أَمِينِكَ وَ صَفِيكَ وَ حَبِيبِكَ
 وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ حَافِظِ سِرِّكَ وَ مُبْلِغِ رِسَالَتِكَ أَفْضَلَ وَ أَحْسَنَ
 وَ أَجْمَلَ وَ أَكْمَلَ وَ أَزْكَى وَ أَمْنَى وَ أَطْيَبَ وَ أَطَهَرَ وَ أَسْنَى وَ أَكْثَرَ مَا
 صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ وَ تَحَنَّنْتَ وَ سَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَ
 أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ أَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ.

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 عَبْدِكَ وَ وَلِيِّكَ وَ أَخِي رَسُولِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ آيَتِكَ
 الْكُبْرَى وَ النَّبَأِ الْعَظِيمِ وَ صَلِّ عَلَى الصَّدِيقَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ
 الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى سِبْطِي الرَّخْمَةِ وَ إِمَامِي الْهُدَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ
 سَيِّدَيَّ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ صَلِّ عَلَى أَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ
 مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَ
 مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْخَلْفِ الْهَادِي
 الْمَهْدِيِّ، حُجَجِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَ أَمْتَانِكَ فِي بِلَادِكَ صَلْوَةً كَثِيرَةً
 دَائِمَةً.

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَ الْعَدْلِ الْمُنتَظَرِ وَ حُفَّةِ
 بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَيْدِهِ بِرُوحِ الْقُدْسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

حمد و ثنای مر خداوندی را که مرا به این دین هدایت فرمود و اگر راهنمایی او نبود من هدایت نمی شدم.

حمد من مختص آن پروردگاری است که زندگان را می میراند و مردگان را زنده می سازد و ذات مقدس وی زنده جاوید و بر همه چیز تواناست.

خداوند! درود فرست بر محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] بنده و فرستاده‌ات، امانت‌دار و برگزیده‌ات، دوست و بهترین آفریده‌ات، نگه دارنده و رساننده پیامت؛ بهترین، نیکوترین، زیباترین، کاملترین، پاکترین، افزونترین، خوشبوترین، پاکیزه‌ترین و بیشترین درود و برکت و رحمت و تهنیت و سلامی را که بر یکی از بندگان و پیامبران و فرستادگان و خاصان درگاهت و سزاوار بزرگداشت تو از آفریدگان، فرستاده‌ای.

خداوند! بر علی امیرمؤمنان، پیشوای اهل ایمان و جانشین پیامبر خدای عالمیان و بنده خالص و ولی تو، برادر پیامبرت و حجت تو بر بندگان، نشانه بزرگ قدرت تو و خبر عظیم، درود فرست. و بر صدیقه طاهره، فاطمه بانوی بانوان جهان و بر فرزندانش حسن و حسین، دو نواده پیامبرت و در امامی که سید و آقای اهل بهشت هستند، درود فرست. و بر امامان و پیشوایان مسلمانان که عبارتند از حضرات علی بن حسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی عسکری و جانشین او امام هادی و مهدی که حجتهای تو بر بندگان و امانتدارهای تو در شهرها و بلاد جهان هستند، درود فرست؛ درودی بسیار و همیشه و مداوم.

خدایا! بر ولی خود و صاحب‌الامر امام قائم منتظر درود فرست و او را به وسیله سپاه فرشتگان و خیل ملایک خود یاری فرما. ای خداوند جهانیان! او را به روح القدس مؤید بدار.

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّعَى إِلَى كِتَابِكَ وَ الْقَائِمِ بِدِينِكَ اسْتَخْلِفُهُ فِي الْأَرْضِ
 كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ، مَكَّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ، أَبْدَلْهُ مِنْ
 بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَغْبِطُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا.

اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَ أَعِزِّزْ بِهِ وَ انصُرْهُ وَ انتصِرْ بِهِ وَ انصُرْهُ نَصْرًا عَزِيمًا وَ افْتَحْ لَهُ
 فَتْحًا يَسِيرًا وَ اجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ
 مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعَرِّفُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُدِلُّ بِهَا
 التَّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى
 سَبِيلِكَ وَ تَرُزِقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

اللَّهُمَّ مَا عَرَفْتَنَا مِنَ الْحَقِّ فَحَمَلْنَاهُ وَ مَا قَصَرْنَا عَنْهُ فَبَلَّغْنَاهُ.
 اللَّهُمَّ أَلْمَمْ بِهِ شَعْنَنَا وَ اشْعَبْ بِهِ صِرْعَنَا وَ ارْتُقْ بِهِ فَتْقَنَا وَ كَنْزْ بِهِ قَلْتَنَا وَ
 أَعِزِّزْ بِهِ ذِلَّتَنَا وَ أَعْنِ بِهِ عَائِلَتَنَا وَ اقْضِ بِهِ عَن مُمْرِمِنَا وَ اجْزِبْ بِهِ قَفْرَنَا وَ
 سُدِّ بِهِ حَلَّتْنَا وَ يَسِّرْ بِهِ عُشْرَنَا وَ بَيِّضْ بِهِ وُجُوهَنَا وَ فَكِّ بِهِ أَسْرَنَا وَ أَنْجِ
 بِهِ طَلِبَتَنَا

بار خدایا! او را مأموریت ده تا مردم را به قرائت قرآن بخواند و به ترویج دین تو قیام نماید. آن چنان که به پیشینیان قبل از او حکمرانی عطا فرمودی او را نیز در زمین جانشین خود فرما و به او قدرت عنایت کن تا بر جهان مسلط شده، حکومت تو را پیاده کند. ترس و خوف او را پس از سالیان دراز به امنیت مبدل فرما تا تو را بپرستد و شریکی برای تو در روی زمین نماند.

بار خدایا! او (حجّت بن الحسن) را عزّت ده و ما را به ظهورش عزیزگردان. او را یاری کن و از یاری او ما را نیز بهره مند فرما و او را نصرتی با عزّت و از هر جهت کامل عطا و عنایت کن. فتح و پیروزی عالم وجود را برایش میسر و از جانب خودت به او سلطنت مرحمت فرما.

خداوند! به دست توانای حضرت مهدی [روحی له الفداء] دین خود و سنت پیامبر را آشکار ساز تا دیگر به جهت ترس از هیچ کس، چیزی از حق مخفی نماند.

بار خدایا! تقاضا می‌کنیم که به دست توانای او (حضرت بقیة الله، روحی له الفداء)، دولت کریمه را تشکیل دهی؛ دولت کریمه‌ای که در آن اسلام و پیروان آن عزیز، و نفاق و طرفداران آن (متافقین) خوار و ذلیل شوند و در آن حکومت [کریمه آل محمد ﷺ] ما را از دعوت کنندگان به عبادت و از رهبران راه هدایت قرار ده و از کرامت دنیا و آخرت برخوردارمان فرما.

با خدایا! آنچه از معارف حقّه که ما را بدان آشنا و تعلیم فرموده‌ای، توفیق عمل به آن را نیز عنایت فرما و آنچه را که در شناخت و آموختن آن قصور کرده و نیاموخته‌ایم، به ما برسان. پروردگارا! پریشانی ما را در سایه آن امام عزیز به وحدت تبدیل فرما؛ پراکندگی زندگی ما را به وسیله آن حضرت اصلاح کن؛ جدایی ما را وحدت بخش؛ جمعیت کم ما را در سایه آن بزرگوار زیاد کن؛ ذلت ما را در سایه قیام حضرتش به عزّت تبدیل نما؛ نیاز ما را به بی‌نیازی مبدل ساز؛ دیون و بدهی ما را از برکات وجودش ادا بفرما؛ فقر و بینوایی ما را از برکات آن سرور برطرف نما؛ به وجود او ما را روسفیدگردان؛ اسیران ما را که در بند جنایتکاران هستند به برکت او رهایی بخش؛ حواجی ما را برآورده فرما؛ از

وَ أَنْجِزْ بِهِ مَوَاعِيدَنَا وَ اسْتَجِبْ بِهِ دَعْوَتَنَا وَ أَعْطِنَا بِهِ سُؤْلَنَا وَ بَلِّغْنَا بِهِ مِنَ
الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ آمَالَنَا وَ أَعْطِنَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا. يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَ
أَوْسَعَ الْمُعْطِينَ، إِشْفِ بِهِ صُدُورَنَا وَ أَذْهِبْ بِهِ غَيْظَ قُلُوبِنَا وَ اِهْدِنَا بِهِ لِمَا
اِخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِأَذْنِكَ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ
وَ أَنْصُرْنَا بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّنَا، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ.

اللَّهُمَّ أَنَا نَشْكُوا إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَائِيَةَ وَ لَيْسْنَا
(إمامينا) وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قَلَّةَ عَدَدِنَا وَ شِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَ تَظَاهَرَ الرِّمَانِ
عَلَيْنَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ
وَ بَصُرٍ تُكْشِفُهُ وَ نَصْرٍ تُعَزِّهُ وَ سُلْطَانٍ حَقٌّ تُظْهِرُهُ وَ رَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا
وَ عَافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبَسُنَاهَا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^١.

برکات انقاس قدسی آن حضرت دعا‌های ما را مستجاب و درخواستهای ما را عطا فرما؛ در تحت تو جهات آن وجود عزیز ما را به آمال و آرزوهایمان در دو جهان برسان و به ما بیش از خواسته‌ها و تمایلات مورد علاقه‌مان عنایت کن. ای کسی که همگان دست نیاز به سوی او دراز می‌کنند و ای کسی که خوان احسان و سفره عطایت از همه گسترده‌تر است! به برکت امام عصر [روحی له الفداء] دردهای باطن و امراض درونی ما را با پیام جهانی آن حضرت شفا مرحمت فرما و حق را علی رغم تمام اختلافات، به ما شناسانده، ما را به سوی آن رهبری کن چه آنکه تو هرکس را که بخواهی به راه راست هدایت می‌فرمایی. خداوندا! در سایه امام زمان، ما را بر دشمنان خود و ما پیروزی عنایت کن. بار خدایا! این دعا را به کرم خود مستجاب فرما.

بار خدایا! به درگاه با عظمت تو از نبودن پیامبران و غیبت امام عصر [عجل الله فرجه] و کمی جمعیت خودمان و کثرت دشمنان شکایت می‌بریم. همچنین از فتنه‌ها و مصایب و غلبه اهل زمان می‌نالیم. خداوندا! به روان پاک حبیب خود محمد و خاندان او درود فراوان فرست و در همه امور ما را یاری فرما. پادشاه مقتدر ولایت را مأمور به قیام فرموده، توفیق درک دوران حکومتش را با عافیت نصیب ما بگردان، ای مهربانترین مهربانان!

زیارت مبارکه آل یس

● یکی از زیاراتی که از ناحیه مقدّس امام عصر، روحی له الفداء، به افتخار محمّد حمیری در پاسخ مسایلی که از آن حضرت سؤال کرده بودند، رسیده است «زیارت آل یس» می باشد که علاقه مندان به حضرت بقیة الله فی الارضین، طبق دستور حضرتش در شداید و گرفتاریها آن را می خوانند و به آن حضرت توسّل می جویند و نتیجه آن قطعی است و آنچه نگارنده در ارتباط با این زیارت می توانم عرض کنم این است که این زیارت کلید سعادت دو جهان و گشاینده هر مشکل و رساننده هر مشتاقی به آرزوی دیرینه خود است.

سخن سر بسته گفتم با حریفان خدایا زین معما پرده بردار

اکنون با هم به سخنان حضرت ولی الله اعظم حجّة بن الحسن العسکری، روحی لتراب مقدمه الفداء، گوش فرا می دهیم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا لِأَمْرِهِ تَغْفَلُونَ وَلَا مِنْ أَوْلِيَانِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةً بِالْعَمَّةِ فَمَا تُغْنِي أَلْتُنْذَرُ
السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.
«سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسٍ»^۱.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدِيَانَ دِينِهِ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ.

به نام خداوند بخشاینده مهربان

اینان در امر خداوند تعقل (فکر) نمی‌کنند و از اولیای او هم نمی‌پذیرند. حکمتی رساست.^۱ سلام بر ما و بر بندگان صالح خداوند باد.

هرگاه خواستید به سوی خداوند تبارک و تعالی به وسیله ما توجه کنید و به سوی خود ما روی آورید، پس بگویید چنانچه خداوند بزرگ فرموده است:

«سلام و درود بر خاندان جلیل عصمت و طهارت [سلام الله علیهم اجمعین]»

سلام بر تو ای دعوت کننده به سوی خداوند و پرورش دهنده عالم وجود و

تکامل بخش همه موجودات، ای حجة بن الحسن!

سلام بر تو ای باب رحمت الهی و ای کسی که تنها راه ارتباط با خداوند و بندگی او

هستی و وصول به این هدف فقط در سایه لطف و راهنمایی تو عملی خواهد بود.

سلام بر تو ای حافظ و نگهبان دین خداوند متعال.

سلام بر تو ای جانشین خداوند در روی زمین.

● آری، خواننده گرامی! جانشین الهی کسی است که بتواند نماینده قدرت

بی‌نهایت وی در تمام ابعاد باشد و با اجازه خداوند تبارک و تعالی بتواند همه

نیازمندیهای جامعه را برآورده، جهان را در تمام شئون اداره کند.

۱. شاید اشاره به علت غیبت و مسأله ظهور باشد.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ إِرَادَتِهِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَ أَطْرَافِ نَهَارِكَ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَ وَكَّدَهُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَضْبُوبُ وَالْعُقُوثُ وَالرَّحْمَةُ

الْوَاسِعَةُ وَوَعْدًا غَيْرَ مَكْدُوبٍ.

سلام بر تو ای بزرگمردی که یاری کننده حق خداوند، یعنی نصرت بخش دین خدایی.
 سلام بر تو ای حجت خداوند و ای راهنمای همه مردم به آنچه او از بندگانش [چون
 اطاعت او امر و ترک نواهی] خواسته است.
 سلام ما بر تو ای مهدی! ای تلاوت کننده قرآن خداوند و ای بیان کننده حقایق و
 معرف حیات بخش آن.

● در زمان ظهور آن حضرت و در حکومت جهانی آن وجود مقدس، سلام الله علیه،

تمام حقایق و قوانین اسلام و قرآن در اختیار بشریت قرار خواهد گرفت.

سلام ما بر تو ای ولی عصر و امام زمان در تمام لحظات شب و روز.

● شبیه در تمام ساعات و دقائق شب و روزش باید به یاد امام عزیزش باشد و به او

سلام کند

سلام و درود بر تو، ای آخرین حجت و فرستاده خداوند که دیگر پس از وجود

عزیزت از طرف خداوند کسی به نام پیامبر و امام نخواهد آمد.

سلام بر تو ای فرمانروای جهان هستی که خداوند از همه بندگان در مورد حکومت و

امامت تو پیمان مؤکد گرفته است.^۱

سلام بر تو ای مصلح جهانی که خداوند به تو وعده و تضمین فرموده است که

سلطنت و حکومت عالمگیر شده، جهان پس از گسترده شدن ظلم و جور و ستم بر

سراسر گیتی، در سایه حکومت عدالت پرورت، مشحون و پُر از عدل گردد.

● آری، خواننده ارجمند! خداوند تبارک و تعالی بدون شک به وعده اش وفا خواهد

کرد و تضمین او قطعی است و صد در صد عملی خواهد شد.

سلام بر تو ای پرچم افراشته عدل الهی و حکمت موهوب حق و پناه خلق و

رحمت بی نهایت خداوند تبارک و تعالی بر همه جهانیان و این وعده ای است که قطعاً

عملی خواهد شد و هرگز در آن خلافی نیست.

● آری، هنوز وقت اهتزاز و افراشته شدن آن پرچم به دست توانایش نرسیده است.

۱. شاید اشاره به عالم دَر و آن جهانی که خداوند برای فرستادگانش پیمان گرفته است، باشد.

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّيَ وَ تَقْنُتُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَزْكَعُ وَ تَسْجُدُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَ تُكَبِّرُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَ تَسْتَغْفِرُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَ تُنْسِي.

السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَقْدَمُ الْمَأْمُولُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ.

أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ

مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَ أَهْلُهُ وَ أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ

عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ وَ الْحَسَنَ حُجَّتُهُ وَ الْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ وَ عَلِيَّ بْنَ

سلام بر تو ای بر پادارنده حَقِّ آنگاه که بدین منظور قیام کنی [و یا در همه حالاتی که ب پا خاسته‌ای].

سلام بر تو هنگامی که می‌نشینی.

سلام بر تو زمانی که به تلاوت و قرائت کتاب خدا و تفسیر و بیان حقایق آن [چه در زمان غیبت و چه هنگام ظهور] مشغولی.

سلام بر تو در آن هنگام که در نماز و قنوت و نیایشی.

سلام بر تو - ای امام عصر! - هنگامی که خداوند را به یگانگی یاد می‌کنی و کلمه مقدّس «لا اله الا الله» را بر زبان مبارکت جاری می‌فرمایی.

سلام بر تو [ای منجی بشریت!] زمانی که به حمد و ثنا و ستایش الهی و استغفار مشغولی.

سلام بر تو آنگاه که صبح و شام می‌کنی.

سلام بر تو در تمام ساعات و لحظات شب و روز.

● به راستی که، همه وقت بر تو سلام و درود باد؛ درود فراوان و خالی از هرگونه شک

وریا.

سلام و درود ما بر تو [ای امام آسمانی و عزیز ما!] که در پناه قدرت بی‌نهایت خداوند محفوظ خواهی بود.

سلام بر تو ای کسی که مقدّم بر تمام عالم و برتر از همه آرزوهایی.

سلام همه جانبه ما بر تو ای حجت منتظر!

ای مولای من! شاهد باش که من گواهی می‌دهم به خدای یکتا و اینکه خداوندی جز او نیست و برای او شریکی وجود ندارد. و شهادت می‌دهم که وجود مقدّس رسول اکرم [ﷺ] بنده و رسول و فرستاده اوست و اینکه تنها او و خاندانش دوست و محبوب خداوند [تبارک و تعالی] هستند. و گواهی می‌دهم که وجود مقدّس حضرت امیرالمؤمنین، حجت و نماینده خداوند است بر روی زمین و پس از آن حضرت، فرزندان حضرت امام حسن علیه السلام و نیز حضرت امام حسین علیه السلام و پس از آن حضرت،

الْحُسَيْنِ حُبَّتُهُ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُبَّتُهُ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُبَّتُهُ وَمُوسَى
 بْنَ جَعْفَرٍ حُبَّتُهُ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُبَّتُهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُبَّتُهُ وَعَلِيَّ
 بْنَ مُحَمَّدٍ حُبَّتُهُ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُبَّتُهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُبَّتُهُ اللَّهُ.
 أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَأَنْ رَجَعْتَكُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا
 إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا. وَأَنَّ الْمَوْتَ
 حَقٌّ، وَأَنَّ نَاكِرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ، وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَأَنَّ
 الصِّرَاطَ حَقٌّ، وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ، وَالْمِيزَانَ حَقٌّ، وَالْحَشْرَ حَقٌّ، وَالْحِسَابَ
 حَقٌّ، وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ، وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ.

فرزندش حضرت علی بن الحسین علیه السلام و پس از آن حضرت، فرزندش حضرت محمد بن علی علیه السلام و پس از آن حضرت، فرزندش حضرت صادق علیه السلام و بعد از آن حضرت، فرزند عزیزش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و پس از آن بزرگوار، فرزند گرامی وی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام و بعد از آن حضرت فرزند عزیزش حضرت جواد علیه السلام و بعد از آن امام عزیز، فرزندش حضرت هادی علیه السلام و پس از آن سرور، فرزندش حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و پس از آن سرور، وجود عزیزت، تنها حجت و سفیر خداوند متعال در روی زمین هستید.

● شما از نظر آفرینش بر همه مقدم هستید. خداوند بزرگ ارواح طیبه و بدنهای طاهره شما را قبل از هر موجودی آفریده است و آخرین کسی هم از بندگان خاص و فرستادگان خدا که از این جهان می رود، شماست.

و گواهی می دهم که رجعت و بازگشت شما خاندان عصمت و طهارت [سلام الله علیهم اجمعین] متعاقب امر فرج و ظهور شما حق است و جای هیچ گونه تردید و شک نیست؛ آن هم در روزی که اگر کسی قبلاً ایمان نیاورده باشد، دیگر در آن روز ایمان وی نفعی برایش نخواهد داشت.^۱ و گواهی می دهم که روز قیامت و برانگیخته شدن مردگان و حضور در صحرای قیامت برای رسیدگی به اعمال همگان و آنچه که مردم در دنیا انجام داده اند، حق است. و گواهی می دهم که صراط و عبور از آن و نیز میزان در قیامت برای سنجش اعمال مردم حق است. و شهادت می دهم که بهشت و نعمتهای آن و جهنم و عذابهایی آن، همگی حق است [و نیکوکاران به بهشت و بدکاران به دوزخ خواهند رفت].

● یکی از معتقدات بسیار مهم مذهبی ما موضوع مرگ و جهان پس از آن است. در عبارات فوق به پیشگاه مقدس حضرت بقیة الله، ارواحنا لثراب مقدمه الفداء، عرض می کنیم: ای ولی خدا! گواهی می دهم که مرگ حق است و آمدن دو مأمور الهی برای سؤال در قبور حق است و مسلماً چنین خواهد بود.

۱. رجعت از ضروریات مذهب شیعه است و از برکات وجود عزیز حضرت مهدی علیه السلام و روحی له الفداء این، ناچیز توفیق یافتم که کتابی در این مورد تألیف نمایم، که چاپ شده است. برای آشنایی بیشتر در موضوع رجعت از هر جهت و در تمام ابعاد آن، علاقه مندان می توانند به آن کتاب به نام «رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی علیه السلام» مراجعه فرمایند.

يَا مَوْلَايَ شَقِيٍّ مَنْ خَالَفَكَمْ وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ، فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا
 أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ وَ أَنَا وَلِيُّ لَكَ بَرِيءٌ مِنْ عَدُوِّكَ، فَالْحَقُّ مَا رَضِيْتُمُوهُ
 وَالْبَاطِلُ مَا أَسْخَطْتُمُوهُ وَ الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَ الْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ،
 فَنَفْسِي مُؤَمِّنَةٌ بِاللَّهِ وَ خَدَهُ لِأَشْرِيكَ لَهُ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ
 بِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلِيَّكُمْ وَ آخِرِكُمْ، وَ نُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ وَ مَوَدَّتِي خَالِصَةٌ
 لَكُمْ، آمِينَ، آمِينَ، آمِينَ^۱.

ای مولای من، ای صاحب الزمان! شقاوتمند و بدبخت کسی است که با شما مخالفت کند و سعادت‌مند آن فردی است که از شما فرمان ببرد. [ای مولای من!] آنچه شما را بر آن شاهد و گواه گرفتم، در نزد خداوند برای من گواهی بده. آری، من دوست شما هستم و از دشمنان شما بیزاری می‌جویم. [ای مولای من!] آنچه شما بدان راضی باشید، حق است و آنچه شما نپسندید، باطل، و معروف آن چیزی است که شما به آن امر کرده و منکر و ناپسند آن کاری است که شما آن را رد فرموده‌اید. پس من به خداوند یکتا و بی‌شریک و به جد شما رسول خدا [ﷺ] و به جد دیگران حضرت امیرالمؤمنین [علیه السلام] و به ائمه پس از آن حضرت تا وجود مقدس و عزیز شما ایمان و اعتقاد دارم. [ای مولای من و ای مهدی عزیز!] من خودم را برای اینکه در خدمت شما با دشمنانتان نبرد کنم، آماده می‌بینم و علاقه و محبت من مخصوص به شما خاندان رسالت است. خداوند! این سعادت را به من ارزانی فرما.

دعای بعد از زیارت آل یس

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةِ نُورِكَ، وَ
 أَنْ تَمَلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَصَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ وَفِكْرِي نُورَ النَّيِّاتِ وَ
 عَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَلِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ وَدِينِي نُورَ
 الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَبَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ وَسَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ وَمَوَدَّتِي
 نُورَ الْمَوَالَاتِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَتَّى الْفَاكِ وَكَذْ وَفَيْتُ
 بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ فَتُعَشِّتَنِي رَحْمَتِكَ يَا وَلِيَّيَ يَا حَمِيدُ.
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ

خداوند! از پیشگاه مقدّست استدعا می‌کنم که بر پیامبر رحمت و کلمه نور خود،
 محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) درود فرستی. [خدا یا! | خانه دل مرا از نور یقین و سینه‌ام را از نور ایمان
 انباشته فرما؛ فکر و اندیشه‌ام را به نور نیتهای خیر و عزم و اراده‌ام را به نور علم، روشن و
 منور گردان؛ قوت جسم و جانم را به نور عمل تقویت فرما؛ زبان مرا به نور راستی و دینم
 را به وسیله بصیرت و شناخت واقعی آن مساعدت کن؛ دیدگانم را با نور بصیرت، گوشم
 را به نور حکمت و قلبم را که خانه و مرکز محبّت تو است، محلّ تمرکز و جایگاه نور
 دوستی و محبّت محمد و آل محمد (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) قرار ده تا در حالی که به عهد و میثاق خویش
 وفا کرده باشم تو را ملاقات کنم و تو مرا غریق رحمت خود گردانی، ای مولایی که تمام
 صفات کمال در تو جمع است!

خداوند! بر محمد بن الحسن العسکری که حجّت و خلیفه و جانشین تو

وَالدَّاعِيَ إِلَى سَبِيلِكَ وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ وَالتَّائِبِ بِأَمْرِكَ، وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ
 وَبَوَارِ الْكَافِرِينَ وَ مُجَلِّي الظُّلْمَةِ وَ مُنِيرِ الْحَقِّ وَ التَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَ
 الصِّدْقِ وَ كَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ الْمُزْتَقِبِ الْخَائِفِ وَ الْوَلِيِّ التَّاصِحِ
 سَفِينَةَ النَّجَاةِ وَ عِلْمِ الْهُدَى وَ نُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى، وَ خَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ
 وَازْتَدَى، وَ مُجَلِّي الْعَمَى الَّذِي يَغْلَاهُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلْتُ
 ظُلْمًا وَ جَوْرًا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَايَكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَ أَوْجَبْتَ
 حَقَّهُمْ وَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا.
 اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَ انْتَصِرْ بِهِ لِديْنِكَ وَ انصُرْ بِهِ أَوْلِيَايَكَ وَ أَوْلِيَانَهُ وَ شِيعَتَهُ وَ
 انصَارَهُ وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ.

اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَ طَاغٍ وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ اخْفِظْهُ مِنْ
 بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنِ يَمِينِهِ وَ عَنِ شِمَالِهِ وَ اخْرُسْهُ وَ امْتِنِعْهُ مِنْ أَنْ
 يُوَصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَ اخْفِظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ، وَ اظْهَرْ بِهِ الْعَدَلَ
 وَ أَيْدَهُ بِالتَّضَرِّ وَ انصُرْ ناصِرِيهِ وَ اخذُلْ خاذِلِيهِ وَ اقْصِمْ قاصِمِيهِ وَ اقْصِمْ
 بِهِ جبابرةَ الْكُفْرِ وَ اقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ جَمِيعَ الْمُتَلَحِّدِينَ حَيْثُ

در زمین و همهٔ بلاد است درود فرست؛ بر او که مردم را به سوی تو و به شناخت تو دعوت می‌کند. او کسی است که به عدل و داد تو قیام کننده و مجری آن در سراسر عالم وجود است؛ کسی که بندگان را به سوی تو برمی‌انگیزد و دوست و سرپرست اهل ایمان و نابود کنندهٔ کفار و دشمنان تو است. درود و رحمت فرست بر او که جهان هستی را روشنی بخش و برطرف کنندهٔ جهل و کفر است؛ بر آن آقایی که آشکار کنندهٔ حق و بیان کنندهٔ حکمت و صداقت و کلمهٔ تامهٔ تو در زمین است (روح اعظم الهی در زمین)، که همان بندهٔ خاصی که مراقب فرمان تو و خائف و ترسناک است در مقابل عظمت کبریایی تو و نصیحت کنندهٔ بندگان تو و کشتی نجات و نمایندهٔ راه تو در جهان است؛ بر آن مولا و آقایی که بندگان را از کوری و تاریکی جهل و کفر نجات می‌دهد و همگان را با نور ایمان و ولایتش هدایت می‌فرماید؛ بر آن که بهترین کسی است که لباس انسانیت و هدایت و ارشاد به تن نموده است و کوردلان را بینا می‌کند؛ بر او که جهان را پس از فراگیر شدن ظلم و ستم، پُر از عدل و داد می‌کند. ای خدایی که بر همه چیز توانایی! دعاها را دربارۀ ولیّ عزیزت مستجاب فرما.

بار الها! بر نمایندهٔ توانای خود و آن کسی که به حقّ قیام می‌کند و فرزند اولیای خویش که اطاعتشان را بر بندگان واجب و لازم و حقّ آنان را بر همه فرض و ضروری ساختی، درود و رحمت فرست.

خداوند! مهدی عزیزت را یاری فرما و دین مقدّس اسلام را با قیامش نصرت عنایت کن و در سایهٔ وجود مقدّس امام عصر، دوستان و پیروان و شیعیانش را یاری فرما. [بار خدا یا!] ما را نیز از اولیای خود و شیعیان ولیّ گرامی و عزیزت قرار ده.

پروردگارا! حجّة بن الحسن [رَضِيَ اللهُ عَنْهُ] را از شرّ ستمگران و طاغیان زمان و از شرّ تمام مخلوقات که آفریده‌ای، در پناه خودت محفوظ بدار و وجود عزیزش را از تمام حوادث عالم و از طرف راست و چپ و جلو و پشت سر محافظت فرما. [خداوند!] وجود مصلح حقیقی عالم را از تمام گزندها و بدیها و ناگواریها، در پناه عنایت خاصّ و قدرت بی‌نهایت خود محفوظ و پاینده بدار. [بار خدا یا!] در سایهٔ قیام آن حضرت و حکومت

كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا، بَرَّهَا وَ بَحْرَهَا، وَ امْتَلَأَ بِهِ الْأَرْضَ
عَدْلًا وَ أَظْهَرَ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ
أَنْصَارِهِ وَ أَغْوَانِهِ وَ أَتْبَاعِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ أَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
مَا يَأْمُلُونَ وَ فِي عَدُوِّهِمْ مَا يَخْذَرُونَ. إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ
الْإِكْرَامِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۱.

کریمه اش، شخصیت حبیب خود محمد و خاندان عزیزش و تعلیمات با منزلت آنان را نگاهداری کن. [خداوند!] با بر پا ساختن حکومت حضرت مهدی در کرة زمین، عدل و داد را در سراسر گیتی ظاهر فرما؛ او را به نصرت خود مؤید دار؛ یاورانش را یاری و مخالفانش را خوار و ذلیل کن؛ دشمنانش و نیز ستمگران و جباران را خرد و نابود و منافقان را به وسیله شمشیر انتقام حضرتش و همچنین تمام ملحدان و دشمنان دین تو در هر کجا از شرق و غرب عالم و یا در دریا و صحرا هستند، هلاک فرما. [خداوند!] زمین را از برکات سلطنت عدالت پرورش پُر از عدل و داد کن و دین و آیین حبیب محمد (اسلام و قوانین حیات بخش آن) - که درود خدا بر او و خاندانش باد - ظاهر و بر تمام جهان وجود حاکم فرما. [خدایا!] به لطف و کرمت مرا از یازان و انصار و از شیعیان و متابعت کنندگان آن حضرت قرار ده و آنچه را که رسول اکرم ﷺ و خاندان عزیزش آرزوی دیدن آن را دارند (حکومت جهانی حضرت مهدی، ارواحنا له الفداء) و آنچه را که دشمنانشان از آن می ترسند (حکومت جهانی حضرت مهدی، ارواحنا له الفداء) به من بنما تا با چشم خود آن را بینم و دلم شفا یابد. ای پروردگار مهربان! دعایم را مستجاب کن و مرا به آرزوی دیرین خود برسان ای خدای حق، ای صاحب قدرت و جلال و بزرگواری و ای از همه مهربانتر!

دعای در زمان غیبت امام عصر

روحی له الفداء و عجل الله فرجه

● اگر چه به گفته سید بن طاووس، اعلی الله مقامه، و دیگر بزرگان، این دعا از جناب عثمان بن سعید، نخستین نایب حضرت بقیة الله، ارواحنا له الفداء، نقل شده است و نیز اگر چه تصریح نفرموده‌اند که از زبان مبارک امام عصر، روحی له الفداء، می باشد، ولی به طور قطع می توان ادعا کرد که متن و محتوای این دعا به امضای آن حضرت رسیده است، و حتی بالاتر با توجه به عبارات و مضامین آن و نیز تأکیدی که در مورد خواندن آن شده است، می توان گفت که این دعا از خود آن حضرت است.

آنچه در بیان شرح این دعا باید گفت این است که این دعای مبارک جامع نیازهای مادی و معنوی و موجب تحکیم عقاید مذهبی شیعیان به ویژه درباره مسأله غیبت و به طول انجامیدن آن است.

اینک به خواست خداوند تبارک و تعالی و عنایات کریمانه حضرت بقیة الله، عجل الله تعالی فرجه الشریف، همراه با خوانندگان گرامی این فرمان و مضامین عالیله آن را مرور می کنیم:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ.

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ.

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.

اللَّهُمَّ لَا تُمِشْنِي مِشَّةً جَاهِلِيَّةً [وَلَا تُرِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي].

اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي بِوِلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ عَلَى طَاعَتِهِ مِنْ وِلَايَةِ وُلَاةٍ وَأَمْرِكَ
بَعْدَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى وَالَيْتُ وُلَاةَ أَمْرِكَ
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَ
جَعْفَرًا وَمُوسَى وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ
الْمَهْدِيَّ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

اللَّهُمَّ فَتَبِّئْنِي عَلَى دِينِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَارْتَبِئْنِي لِقَلْبِي لِوَلِيِّ أَمْرِكَ
وَ عَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ. وَ تَبِّئْنِي عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ الَّذِي

خداوندا! خودت را به من بشناسان؛ چه آنکه اگر خودت را به من نشناسانی، پیامبرت را نیز نخواهم شناخت.

پروردگارا! پیامبرت را به من بشناسان؛ زیرا اگر پیامبرت را به من نشناسانی، حجت تو را نیز نخواهم شناخت.

بار خدایا! حجت و نمایندگات را در روی زمین به من بشناسان؛ چه آنکه اگر او را شناسم [قطعاً و بدون شک] گرفتار گمراهی و سرگردانی می‌شوم. (یعنی لازمه حتمی آن این است که راه سعادت را گم کرده، دین و احکام آن را از نااهل بگیریم و سرانجام در وادی هلاکت سرگردان شده، سقوط نمایم).

بارالها! مرا به مردن جاهلیت (حالت کفر) نمران.

● خواننده گرامی! در اهمیت این دعا همین بس که خداشناسی در گرو شناخت امام عصر علیه السلام است.

امامت و ولایت و حکومت ائمه دوازده گانه، سلام الله علیهم اجمعین، بدون تردید از طرف خداوند عالم به پیامبر بزرگش ابلاغ و برنامه کار آنان نیز از طرف آفریننده جهان معین شده است.^۱

بار خدایا! به وسیله پیامبرت مرا به ذوات مقدسه ائمه معصومین، سلام الله علیهم اجمعین، هدایت فرمودی، که آنها را واجب‌الاطاعه یافتم و دانستم که پس از حبیب تو محمد صلی الله علیه و آله و سلم از دوازده تن به نامهای امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، حسن بن علی علیه السلام، حسین بن علی علیه السلام، علی بن الحسین علیه السلام، محمد بن علی علیه السلام، جعفر بن محمد علیه السلام، موسی بن جعفر علیه السلام، علی بن موسی علیه السلام، محمد بن علی علیه السلام، علی بن محمد علیه السلام، حسن بن علی علیه السلام، و الحجة القائم المهدی، صلوات الله علیهم اجمعین، اطاعت و پیروی نمایم. خداوندا! در مقابل این لطف بزرگ، مرا در رعایت دستورات دین و عمل به وظایف موقوف گردان و خانه دل و قلبم را که در حقیقت فرمانده تن است در

۱. در این مورد در کتابهای «یاد مهدی علیه السلام» و «جهان بعد از ظهور یا فروغ بی‌نهایت» از همین قلم، به تفصیل صحبت شده است و طالبان می‌توانند به کتابهای مزبور مراجعه فرمایند.

سَتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ وَ بِإِذْنِكَ غَابَ عَنْ بَرِيَّتِكَ وَ أَمْرِكَ يَنْتَظِرُ وَ أَنْتَ
 الْعَالِمُ غَيْرُ الْمُعَلَّمِ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ أَمْرٍ وَ لِيَّتِكَ فِي الْإِذْنِ لَهُ
 بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَ كَشْفِ سِرِّهِ، فَصَبِّرْ نِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أُجِبَّ تَعْجِيلَ مَا
 أَحَزْتِ وَ لَا تُأَخِّرِي مَا عَجَلْتِ وَ لَا كَشِفْ مَا سَتَرْتِ وَ لَا أَبْهَثْ عَمَّا كَتَمْتِ وَ
 لَا أَنْزِعِي عَنِّي تَذْيِيرِكَ. وَ لَا أَقُولُ «لِمَ» وَ «كَيْفَ» وَ مَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لَا
 يَظْهَرُ وَ قَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ وَ أَقْوَضُ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَلْكَ أَنْ تُرِيَنِي وَلِيِّ أَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذًا الْأَمْرَ مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ

برابر ولیّ عزیز خود [حضرت صاحب الزّمان علیه السلام] مطیع و فرمانبردار قرار ده و در این آزمایش همگانی مرا پیروز و موفق فرما. [پروردگارا!] مرا در برابر اوامر ولیّ عزیزت، حضرت بقیّة الله، روحی له الفداء، موفق و ثابت قدم بدار؛ در انجام فرمان مولایی که از نظرها پنهان و به فرمان ذات پاک تو از بندگانت مستور مانده و در همه حال منتظر فرمان تو است. [بار خدایا!] تو می دانی که چه موقع صلاح است ولیّ محبوبیت از پس پرده غیبت برون آمده، کار جهان را اصلاح کند؛ پس به بنده ناتوانت نیروی صبر و بردباری عنایت فرما تا در برابر خواسته تو در مورد تعجیل و تأخیر در امر ظهور حضرت حجّة بن الحسن، روحی له الفداء، راضی باشم و آنچه را که تو پنهان داشته‌ای، فاش نسازم و در تدبیر و اداره جهان خلقت با تو که پروردگار توانا و دانا و حکیم و آگاه به تمام مصالح و مفاسد امور هستی، منازعه نکنم و مثلاً نگویم، چرا امام عصر علیه السلام از نظرها پنهان است و یا چرا نمی آید و برای چه غیبت او این اندازه طول کشیده است و در حالی که دنیا پُر از ظلم و جور شده است چرا او ظهور و قیام نمی کند، بلکه همه امورم را به تو واگذار کنم و از پیشگاه مقدّس تو کمک بخواهم. (آری، معنای بندگی و پیمودن راه کمال همین است.)

● همان گونه که بسیار دعا کردن برای تعجیل در امر فرج یک وظیفه صد در صد مسلم می باشد، همان طور هم راضی و تسلیم بودن در مقابل اراده پروردگار وظیفه است و هیچ منافاتی بین این دو وظیفه نیست و انسان در عین زیاد دعا کردن، باید تسلیم و راضی هم باشد.

در جملات قبلی دعا نهایت درجه تسلیم و خضوع و بندگی در مقابل اراده خداوند عرضه شد و اینک در مسأله غیبت ما چون و چرایی نخواهیم داشت و به تمام معنی بنده هستیم و چون اولاً دعا مورد امر و مأمور به است و ثانیاً متعلّق این دعا مطلوب خداوند عالم است، لذا در این بخش به این زبان دعا را شروع می کنیم:

پروردگارا! از پیشگاه مقدّس تو استدعا دارم که جمال پر فروغ ولیّ عزیزت را به من بنمایی (البته در زمان ظهورش)، در حالی که امر او ظاهر و قدرتش ملک و ملکوت را در اختیار و جهان، تحت سیطره و اوامر او قرار گرفته باشد. با اینکه می دانم حکومت و

لَكَ السُّلْطَانَ وَالْقُدْرَةَ وَالْبِرْهَانَ وَالْحُجَّةَ وَالْمَشِيئَةَ وَالْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ،
فَأَفْعَلْ ذَلِكَ بِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ حَتَّى تَنْظُرَ إِلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ
ظَاهِرًا أَلْمَقَالَةَ، وَاضِحَ الدَّلَالَةَ، هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ شَافِيًا مِنَ الْجَهَالَةِ،
أَبْرُزُ يَا رَبِّ مُشَاهَدَتَهُ وَتَبَيُّثَ قَوَاعِدِهِ وَاجْعَلْنَا مَعَنَ تَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَيْهِ وَ
أَقِنْنَا بِخِدْمَتِهِ وَتَوَقَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَاحْشُرْنَا فِي رُؤْمَرَتِهِ.

اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَذَرَأْتَ وَبَرَأْتَ وَاتَّشَأْتَ وَصَوَّرْتَ
وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَ
مِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يُضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ
وَصِيَّ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ.

اللَّهُمَّ وَ مَدِّ فِي عُمُرِهِ وَ زِدْ فِي أَجَلِهِ وَأَعِنُّهُ عَلَى مَا وَاوَلَيْتَهُ وَ اسْتَرْعَيْتَهُ وَ
زِدْ فِي كَرَامَتِكَ لَهُ فَإِنَّهُ الْهَادِي الْمَهْدِي وَالْقَائِمُ الْمَهْتَدِي وَالطَّاهِرُ النَّقِيُّ
الرَّكِي النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ الصَّابِرُ الشَّكُورُ الْمُجْتَهِدُ.

سلطنت واقعی عالم از آن تو است و همه قدرتها از قدرت بی‌نهایت تو سرچشمه می‌گیرد، در عین حال از پیشگاه مقدّست تمنا دارم که چهره دل‌آزای ولیّ عزیزت را در حالی که منطق‌گویای او و پرچم‌هدایت و مشعل‌های فروزان علمی حضرتش جهان را از جهل و نادانی و گمراهی نجات داده است، به من بنمایانی. [خداوند!] در دولت کریمه آن حضرت ما را از کسائی که با دیدن جمال نورانی وی چشمشان روشن می‌شود، قرار ده و حکومتش را مایه آرامش و آسایش ما گردان، نه اینکه از افرادی باشیم که در دولت او ترسناک و هراسان باشیم. [پروردگارا!] پایه‌های حکومتش را ثابت بدار و توفیق خدمتگزاری به آن حضرت را در حکومت جهانی وی به ما عنایت فرما و ما را بر دین و آیین آن بزرگوار و پدران گرامی او بمیران و در روز قیامت با آن حضرت و پیروانش، محشورمان فرما.

بار خدایا! تو آن عزیز غایب از نظر را از شرّ تمام مخلوقات و موجوداتی که آفریده‌ای در پناه خودت محافظت بفرما. وجود مبارکش را از هر جهت (راست و چپ، جلو و پشت سر) محفوظ داشته، هر گونه بلایی را از آن امام محبوب دور گردان. شخصیت رسول گرامی و خاندان و جانشینان عزیز و مکتب متّرقی و اسلام حیات بخش آنان را در سایه قیام شکوهمندش پابرجا و مستقرّ ساز.

پروردگارا! عمر با برکت وجود مقدّس حضرت بقیّه الله، روحنا له الفداء، را طولانی فرما و دوران حکومتش را فزونی بخش. در حکومتی که به او واگذار فرموده‌ای، کمک و یاری‌اش نما و سلطنتش را عالمگیر کن و بر کرامتهایت نسبت به آن حضرت بیفز؛ چه آنکه او تنها کسی است که باید بندگان را هدایت کند و اوست مهدی موعود و کسی که باید با قیام خود، عدل و داد تو را در میان مخلوقات مستقرّ فرماید. و اوست گوهر تابناک تقوی و ولایت و مبرّاز پلیدی و نقص که در مقام رضا و تسلیم در مقابل تو در نهایت درجه کمال است (راضی به رضای تو است) و پسندیده خدا و خلق و در مصایب صبور و بردبار و در مقابل نعمتهای تو بسیار شاکر و سپاسگزار. [خداوند!] مهدی منتظر، تنها مجاهد راه رضای تو و پیاده کردن احکام و قوانین دین مقدّس اسلام در همه ابعادش می‌باشد.

اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ بِطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ وَانْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ وَالْإِيمَانَ بِهِ وَقُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ وَالِدُّعَاءَ لَهُ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا يُقَطَّنَا طَوْلُ غَيْبَتِهِ مِنْ قِيَامِهِ وَ يَكُونَ يَقِينًا فِي ذَلِكَ كَيْفِينَا فِي قِيَامِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ مَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَ تَنْزِيلِكَ.

فَقَوَّ قُلُوبَنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ حَتَّى تَسْلُكَ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ [مِنْهَاجِ الْهُدَى] وَالْمَحَبَّةِ الْعَظْمَى وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى وَ قَوَّنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَ تَبَيَّنَّا عَلَى مَتَابَعَتِهِ وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ وَ الرَّاظِينَ بِفِعْلِهِ وَ لَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا وَ لَا عِنْدَ وَفَاتِنَا حَتَّى تَتَوَقَّأْنَا وَ نَحْنُ عَلَى ذَلِكَ لَا شَاكِينَ وَ لَا نَاكِثِينَ وَ لَا مُزْتَابِينَ وَ لَا مُكْذِبِينَ.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ أَيْدِهِ بِالنَّصْرِ وَ انصُرْ نَاصِرِيهِ وَ اخذُلْ خَاذِلِيهِ وَ دَمِدْمِدْ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَ كَذَّبَ بِهِ وَ أَظْهَرَ بِهِ الْحَقَّ وَ أَمِثَ بِهِ الْجَوْرَ وَ اسْتَشْفِذْ

بار خدایا! به سبب طول مدّت غیبت حضرت مهدی، روحی له الفداء، و خبر نداشتن از آن حضرت، یقین ما به وجود عزیز او و انتظار ظهورش و یاد او و ایمان به امامت و زنده بودنش را از ما سلب نفرما و نیز توفیق دعا کردن جهت تعجیل در امر ظهور آن سرور و درود و صلوات فرستادن بر آن عزیز را از ما مگیر و پیوسته ما را در دعا کردن بسیار برای تعجیل در امر ظهورش بیش از پیش موفق بدار (اَكْثُرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفُرْجِ)، تا اینکه طولانی بودن زمان غیبت، یقین ما را به امام غایب ضعیف نکند و بدان گونه که به قیام حضرت رسول اکرم ﷺ و وحی به حضرتش با اینکه آن حضرت را ندیده‌ایم، اعتقاد و باور داریم، نسبت به حضرت امام زمان عجل الله فرجه نیز همان گونه معتقد بوده و یقین داشته باشیم.

● خواننده گرامی! چون اعتقاد به وجود امام غایب عجل الله فرجه و روحی له الفداء، موضوعی سنگین و تحمّل آن طاقت فرساست، لذا برای رسیدن به این موقعیت عظیم از پیشگاه مقدّس خداوند تقاضای کمک می‌نماییم؛ چه آنکه اگر عنایت خداوند نباشد با وجود این همه تبلیغات زهرآگین، رسیدن به مقصد مشکل بلکه محال است. بنابراین عرض می‌کنیم:

[بار خدایا!] دل‌های ما را در ایمان به وجود عزیز حضرت بقیّة الله، روحی له الفداء، تقویت فرما تا نور ایمان به آن حضرت بر دل‌های ما حکومت کند و به وسیله آن بزرگوار راه سعادت را دنبال نماییم و در طریق مستقیم هدایت گام برداریم. ما را در اطاعت و فرمانبرداری از او و همچنین در پیروی از حضرتش یاری فرما و ما را از اعوان و انصارش قرار ده. به ما بینش و بصیرتی عنایت کن که به تمام برنامه‌های عملی آن سرور راضی باشیم و هیچگاه اجازه اعتراض به خود ندهیم. چنان ایمانی نسبت به امام عصر عجل الله فرجه به ما مرحمت فرما که در تمام ابعاد زندگی و دوران حیات و هنگام مرگ با ما باشد و کوچکترین شک و تردیدی به خود راه نداده، تزلزل عقیده پیدا نکنیم و از جمله تکذیب کنندگان آن حضرت نباشیم.

پروردگارا! در امر فرج و ظهورش تعجیل و حکومتش را با نصرت خود یاری فرما. یاوران و خدمتگزاران حضرتش را یاری و مخالفانش را ذلیل و منکوب گردان. آنان را که

بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الدُّلَىٰ وَ انْعَشَ بِهِ الْبِلَادَ وَاقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ
 وَاقْصِمْ بِهِ رُؤُسَ الضَّلَالَةِ وَ ذَلَّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ وَ الْكَافِرِينَ وَ اَبْرِ بِهِ
 الْمُنَافِقِينَ وَ النَّاكِثِينَ وَ جَمِيعَ الْمُخَالِفِينَ وَ الْمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ
 وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَاراً وَ لَا
 تُبْقِي لَهُمْ آثَاراً، طَهَّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَ اشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ. وَ جَدِّدْ
 بِهِ مَا امْتَحَنَ مِنْ دِينِكَ وَ اصْلِحْ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ وَ غَيِّرْ مِنْ
 سُنَّتِكَ حَتَّى يَتَعَوَّدَ دِينُكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ غَضاً جَدِيداً صَاحِحاً لَا عِوَجَ
 فِيهِ وَ لَا بِدْعَةَ مَعَهُ حَتَّى تُطْفِئَ بِعَذْلِهِ نِيرَانَ الْكَافِرِينَ فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي
 اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ اَزْتَضَيْتَهُ لِنَصْرِ دِينِكَ وَ اضْطَفَيْتَهُ بِعَلْمِكَ وَ
 عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ بَرَأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَ اَطْلَقْتَهُ عَلَى الْعُيُوبِ وَ اتَعَمَّتْ
 عَلَيْهِ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَ تَقَيَّتَهُ مِنَ الدَّنَسِ.

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ وَ عَلَى شِعْبَتِهِ الْمُتَشَجِّجِينَ
 وَ بَلِّغْهُمْ مِنْ آمَالِهِمْ مَا يَأْمَلُونَ وَ اجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصاً مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَ
 شُبُهَةٍ وَ رِيَاءٍ وَ سُمْعَةٍ حَتَّى لَا نُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ وَ لَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ.

در مقام تکذیب و دشمنی با او بپا خیزند، نابود ساز و دین سراسر حقّ و عزیز اسلام را به دست قدرتمندش در همهٔ آفاق ظاهر گردان و جور و ستم را به دست با کفایتش نابود کن. بندگان ذلیل و خوار شده‌ات را در دولت کریمه و در سایهٔ قدرت آن حضرت عزیز گردان و شهرها و قصبات را در حکومت عدالت پرورش [با زیاد شدن نعمتها و برکات مادی و معنوی در دولت آن حضرت] آباد کن. با شمشیر برنده‌اش، گردنکشان و ستمگران را نابود ساز و به وسیلهٔ قدرت او زمامداران جهان را در هم شکن و کفّار را هلاک فرما. منافقان و پیمان شکنان و ملحدان و دشمنان و بی‌دینان را در هر کجاکه هستند [در شرق و غرب، در دریاها و صحراها، در کوهها و بیابانها] به دست پر قدرتش از میان بردار و زمین را از وجود آنان پاک و پاکیزه گردان و سینه‌های پر از غم و غصه بندگان را با نابودی آنان شفاء مرحمت فرما. احکام و قوانین اسلام را که در زمان غیبت از بین رفته و یا تحریف و دچار نابسامانی شده است، به دست نیرومندش به حالت اولیه بازگردان و در مسیر اصلی خود قرار ده. آنچه را که از احکام قرآن و سنتهای خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله به صورتی دیگر مبذل شده است، زنده کن تا دیگر انحراف و بدعتی در آن دیده نشود. آتش کفر و ستمی را که دشمنان افروخته‌اند، به وسیلهٔ نور عدالتش خاموش گردان، چه آنکه حضرت بقیة الله صلی الله علیه و آله تنها کسی است که او را برای خود و احیای دین خود برگزیده‌ای و حضرتش را حامل علوم خود قرار داده و از گناهان و پلیدیها پاک نموده و بر اسرار عالم غیب آگاه فرموده و وجود عزیزش را از ناپاکی شرک و پلیدیهای جاهلیت مبرا ساخته‌ای. خداوند! بر حضرت مهدی، روحی له الفداء، و آباء گرامی وی صلی الله علیه و آله که همهٔ آنها از طرف تو برانگیخته شدند و ذوات مقدسهٔ آنها مشعلهای فروزان و گوهرهای تابناکی بودند که برای هدایت بندگان فرستاده شدند، درود فرست. همچنین بر شیعیان آنها درود فرست و آرزوهای آنان را برآورده فرما. و این عرض ارادت ما را نسبت به ائمهٔ معصومین و شیعیان ایشان، از هر گونه ریا و شکّ و خودنمایی به دور دار و آن را فقط برای رضا و تقربّ به پیشگاه مقدّس خودت قرار ده.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُوا إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا وَ غَيَّبْتَهُ إِمَامِنَا وَ شِدَّةَ الرِّمَانِ عَلَيْنَا وَ
 وَ قُرْعَ الْفِتَنِ بِنَا وَ تَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا. اللَّهُمَّ
 فَافْرَجْ ذَلِكَ عَنَّا بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَ تَضْرِبُ مِنْكَ شِعْرَهُ وَ إِمَامٍ عَدْلٍ
 تُظَهِّرُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْئَلُكَ أَنْ تَأْذَنَ لِرَوْلِيِّكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ وَ قَتْلِ
 أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ حَتَّى لَا تَدْعَ لِلْجَوْرِ دَعَامَةً إِلَّا قَضَمْتَهَا وَ لَا بَقِيَّةَ إِلَّا
 أَفْتِنَتَهَا وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا أَوْهَنْتَهَا وَ لَا رُكْنَاً إِلَّا هَدَمْتَهُ وَ لَا حَدّاً إِلَّا فَلَكَتَهُ وَ لَا
 سِلَاحاً إِلَّا أَكَلْتَهُ وَ لَا رَايَةً إِلَّا نَكَّسْتَهَا وَ لَا شُجَاعاً إِلَّا قَتَلْتَهُ وَ لَا جَبِيئاً إِلَّا
 خَذَلْتَهُ. وَ أَزِيمِهِمْ يَا رَبِّ بِخَجْرِكَ الدَّامِغِ وَ اضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ وَ
 بِأَسِيكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ وَ عَذِّبْ أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءَ
 وَ لِيِّكَ وَ أَعْدَاءَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِسَيْدِ وَ لِيِّكَ وَ أَيْدِي
 عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ.

پروردگارا! از فقدان پیامبرت [محمد ﷺ] و غیبت ولیّ عزیزت و سختیهای دوران و فتنه‌های ناشی از غیبت مهدی موعود و مجهّز بودن دشمنان با جمعیت زیاد و کمی عدّه و ناتوانی خود، به تو شکایت می‌بریم و از درگاه با عظمت تو می‌خواهیم که ما را یاری فرموده، بر دشمنان پیروزمان نمایی و امام عادل و پیشوای ما را مأمور به قیام فرمایی.

پروردگارا! از پیشگاه مقدّست درخواست می‌کنیم که فرمان قیام ولیّ محبوب خود را برای برقراری عدل و داد در سراسر گیتی صادر فرمایی و به دست توانای او دشمنانت را نابود کنی، بدان گونه که در تمام جهان، نیرویی برای کفّار و ستمگران نماند و پایگاه آنان در هم شکسته و صولت و شوکت آنها در هم کوبیده شود و تمام وسایل و تجهیزات نظامی آنها را بی‌اثر و عاقل و باطل قرار دهی.

[خداوند!] دشمنان خود و دشمنان ولیّ عزیزت را به سنگهای قهر و عذاب و شمشیر تیز انتقامت و عقاب بنیانکن و به دست توانای امام عصر ﷺ و بندگان مؤمن خود از بین برده، صفحه گیتی را از لوث و جود آنان پاک فرما.

● خواننده محترم! معلوم می‌شود که در ساعات قبل از ظهور حضرت بقیّة الله، عجل الله فرجه الشریف، به امر خداوند عالم کلیه سلاحها و تجهیزات نظامی دشمنان از بین رفته و تأثیر آنها زایل خواهد شد، همان گونه که خداوند بزرگ در مورد حضرت ابراهیم ﷺ تأثیر سوزندگی را از آتش گرفت و وادی پر از آتش را به گلستان تبدیل کرد. و نیز در مورد هلاکت فرعون و سپاهیانش. بنابراین، با توجه به اینکه حضرت بقیّة الله، ارواحنا له الفداء، به امر الهی برای نابودی کفر و شرک و ستم قیام می‌فرمایند و مانعی ندارد که خداوند بزرگ در شب اول ظهور، فرمانی صادر فرموده، طیّ آن از تمام سلاحهای دشمنان، اعمّ از سلاحهای اتمی و غیره، تأثیر آنها را بگیرد. و او بر همه چیز تواناست (لَنْ يَكُنَّ عَلَيْهِ كَيْفٌ شَيْءٌ قَدِيرٌ)^۱. آری، خداوند بزرگ تمام سلاحها و همه سپاهیان و جنگجویان دشمن را از بین خواهد برد.

اللَّهُمَّ اكْفِ وَلِيِّكَ وَحُبَّتِكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَكَيْدَ مَنْ أَرَادَهُ
وَأَمَكُزْ بِعَمَلِ مَكْرَهُ بِهِ وَاجْعَلْ دَائِرَةَ الشُّؤْمِ عَلَى مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءاً وَأَقْطَعْ
عَنْهُ مَا دَتَّهُمْ وَشَدِّدْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ وَاخْزِهِمْ فِي عِبَادِكَ وَالْعَنُتَهُمْ فِي
بِلَادِكَ وَاسْكِنَهُمْ أَسْفَلَ نَارِكَ وَاحْطُ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ وَأَضْلِهِمْ نَاراً وَ
أَخْسِ قَبُورَ مَوْتَاهُمْ نَاراً وَأَضْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ.

اللَّهُمَّ وَ أَخِي بِرِوَايِكَ الْقُرْآنَ وَ أَرِنَانُورَهُ سَرْمَداً لَا لَيْلَ فِيهِ وَ أَخِي بِهِ
الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ وَاشْفِ بِهِ صُدُورَ الْوَعْرَةِ وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى
الْحَقِّ وَ أَقِمْ بِهِ الْخُدُودَ الْمُعْطَلَةَ وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا
ظَهَرَ وَ لَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ وَاجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَابِهِ وَ مُقَوِّيَةِ سُلْطَانِهِ
وَ الْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ وَ الرَّاظِينَ بِفِعْلِهِ وَ الْمُسْلِمِينَ لِأَحْكَامِهِ وَ مِمَّنْ لَا
حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ.

وَ أَنْتَ يَا رَبَّ الَّذِي تَكْشِفُ الضُّرَّ وَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ وَ تَنْجِي
مِنَ الْكُذْبِ الْعَظِيمِ فَانْكَشِفِ الضُّرَّ عَنِّي وَ لِيَّكَ وَاجْعَلْهُ خَلِيفَةً فِي أَرْضِكَ
كَمَا ضَمِنْتَ لَهُ.

خداوند! ولی عزیزت را از شرّ کید و مکر دشمنانش در پناه خودت محفوظ دار و آنان که درباره او مکر می‌کنند و نیت بد دارند، مکرشان را به خودشان برگردان و به انواع بدیها گرفتارشان نما و ریشه شرّ آنها را از وجود مقدّس امام زمان علیه السلام قطع کن و دلهای آنان را از رعب و ترس از حجت خود انباشته فرما. دشمنان آن حضرت را همه جا در کام قهر و انتقام و لعن و نفرین خود بگیر و در پست‌ترین جای جهنّم مسکن ده و در کام آتش عذابت فرو ببر. قبرهای مردگان آنها را پر از آتش غضب فرموده و خودشان را نیز به آتش بسوزان؛ چه آنکه آنها مردمی هستند که نماز را ضایع ساختند و از شهوات نفسانی پیروی کردند و بندگان را گمراه و شهرها را ویران نمودند.

پروردگارا! با قیام آخرین نماینده و جانشین خود، قرآن را بار دیگر زنده کن و ما را به زیارت نور جمال مهدی موعود که هرگز تاریکی نمی‌پذیرد و همیشه می‌درخشد، موقّق گردان. دلهای مرده بندگان را با حکومت و در سایه تعلیمات آن سرور زندگی بخش و دلهای اندوهگین را شفا مرحمت کن. به وسیله وجود عزیز حضرت بقیه الله، روحی له الفداء، اختلاف و تفرقه را به وحدت و یگانگی تبدیل نما و حدود و قوانین و احکام اسلام را که تعطیل شده و از بین رفته است در سلطنت جهانی حضرتش اجرا فرما تا اینکه حقّ به تمامی ظاهر شود و عدل و داد متروک در دوران فرمانروایی آن سرور در سطح جهانی پیاده گردد.

خداوند! همه ما را از یاوران آن حضرت و تقویت کنندگان سلطنت او قرار ده و توفیق اطاعت امر و تسلیم در برابر فرامین او را به ما عنایت کن تا بدون تقیّه در برابر مخلوقات تو، اوامرت را به ارشاد و هدایت آن بزرگوار اطاعت کنیم.

بار خدایا! گرفتاران در بند حوادث و شداید تو را می‌خوانند و تو اجابت فرموده، آنان را از گرفتاری نجات می‌دهی.

پروردگارا! ولی عزیزت حضرت صاحب‌الزمان را از سختیهای غیبت و هجوم دشمنان و تبلیغات زهراگین آنان رهایی بخش و چنان که وعده فرموده‌ای حکومت بر جهان هستی را برای او تثبیت فرما.

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ
 أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ وَالْعَنَيْطِ عَلَى
 آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَأَعِزَّنِي وَاسْتَجِبْ
 بِكَ فَأَجِزْنِي.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزاً عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا
 وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.^۱

ای پروردگار مهربان! مرا از جمله دشمنان و کینه‌توزان و مبارزان با آل محمد ﷺ
 قرار مده و من در این مورد به تو پناه می‌برم؛ پس پناهم ده و از این خطر بزرگ رهایی‌ام
 عنایت کن. [خداوند!] بر دودمان پاک آل محمد درود فرست و از برکت وجودشان مرا
 در نزد خود سعادت‌مند ساز و در دنیا و آخرت پناهم ده.

خداوندا! بار دیگر از پیشگاه مقدّست استدعا می‌کنم که درود بی‌پایانت را بر محمد
 و آل محمد فرستاده، دعایم را مستجاب فرمایی و مرا در دو جهان از برکت وجود این
 عزیزان (محمد و آل محمد ﷺ) بهره‌مند فرمایی. آمین یا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

یکی دیگر از دعا‌های

حضرت بقیة الله (روحی له الفداء)

اللَّهُمَّ ارزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَبَعْدَ الْمُعْصِيَةِ وَصِدْقَ النَّيِّةِ وَعِرْفَانَ
 الْخُزْمَةِ وَآكْرِمْنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةِ وَسَدِّدْ ألسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ
 وَامْلَأْ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ وَطَهِّرْ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ وَاكْفِفْ
 أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرْقَةِ وَأَغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ
 وَاسْدُدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَالغَيْبَةِ وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ عُلَمَائِنَا بِالرُّهْدِ
 وَالنَّصِيحَةِ وَعَلَيَّ الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ وَعَلَيَّ الْمُسْتَمِعِينَ
 بِالْإِتْبَاعِ وَالْمَوْعِظَةِ

خداوند! توفیق بندگی و ترک گناهان و دوری از آن را به ما عطا فرما و نیت خالص و شناخت آنچه که در نزد تو محترم است به ما روزی کن. در سایه استقامت [در بندگی] و بهره‌برداری از هدایت، ما را اکرام فرما و به وسیله سخن گفتن به صواب و حکمت، زبان ما را [از بدیها و کلمات ناروا] باز دار. قلبهای ما را از نور علم و معرفت [الهی بر اساس حقیقت] آکنده کن و شکمهای ما را از خوردن مال حرام و شبهه‌ناک به دور دار. دستهای ما را از ظلم به بندگان و بردن ثروت و اموال آنان و چشمهای ما را از خیانت [به ناموس مردم] و گوشهای ما را از شنیدن غیبت و گناهان دیگر حفظ فرما. به دانشمندان ما زهد و نصیحت و به دانشجویانمان کوشش و رغبت و به شنوندگانمان پیروی و شنوایی حق عنایت

وَ عَلَى مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالسَّغَاءِ وَالرَّاحِدِ وَ عَلَى مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ
 وَالرَّوْحَةِ وَ عَلَى مَشَايخِنَا بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ وَ عَلَى الشَّبَابِ بِالْإِنَابَةِ
 وَالتَّوْبَةِ وَ عَلَى النَّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ وَ عَلَى الْغَنِيِّاءِ بِالتَّوَّاضِعِ
 وَالسَّعَةِ وَ عَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَالْقَنَاعَةِ وَ عَلَى الْغُرَاةِ بِالتَّنْضُرِ وَالْعَلْبَةِ وَ
 عَلَى الْأَسْرَاءِ بِالْخُلَاصِ وَالرَّاحَةِ وَ عَلَى الْأَمْرَاءِ بِالْعَدْلِ وَالسَّفَقَةِ، وَ عَلَى
 الرِّعْيَةِ بِالْإِنصَافِ وَ حُسْنِ السِّيَرَةِ وَ بَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَالرُّوَّارِ فِي الزَّادِ
 وَالتَّنْفَقَةِ وَاقْضِ مَا أَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ بِمُضْلِكَ وَ رَحْمَتِكَ
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^١

فرما. بیماران مسلمین را شفا بخش و آنان را از نعمت آسایش بهره‌مند ساز و بر مردگان از مسلمین، رأفت و رحمت خود را ارزانی دار و بر پیران و سالخورده‌گان وقار و متانت و به جوانان توفیق توبه و پشیمانی مرحمت فرما. [بار خدایا!] زنان ما را به زیور حیا و عفت مزین نموده، به صاحبان ثروت، تواضع و دست‌گشاده مرحمت کن و تهیدستان ما را با صبر و قناعت یاری فرما. جنگجویان ما را نصرت و پیروزی بر دشمن عنایت کن و اسیران در بند ما را خلاصی بخش و آنها را به آسایش در زندگی نایل فرما. زمامداران را به وسیله نیروی عدل و مهربانی مشمول لطف خودت کن. رعیت ما را با روش و رفتار خوب و انصاف در کارها مورد مرحمت خود قرار ده. بر زاد و توشه حجّاج خانهات و زایران دیگر بیفزای و حجّ و عمره‌ای را که بر آنان واجب فرموده‌ای، قبول فرما، به فضل و رحمت خود، ای مهربانترین مهربانان!

● خواننده گرامی! به طوری که ملاحظه می‌فرمایید تمام سجایای اخلاقی و صفات حمیده و نیز همه زشتیها و پلیدیها در این دعای شریف، آن هم از زبان آخرین سفیر و نماینده عزیز خداوند یعنی حضرت بقیة الله فی الارضین، روحی له الفداء، بیان شده است و ایشان به زبان دعا و استدعا از پیشگاه مقدّس خداوند تقاضا کرده‌اند که همه ما را به این صفات خوب آراسته سازد و از صفات بد و ناپسندیها به دور دارد. به امید آنکه در ظهور آن سرور، زنده باشیم و پیاده شدن این دعا با تمام محتویات آن را بینیم. **اللّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ الشَّرِيفِ.**

دعای دیگر از حضرت حجت (علیه السلام)

إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَاجَاكَ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَاءِ وَالثَّرْوَةِ وَعَلَيَّ مَرْضَى
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالسَّفَاءِ وَالصَّحَّةِ وَعَلَيَّ أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَالْكَرَامَةِ (وَالْكَرَمِ) وَعَلَيَّ أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ وَعَلَيَّ عُزْبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ
إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَايِمِينَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.^۱

خداوند! به حق آنان که با تو مناجات کردند و به حق آن بندگانی که در بیابانها و دریاها تو را خواندند بر حبیب خود محمد و خاندان عزیزش درود فرست و بر مرد و زن اهل ایمان تفضل فرما و فقر و تهیدستی را از آنها بردار و ثروت و بی نیازی به آنان عنایت کن و بیماران اهل ایمان را [از مرد و زن] شفا مرحمت نما؛ زندگان آنان را از لطف و کرمت بهره مند ساز و بر درگذشتگان آنان مغفرت و رحمت را نازل فرما. [خداوند!] دور ماندگان از وطن را (مردان و زنان با ایمان را) به سلامت و با بهره نعمتهای به دست آمده [در طول سفرشان] به وطنهای خویش بازگردان، به احترام حضرت محمد و اهل بیت گرامی اش.

● امید است هر چه زودتر این جمله از دعا درباره خود آن حضرت و عزیزان و یارانش مستجاب شود و به وطن خودشان برگردند و سرزمین حجاز و عراق به نور مقدم آن عزیز و همراهان محبوبش، منور گردد.

دعای فرج از حضرت صاحب الامر

روحی له الفداء

إلهي عَظَمَ الْبَلَاءُ وَ بَرِحَ الْخَفَاءُ وَ انْكَشَفَ الْغِطَاءُ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَ
ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مَبِيعَتِ السَّمَاءُ وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ إِلَيْكَ الْمُسْتَكْنَى وَ
عَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي السَّدَةِ وَ الرَّخَاءِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ أُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَ عَرَفْتَنَا
بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً عَاجِلاً قَرِيباً كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ
أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اكْفِيَانِي فَإِن كُفَايَانِي وَ

خداوند! بلاها و مصایب ما عظیم و بیچارگیهای ما عیان و پرده از روی کارها برداشته شده است. امید ما قطع شده و زمین با همه وسعت بر ما تنگ آمده و آسمان [نبوت و امامت علاوه بر آسمان زمین] برکات خود را از ما دریغ داشته است. و تنها کسی که باید به او شکایت کرد و پناه برد، ذات پاک توست که در سختیها و راحتیها و خوبیها، تنها و تنها تو تکیه گاه ما هستی.

بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست، بر کسانی که اطاعت آنان را بر ما واجب فرموده، بدین وسیله مقام و مرتبه آنها را بر ما روشن ساختی. پس به حق آنان به ما گشایش مرحمت فرما؛ البته زود، بسیار زود، به قدر یک چشم به هم زدن بلکه از به هم زدن چشم هم کمتر. ای محمد، ای علی! ای علی، ای محمد! مرا کفایت کنید. آری، شما

انْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَانِ يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْعَوْتُ، الْعَوْتُ،
 الْعَوْتُ، أَذْرِكُنِي، أَذْرِكُنِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ
 الْعَجَلَ الْعَجَلَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ^۱

کفایت کننده‌اید [به خاطر مقام والایی که در پیشگاه خداوند دارید] و مرا یاری نمایید زیرا شما یاران من [و تنها وسیله من] هستید. ای مولای من، ای صاحب الزمان! به فریادم برس، به فریادم برس، به فریادم برس؛ مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب؛ در همین ساعت، در همین ساعت، در همین ساعت؛ زود، زود، زود؛ ای مهربانترین مهربانان! به حق محمد و خاندان پاک و پاکیزه او [دعایم را اجابت نما خیلی فوری، زود، آری زود] .

۱. مفاتیح الجنان، ص ۱۱۵. «کنعمی» در بلد الامین فرموده که دعای فرج از زبان مقدّس حضرت صاحب الامر علیه السلام است که برای نجات زندانی از زندان فرموده‌اند.

زیارت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در روز یکشنبه

السَّلَامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ وَالذَّوْحَةِ الْهَاشِمِيَّةِ الْمُضِيئَةِ الْمُثْمِرَةِ
بِالنَّبُوَّةِ الْمُؤَنِقَةِ بِالْإِمَامَةِ وَعَلَى صُجْعَيْكَ آدَمَ وَنُوحَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُخَدِّقِينَ بِكَ وَالْحَاقِقِينَ بِقَبْرِكَ. يَا
مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَذَا يَوْمُ الْوَاحِدِ وَهُوَ يَوْمُكَ وَبِاسْمِكَ وَأَنَا
صَيْفُكَ

درود بر درخت پاکیزه نبوت پیامبر و بر کهن درخت دودمان هاشم باد؛ درختی
نورانی و پر بار از وحی و نبوت که با [گلها و ریاحین] امامت آراسته است، [و سلام] بر
دو همجوار تو حضرت آدم و نوح (علیهم السلام).

سلام بر تو و خاندان پاک و پاکیزه تو.

سلام بر ملائک و فرشتگانی که در اطراف قبر مقدس تو در پرواز و طوافند. ای
مولای من و ای امیر و پیشوای اهل ایمان! امروز روز یکشنبه و روز تو است که به نام تو
نامگذاری شده و من در این روز میهمان تو و پناهنده به تو هستم.

فِيهِ وَ جَارِكَ فَأَضْفِنِي يَا مَوْلَايَ وَ أَجْزِنِي فَإِنَّكَ كَرِيمٌ تُحِبُّ الضَّيْفَةَ وَ
 مَأْمُورٌ بِالْإِجَارَةِ فَافْعَلْ مَا رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ وَ رَجَوْتُهُ مِنْكَ بِمَنْزِلَتِكَ وَ
 آلِ بَيْتِكَ عِنْدَ اللَّهِ وَ مَنْزِلَتِهِ عِنْدَكُمْ وَ بِحَقِّ ابْنِ عَمِّكَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.^۱

از من پذیرایی کن و مرا پناه ده؛ چه آنکه تو کریم هستی و میهمانداری را دوست
 می‌داری و نیز مأموری که بی‌پناهان را پناه دهی. پس درباره‌ی من چنین فرما و آنچه را
 می‌خواهم به من عطا کن. استدعایم را به پاس مقام و منزلت خود و عزیزانت در پیشگاه
 خداوند و منزلت پروردگار و پسر عم گرامی‌ات رسول اکرم صلی الله علیه و آله اجابت فرما.

۱. مفاتیح الجنان، ص ۹۹. این زیارت به روایت کسی است که در بیداری، حضرت صاحب الزمان،
 روحی له الفداء، را دید که در روز یکشنبه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را چنین زیارت کردند.

قُتُوبِ مَوْلَانَا حِجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ

(عَجَّلَ اللهُ فَرَجَهُ الشَّرِيفَ)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَكْرِمِ أَوْلِيَانِكَ يَا نَجَارِ وَعَدِكَ وَ
 بَلِّغُهُمْ دَرَكَ مَا يَأْمَلُونَ مِنْ نَصْرِكَ وَاكْفُفْ عَنْهُمْ بِأَسْ مَنْ نَصَبَ الْخِلَافَ
 عَلَيْكَ وَتَمَوِّدِ بِمَنِّكَ عَلَى رُكُوبِ مُخَالَفَتِكَ وَاسْتِعَانِ بِرِفْدِكَ عَلَى
 قَلِّ حَدِّكَ وَفَصْرِ لِكَيْدِكَ بِأَيْدِكَ وَوَسِعَتُهُ جَلْمًا لِتَأْخُذَهُ عَلَى جَهْرَةٍ وَ
 تَسْتَأْصِلَهُ عَلَى عِزَّةٍ، فَإِنَّكَ اللَّهُمَّ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ «حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ
 الْأَرْضُ زُخُوفَهَا وَازْيَبَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَيْهَا أَمْرًا لَيْلًا
 أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ.

خداوند! بر محمد و آل او درود فرست و با عمل نمودن به وعدهات (ظهور دولت
 کریمه خاندان وحی) اولیای خود را اکرام فرما و همه انبیاء و اوصیاء و بندگان صالح
 خود را به آرزویشان [که نصرت و یاری خداوند متعال را درباره ولی عزیزش ببینند]
 برسان. [خداوند!] شرّ و بدیهای دشمنانت را که در مقابل دین تو ایستاده‌اند، به برکت
 قیام آخرین حجّت خود به آنها برگردان و همان گونه که وعده فرموده‌ای آنها را با نیروی
 لایزال خود نابود کن. بار الهی! خودت در قرآن کریمت فرموده‌ای: «تا آنگاه که زمین را از
 خرمی و سبزی به خود زیور بسته، آرایش کند و مردمش خود را بر آن قادر و متصرف
 پندارند، که ناگهان فرمان ما به شب یا روز در رسد و آن همه زیور زمین را درو کند و
 چنان خشک شود که گویی دیروز در آن هیچ نبوده است. خدا این گونه آیاتش را برای

الآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^١ وَقُلْتَ «فَلَمَّا أَسْفُونَا أَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّ الْأَعْيَانَ
عِنْدَنَا قَدْ تَنَاهَتْ، إِنَّا لَبِغْضِكَ غَاضِبُونَ وَإِنَّ عَلَيَّ نَصْرَ الْحَقِّ مُتَعَايِبُونَ
وَإِلَىٰ وَرُودِ أَمْرِكَ مُشَاقِقُونَ وَإِلَيْنَا جَاؤُا وَعِيدُكَ مُزْتَقِبُونَ وَلِخُلُولِ
وَعِيدِكَ بِأَعْدَائِكَ مُتَوَقِّعُونَ.

اللَّهُمَّ فَادِّنْ بِذَلِكَ وَافْتَحْ طُرُقَاتِهِ وَسَهِّلْ خُرُوجَهُ وَوَطِّأْ مَسَالِكَهُ وَأَسْرِعْ
شَرَايِعَهُ، أَيْدِ جُنُودَهُ وَاعْوَانَهُ وَبَادِرْ بِأَسْكَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَابْسُطْ
سَيْفَ نِقْمَتِكَ عَلَىٰ أَعْدَائِكَ الْمُعَانِدِينَ.^٢ وَخُذْ بِالسَّيِّئَاتِ إِنَّكَ جَوَادٌ
مَكَارٌ.

١. سورة يونس (١٠)، آية ٢٤.

٢. مهج الدعوات، ص ٦٧.

اهل تفکر، روشن بیان می‌کند. [خداوند!]، بدانچه که تو از آن خشمناکی، خشمگین هستیم و برای یاری حق، آماده و خروشان و مشتاق ظهور امر و فرمان تویم.^۱ ما در انتظار انجام وعده‌ات، دقیقه‌شماری می‌کنیم [که قطعاً چیزی جز فرمان قیام جهانی حضرت بقیة الله، عجل الله تعالی فرجه الشریف، نیست] و همچنان در انتظار رسیدن عذابهای کشنده به دشمنانت هستیم که خود فرموده‌ای اینان باید هلاک گردند.

خداوند! فرمان پیروزی حق به دست توانای آخرین انسان کامل عالم وجود و نماینده‌ات در روی زمین و هلاکت دشمنانت را به دست او صادر فرما و راههای فتح و پیروزی را بر وی بگشا و مشکلاتی را که بر سر راه قیام او وجود دارد از میان بردار و راههای دور را برایش نزدیک کن و احکام و قوانین شرع انور را پیاده فرما. یاران و سپاهیان‌ش را از الطاف خود بهره‌مند ساز و نیروهای کوبنده‌ات را به سوی ستمگران گسیل دار و شمشیر انتقامت را بر فرق آنان وارد نموده، به حیاتشان پایان بخش.

● به طوری که خوانندگان گرامی ملاحظه می‌فرمایند تمام هدف وجود مقدس حضرت امام زمان، روحی له الفداء، در این دعا و قنوت، تقاضای امضای امر ظهور است. بنابراین بر همه ما واجب است که به حضرتش اقتدا کرده و برای تعجیل در امر فرج آن سرور مکرم دعا کنیم (واکثروا الدعاء بتعجیل الفرج).

۱. شاید اشاره به امر ظهور و فرمان تشکیل حکومت جهانی حضرت امام عصر، روحی له الفداء، باشد.

قنوت دوم امام عصر (ارواحنا له الفداء)

اللَّهُمَّ مَا لِكَ الْمُلْكِ، تُوتِ الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ
 تُعَزِّزُ مَنْ تَشَاءُ وَ تُدَلُّ مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْزُ وَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.
 يَا مَاجِدُ يَا جَوَادُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، يَا بَطَّاشُ يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ، يَا
 فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ، يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ، يَا رَوْفُ يَا رَحِيمِ، يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ
 أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْرُوجِ الْمَكْنُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي اسْتَأْتَمَرَتْ بِهِ فِي
 عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ وَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ
 الَّذِي تَصَوَّرَ بِهِ خَلْقَكَ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ تَشَاءُ وَ بِهِ تَسْوِقُ إِلَيْهِمْ
 أَرْزَاقَهُمْ فِي أَطْبَاقِ الظُّلُمَاتِ مِنْ بَيْنِ الْعُرُوقِ وَ الْعِظَامِ وَ أَسْأَلُكَ
 بِاسْمِكَ الَّذِي أَلْفَتْ بِهِ بَيْنَ قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ وَ أَلْفَتْ بَيْنَ الثَّلْجِ وَ النَّارِ، لَا
 هَذَا يَذِيبُ هَذَا وَ لَا هَذَا يُطْفِئُ هَذَا وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَوَّنَتْ بِهِ
 طَعْمَ الْبِيَاهِ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَجْرَيْتَ بِهِ الْمَاءَ فِي عُرُوقِ الثِّبَابِ
 بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى وَ سُقَّتَ الْمَاءَ إِلَى عُرُوقِ الْأَشْجَارِ بَيْنَ الصَّخْرَةِ
 الصَّمَاءِ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَوَّنَتْ بِهِ طَعْمَ الثَّمَارِ وَ أَلْوَانَهَا وَ
 أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تُبْدِئُ وَ تُعِيدُ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْفَرْدِ الْوَاحِدِ
 الْمُتَّفَرِّدِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، الْمُتَوَحِّدِ بِالصَّمَدَانِيَّةِ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي
 فَجَّرْتَ بِهِ الْمَاءَ مِنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ وَ سُقَّتَهُ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ وَ أَسْأَلُكَ
 بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ خَلْقَكَ وَ رَزَقْتَهُمْ كَيْفَ شِئْتَ وَ كَيْفَ شَاوُوا يَا

خداوند! ای صاحب جهان هستی! به هر آن کس که بخواهی قدرت می دهی و هر آن کس را که بخواهی ذلیل می گردانی. همه خیر و خوبیها به دست توست. به راستی بر همه چیز توانایی. ای صاحب مجد و عظمت و سخاوت، و ای صاحب شوکت و بزرگواری! ای کسی که در جای خود بسیار سخت گیری! ای کسی که آنچه بخواهی می کنی! ای کسی که توانایی و قدرت تو ابدی است! ای آن که رؤف و از همه مهربانتری! ای آن که همیشه بوده و خواهی بود و آنگاه که هیچ موجودی زنده نیست، تو زنده و جاویدی! از پیشگاه مقدّست و به آن اسم مخزون و مکنون و زنده و قیومت که در علم غیب خود پنهان داشته ای و کسی را بر آن آگاهی نیست، درخواست می کنم؛ و از درگاه کبریایی ات و به آن اسمی که مخلوقات را در رَجَمِ مادر به هر شکل و صورتی که بخواهی، نقش می بندی و به برکت آن نام مقدّس در آن دنیای ظلمانی و تاریک، میان رگها و استخوانها بدانان روزی می دهی، تقاضا می کنم؛ و از پیشگاه کبریایی ات و به آن نامی که به وسیله آن میان دوستانت الفت و محبّت برقرار کردی و بین یخ و آتش به گونه ای هماهنگی ایجاد نمودی که نه آتش آن را آب کند و نه آب آن را خاموش کند و قَسَمَت می دهم؛ و به آن نام مقدّس که به وسیله آن در آب، طعم گوارا قرار دادی و به حقّ آن اسمی که به سبب آن، آب را در ریشه های گیاهان و نباتات و لابلائی خاک، جاری نمودی و آنان را در میان سنگ خارا سیراب کردی و از تو استدعا می کنم؛ و تو را به آن نام مقدّست که به وسیله آن طعم و رنگ را در میوه ها مقرر فرمودی، می خوانم و از درگاه با عظمت تو و به آن نامی که آغاز می کنی و باز می گردانی، می خواهم؛ و از مقام کبریایی ات و به آن نام مقدّسی که مبین یکتایی و بی همتایی توست که در یگانگی، یکتا و در بی نیازی، بی همتاست تقاضا می کنم؛ و از تو به آن اسمی که به سبب آن آب را از دل سنگ بیرون آورده و به هر کجا که بخواهی، هدایت می کنی، می طلبم؛ و از دربار قدرتمندت و آن اسمی که پدیده ها و موجودات را بدان خلق کردی و آن گونه که اراده نمودی و می خواهی به آنها روزی می دهی، مسئلت دارم؛ ای آن که گردش شب و روز در

مَنْ لَا يُعَيِّرُهُ الْآيَاتُ وَاللِّيَالِي، أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ خَيْنَ نَادِيكَ
 فَانْجَيْتَهُ وَمَنْ مَعَهُ وَاهْلَكَتْ قَوْمَهُ، وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ
 حِينَ نَادَاكَ فَانْجَيْتَهُ وَجَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا وَأَدْعُوكَ بِمَا
 دَعَاكَ بِهِ مُوسَى كَلِيمِكَ حِينَ نَادَاكَ فَفَلَقْتَ لَهُ الْبُحْرَ فَانْجَيْتَهُ وَبَنَى
 إِسْرَائِيلَ وَاعْرَفْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ فِي الْيَمِّ وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ
 عِيسَى رُوحَكَ حِينَ نَادَاكَ فَانْجَيْتَهُ مِنْ أَعْدَائِهِ وَإِلَيْكَ رَفَعْتَهُ وَأَدْعُوكَ
 بِمَا دَعَاكَ حَبِيبِكَ وَصَفِيكَ وَنَبِيَّكَ مُحَمَّدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَمِنَ الْأَخْزَابِ نَجَيْتَهُ وَعَلَى أَعْدَانِكَ نَصْرْتَهُ وَأَسْأَلُكَ
 بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَبْتَ، يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ، يَا مَنْ أَحَاطَ
 بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، يَا مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا، يَا مَنْ لَا تُعَيِّرُهُ الْآيَاتُ وَ
 اللَّيَالِي وَلَا تُشَابَهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ وَلَا تُخْفَى عَلَيْهِ اللَّغَاثُ وَلَا يُبْرِمُهُ
 الْإِنْحَاخُ الْمُلْحِينُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خَيْرَتِكَ مِنْ
 خَلْقِكَ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَصَلِّ عَلَيَّ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ
 وَالْمُرْسَلِينَ الَّذِينَ بَلَّغُوا عَنْكَ الْهُدَى وَاعْقُدُوا لَكَ الْمَوَاقِفَ بِالطَّاعَةِ وَ
 صَلِّ عَلَيَّ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ أَنْجِزْ لِي مَا
 وَعَدْتَنِي وَاجْمَعْ لِي أَصْحَابِي وَصَبْرَهُمْ وَانْصُرْنِي عَلَيَّ أَعْدَائِكَ وَ
 أَعْدَاءِ رَسُولِكَ وَلَا تُخَيِّبْ دَعْوَتِي فَإِنِّي عَبَّدَكَ ابْنُ عَبِيدِكَ ابْنُ أُمَّتِكَ،
 أَسِيرُ بَيْنَ يَدَيْكَ. سَيِّدِي، أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهَذَا الْمَقَامِ وَتَفَضَّلْتَ بِهِ

تو دگرگونی و تغییری به وجود نمی‌آورد! تو را به آنچه نوح خواند و او و همراهانش را نجات دادی و قوم مخالف و معاندش را هلاک فرمودی، می‌خوانم. تو را به همان اسمی که خلیل تو ابراهیم - آنگاه که دست نیاز به سویت دراز کرد - تو را به آن خواند و نجاتش دادی و آتش را بر او برد و سلام (مطبوع) نمودی، می‌خوانم. تو را به آن نام مقدّسی که موسیٰ کلیم الله تو را به آن خواند و رود نیل را برای او شکافتی و فرعون و لشکرانش را غرق نمود، می‌خوانم. تو را به آن نامی که عیسیٰ روح الله ذات پاکت را به آن خواند و دعایش را اجابت کردی و از شرّ دشمنانش نجات دادی و به آسمانهایش بردی، می‌خوانم. تو را به آن نام مقدّس و با عظمتی که حبیب تو محمد ﷺ تو را به آن خواند و دعایش را مستجاب فرمودی و او را از شرّ احزاب (مخالفان و کفّار) رهایی بخشیده، بر دشمنانش پیروز نمودی، می‌خوانم. از تو به آن نامی که هرگاه بندگان تو را بدان خوانند اجابت فرمایی و استدعا می‌کنم؛ ای آن که جهان خلق و امر از آن تو است! ای آن که علم توبه هر چیز احاطه دارد [و از همه چیز آگاه و باخبری]! ای آن که همه چیز را احصاء و شماره کرده‌ای! ای خدایی که شبها در تو تغییری به وجود نیاورد و صداها بر تو مشتبه نگردد و زبانهای مختلف و لغات گوناگون بر تو پوشیده نیست و اصرارورزی نیازمندان تو را خسته نمی‌سازد! از پیشگاه کبریایی‌ات مسئلت می‌نمایم که بر محمد و خاندان عزیزش - که البته برگزیدگان تو از مخلوقات هستند - بهترین درووها را فرستی، و نیز بر همه انبیاء و فرستادگانت که بندگان را به سوی تو و دین تو هدایت نمودند و از بندگان پیمانهای بندگی گرفتند و همچنین بر بندگان صالح و شایسته‌ات درود فرست. ای خدایی که به وعده‌هایت عمل می‌کنی و در آنها خلاف راه ندارد! به وعده‌ای که به من داده‌ای، وفا کن (امر ظهورم را امضاء و حکومتم را در سراسر گیتی، مستقرّ فرما) و یارانم را در اطرافم جمع کن و به آنها نیروی صبر و مقاومت در برابر دشمنان مرحمت فرما و مرا بر دشمنان خود و پیامبرت یاری ده و دعایم را مستجاب فرموده، محرومم مگردان که من بندهٔ تو و فرزند بنده و کنیز تو و اسیر قدرت و دربار کبریایی تو هستم. ای مولای

عَلَىٰ دُونَ كَثِيرٍ مِّنْ خَلْقِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ
 أَنْ تُنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، إِنَّكَ أَنْتَ الصَّادِقُ وَ لَا تُخْلِفُ الْمِعَادَ وَ أَنْتَ
 عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^۱

من! تویی که مرا بدین مقام (مقام والای امامت) مفتخر و سرافراز فرمودی، مرا بر بسیاری از بندگانت برتری دادی. از تو می‌خواهم که بر محمد و آل او درود فرستی و وعده‌ای را که به من داده‌ای محقق سازی؛ به درستی که تو راستگویی و از وعده‌هایت تخلف نخواهی فرمود و بر انجام همه کارها و هر چیز توانایی.

● به طور خلاصه نتیجه‌ای که باید از این قنوت و سخنان حیات بخش گرفت، شامل سه اصل مهم است:

۱. توجه به عظمت و بزرگی خداوند متعال و اینکه همه بنده او هستند و زنده قدرت او.

۲. هر کدام از موجودات به وسیله یکی از اسماء خداوند آفریده شده‌اند؛ پس جهان در سایه اسماء بزرگ خداوند باقی است.

۳. اهمیت لزوم دعا برای تعجیل در امر فرج و ظهور آن حضرت.

آری، وجود مقدس امام عصر، روحی له الفداء، اسماء الهی را وسیله قرار داده و پروردگار را به آنها می‌خواند و از خداوند بزرگ تقاضا می‌کند که به وعده‌ای که مرحمت فرموده است، وفا کند (أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي).

«حوز» امام زمان (علیه السلام)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا مَالِكَ الرَّقَابِ وَيَا هَازِمَ الْأَخْرَابِ، يَا مُفْتَحَ الْأَبْوَابِ، يَا مُسَبِّبَ
 الْأَسْبَابِ سَبِّبْ لَنَا سَبَبًا لَا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلَبًا بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ
 رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ أَجْمَعِينَ.^۱

به نام خداوند بخشاینده مهربان

ای آن که مالک همه گردن کشانی و ای کسی که تمام احزاب را از بین می‌بری! ای بازکننده همه درها و ای کسی که سبب سازی و تمام اسباب کارها را خلق می‌فرمایی! به حق کلمه مقدسه «لا اله الا الله» و به حق حبیب محمد خاتم انبیاء و خاندانش - که درود و صلوات تو بر آنان باد - برای موفقیت ما نیز اسبابی که ما از تهیة آن ناتوانیم، در اختیارمان قرار ده.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبُزُوفِيِّ قَالَ خَرَجَ عَنِ النَّاحِيَةِ
الْمُقَدَّسَةِ:

مَنْ كَانَ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيَغْسِلْ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ نِصْفِ اللَّيْلِ وَيَأْتِيَ
مُضَلَّاهُ وَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ يَقْرَأُ فِي الرُّكْعَةِ الْأُولَى الْحَمْدَ، فَإِذَا بَلَغَ «إِيَّاكَ
تَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» يُكْرِّزُهَا مِائَةً مَرَّةً وَيِيمُ فِي الْبَائِتَةِ إِلَى آخِرِهَا وَ
يَقْرَأُ سُورَةَ التَّوْحِيدِ مَرَّةً وَاحِدَةً ثُمَّ يَرْكَعُ وَيَسْجُدُ وَيُسَبِّحُ فِيهَا سَبْعَةً
سَبْعَةً وَيُصَلِّي الرُّكْعَةَ الثَّانِيَةَ عَلَى هَيْئَتِهِ وَيَدْعُوا بِهَذَا الدُّعَاءِ، فَإِنَّ اللَّهَ
تَعَالَى يَقْضِي حَاجَتَهُ الْبَيْتَةَ كَأَنَّمَا كَانَ إِلَّا أَنْ يَكُنَّ فِي قَطِيعَةِ الرَّجَمِ:

اللَّهُمَّ إِنْ أَطَعْتُكَ فَالْمُحَمَّدُ لَكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ فَالْحُجَّةُ لَكَ، مِنْكَ
الرُّوحُ وَمِنْكَ الْفَرْجُ، سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَشَكَرَ، سُبْحَانَ مَنْ قَدَّرَ وَغَفَرَ.
اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ
الْإِيمَانُ بِكَ، لَمْ آتِخِذْ لَكَ وَلِدًا وَ لَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكًا مَتَى مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ
لَا مَتَى مِنْي بِهِ عَلَيْكَ، وَقَدْ عَصَيْتُكَ.

از ابو عبدالله حسین فرزند محمد بزوفری منقول است که از ناحیه

مقدّسه امام عصر، عجل الله تعالی فرجه الشریف، دستوری رسید که:

چنانچه کسی حاجتی داشته باشد، در شب جمعه، پس از نیمه شب غسل کند و در جایگاه نمازش دو رکعت نماز بخواند. در رکعت اول، هنگام قرائت سوره «حمد» چون به عبارت «إِيَّاكَ تَعْبُدُ وَإِيَّاكَ تَسْتَعِينُ» رسید، آن را صد بار تکرار کند و پس از آن حمد را تمام کند و سوره توحید را یک بار خوانده، به رکوع رود. ذکر رکوع و سجود را هفت بار تکرار کند. رکعت دوم را نیز همانند رکعت اول به جای آورد و پس از آن، این دعا را بخواند، که البتّه خداوند تبارک و تعالی حاجت او را هرچه باشد، عنایت کرده و برآورده خواهد فرمود مگر اینکه حاجتش در مورد قطع رجم باشد و دعا این است:

بار خدایا! اگر تو را اطاعت می‌کنم، این توفیق از جانب ذات پاک تو است؛ پس باید تو را حمد و سپاس گویم، و اگر تو را معصیت و نافرمانی می‌کنم، حجّت تو بر من تمام است | و تمام راهنمایی‌های لازم به وسیله فرستادگانت انجام شده و هیچ عذری برای من نیست | [خداوند!] همه سرور و گشایشها از تو است. منزه است خداوندی که نعمت می‌دهد و او را سپاس می‌گویند. پاک و منزه است پروردگاری که در عین قدرت [بر انتقام و عذاب]، می‌بخشاید.

بار خدایا! اگرچه تو را معصیت کرده‌ام ولی در محبوبترین چیزها در نزد تو، که ایمان به ذات پاک تو است، نافرمانی نکرده‌ام. برای تو فرزند و شریکی قایل نشده‌ام و در این راه نیز تو به من توفیق داده‌ای و بر من منت داری نه من بر تو.

يَا إِلَهِي عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ وَلَا الْخُرُوجِ عَنِ عِبُودِيَّتِكَ وَلَا
 الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ وَلَكِنْ أَطَعْتُ هَوَايَ وَأَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ، فَلَكَ الْحُجَّةُ
 عَلَيَّ وَالْبَيَانُ، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي قَبِدْ تُؤَبِّي غَيْرَ ظَالِمٍ وَإِنْ تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي
 فَإِنَّكَ جَوَادُ كَرِيمٍ، يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ حَتَّى يَقْطَعَ النَّفْسَ ثُمَّ تَقُولُ يَا أَمَانًا مِنْ
 كُلِّ شَيْءٍ وَخَوْفٌ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ أَسْتَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُفْطِنِي أَمَانًا لِنَفْسِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَسَائِرِ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ
 عَلَيَّ حَتَّى لَا أَخَافَ أَحَدًا وَلَا أَخْذَرَ مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ
 قَدِيرٌ وَ«حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»^١.

يَا كَافِي إِبْرَاهِيمَ نُفُورًا، يَا كَافِي مُوسَى فِرْعَوْنَ أَسْتَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُكْفِيَنِي شَرَّ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ^٢.

٢. مهج الدعوات، ص ٢٩٤.

١. سورة آل عمران (٣)، آية ١٧٣.

خداوند! نافرمانی من از جهت سرکشی و انکار و خروج از بندگی تو نبوده، بلکه تنها پیروی از هوی و هوس نفسانی بوده است و شیطان مرا گمراه نمود و با توجه به اینکه تمام وظایف بندگی را بیان فرموده‌ای، حجت بر من تمام است. پس اگر به جهت گناهان من مرا عذاب کنی، هیچ گونه ظلمی درباره من نشده است و اگر مرا ببخشایی و رحم کنی، از باب کرم و جود تو ست؛ ای کریم، ای کریم، ای کریم. (کلمه «یا کریم» را تا هنگامی که نفس قطع نشده است تکرار می‌کنی و پس از آن عرضه می‌داری):

ای آفریدگاری که از گزند هر چیزی در امانی و همه چیز از [عدالت] تو در بیم و هراس است! از پیشگاه مقدّست درخواست می‌کنم که بر محمّد و آل او درود فرستی و من و خانواده و فرزندانم و آنچه را که به من عطا فرموده‌ای در پناهت محفوظ داری تا اینکه هرگز از هیچ کس و هیچ چیز ترس و واهمه‌ای نداشته باشم. و تو بر هر چیز قادر و توانایی و «خداوند کفایت‌کننده ما و بهترین وکیل است».

ای خدایی که ابراهیم خلیل [علیه السلام] را از شرّ نمرود کفایت فرمودی و ای آن که موسی [علیه السلام] را بر فرعون پیروز نمودی! از تو درخواست می‌کنم که بر محمّد و آل او درود فرستاده، شرّ فلان و فلان را از من دور گردانی. (در اینجا باید حاجت و خواسته‌ها گفته شود.)

دعای علوی مصری

● یکی از دعا‌های بسیار ارزنده و مجرب که بارها دوستان گرفتار در بند شداید و مصایب دنیا از آن نتیجه گرفته‌اند دعای مبارک علوی مصری است که از زبان پرفروغ حضرت بقیة الله، روحی لتراب مقدمه الفداء، درخشیدن گرفته و باید گفت صرف نظر از اینکه دعایی است بسیار و بی‌نهایت مؤثر برای رفع گرفتاریها و مصایب، یک دوره معارف حقّه اسلامی گرفته شده از سرچشمه وحی و امامت در آن نهفته است.

اینک با هم به سخنان حضرت بقیة الله (دعای علوی مصری) گوش می‌سپاریم:

ذِكْرُ مَا نَخْتَارُهُ لِمَوْلَانَا الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَنهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ
بِرَوَايَةِ أُخْرَى فَمِنْ ذَلِكَ الدُّعَاءِ الْمَعْرُوفِ بِدُعَاءِ الْعَلَوِيِّ الْمِصْرِيِّ لِكُلِّ
شَدِيدَةٍ وَ عَظِيمَةٍ؛

أَخْبَرَهُمْ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ حَمَادٍ الْمِصْرِيُّ قَالَ أَصَابَنِي عَمٌّ شَدِيدٌ وَ
دَهَمَنِي أُمٌّ عَظِيمٌ مِنْ قَبْلِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَلَدِي مِنْ مُلُوكِهِ فَخَشِيتهُ خَشِيَةً
لَمْ أَرِجُ لِتَنَفْسِي مِنْهَا مَخْلَصاً فَفَضَدْتُ مَشْهَدَ سَادَاتِي وَ آبَائِي صَلَوَاتُ
اللَّهِ عَلَيْهِمْ بِالْحَائِرِ لِأَنِّدَأُ بِهِمْ وَ عَائِدَأُ بِقُبُورِهِمْ وَ مُسْتَجِيرَأُ مِنْ عَظِيمِ
سَطْوَةٍ مَنْ كُنْتُ أَخَافُهُ وَ أَقَمْتُ بِهَا حَمْسَةَ عَشَرَ يَوْماً سَادَاتِي عَلَيْهِمْ
السَّلَامُ أَشْكُو إِلَيْهِمْ لِيَخْلَصُونِي مِنْهُ.

فَقَالَ لِي: هَلَا دَعَوْتَ اللَّهَ رَبَّكَ وَ رَبَّ آبَائِكَ بِالْأَدْعِيَةِ الَّتِي دَعَا بِهَا
أَجْدَادِي الْأَنْبِيَاءُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ حَيْثُ كَانُوا فِي الشَّدَةِ فَكَشَفَ اللَّهُ
عَنْهُمْ ذَلِكَ قُلْتُ وَ مَاذَا دَعَوَهُ بِهِ لَا دَعَوَهُ بِهِ؟

از جمله دعاها و نیایشهای رسیده از ناحیه رسیده از ناحیه مقدسه
و از زبان مبارک حضرت صاحب الامر علیه السلام و روحی له الفداء، دعای
علوی مصری است که در همه سختیها و شداید خوانده می شود.

ابوالحسن علی بن حمّاد مصری گوید که به نقل از ابو عبدالله
حسین بن محمد علوی، محمد بن علی علوی حسینی مصری برای من
نقل کرد به اینکه اندوهی شدید بر من مستولی شد و گرفتاری سختی از
جانب فرماندار محلّ مرا رنج می داد و ترسی از او در دلم جایگزین
شده بود که هرگز امید رهایی از آن را نداشتم. پس عزم زیارت بزرگان و
موالیان خود را کردم و مدت پانزده روز در حائر مقدّس حسینی متوسّل
بودم و تقاضای خلاصی از این بلا را داشتم و شب و روز مشغول گریه و
زاری بودم تا اینکه در یکی از شبها در حالتی بین خواب و بیداری بودم
که ناگهان امام غایب زنده و قائم بر حقّ - که درود خداوند بر او و بر آباء
گرامی اش باد - خود را با آن چهره ملکوتی به من نمایانده، فرمود.

پسرم! از فلانی (کنایه از آن ظالم است) ترسیدی؟ عرض کردم: آری،
قصد داشت مرا نابود کند. پس به سروران خودم - که درود خداوند بر
آنها باد - پناهنده شده، شکایت خود را به آنها عرضه داشتم تا اینکه
وسیله نجات مرا از چنگال این ستمگر فراهم نمایند.

پس به من فرمودند: آیا خداوند را به آن دعایی که آباء و اجدادم [از
انبیاء و غیر آنها] در گرفتاریها می خواندند و خداوند گرفتاریها را از
آنان رفع می نمود، خوانده ای؟ عرض کردم: کدام دعا است که بخوانم؟

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا كَانَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَقُمْ فَاعْتَسِلْ وَصَلِّ صَلَاتَكَ فَإِذَا
فَرَعْتَ مِنْ سَجْدَةِ الشُّكْرِ قُلْ وَ أَنْتَ بَارِكْ عَلَى رُكْبَتَيْكَ وَادْعُ بِهَذَا
الدُّعَاءِ مُبْتَهَلًا.

قَالَ وَكَانَ يَأْتِينِي خَمْسَ لَيَالٍ مَثَوَالِيَاتٍ يُكْرَرُ عَلَيَّ الْقَوْلَ وَ هَذَا الدُّعَاءُ
حَتَّى حَفِظْتُهُ.

وَانْقَطَعَ مَجِيئُهُ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَقُمْتُ وَاعْتَسَلْتُ وَغَيَّرْتُ ثِيَابِي وَتَطَيَّبْتُ وَ
صَلَّيْتُ مَا وَجِبَ عَلَيَّ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ وَجَثَوْتُ عَلَى رُكْبَتَيَّ فَدَعَوْتُ اللَّهَ
تَعَالَى بِهَذَا الدُّعَاءِ فَاتَانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْلَةَ السَّبْتِ كَهَيْئَةِ النَّسِيِّ يَأْتِينِي
فِيهَا فَقَالَ لِي قَدْ أَجَبَيْتَ دَعْوَتَكَ يَا مُحَمَّدُ وَ قِيلَ عَدُوُّكَ وَ أَهْلَكَهُ اللَّهُ
عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَ فَرَاغِكَ مِنَ الدُّعَاءِ.

قَالَ فَلَمَّا أَصْبَحْتُ لَمْ يَكُنْ لِي هِمَّةٌ غَيْرُ وَدَاعٍ سَادَاتِي صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ
أَجْمَعِينَ وَ الرَّحْلَةَ نَحْوَ الْمَنْزِلِ الَّذِي هَرَبْتُ مِنْهُ فَلَمَّا بَلَغْتُ بَعْضَ الطَّرِيقِ
إِذَا رَسُولُ أَوْلَادِي وَ كِبَيْتُهُمْ بِأَنَّ الرَّجُلَ الَّذِي هَرَبْتُ مِنْهُ جَمَعَ قَوْمًا وَ اتَّخَذَ
لَهُمْ دَعْوَةً فَأَكَلُوا وَ شَرَبُوا وَ تَفَرَّقَ الْقَوْمُ وَ نَامَ هُوَ وَ غِلْمَانُهُ فِي الْمَكَانِ
فَأَصْبَحَ النَّاسُ وَ لَمْ يُسْمَعْ لَهُ حَسٌّ فَكُشِفَ عَنْهُ الْغِطَاءُ فَإِذَا هُوَ مَذْبُوحٌ
مِنْ قَفَاءٍ وَ دِمَاءٍ تَسِيلُ وَ ذَلِكَ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ وَ لَا يَذْرُؤُونَ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ
بِهِ وَ يَأْمُرُونَنِي بِالْمُبَادَرَةِ نَحْوَ الْمَنْزِلِ فَلَمَّا وَافَيْتُ إِلَى الْمَنْزِلِ وَ سَأَلْتُ
عَنْهُ وَ فِي أُمَّيِّ وَ قَتِّ كَانَ قَتْلُهُ فَإِذَا هُوَ عِنْدَ فَرَاغِي مِنَ الدُّعَاءِ.

حضرت علیه السلام فرمودند: چون شب جمعه بیاید برخیز و غسل کن و نماز خود را بخوان. چون از سجده شکر برخاستی در حالتی که دو زانو نشسته‌ای با چشمی اشکیار و دلی شکسته این دعا را بخوان.

نامبرده گوید: امام علیه السلام پنج شب پیاپی تشریف آورده، این دعا را تکرار فرمودند تا اینکه آن را یاد گرفتیم و حفظ شدیم.

شب جمعه دیگر امام عصر را زیارت نکردم. پس برخاسته، غسل کردم و لباسم را عوض نمودم و خود را معطر ساختم. نماز شب را چنانکه باید بخوانم، خواندم. آنگاه دو زانو نشستم و دعا را خواندم. شب شنبه بود که حجّت خدا با همان هیئت قبل به دیدار من آمده، فرمودند: ای محمد! دعایت مستجاب شد و خدا دشمن تو را کشت و بعد از خواندن دعایت خداوند قادر و توانا او را هلاک نمود.

محمد می‌گوید: چون صبح شد دیگر غیر از وداع با موالیان و سروران خود علیه السلام هدف دیگری نداشتم و پس از وداع به سوی محلّی که از آنجا گریخته بودم حرکت کردم. مقداری از راه را که طی کردم ناگهان فرستاده و نامه‌ای از فرزندانم دریافت کردم که نوشته بودند آن مرد خبیث و بدسرشتی، که از او فرار کردی با جمعی از یارانش در مجلسی گرد آمده، خوردند و آشامیدند و متفرّق شدند. فقط او و غلامان وی در آن مکان ماندند و خوابیدند و چون از خواب بیدار شدند، اثری از او نیافتند و چون به سراغش رفتند و روانداز او را کنار زدند. مشاهده کردند که او را از پشت، سر بریده‌اند و خون جاری است و این حادثه در شب جمعه اتفاق افتاد و کسی از قاتل خبری به دست نیاورد و شناخته نشد. و فرزندانم از من خواسته بودند که به منزل بازگردم. پس از اینکه به منزل آمدم از داستان قتل و ساعت کشته شدن او سؤال کردم، معلوم شد که قتل آن ستمگر درست پس از فارغ شدن من از آن دعا بوده است.

و این است آن دعایی که حضرت بقیّة الله تعلیم فرمودند:

رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي دَعَاكَ فَلَمْ تُجِبْهُ وَ مَنْ ذَا الَّذِي سَأَلَكَ فَلَمْ تُعْطِهِ وَ مَنْ
ذَا الَّذِي نَاجَاكَ فَخَيَّبْتَهُ أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ فَأَبْعَدْتَهُ.

وَ رَبِّ هَذَا فِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ مَعَ عِنَادِهِ وَ كُفْرِهِ وَ عَتُوِّهِ وَ إِذْعَانِهِ الرُّبُوبِيَّةِ
لِنَفْسِهِ وَ عِلْمِكَ بِأَنَّهُ لَا يَتُوبُ وَ لَا يَزْجِعُ وَ لَا يَتُوبُ وَ لَا يُؤْمِنُ وَ لَا
يَخْشَعُ اسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَائِهِ وَ أَعْطَيْتَهُ سُؤْلَهُ كَرَمًا مِنْكَ وَ جُودًا وَ قَلَّةَ مِقْدَارٍ
لِمَا سَأَلَكَ عِنْدَكَ مَعَ عَظِيمِهِ عِنْدَهُ أَخْذًا بِحَبَجَتِكَ عَلَيْهِ وَ تَأْكِيدًا لَهَا حِينَ
فَجَرَ وَ كَفَرَ وَ اسْتَطَالَ عَلَى قَوْمِهِ وَ تَجَبَّرَ وَ بِكُفْرِهِ عَلَيْهِمُ افْتَحَرَ وَ بَطْلَمِهِ
لِنَفْسِهِ تَكَبَّرَ وَ بِحِلْمِكَ عَنْهُ اسْتَكْبَرَ، فَكَتَبَ وَ حَكَّمَ عَلَى نَفْسِهِ جُرْأَةً مِنْهُ
أَنَّهُ جَزَاءٌ مِثْلُهُ أَنْ يُغْرَقَ فِي الْبَحْرِ فَجَزَيْتَهُ بِمَا حَكَّمَ بِهِ نَفْسِهِ.

إِلَهِي وَ أَنَا عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ أُمَّتِكَ مُعْتَرِفٌ لَكَ بِالْعُبُودِيَّةِ مَقْرُورٌ
بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ خَالِقِي لِإِلَهٍ لِي غَيْرِكَ وَ لِأَرْبٍ لِي سِوَاكَ مُوقِنٌ بِأَنَّكَ
أَنْتَ اللَّهُ رَبِّي وَ إِلَيْكَ إِيَابِي عَالِمٌ بِأَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تَفْعَلُ مَا
تَشَاءُ وَ تَحْكُمُ مَا تُرِيدُ. لِأَمْعَبَ لِحُكْمِكَ وَ لِأَرَادَ لِقَضَائِكَ وَ أَنْتَ
الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ لَمْ تَكُنْ مِنْ شَيْءٍ وَ لَمْ يَبْنِ عَنْ شَيْءٍ،
كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ أَنْتَ الْكَائِنُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ. وَ الْمَكُونُ لِكُلِّ شَيْءٍ،
خَلَقْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِتَقْدِيرٍ وَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ كَذَلِكَ كُنْتَ
وَ تَكُونُ وَ أَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَ لَا نَوْمٌ وَ لَا تُوصَفُ بِالْأَوْهَامِ وَ
لَا تُدْرَكُ بِالْحَوَاسِّ وَ لَا تُقَاسُ بِالْمِقْيَاسِ وَ لَا تُشَبَّهُ بِالتَّائِسِ وَ أَنَّ الْخَلْقَ
كُلَّهُمْ عِبِيدُكَ وَ إِمَائِكَ أَنْتَ الرَّبُّ وَ نَحْنُ

بار خدایا! چه کسی دعا کرد و تو او را اجابت نمودی؟ کدامیک از بندگان دست نیاز به سوی تو دراز کرد و تو او را محروم نمودی؟ کدام بنده‌ای با تو مناجات کرد و تو او را مأیوس ساختی؟ چه کسی از بندگان تقاضای نزدیک بودن به تو را داشت و تو او را از در خانه‌ات راندی؟

خداوند! آن فرعون‌ی که در مقابل دستگاه با عظمت تو کاخها برافراشت و سرکشیها نمود و دعوی خدایی کرد و با اینکه تو می‌دانستی، توبه نمی‌کند و قلبش در برابر ذات پاک تو خاضع نخواهد شد، دعایش را مستجاب کردی و خواسته او را برآوردی و با اینکه حاجت او برای ذات پاک تو ناچیز و برای او بزرگ بود تو حجت را بر او تمام کردی هنگامی که به ذات پاک تو کفر ورزید و راه بدهیها را پیمود و بر ملت خود راه ظلم و ستم در پیش گرفت و در سایه کفر خود بر آنها استیلا یافت و بر آنان فخر می‌فروخت و از حلم تو سوء استفاده کرد و راه تکبر در پیش گرفت و خود بر خویشان حکم نمود، که پاداش کسی مانند او غرق شدن در دریاست و تو نیز آن حکم را اجرا فرمودی و او را در دریا غرق کردی.

بار خدایا! من بنده‌ای از بندگان و فرزند بنده و کنیزی از کنیزان توام؛ به خدایی تو معترفم و به اینکه خدایی نیست جز ذات پاک تو که یگانه آفریننده و تنها خدا و تربیت کننده منی. معتقدم که خدا و رب من تو هستی که بر همه چیز توانایی و هرچه بخواهی انجام می‌دهی و هر حکمی را که اراده فرمایی، صادر می‌کنی. هیچ کس نمی‌تواند حکم تو را رد کند و حتماً فرمان تو باید اجرا شود. اول جهان هستی و آخر آن، ظاهر آن و باطن آن تویی. از چیزی خلق نشده و از چیزی جدا نشده‌ای. قبل از هر چیزی تو بوده‌ای و پس از آن نیز تو خواهی بود. همه چیز را تو آفریدی و آفرینش همه موجودات بر اساس تقدیر حکیمانه تو مقرر است و تو شنوا و دانایی. شهادت می‌دهم که ذات پاک تو چنین بوده و چنین خواهد بود. ذات مقدس زنده است و نظام جهان هستی در سایه وجود تو اداره می‌شود و سستی و خواب در وجودت راه ندارد. همگان از عهده و صف تو ناتوانند و با حواس ظاهر (چشم، گوش و...) شناخته نخواهی شد. با مقیاسها و معیارهای

الْمَرْبُوبُونَ وَ أَنْتَ الْخَالِقُ وَ نَحْنُ الْمَخْلُوقُونَ وَ أَنْتَ الرَّازِقُ وَ نَحْنُ
 الْمَرْزُوقُونَ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي إِذْ خَلَقْتَنِي بَشَرًا سَوِيًّا وَ جَعَلْتَنِي غَنِيًّا
 مَكْفِيًّا بَعْدَ مَا كُنْتُ طِفْلًا صَبِيًّا تَقْوَتِي مِنَ الْقَدِي لَبِنًا مَرِيًّا وَ غَدَّيْتَنِي
 غَدَاءً طَيِّبًا هَنِيًّا وَ جَعَلْتَنِي ذَكَرًا مِثْلًا سَوِيًّا، فَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا إِنْ عُدَّ لَمْ
 يُخْصَ وَ إِنْ وُضِعَ لَمْ يَتَسِعْ لَهُ شَيْءٌ، حَمْدًا يَفُوقُ عَلَى جَمِيعِ حَمْدِ
 الْوَالِدِينَ وَ يَغْلُوا عَلَى حَمْدِ كُلِّ شَيْءٍ وَ يَفْخَمُ وَ يَعْظُمُ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ.
 وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحْمَدَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ وَ زِنَةَ مَا
 خَلَقَ وَ زِنَةَ أَجَلِ مَا خَلَقَ وَ يَوْزِنِ أَخْفَ مَا خَلَقَ وَ يَبْعَدِ أَضْعَفَ مَا خَلَقَ وَ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ حَتَّى يَرْضَى رَبُّنَا وَ بَعْدَ الرِّضَا وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ
 آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ يَغْفِرَ لِي رَبِّي وَ أَنْ يَحْمَدَ لِي أَمْرِي وَ يَتُوبَ عَلَيَّ إِنَّهُ هُوَ
 التَّوَابُ الرَّحِيمُ.

إِلَهِي وَ إِنِّي أَنَا أَدْعُوكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ صِفْوَتُكَ
 أَبِيْنَا أَدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ مُسِيءٌ ظَالِمٌ حِينَ أَصَابَ الْخَطِيئَةَ فَغَفَرْتَ
 لَهُ خَطِيئَتَهُ وَ ثَبَّتَ عَلَيْهِ وَ اسْتَجَبْتَ لَهُ دَعْوَتَهُ وَ كُنْتُ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ
 أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي وَ تَرْضَى عَنِّي
 فَإِنْ لَمْ تَرْضَ عَنِّي فَاعْفُ عَنِّي فَإِنِّي مُسِيءٌ ظَالِمٌ خَاطِيءٌ عَاصٍ وَ قَدْ
 يَغْفِرُوا السَّيِّئَ عَنِ عِبْدِهِ وَ لَيْسَ بِرَاضٍ عَنْهُ وَ أَنْ تُرَضِيَ عَنِّي خَلَقْتَكَ وَ
 تُمِيطَ عَنِّي حَقَّكَ.

متداول میان مردم تو را نمی‌توان سنجید و به انسان‌ها نمی‌توان تشبیهت کرد. نمی‌توان آفریده شدگان همه بنده و کنیز تو اند و تو پروردگار مایی و ما مخلوق تو و اسیر قدرت بی‌نهایت تو هستیم. آفریننده ما تویی و ما، آفریده تو هستیم. تو روزی دهنده ما هستی و ما روزی خواران تو هستیم.

اینک تو را حمد می‌کنم که مرا انسانی کامل [از نظر اعضاء و جوارح] خلق فرمودی و از غیر خودت بی‌نیازم ساختی. کودکی خردسال بودم که از پستان مادر شیر گوارایی برابم آماده نمودی و غذای پاکیزه و گوارا در دسترسم قرار دادی و بدین وسیله رشد کرده، قامتی رسا یافتم. پس حمد و ستایش سزاوار ذات پاک تو است؛ آن هم ستایشی برتر و بالاتر از ستایش همه ستایشگران که هیچ ثنایی بدان نرسد؛ ستایشی برتر از تمام اقسام حمد و ثنایی که ستایشگران انجام داده‌اند و ستایشی ارجمندتر از همه امور و گرانقدرتر از هر سپاسی که آفریده‌ای به درگاه خداوند می‌کند. آری، حمد مختص ذات پاک خداوندی است چنانکه می‌پسندد؛ سپاسی برابر با تعداد همه آفریدگان و هموزن همه موجودات و مساوی با بزرگترین و کوچکترین و خردترین آنها؛ حمدی که خداوند را خرسند سازد و با خشنودی خداوند برابر باشد. از او تقاضا می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستد و مرا ببخشد و اعمال مرا نیکو فرموده، توبه‌ام را بپذیرد، که او بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

خداوند! تو را به نامی می‌خوانم و به اسمی قسم می‌دهم که برگزیده‌ات، پدر ما آدم علیه السلام، تو را به آن خواند و تو او را اجابت کرده و توبه‌اش را پذیرفتی و در حالی که او گناه کرده و بر خودش ستم روا داشته بود، تو او را بخشیدی و دعایش را مستجاب فرمودی و او را به خود نزدیک ساختی. ای کسی که از من به من نزدیکتری! از پیشگاه مقدّست استدعا می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و از گناهان من بگذری و از من خشنودگرددی و اگر از من خشنود نمی‌شوی، پس مرا عفو فرما که من گناهکار و ستمگرم و لغزشم زیاد است. آری، چه بسا مولایی که از بنده خود در می‌گذرد در حالی که از او راضی نیست. تقاضای دیگرم این است که بندگان را از من راضی نمایی و حق خودت را درباره من نادیده محسوب فرمایی.

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ إِدْرِيسُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَعَلْتَهُ
صَدِيقًا نَبِيًّا وَ رَفَعْتَهُ مَكَانًا عَلِيًّا وَ اسْتَجَبْتَ دُعَائَهُ وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا
قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُجْعَلَ مَابِي إِلَى جَنَّتِكَ وَ
مَحَلِّي فِي رَحْمَتِكَ وَ تُسَكِّنَنِي فِيهَا بِعَفْوِكَ وَ تُزَوِّجَنِي مِنْ حُورِهَا
بِقُدْرَتِكَ يَا قَدِيرُ.

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ إِذْ نَادَى: «رَبِّهِ أَنِّي مَغْلُوبٌ
فَاَنْتَصِرْ فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ وَ فَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَمَى
الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ وَ حَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ الْأَوَاحِ وَ دُسرٍ»^١ فَاسْتَجَبْتَ
دُعَائَهُ وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ
تُنَجِّنِي مِنْ ظَلَمٍ مَنْ يُرِيدُ ظُلْمِي وَ تَكْفِ عَنِّي بَأْسَ مَنْ يُرِيدُ هَضْمِي وَ
تَكْفِيتِي شَرَّ كُلِّ سُلْطَانٍ جَائِرٍ وَ عَدُوِّ قَاهِرٍ وَ مُسْتَخَفِّ قَادِرٍ وَ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ
كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَ إِنْسِي شَدِيدٍ وَ كَيْدِ كُلِّ مَكِيدٍ يَا حَلِيمُ يَا دُودُ.

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيِّكَ صَالِحٍ عَلَيْهِ
السَّلَامُ فَجَعَلْتَهُ مِنَ الْخَسَفِ وَ أَعْلَيْتَهُ عَلَى عَدُوِّهِ وَ اسْتَجَبْتَ دُعَائَهُ وَ
كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُخَلِّصَنِي
مِنْ شَرِّ مَا يُرِيدُنِي أَغْدَانِي وَ سَعَى بِي حُسَادِي وَ تَكْفِيتِهِمْ بِكِفَايَتِكَ ،
تَتَوَلَّانِي بِوَلَايَتِكَ وَ تَهْدِي قَلْبِي بِهَدَاكَ وَ تُؤَيِّدُنِي بِتَقْوَاكَ وَ تُبَصِّرُنِي
(وَ تَنْصُرُنِي) بِمَا فِيهِ رِضَاكَ وَ تُغْنِيَنِي بِغِنَاكَ يَا حَلِيمُ.

بار الها! من تو را به نامی می خوانم که ادریس علیه السلام تو را بدان خواند و تو او را به مقام راستگویان و درست کرداران و به پیامبری رسانندی و مقامی بس بلند به او ارزانی فرمودی؛ دعایش را مستجاب کردی و او را به خود نزدیک ساختی. اکنون ای نزدیکتر از من به خودم! از درگاه با عظمت تو استدعا می کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و پایان کار مرا بهشت برین قرار دهی و مرا در دریای رحمت خود غوطه ور سازی و با آمرزش گناهان، مرا در بهشت جای دهی و حوریان بهشتی را با من همسر فرمایی، به توانایی بی نهایت تو ای قادر متعال!

خداوند! تو را به نامی می خوانم که نوح علیه السلام در سایه آن به درگاهت بار یافت و عرضه داشت: «خداوند! من مغلوب و مقهور گشته ام، پس مرا یاری کن. و [در قرآن فرموده ای که] درهای آسمان را گشودیم و بارانی کوبنده و ویرانگر فرو فرستادیم و از زمین چشمه های پر آب به جوشش در آوردیم! و آنها از زمین و آسمان به هم پیوستند و آنچه مقدر بود، انجام شد و نوح از آن دریای خروشان نجات یافت و بر کشتی ساخته شده از چوب و میخ سوار شد.» [پروردگارا!] تو نیاز و احتیاج او را تأمین نمودی و او را به خود نزدیک ساختی. اکنون ای نزدیکترین افراد به من! از درگاهت استدعا می کنم که درود خودت را بر محمد و آل محمد فرو فرستاده، مرا از ستم هر ظالمی که اندیشه ستمی درباره من دارد رهایی بخشی و شر هر زمامدار جفاکار و دشمن توانا و هر صاحب قدرت خوارکننده و زورگوی کینه توز و شیطان رانده شده و انسان بد رفتاری را از من دور فرمایی و مرا از نقشه و کید فریب دهندگان در امان داری، ای بردبار و حلیم و ای خدای مهربان!

خداوند! تو را به نامی که بنده و پیامبرت صالح علیه السلام تو را به آن خواند و دعا کرد، می خوانم. تو دعایش را مستجاب نمودی و او را از فرو رفتن در زمین حفظ فرمودی و بر دشمنانش او را برتری بخشیدی و در مقام قرب، منزلت دادی. ای خداوند نزدیک! صلوات و درود مرا بر حبیب خود محمد و آل او فرو فرست و مرا از شر دشمنانم، ایمن دار و از بدیهای حسودان حفظ کن و خودت امور مرا کفایت نما و در زیر لوای ولایت خود مرا هدایت کن و قلب مرا به خود متوجه فرما و به وسیله تقوی و بصیرت و توفیق تحصیل رضای خود را به من عنایت کن و با بی نیازی.

إلهى وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِى دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيُّكَ وَ خَلِيلُكَ
 إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ أَرَادَ نُمُودُ الْإِقَائَةِ فِي النَّارِ فَجَعَلْتَ لَهُ النَّارَ
 بَرْدًا وَ سَلَامًا وَ اسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاؤُهُ وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ
 عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُبَيِّدَ عَنِّي حَرَّ نَارِكَ وَ تُطْفِئَ عَنِّي لَهَبَهَا وَ
 تُكْفِيتَنِي حَرَّهَا وَ تَجْعَلَ نَائِزَةَ أَعْدَائِي فِي شِعَارِهِمْ وَ دِنَارِهِمْ وَ تَوَدَّ كَيْدَهُمْ
 فِي نُحُورِهِمْ وَ تُبَارِكَ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَنِيهِ كَمَا بَارَكْتَ عَلَيْهِ وَ عَلَيَّ آلِهِ،
 إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ.

إلهى وَ أَسْأَلُكَ بِالِاسْمِ الَّذِى دَعَاكَ بِهِ إِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَعَلْتَهُ
 نَبِيًّا وَ رَسُولًا وَ جَعَلْتَ لَهُ حَرَمَكَ مَنْسَكًا وَ مَسْكَنًا وَ مَأْوَى وَ اسْتَجَبْتَ
 لَهُ دُعَاؤُهُ وَ نَجَّيْتَهُ مِنَ الذَّبْحِ وَ قَرَّبْتَهُ رَحْمَةً مِنْكَ وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا
 قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْسَحَ لِي فِي قَبْرِى وَ نُحْطَّ
 عَنِّي وَ ذُرَى وَ تُشَدِّقَ لِي أَرْزَى وَ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي وَ تَرْزُقَنِي التَّوْبَةَ بِحُطَّ
 السَّيِّئَاتِ وَ تَضَاعِفَ الْحَسَنَاتِ وَ كَشَفَ الْبَلِيَّاتِ وَ رِيحِ التَّجَارَاتِ وَ دَفَعَ
 مَعْرَةَ السَّعَايَاتِ، إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ وَ مُنْزِلُ النُّبُرَاتِ وَ قَاضِي
 الْحَاجَاتِ وَ مُعْطِي الْخَيْرَاتِ وَ جَبَّارُ السَّمَوَاتِ.

إلهى وَ أَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلْتَكَ بِهِ ابْنُ خَلِيلِكَ إِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِى
 نَجَّيْتَهُ مِنَ الذَّبْحِ وَ قَدَّيْتَهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ وَ قَلَّبْتَ لَهُ الْمِشْقَصَ حَتَّى نَاجَاكَ
 مُوقِنًا بِذَبْحِهِ رَاضِيًا بِأَمْرِ الْإِلَهِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاؤُهُ وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا
 قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُنَجِّتَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ بَلِيَّةٍ
 وَ تُصْرِفَ عَنِّي كُلَّ ظُلْمَةٍ وَ خِيَمَةٍ وَ تُكْفِيتَنِي مَا أَهَمَّتَنِي مِنْ أُمُورٍ

و ثروتهای مادی و معنوی خود مرا بی‌نیاز فرما، ای خداوند حلیم و بردبار!
 بار خدا یا! تو را به همان نامی که بندهٔ صالح و پیامبر بزرگت ابراهیم علیه السلام خواند و تو
 او را از آتش نمرود نجات دادی، می‌خوانم که بر محمد و آل او درود فرستی و آتشی را
 که دشمنان برای من افروخته‌اند به جان خودشان برگردانی. آنچه را که به من عنایت
 فرمودی بدان گونه که بر آن حضرت (ابراهیم علیه السلام) و خاندان عزیزش مبارک نمودی، بر
 من نیز مبارک گردان، ای آن که ذات پاکت، بخشنده و ستوده و بزرگوار است!

خداوند! به اسمی که اسماعیل علیه السلام تو را بدان خواند و در سایهٔ آن نام، او را به
 پیامبری رساندی و خانهٔ خودت را منزل و پناهگاه او قرار دادی و دعایش را مستجاب
 نمودی و از قربانی شدن نجاتش دادی و از بهشت برایش گوسفند قربانی (فدا) فرستادی
 و او را به خویش نزدیک ساختی. ای از همه نزدیکتر به من! از پیشگاه مقدّست استدعا
 می‌کنم که بر پیامبر عزیزت محمد بن عبدالله و خاندان گرامی‌اش درود خود را
 نازل فرمایی. خانهٔ قبر مرا وسیع کن و بار سنگینی گناه را از دوشم بردار و توانمندی و
 پایمردی نصیب فرما. گناهانم را بیامرز و با پاک نمودن گناهانم، مرا به مقام توبه نایل
 فرما. خوبیهام را دوچندان ساز و گره از مشکلاتم بگشا و در تجارت بهره‌مندم ساز و
 آزار بدگوییها را از من دور گردان، ای آن که ذات پاکت اجابت‌کنندهٔ دعاها، عطاکنندهٔ همهٔ
 خوبیها، فرو فرستندهٔ تمام برکات و فرمانروای مطلق آسمانها است!

خداوند! از تو درخواست می‌کنم به چیزی که اسماعیل علیه السلام فرزند خلیل تو را بدان
 خواندت و تو او را از کشته شدن نجات دادی و قربانی بزرگ برایش فرستادی و جلوی
 تیزی کارد را گرفتی و به آن اجازهٔ بریدن ندادی و در حالی که او خود را برای ذبح شدن
 آماده نموده و امر پدر را اطاعت کرده و راضی بدین امر بود، دعایش را مستجاب نمودی و او را به
 مقام قرب نایل کردی ای خدایی که از همه به من نزدیکتری! از پیشگاه مقدّست استدعا می‌کنم که
 درود خود را بر محمد و آل محمد فرو فرستی و مرا از هر بدی و سختی برهانی و ظلم ستمگران را
 از من دور نمایی و در امور دنیوی و آخروی که بر آنها بیمناک هستم، مرا کفایت

دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي وَ مَا أَحَاذِرُهُ وَ أَخْشَاهُ وَ مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ بِحَقِّ
آلِ نِسِ .

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ لَوْطُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَجَّيْتَهُ وَ
أَهْلَهُ مِنَ الْخَسْفِ وَ الْهَذْمِ وَ الْمَثَلَاتِ وَ الشَّدَدِ وَ الْجُهْدِ وَ أَخْرَجْتَهُ وَ أَهْلَهُ
مِنَ الْكُذْبِ الْعَظِيمِ وَ اسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاؤُهُ وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَأْذَنَ لِي بِجَمِيعِ مَا شِئْتَ مِنْ سَمَلِي وَ
تَقْرَ عَيْنِي بِوَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ تُصْلِحَ لِي أُمُورِي وَ تُبَارِكَ لِي فِي
جَمِيعِ أَحْوَالِي وَ تُبَلِّغَنِي فِي نَفْسِي آمَالِي وَ أَنْ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ وَ
تَكْفِيَنِي شَرَّ الْأَشْرَارِ بِالْمُضْطَفِّينَ الْأَخْيَارِ الْأَيْمَةِ الْأَبْرَارِ وَ نُورِ الْأَنْوَارِ
مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَيْمَةِ السَّمْعَاءِ وَالصَّفْوَةِ
الْمُنْتَجِبِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَ تَرْزُقَنِي مُجَالَسَتَهُمْ وَ تَمُنَّ عَلَيَّ
بِمُرَافَقَتِهِمْ وَ تُؤَفِّقَ لِي صُحْبَتَهُمْ مَعَ أَنْبِيَائِكَ الْمُزْسَلِينَ وَ مَلَائِكَتِكَ
الْمُقَرَّبِينَ وَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ
وَ الْكُرُوبِيِّينَ .

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي سَأَلْتُكَ بِهِ يَغْفُوبُ وَ قَدْ كُفَّ بَصْرُهُ وَ شِئْتَ
سَمَلُهُ جَمْعُهُ وَ فَقِدَ قُوَّةَ عَيْنَيْهِ ابْنُهُ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاؤُهُ وَ جَمَعْتَ سَمَلَهُ وَ
أَقْرَزْتَ عَيْنَهُ وَ كَشَفْتَ ضُرَّهُ وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْتَ تَأْذَنَ لِي بِجَمِيعِ مَا تَبَدَّدَ مِنْ أَمْرِي وَ تَقْرَ عَيْنِي
بِوَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ تُصْلِحَ شَأْنِي كُلَّهُ وَ تُبَارِكَ لِي فِي

کنی و از شرّ همه مخلوقات در امان خودت نگاهم داری، به حقّ آل یس.^۱

خداوند! به نامی که لوط تو را بدان خواند و تو او و فرزندانش را از فرو رفتن در زمین و نابود شدن و شکنجه دیدن، نجات دادی و آنان را از گرداب نیستی، به سلامت بیرون بردی، تو را به همان نام می خوانم و از تو که از من به من نزدیکتری تقاضا می کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و از آتش سوزان جهنّم مرا در پناه لطف خود نگاه داشته، اجازه فرمایی که نابسامانی هایم سامان گیرد و چشمم به خاندان و فرزندانم روشن گردد و تمام کارهای مرا بر من مبارک فرمایی و مرا به آرزوهای خودم برسانی. [خدایا!] شرّ بدخواهان را از من دور کن و مرا در آتش غضب خود نسوزان. به وسیله برگزیدگان محمد و آل محمد که همگی مشعلهای فروزان جهان وجود و هدایت کننده بندگان تواند بر من منت گذاشته، افتخار مصاحبت و همنشینی با این ذوات مقدّسه را به من عنایت فرما و نیز افتخار معاشرت و مصاحبت و مجالست با همه بندگان صالح خود مانند انبیا و اوصیا و ملائکه مقرب و حاملان عرش و ساکنان آستان با عظمتت را نصیبم فرما.

بار خدایا! در نتیجه هجران یوسف، یعقوب پیامبر بینایی خود را از دست داده و افراد خاندانش متلاشی و جمعشان پراکنده شده بود و او مایه روشنایی دیده اش، یوسف را نمی یافت تا اینکه با توسّل به یکی از اسماء مقدّسات تو را خواند و در نتیجه اجابتش فرمودی و یوسف را به او بازگرداندی و جمع پریشانش را به هم پیوند زدی و چشمان نابینایش را روشن ساختی و دردهای او را درمان کردی و او را به خود نزدیک نمودی. اینک ای خداوندی که به [همه بندگان] نزدیکی! من تو را به همان نام می خوانم و از درگاه با عظمتت می خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستاده، به من اجازه فرمایی که به خاندانم ببیوندم و پریشانی هایم سامان گیرد و خاندان و فرزندانم مایه روشنایی دیده ام شوند و تمام امور برایم آسان گردد و به خواسته ها و آرزوهایم برسم و بر من منت گذار، که شأن تو کرم است. [آری، تو کریمی] ای خداوندی که از نظر مقام و مرتبت بر همه برتری داری و ای کسی که رحمت بی نهایت همه

۱. البته منظور، وجود مقدّس رسول اکرم و خاندان عزیز اوست علیهم صوات اللّه اجمعین.

جَمِيعِ أحوَالِي وَ تَبَلَّغْنِي فِي نَفْسِي وَ آمَالِي وَ تُضَلِّحْ لِي أَعْمَالِي وَ تَمُنْ عَلَيَّ يَا كَرِيمُ يَا ذَا الْعَمَالِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيُّكَ يُوسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ نَجَّيْتَهُ مِنْ غِيَابَةِ الْجُبِّ وَ كَشَفْتَ ضُرَّهُ وَ كَفَيْتَهُ كَيْدَ إِخْوَتِهِ وَ جَعَلْتَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مُلِكًا وَ اسْتَجَبْتَ دُعَائِهِ وَ كُنْتُ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَدْفَعَ عَنِّي كَيْدَ كُلِّ كَاذِبٍ وَ شَرِّ كُلِّ حَاسِدٍ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيُّكَ مُوسَى بْنِ عُمَرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ «وَ نَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَ قَوَّيْنَاهُ نَجِيًّا»^١ وَ ضَرَبْتَ لَهُ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا وَ نَجَّيْتَهُ وَ مَنْ مَعَهُ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ اعْرَفْتَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا وَ اسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَائِهِ وَ كُنْتُ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ وَ تُقَرِّبَنِي مِنْ عَفْوِكَ وَ تَنْشُرَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ مَا تُغْنِينِي بِهِ عَنِ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ يَكُونُ لِي بَلَاغًا أَنَالُ بِهِ مَغْفِرَتَكَ وَ رِضْوَانَكَ يَا وَلِيَّيَّ وَ وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ.

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِالِاسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيُّكَ دَاوُدُ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَائِهِ وَ سَخَّرْتَ لَهُ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ مَعَهُ بِالْعَشِيِّ وَ النَّبَاكِارِ وَ الطَّيْرِ مَخْشُورَةً كُلُّ لَهَا أَوَابٌ وَ شَدَّدْتَ مُلْكَهُ وَ آتَيْتَهُ الْحِكْمَةَ وَ فَضَّلْتَ الْخِطَابَ وَ أَلْتَّ لَهُ الْحَدِيدَ وَ عَلَّمْتَهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَهُمْ وَ عَفَرْتَ ذَنْبَهُ وَ كُنْتُ مِنْهُ

موجودات را فرا گرفته است و همگان در دنیا از آن بهره‌مندند! مرا از این رحمت (رحمانیت) و نیز رحیمیت خود در دو جهان بهره‌مند فرما.

خداوند! تو را به نامی می‌خوانم که بنده و پیامبرت یوسف علیه السلام تو را بدان خواند و دعایش را مستجاب فرمودی و او را از قعر چاه، نجات دادی و مهماتش را کفایت کردی و او را از کید و مکر برادرانش رهایی بخشیدی و پس از اینکه او را به عنوان یک بنده و برده فروختند، به پادشاهی مصرش رساندی و دعایش را اجابت فرمودی و وی را به مقام قرب نایل ساختی. ای خدای نزدیک به همه! از تو می‌خواهم که بر محمد و آل او درود فرستی و کید و مکر هر مکار و حيله‌گر را از من دور فرموده و از حسد حسودان، مرا در پناه خود محفوظ داری. البته ذات پاک تو بر هر چیزی قادر و تواناست.

خداوند! تو را به نامی می‌خوانم که بنده و پیامبرت موسیٰ بن عمران علیه السلام ذات پاک تو را بدان خواند، چه آنکه در قرآنت فرموده‌ای: «موسیٰ را از وادی مقدّس طور ایمن خواندیم و برای مناجات با خود او را به خود نزدیک کردیم.» [خداوند!] دریا را برای او خشک کردی و او و همراهانش را نجات دادی و فرعون و هامان و یارانش را غرق نمودی و دعای موسیٰ را اجابت فرموده، او را به خود نزدیک ساختی. اینک، ای خدایی که نزدیکی! تو را به همان نام می‌خوانم و از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا از شرّ مخلوقات محفوظ بداری و از بخشندگی خود مرا بهره‌مند سازی و فضل و لطف خود را به من ارزانی داری، آن چنان فضلی که مرا از همه آفریدگانت بی‌نیاز فرمایی تا به آمرزش و رضوان تو دست پیدا کنم، از ولی و صاحب اختیار همه بندگان و مؤمنان! پروردگارا! تو را به نامی می‌خوانم که داود علیه السلام، بنده و پیامبرت تو را بدان خواند. دعایش را مستجاب کردی و کوهها را برای او مسخّر نمودی و طوری که صبح و شام با او همصدا شده، با تو مناجات می‌کردند؛ پرندگان را گرد او جمع کردی که همه به سوی او بیایند و با وی هم‌آواز شوند؛ سلطنتش را قوی و پهناور ساختی و او را به زیور حکمت و شناخت حق از باطل، مفتخر ساختی؛ آهن را در دستش نرم کردی و ساختن زره را به او آموختی؛ از گناهانش صرف‌نظر

قَرِيبًا يَا قَرِيبَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُسَجِّرَ لِي
جَمِيعَ أُمُورِي وَ تُسَهِّلَ لِي تَقْدِيرِي وَ تَرُزُقَنِي مَغْفِرَتَكَ وَ عِبَادَتَكَ وَ
تَذْفَعْ عَنِّي ظَلَمَ الظَّالِمِينَ وَ كَيْدَ الكَايِدِينَ وَ مَكْرَ المَاكِرِينَ وَ سَطَوَاتِ
الْفِرَاعِنَةِ الْجَبَّارِينَ وَ حَسَدَ الْحَاسِدِينَ، يَا أَمَانَ الخَائِفِينَ وَ جَارَ
المُسْتَجِيرِينَ وَ ثِقَةَ الوَائِقِينَ وَ ذَرِيعَةَ الْمُؤْمِنِينَ وَ رَجَاءَ الْمُتَوَكِّلِينَ وَ
مُعْتَمَدَ الصَّالِحِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي سَأَلْتُكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيُّكَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ
عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذْ «قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مَلَكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ
بَعْدِي إِيَّاكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»^١ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَائِهِ وَ أَطَعْتَ لَهُ الخَلْقَ وَ
حَمَلْتَهُ عَلَى الرِّيحِ وَ عَلَّمْتَهُ مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَ سَحَرْتَ لَهُ الشَّيَاطِينَ مِنْ كُلِّ
بِنَاءٍ وَ غَوَاصٍ وَ آخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ، هَذَا عَطَاؤُكَ لِأَعْطَاءِ
غَيْرِكَ وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
تَهْدِي لِي قَلْبِي وَ تَجْمَعَ لِي لُبِّي وَ تَكْفِينِي هَمِّي وَ تُؤَمِّنَ خَوْفِي وَ تَغْفِكَ
أَسْرِي وَ تُشَدِّ أَرْزِي وَ تُنْهَلِنِي وَ تُنْفِّسَنِي وَ تُسْتَجِيبَ دُعَائِي وَ تَسْمَعَ
نِدَائِي وَ لَا تَجْعَلَ فِي النَّارِ مَأْوَايَ وَ لَا الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّي وَ أَنْ تُوسِّعَ عَلَيَّ
رِزْقِي وَ تُحَسِّنَ خُلُقِي وَ تُغْفِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ
مَوْلَايَ.

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَيُّوبُ لَمَّا خَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ
بَعْدَ الصَّحَةِ وَ نَزَلَ الشُّقْمُ مِنْهُ مِنْزِلَ العَافِيَةِ وَ الضِّيقُ بَعْدَ السَّعَةِ وَ الْقُدْرَةُ
فَكَشَفَتْ ضُرَّهُ وَ رَدَّدَتْ عَلَيْهِ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ حِينَ نَادَاكَ دَاعِيًا لَكَ
رَاغِبًا إِلَيْكَ رَاغِبًا لِفَضْلِكَ شَاكِيًا إِلَيْكَ «رَبِّي إِنِّي مَسْنِي الضُّرَّ وَ أَنْتَ

نمودی و به خود نزدیکش ساختی. اکنون، ای خداوند از همه به من نزدیکتر! بر محمد و آل محمد درود فرست و همه کارها و مشکلاتم را مسحّر من قرار ده؛ مقدرات مرا آسان ساز؛ گناهانم را ببامرز و مرا به عبادت خود موفق گردان و ظلم ظالمان، نیرینگ نیرنگبازان، قدرت فرعونیان و حسد حسودان را از من دور فرما، ای امان دهنده ترسیدگان و پناه‌دهنده پناه خواهان و تکیه‌گاه اطمینان دارندگان و امید متوکلان و امید دهنده به نیکوکاران! ای مهربانترین مهربانان!

خداوند! تو را به نامی می‌خوانم که بنده و پیامبرت سلیمان بن داود علیه السلام در زیر سایه آن نام با تو مناجات کرد و «گفت: پروردگارا! مرا ببامرز و سلطنتی به من عطا فرما که پس از من به کسی اعطاء نکنی» و تو خواسته او را اجابت فرمودی و خلاق را مسحّر او قرار دادی، باد را تحت فرمان وی گذاشتی، زبان پرندگان [بلکه همه موجودات] را به او آموختی و شیاطین را مطیع او قرار دادی که وی برخی از آنان را به ساختن کاخهای مرتفع و باغها مأمور کرد و گروهی را در دریاها به غواصی وا داشت و جمعی را که موجب گمراهی خلق بودند، در غل و زنجیر به بند کشید. خداوند! این همه بخشندگی مختص ذات پاک تو است و دیگری را چنین بخشایشی نیست. تو او را به خود نزدیک ساختی. ای نزدیک به من! از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و عقل و خردم را بارور سازی، مشکلاتم را جوابگو باشی، ترس و هراس را از دلم بیرون کنی، از قید و بند نجاتم دهی، پایمردی و توانایی ام عطا کنی، مهلتم دهی و پریشانی ام را رفع و دعایم را اجابت فرمایی، ناله‌ام را بشنوی و جایگاه مرا در دوزخ قرار ندهی، دنیا را خواسته بزرگ من نسازی، روزی مرا زیاد فرمایی، حُسن و خوبی رفتار به من عنایت کنی و مرا از آتش خلاص فرمایی. تو سرور و مولای منی و به لطف تو امید و آرزو بسته‌ام.

بار خدا یا! تو را به نامی می‌خوانم که ایوب علیه السلام تو را بدان خواند، آنگاه که بلا بر او نازل شد و بیماری جای سلامتی را گرفت و تنگی معیشت جای نعمتهای فراوان را پر کرد. او تو را خواند و تو مشکلاتش را حل نمودی و خاندانش را به او بازگرداندی و شمار آنان را دو چندان قرار دادی. ایوب به درگاه تو دست نیاز برداشته، با امید به فضل و کرمّت شکایت خویش را چنین

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»^١ فَاسْتَجَبْتُ دُعَاءَهُ وَكُنْتُ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَكْشِفَ ضُرِّي وَ تُعَافِيَنِي فِي نَفْسِي، أَهْلِي وَ مَالِي وَ وَلَدِي وَ إِخْوَانِي فِيكَ عَافِيَةً بَاقِيَةً شَافِيَةً كَافِيَةً وَ إِفْرَةً هَادِيَةً نَاصِيَةً مُسْتَعْتَبَةً عَنِ الْأَطْبَاءِ وَ الْأَدْوِيَةِ وَ تَجْعَلَهَا شِعَارِي وَ دِيَارِي وَ تُمَتِّنِي بِسَمْعِي وَ بَصْرِي وَ تَجْعَلَهُمَا الْوَارِثَيْنِ مِنِّي إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يُوسُفُ بْنُ مَتَّى فِي بَطْنِ الْخَوْتِ حِينَ نَادَاكَ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ «أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»^٢ وَ أَنْتَ أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجَبْتُ لَهُ دُعَاءَهُ وَ أَنْبَتَّ عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَفْطِينٍ وَ أَرْسَلْتُهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ وَ كُنْتُ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَسْتَجِيبَ دُعَائِي وَ تُدَارِكَنِي بِعَفْوِكَ فَقَدْ عَرَفْتُ فِي بَحْرِ الظُّلْمِ لِنَفْسِي وَ رَكِيشِي مَظَالِمَ كَثِيرَةً لِخَلْقِكَ عَلَيَّ صَلَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْتُرْنِي مِنْهُمْ وَ أَعْتَقْنِي مِنَ النَّارِ وَ اجْعَلْنِي مِنْ عَتَقَائِكَ وَ طَلْقَائِكَ مِنَ النَّارِ فِي مَقَامِي هَذَا بِمَنِّكَ يَا مَنَّانُ.

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيِّكَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذْ أَيْدَتْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَ أَنْطَقْتَهُ فِي السَّهْدِ فَأَخْبَا بِهِ الْمَوْتَى وَ أَبْرَهَ بِهِ الْأَكْمَةَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ وَ خَلَقَ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَصَارَ طَائِراً بِإِذْنِكَ وَ كُنْتُ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُفَرِّغَنِي لِمَا خُلِفْتُ لَهُ وَ لَا تُشْغَلْنِي بِمَا قَدْ تَكَلَّفْتَهُ لِي

عرضه داشت «خداوند! بیچارگی به من روی آورده و همانا گذشت تو از همه بالاتراست.» در آن زمان دعایش را اجابت فرمودی و گرفتاری اش را مرتفع ساختی و وی را به خود نزدیک گرداندی. ای خدای از همه نزدیکتر! تو را می خوانم که بر محمد و آل او درود فرستی و گرفتاریهایم را برطرف نمایی و عافیت همه جانبه در مورد خود و خاندان و فرزندان و برادران به من لطف فرمایی که برای همیشه برای من و خانوادهام باقی بماند، آن چنان عافیتی که مرا از طیب بی نیاز سازد، و مرا از اعضا و جوارح بهره مند فرما به طوری که تا آخرین لحظه زندگی من، سالم و همراهم باشند. آری، تو بر همه چیز قادر و توانایی. بار خدایا! تو را به نامی می خوانم که یونس بن مثنی در شکم ماهی تو را به آن خواند. آنگاه که در تاریکیهای سه گانه بانگ برآورد که «خدایی جز ذات پاک تو نیست و من از ستمکارانم [که به نفس خود ظلم کردم]» اما تو از همه رحم کننده تری. پس دعای او را اجابت نمودی و او به خواسته اش رسید و برای وی درخت کدویی رویاندی و او را به سوی صد هزار نفر یا بیشتر فرستادی و به خودت نزدیکش ساختی. اینک ای نزدیکتر از من به من! از پیشگاه مقدّست استدعا می کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و دعایم را مستجاب فرمایی و عفو و بخشش خود را شامل حالم نمایی، زیرا من خود را در دریای ظلم به نفس غرق نموده و دربارهٔ بندگان تو ستم کرده ام. [خداوند!] بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا در زیر سایهٔ ولایت آنها نگاهداری فرما و از آتش دوزخ آزاد ساز. در همین لحظه مرا از آزادشدگان از آتش قرار ده و بر من مَنّت گذار، ای خداوند کریم!

خداوند! تو را به نامی می خوانم که بنده و پیامبرت عیسی بن مریم علیه السلام تو را به آن خواند، هنگامی که او را به وسیلهٔ روح القدس تأیید فرمودی و قدرت سخن گفتن در گهواره به او لطف کردی و مردگان را به وسیلهٔ او زنده ساختی و بیماریهای سخت و لاعلاج مانند پسی و خوره را به دست او شفا مرحمت نمودی. او مجسمهٔ پرندگان را از خاک می ساخت و بر آن می دمید و به فرمان تو روح در آن کالبد پیدا می شد. تو او را به خود نزدیک ساختی. ای از همه نزدیکتر به من! از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و به من

وَتَجْعَلَنِي مِنْ عِبَادِكَ وَرُحَادِكَ فِي الدُّنْيَا وَمِمَّنْ خَلَقْتَهُ لِعَافِيَةٍ وَهَتَاتِهِ
بِهَا مَعَ كَرَامَتِكَ يَا كَرِيمُ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ.

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَصْفُ بْنُ بَرْخِيَا عَلَى عَرْشِ
مَلَكَ سَبَا فَكَانَ أَقْلٌ مِنْ لَحْظَةِ الطَّرْفِ حَتَّى كَانَ مَضُورًا بَيْنَ يَدَيْهِ فَلَمَّا
رَأَتْهُ قِيلَ أَهْكَذَا عَوْشُكَ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ فَاسْتَجَبَتْ دُعَاؤَهُ وَ كُنْتُ مِنْهُ
قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ تُكْفِّرَ عَنِّي سَيِّئَاتِي وَ
تَقْبَلَ مِنِّي حَسَنَاتِي وَ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَ تَتُوبَ عَلَيَّ وَ تُعِينِي فَقْرِي وَ تَجْبُرَ
كَسْرِي وَ تُحْيِيَ قُودِي بِذِكْرِكَ وَ تُحْيِيَنِي فِي عَافِيَةٍ وَ تُمِيتَنِي فِي عَافِيَةٍ.
إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيِّكَ زَكْرِيَّا عَلَيْهِ
السَّلَامُ حِينَ سَأَلَكَ رَاغِبًا إِلَيْكَ رَاجِيًا لِفَضْلِكَ فَقَامَ فِي الْمِخْرَابِ يُنَادِي
بِدَاءٍ حَقِيًّا فَقَالَ رَبِّ «هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرْتُدُّ وَيَسْرُدُّ مِنْ آلِ
يَعْقُوبَ وَ اجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا»^١ فَوَهَبَتْ لَهُ يَحْيَى وَاسْتَجَبَتْ لَهُ دُعَاؤُهُ وَ
كُنْتُ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُبْقِيَ لِي
أَوْلَادِي وَ أَنْ تُمَتِّنَنِي بِهِمْ، تَجْعَلَنِي وَإِيَّاهُمْ مُؤْمِنِينَ لَكَ رَاغِبِينَ فِي
ثَوَابِكَ خَائِفِينَ مِنْ عِقَابِكَ رَاجِينَ لِمَا عِنْدَكَ آيِسِينَ مِمَّا عِنْدَ غَيْرِكَ
حَتَّى تُحْيِيَنَا حَيَوَةً طَيِّبَةً وَ تُمِيتَنَا مِيتَةً طَيِّبَةً إِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تُرِيدُ.

آرامش فکر و خیال عنایت فرمایی تا آنچه را که به خاطرش آفریده شده‌ام، خوب انجام دهم و مرا بدانچه خود عهده‌دار آن شده‌ای [مانند روزی و غیره] تکلیف مفرما. مرا بنده خویش و به دنیا بی‌علاقه قرار ده تا از کسانی باشم که به عاقبت کامل دست پیدا کرده‌اند و مرا مورد الطاف خودت قرار داده باشی، ای خدای کریم و ای بلند مقام و ای آفریدگار بزرگ!

خداوند! تو را به نامی که آصف بن برخیا برای انتقال تخت پادشاهی ملکه سبا به وسیله آن نام به پیشگاه مقدّست روی آورد و در زمانی کوتاه‌تر از یک چشم بر هم زدن، تخت در برابرشان قرار گرفت به طوری که ملکه سبا چون آن را بدید گفت «گویا همان است». [خداوند!] احتیاج او را برآوردی و او را به خود نزدیک ساختی. اینک ای نزدیکترین کس به من! از تو می‌خواهم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی و از بدیهام چشم پوشی فرمایی. [خدایا!] کارهای خوبم را بپذیر، توبه‌ام را قبول فرما و رحمت را شامل حالم گردان، احتیاجاتم را خود کفایت فرما، کمبودهایم را جبران کن، دلم را به یاد خودت زنده نگاه دار و زندگی و مرگم را همراه با عاقبت قرار ده.

پروردگارا! تو را به نامی می‌خوانم که بنده و پیامبرت زکریّا عَلَيْهِ السَّلَام ذات پاک تو را به آن خواند و دست نیاز به سویت بلند نمود و در محراب عبادت با ندایی آرام تو را خواند و عرضه داشت: «خداوند! به من فرزندی عطا فرما که وارث من و وارث آل یعقوب باشد و او را راضی قرار بده». [خداوند!] تو یحیی را به او لطف فرمودی و دعایش را مستجاب کردی و او را به خود نزدیک ساختی. ای نزدیک به من! تو را به همان نام می‌خوانم و تقاضایم این است که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی و فرزندانم را برای من نگاه داری و مرا از آنان بهره‌مند سازی و من و فرزندانم را به زیور بندگی مزین فرمایی و خلاصه اینکه بنده تو باشم. [خدایا!] ما را به نعمتهای اخروی علاقه‌مند فرما و از عذابهای آن در هراس دار؛ امید ما به تو باشد و از غیر تو منقطع باشیم تا اینکه به زندگی واقعی برسیم. آری، زندگی ما پاکیزه و مرگ ما هم پاکیزه باشد؛ همانا ذات پاکت آنچه اراده فرماید، انجام می‌دهد.

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِالِاسْمِ الَّذِي سَأَلْتَكَ بِهِ إِمْرَأَةٌ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ «رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»^١ فَاسْتَجَبْتَ لَهَا دُعَائِهَا وَ كُنْتَ مِنْهَا قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُقَوِّ عَيْنِي بِالنَّظَرِ إِلَى جَنَّتِكَ وَ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ أَوْلِيائِكَ وَ تُفَرِّجَنِي بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تُؤَسِّنِي بِهِ وَ بِآلِهِ وَ بِمُصَاحِبَتِهِمْ وَ مُرَافَقَتِهِمْ وَ تُمَكِّنَ لِي فِيهَا وَ تُنَجِّنِي مِنَ النَّارِ وَ مَا أُعِدَّ لِأَهْلِهَا مِنَ السَّلَاسِلِ وَ الْأَغْلَالِ وَ السَّدَائِدِ وَ الْأَنْكَالِ وَ أَنْوَاعِ الْعَذَابِ بِعَفْوِكَ يَا كَرِيمُ.

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَيْتَكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ صَدِيقُكَ مَرْيَمَ الْبَثُولُ وَ أُمَّ الْمَسِيحِ الرَّسُولِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذْ قُلْتَ «وَ مَرْيَمَ ابْنَةَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَتَمَخَّنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتِبَ وَ كَانَتْ مِنَ الْقَائِمِينَ»^٢ فَاسْتَجَبْتَ لَهَا دُعَائِهَا وَ كُنْتَ مِنْهَا قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُحْصِنَنِي بِحِضْنِكَ الْخَصِيِّ وَ تُخَجِّبَنِي بِحِجَابِكَ الْمَنِيِّ وَ تُعْرِزَنِي بِحِزْرِكَ الْوَثِيقِ وَ تُكَفِّتَنِي بِكَفَايَتِكَ الْكَافِيَةِ مِنْ شَرِّ كُلِّ طَاغٍ وَ ظَلَمٍ كُلِّ بَاغٍ وَ مَكْرٍ كُلِّ مَآكِرٍ وَ عَذْرٍ كُلِّ غَادِرٍ وَ سِحْرِ كُلِّ سَاحِرٍ وَ جُورِ كُلِّ سُلْطَانٍ جَائِرٍ بِمَنْعِكَ يَا مَنِيغُ.

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِالِاسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيُّكَ وَ صَفِيُّكَ وَ خَيْرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ وَ بَعِيثِكَ إِلَى بَرِيَّتِكَ وَ رَسُولِكَ إِلَى خَلْقِكَ مُحَمَّدًا خَاصَّتَكَ وَ خَالِصَّتَكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

خداوند! به نامی می خوانمت که همسر فرعون تو را به آن خواند، هنگامی که عرض کرد: «خداوند! برای من در بهشت کاخی بنا کن و مرا از چنگال فرعون نجات ده و مرا از شرّ این قوم جفاکار رهایی بخش». تو خواسته‌اش را برآوردی و او را به خویش نزدیک ساختی. اینک ای خدای نزدیک به من! از تو می خواهم که بر محمد و آل او درود فرستی و دیدگان مرا با دیدن بهشت روشنی بخشی؛ زیارت چهره کریمانه اولیای خود را نصیب فرمایی؛ مرا همدم و همنشین محمد و آل محمد قرار دهی؛ در پناه این خاندان مسرورم نمای؛ مرا در بهشت منزل دهی و از آنچه برای دوزخیان چون زنجیرهای گران، آهنهای گداخته، سختیهای فراوان و خواری ابدی و دیگر عذابها آماده فرموده‌ای مرا دور قرار دهی؛ البته با بخشایش و بزرگواری تو، ای کریم!

خداوند! به نامی که مریم بتول، بنده راستگو درست کردارت، تو را بدان خواند که در قرآن فرموده‌ای: «مریم دختر عمران بانویی که خود را پاک نگاه داشت و ما از روح خود در او دیدیم. او کلمات و کتب پروردگارش را باور داشت و از فرمانبرداران بود». پس دعایش را مستجاب نمودی و او را به خود نزدیک ساختی، اکنون، ای خدای نزدیک به من! به همان نام تو را می خوانم و از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا در قلعه محکم خود نگاهداری فرمایی و در پرده‌های شکوه و جلال مرا محفوظم داری و در پناهگاه خلل ناپذیر خود جایم دهی و از شرّ هر طغیانگر و ستم‌پیشه در امانم داری. نیرنگ نیرنگبازان و فریب فریبکاران را از من دور گردانی و در برابر سحر جادوگران و فرمانروایان گنه‌پیشه مرا کفایت فرمایی، به رفعت شأن تو ای والامقام!

خداوند! تو را به نامی می خوانم که بنده پاکیزه و برگزیده‌ات و بهترین شخصیت میان بندگان و مخلوقات و آنکه او را امین وحی خود قرار دادی و بر عموم مردم به رسالت مبعوث فرمودی، آن محمدی که (صلی الله علیه و آله و سلم) او را خالص و برگزیده برای خویش قرار دادی، پس دعای او را مستجاب فرمودی

وَسَلَّمَ فَاسْتَجَبَتْ دُعَائُهُ وَ أَيْدَتُهُ بِجُنُودٍ لَمْ يَرَوْهَا وَ جَعَلَتْ كَلِمَتَكَ الْعُلَى
 وَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلَّى عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوةً زَاكِيَةً طَيِّبَةً نَامِيَةً بَاقِيَةً مُبَارَكَةً كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى
 أَبِيهِمْ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ بَارِكْ عَلَيْهِمْ كَمَا بَارَكْتَ عَلَيْهِمْ وَ سَلِّمْ
 عَلَيْهِمْ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَيْهِمْ وَ زِدْهُمْ فَوْقَ ذَلِكَ كُلَّهُ زِيَادَةً مِنْ عِنْدِكَ وَ
 اخْلُطْنِي بِهِمْ وَ اجْعَلْنِي مِنْهُمْ وَ اخْشُرْنِي مَعَهُمْ وَ فِى زُمْرَتِهِمْ حَتَّى
 تَسْقِيَنِي مِنْ حَوْضِهِمْ وَ تُدْخِلْنِي فِى جَنَّاتِهِمْ وَ تَجْمَعْنِي وَ إِيَّاهُمْ وَ تُفَرِّقَ
 عَنِّي بِهِمْ وَ تُغْفِرَنِي سُؤْلِي وَ تُبَلِّغَنِي آمَالِي فِى دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي
 وَ مَخْيَايَ وَ مَمَاتِي وَ تُبَلِّغَهُمْ سَلَامِي وَ تَرُدَّ عَلَيَّ مِنْهُمْ وَالسَّلَامَ وَ عَلَيْهِمُ
 السَّلَامُ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

إِلَهِي وَ أَنْتَ الَّذِي تُنَادِي فِى أَنْصَافِ كُلِّ لَيْلَةٍ هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأُعْطِيهِ؟ أَمْ
 هَلْ مِنْ دَاعٍ فَأَجِيبُهُ؟ أَمْ هَلْ مِنْ مُسْتَعْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ؟ أَمْ هَلْ مِنْ رَاجٍ فَأُبَلِّغَهُ
 رِجَاهُ؟ أَمْ هَلْ مِنْ مُؤَمِّلٍ فَأُبَلِّغَهُ أَمَلَهُ؟ هَا أَنَا سَائِلُكَ بِفِنَائِكَ وَ مُسْكِنُكَ
 بِبَابِكَ وَ ضَعِيفُكَ بِبَابِكَ وَ فَقِيرُكَ بِبَابِكَ وَ مُؤَمِّلُكَ

و به وسیله نیروهای نامرئی، وی را مدد رساندی و دین مقدّس اسلام را یاری کردی و آیین کفر را سرنگون و او را به خود نزدیک ساختی، اکنون، ای پروردگار از همه چیز به من نزدیکتر [حتّی از خودم به خودم]! از پیشگاه مقدّست تقاضا می‌کنم که بر محمّد و آل او درود فرستی و درودی که پاکیزه و در حال رشد و تکامل باشد و همان طوری که بر پدرشان ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی، و برکات خود را بر آن حضرت و آل او ارزانی فرما همچنان که بر ابراهیم و فرزندان او نازل فرمودی. [خداوندا!] مرا نیز از این الطاف بهره‌مند ساز و از جمله آنان محسوبم فرما و در زمره آنان محشورم کن تا اینکه از حوض کوثر سیراب شوم. [بار خدایا!] مرا در میان خاندان محمّد و آل محمّد قرار ده و با آن عزیزان همراهم فرما و چشمانم را به زیارت این دودمان پاک روشن کن. [خداوندا!] خواسته‌هایم را برآور و مرا به آرزوهایم در دو جهان نایل فرما. حیات و مرگ مرا آن گونه که می‌خواهی قرار ده [تا با ایمان زندگی کنم و با ایمان از دنیا بروم]. سلام مرا به خاندان عزیز نبوّت برسان و پاسخ سلام مرا به من بازگردان. سلام و رحمت بی‌نهایت الهی بر این خاندان باد.

● خواننده گرامی! فرازهای بزرگی در این عبارات دیده می‌شود:

۱. رسالت عامه حضرت محمّد بن عبدالله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر همه مردم.
۲. خداوند او را برای خودش انتخاب و اختیار فرموده است.
۳. از خداوند متعال استدعا شده است که سلام دعاکننده را به آن حضرت ابلاغ فرماید.
۴. از پروردگار متعال تقاضا شده است که جواب سلام را گرفته، آن را به سلام‌کننده برگرداند.

خداوندا! منادی در نیمه‌های شب از جانب تو ندا می‌کند: آیا سؤال‌کننده‌ای هست تا خواهش او را برآورده کنم؟ آیا دعاکننده‌ای هست تا دعای او را اجابت کنم؟ آیا گنهکاری هست تا در سایه توبه، گناهان او را ببخشم؟ آیا امیدواری هست تا او را به امیدش برسانم؟ اینک، ای خداوند بزرگ! من دست نیاز و گدایی به در خانه تو آورده‌ام و مسکینی هستم که در خانه تو را می‌کوبم؛ درمانده‌ای هستم که بر در خانهات ایستاده‌ام؛ مستمندی هستم که به در خانهات

بِفِنَائِكَ، أَسْأَلُكَ نَائِلَكَ وَآزِجُو رَحْمَتِكَ وَأَوْمَلُ عَفْوِكَ وَالْتِمِسُ
 غُفْرَانِكَ فَضْلًا عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْطِنِي سُؤْلِي وَبَلِّغْنِي أَمَلِي
 وَاجْبُرْ قَفْرِي وَارْحَمْ عِضْيَانِي وَاعْفُ عَن ذُنُوبِي وَفُكَّ رَقَبَتِي مَن
 الْمَظَالِمِ لِعِبَادِكَ رَكِيتُنِي وَقَوِّ ضَعْفِي وَأَعِزِّ مَسْكِنَتِي وَتَبِّثْ وَطَأْتِي
 وَاعْفِرْ جُزْمِي وَانْعِمْ بَالِي وَانْكُزْ مِنَ الْخِلَالِ مَالِي وَخَزْلِي فِي جَمِيعِ
 أُمُورِي وَأَفْعَالِي وَرَضِّنِي بِهَا وَارْحَمْنِي وَوَالِدَتِي وَمَا وَلَدَا مِن
 الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَخْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمَوَاتِ إِنَّكَ سَمِيعُ
 الدَّعَوَاتِ وَالْأَهْمَنِي مِنْ بَرِّهِمَا مَا أَسْحَقُ بِهِ ثَوَابَكَ وَالْجَنَّةَ وَتَقْبَلُ
 حَسَنَاتِهِمَا وَاعْفِرْ سَيِّئَاتِهِمَا وَاجْزِهِمَا بِأَحْسَنِ مَا لِقَابِي ثَوَابَكَ وَالْجَنَّةَ.
 إِلَهِي وَقَدْ عَلِمْتُ يَقِينًا أَنَّكَ لَا تَأْمُرُ بِالظُّلْمِ وَلَا تَرْضَاهُ وَلَا تَمِيلُ إِلَيْهِ،
 لِأَنْهَوَاهُ وَلَا تُجِئُهُ وَلَا تَغْشَاهُ وَتَعْلَمُ مَا فِيهِ هَوْلَاءِ الْقَوْمِ مِنْ ظُلْمِ عِبَادِكَ
 وَبُغْيِهِمْ عَلَيْنَا وَتَعْدِيهِمْ بَعِيرِ حَقٍّ وَلَا مَعْرُوفٍ بَلْ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا وَزُورًا
 وَبُهْتَانًا فَإِن كُنْتَ جَعَلْتَ لَهُمْ مُدَّةً لَا بُدَّ مِنْ بُلُوغِهَا أَوْ كَتَبْتَ لَهُمْ آجَالًا
 يَنَالُونَهَا فَقَدْ قَلَّتْ، قَوْلُكَ الْحَقُّ وَوَعْدُكَ الصِّدْقُ «يَمُخُّوا اللَّهَ مَا يَشَاءُ
 وَيُثَبِّثُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ»^١ فَإِنَا أَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلْتَ بِهِ عِبَادَكَ
 الصَّالِحِينَ وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ أَنْ تَمُخَّوْا مِن أُمِّ الْكِتَابِ ذَلِكَ وَتَكْتُبْ
 لَهُمُ الْإِضْمِحْلَالَ وَالْمَخَقَّ حَتَّى تُقَرَّبَ آجَالُهُمْ، تَقْضِي مُدَّتَهُمْ وَتَذْهَبَ
 أَيَاتُهُمْ وَتُبْتَرَ أَعْمَارُهُمْ وَتُهْلِكَ فُجَارُهُمْ وَتُسَلِّطَ بَغْضَهُمْ عَلَى بَغْضِ

حَتَّى

روی آورده‌ام؛ آرزومندی هستم که به امید رسیدن به آرزوی خود به درگاهت رو کرده‌ام. به رحمت امیدوار و به آمرزشت نیازمندم. پس بر محمد و آل محمد درود بفرست و خواسته‌ام را برآور و مرا به آرزویم برسان. فقر و تهیدستی مرا جبران فرما، بر سرکشی من رحم کن و از گناهانم درگذر؛ از [عقاب] ستمهایی که بر بندگان روا داشتی نجاتم ده؛ ناتوانی‌ام را به قدرت و بیچارگی‌ام را به عزت مبدل ساز؛ مرا ثابت قدم بدار و لغزشهایم را ببخش؛ کارم را اصلاح فرما؛ ثروت فراوان و حلال نصیبم کن؛ در هر کاری برایم اراده خیر فرما و مرا از آن خشنود ساز. [خداوند!] من و پدر و مادرم و فرزندان آنان از مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان مسلمان، اعم از زنده و مرده، همگی را از رحمت بی‌نهایت خود بهره‌مند فرما؛ همانا تو با ذات پاک خود، دعا را می‌شنوی و اجابت می‌فرمایی. [خدایا!] راه خدمت و نیکوکاری نسبت به پدر و مادر را به من بنما تا شایسته قرب تو و بهشت برین گردم. اعمال خوب پدر و مادرم را بپذیر و گناهان آنان را بیامرزد و پاداش آندو را بالاتر از آنچه کردند، ثواب و بهشت خودت قرار ده.

خداوند! یقین دارم که امر به ظلم و ستم نمی‌کنی و بدان راضی و خشنود نیستی؛ به ظلم گرایش نداری و بیدادگری را دوست نمی‌داری؛ کسی را گرفتار تاریکی نمی‌کنی و می‌دانی که گروه ستمگران تا چه اندازه بر بندگان ستم روا داشته‌اند (بدانان جفا کرده و بدون هیچ حقی به آنها تعدی نموده‌اند) این نابکاران، تنها پایگاهشان ظلم و کینه‌توزی و کلمات ناپسند و بُهتان است. حال اگر برای این دسته، زمانی را مقرر فرموده‌ای که باید به پایان برسد یا اجل آنان را معین کرده‌ای که باید بدان دست یابند، از آن طرف خود در قرآن سخنی گفته‌ای که حق است و وعده فرموده‌ای که حتماً باید انجام شود و آن قابل انکار نیست: «خداوند آنچه را که بخواهد محو می‌کند و آنچه را که اراده فرماید ثابت می‌دارد و نزد اوست اُمّ الکتاب»، اینک تو را به چیزی می‌خوانم که همه انبیاء و فرستادگان و بندگان صالح و ملائکه مقرب، تو را بدان خوانند، که این مهلت را برای این دسته از امّ الکتاب محو فرمائی و به جای آن نابودی آنان را مقرر نمایی تا اینکه مدّت زندگی آنان خاتمه یافته، مرگشان فرارسد، بدکاران آنها را هلاک فرمایی و بعضی از آنها را بر برخی دیگر مسلط سازی تا اینکه احدی از آنان باقی نماند و هیچ یک از آنان را

لَا يَنْفَعِي مِنْهُمْ أَحَدٌ وَلَا تُنَجِّي مِنْهُمْ أَحَدًا وَتُفَرِّقَ جُمُوعَهُمْ وَ تَكِلَ
 سِلَاحَهُمْ وَ تَبَدَّدَ سَمْلَهُمْ وَ تَقَطَّعَ آجَالَهُمْ وَ تَقْصُرَ أَعْمَارَهُمْ وَ تُزَلِّزَ
 أَقْدَامَهُمْ وَ تُظَهِّرَ بِلَادَكَ مِنْهُمْ وَ تُظَهِّرَ عِبَادَكَ عَلَيْهِمْ فَقَدْ غَيَّرُوا سُنَّتَكَ وَ
 نَقَضُوا عَهْدَكَ وَ هَتَكُوا حَرِيْمَكَ وَ اتَّوَا عَلَى مَا نَهَيْتَهُمْ عَنْهُ وَ عَتَا عَثْوًا
 كَبِيرًا وَ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أذُنِ لِحْنَمِهِمْ
 بِالسَّاتِ وَ لِحْيَتِهِمْ بِالْمَمَاتِ وَ لِأَرْوَاجِهِمْ بِالنَّهْبَاتِ وَ خَلَّضَ عِبَادَكَ مِنْ
 ظُلْمِهِمْ وَ أَقْبَضَ أَيْدِيَهُمْ عَنِ هَضْمِهِمْ وَ طَهَّرَ أَرْضَكَ مِنْهُمْ وَ أذُنِ بِحَصْدِ
 نَبَاتِهِمْ وَ اشْتِصَالَ شَاقَتِهِمْ وَ شَتَاتِ سَمْلِهِمْ وَ هَذَمِ بُنْيَانِهِمْ يَا ذَا الْجَلَالِ
 وَالْإِكْرَامِ.

وَ أَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَ إِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ وَ رَبِّي وَ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَ أَدْعُوكَ بِمَا
 دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ نَبِيَّاكَ وَ صَفِيَّاكَ مُوسَى وَ هَارُونَ
 عَلَيْهِمَا السَّلَامُ حِينَ قَالَ دَاعِيَيْنِ لَكَ رَاجِعَيْنِ لِفَضْلِكَ «رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ
 فِرْعَوْنَ وَ مَلَأَهُ زِينَةً وَ أَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ
 رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَ اشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَسْرُوا
 الْعَذَابَ الْأَلِيمَ»^١ فَصَنَنْتَ وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمَا بِالْإِجَابَةِ لَهُمَا إِلَى أَنْ قَرَعْتَ
 سَمْعَهُمَا بِأَمْرِكَ فَقُلْتَ.

اللَّهُمَّ رَبِّ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَ لَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا
 يَعْلَمُونَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَطْمِسَ عَلَى أَمْوَالِهِ هَوْلًا
 الظُّلْمَةِ وَ أَنْ تُشَدِّدَ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ أَنْ تُخَسِفَ بِهِمْ بَرَكًا وَ أَنْ تُغْرِقَهُمْ فِي
 بَخْرِكَ فَإِنَّ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا فِيهِمَا لَكَ وَ أَرِ الْخَلْقَ قُدْرَتَكَ فِيهِمْ

از این سختیها نجات ندهی. [خدا یا!] جمعیت آنان را از هم پباش و اسلحه آنها را از کار بینداز؛ وحدتشان را به تفرقه مبدل کن و مرگشان را برسان؛ عمرشان را کوتاه کن؛ گامها و قدمهایشان را بلغزان؛ شهرهای خود را از لوٹ و جودشان پاک کن و بندگان را بر آنان پیروز گردان. آری، اینها سنتهای تو را دگرگون ساختند، پیمان تو را شکستند، هتک احترام تو نمودند، آنچه را نهی فرموده بودی به جای آوردند و به سرکشی و گردن فرازی پرداختند و در گمراهی آشکار غوطه ور شدند. [خداوند!] بر محمد و آل محمد درود فرست و جمع این کافران و بیدادگران را پریشان ساز و مرگ را بر زندگان آنان، مسلط فرما؛ همسران آنها را بدنام کن؛ بندگان را از جفای آنان نجات ده؛ دست ایشان را از چپاول و غارت اموال مردم کوتاه نما؛ زمین را از لوٹ و جودشان پاک فرما؛ زراعتشان را نابود ساز؛ بنیانشان را از ریشه برکن؛ پیوندشان را مبدل به جدایی فرما و پیکرشان را در هم شکن، ای پروردگار صاحب جلال و کرم!

ای معبود من و همه مخلوقات، و ای پروردگار من و همه موجودات! به درگاهت دست نیاز دراز می‌کنم و از تو می‌خواهم که آنچه را که به دو بنده و پیامبر و برگزیده‌ات، موسی و هارون که البته با دلی پر از امید تو را خواندند، عطا فرمودی و در دعایشان چنین عرضه داشتند: «ای پروردگار ما! تو فرعون و عمالش را از زینتها و ثروت دنیا برخوردار فرموده‌ای که بدین وسیله بندگان تو را از راه تو منحرف کنند. خداوند! دارایی آنها را نابود فرما و دل‌هایشان را سخت بر بند که اینان ایمان نیاورند تا هنگامی که عذاب دردناک را مشاهده کنند». پس تو ای خدا! بر آندو (موسی و هارون عليه السلام) منت گذاشته، دعایشان را مستجاب فرمودی و به گوش جان شنیدند که: «دعایتان اجابت شد، استقامت کنید و راه نادانان را نبویید». [آری، به همان نام تو را می‌خوانم] که بر محمد و آل او درود فرستاده، اموال این ستمکاران را نابود کن و دل‌هایشان را سخت بر بند. آنان را در دل خشکی فرو بر و برکات را از آنها بگیر و آنها را در دریاها غرق کن؛ زیرا آسمان و زمین و هر چه در آن هست ملک توست. [خداوند!] قدرت زوال‌ناپذیر و سیطره عظیم خود را به مخلوقات بنما

وَبَطَشْتِكَ عَلَيْهِمْ فَأَفْعَلُ ذَلِكَ بِهِمْ وَعَجَّلَ لَهُمْ ذَلِكَ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ
خَيْرَ مَنْ دُعِيَ وَ خَيْرَ مَنْ تَذَلَّلَتْ لَهُ الْوُجُوهُ وَ رُفِعَتْ إِلَيْهِ الْأَيْدِي وَ دُعِيَ
بِالْأَسْنِ وَ شَخَّصَتْ إِلَيْهِ الْأَبْصَارُ وَ أَمَّتْ إِلَيْهِ الْقُلُوبُ وَ نُعِلَتْ إِلَيْهِ الْأَقْدَامُ
وَ تُحَوِّكِمَ إِلَيْهِ فِي الْأَعْمَالِ.

إِلَهِي وَ أَنَا عَبْدُكَ أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَبْهَاهَا وَ كُلِّ أَسْمَائِكَ بِهَيْئِ بَلِ
أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُرَكِّبَهُمْ
عَلَيَّ أُمَّ رُؤُوسِهِمْ فِي رُبُوبِيَّتِهِمْ وَ تُزِدِّيَهُمْ فِي مَسْهُوِي حُفْرَتِهِمْ وَ أَرَامِيهِمْ
بِحَجْرِهِمْ وَ ذَكِّمَهُمْ بِمَشَاقِصِهِمْ وَ اكْتِيبُهُمْ عَلَيَّ مَنَاخِرِهِمْ وَ اخْتَفُهُمْ بِوَتَرِهِمْ
وَ أَرِ دُودَ كَيْدِهِمْ فِي نُحُورِهِمْ وَ أَوْبِقُهُمْ بِسِنْدَامَتِهِمْ حَتَّى يَسْتَخْذِلُوا وَ
يَتَضَاءَلُوا بَعْدَ نَحْوَتِهِمْ، وَ يَتَقَمِّمُوا بَعْدَ اسْتِطْلَاتِهِمْ أَدِلَاءَ مَأْشُورِينَ فِي
رَبْقِ حَبَائِلِهِمُ الَّتِي كَانُوا يُؤْمَلُونَ أَنْ يَزُونَ فِيهَا وَ تُرِينَا قُدْرَتَكَ فِيهِمْ وَ
سُلْطَانَكَ عَلَيْهِمْ وَ تَأْخُذْهُمْ أَخْذَ الْقُرَى وَ هِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّهُ أَخْذَكَ الْوَالِيْمُ
السَّيِّدُ وَ تَأْخُذْهُمْ يَا رَبِّ أَخْذَ عَزِيْزٍ مُقْتَدِرٍ فَإِنَّكَ عَزِيْزٌ مُقْتَدِرٌ شَدِيْدٌ
الْعِقَابِ شَدِيْدٌ الْمِحَالِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ أِيْرَادَهُمْ عَذَابَكَ الَّذِي
أَعْدَدْتَهُ لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَمْثَالِهِمْ وَ الطَّاعِينَ مِنْ نَظَرَانِهِمْ وَ أَرَفَّقْ جِلْمَكَ
عَنْهُمْ وَ اخْلُصْ عَلَيْهِمْ غَضَبَكَ الَّذِي لَا يَقُومُ لَهُ شَيْءٌ وَ أَمُرْ فِي تَسْجِيلِ
ذَلِكَ عَلَيْهِمْ بِأَمْرِكَ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَ لَا يُؤَخَّرُ فَإِنَّكَ شَاهِدُ كُلِّ نَجْوَى وَ
عَالِمٌ

و این تقاضا را دربارهٔ آنان عملی فرما و هرچه زودتر عذاب ستمگران را برسان، ای بهتر از همه سؤال شونندگان، و ای از همه بهتر و بالاتر در اجابت دعا، و ای بهترین کسی که همه موجودات در مقابل عظمت او سر تعظیم فرود می‌آورند و دست نیاز به سوی او دراز می‌کنند و با زبان خود او را می‌خوانند و همه چشمها به سوی او دوخته شده و دلها به سوی او متوجه است و حرکتها به سوی او منتهی می‌شود و قضاوت در اعمال را به سوی او می‌برند!

خداوند!! من بندهٔ تو هستم و تو را با نام گرانقدرت می‌خوانم و می‌دانم که همه نامهای تو ارزنده و حیاتبخش‌اند. پس تو را با همه نامهایت می‌خوانم و عرضه می‌دارم که بر محمد و آل محمد درود بفرست و این فرومایگان را در دامهایی که [برای مردم] گسترده‌اند، گرفتار فرما و آنان را در گودالهایی که [برای مردم] کنده‌اند سرنگون ساز. با تیرهای خودشان آنان را از پای درآور؛ با کاردهایی که خود آماده نموده‌اند، جانشان را بگیر؛ دماغ پر از غرورشان را به خاک مذلت بمال؛ گلویشان را بفشار؛ نیرنگشان را به خودشان بازگردان و ندامتشان را سبب هلاکشان قرار ده، تا پس از گردنکشی‌ها خوار و ضعیف شوند و پس از مهلتی که به آنها داده شده، دلیل و زبون گردند و در نهایت پستی اسیر همان بندهایی شوند که آرزو داشتند ما را در آن بندها بینند. [خداوند!!] برای همیشه حکومت زوال ناپذیرت را دربارهٔ آنان به ما بنما و چنان که قبل از آنها نیروی ستمگران را در هم شکستی، این گروه را نیز به آنها ملحق فرما و تمام قدرت و جودی را از آنها بگیر. آری، عذاب و کیفر تو دردناک و کشنده است، زیرا نیرو و قدرت بی‌نهایت است.

خداوند!! بر محمد و آل محمد درود فرست و عذابی را که برای ستمگران و گردنکشان و امثال آنان فراهم فرموده‌ای هرچه زودتر بر این دسته از ظالمان نازل کن. حلم و بردباری خود را از آنان بردار و خشم و غضب خود را که هیچ قدرتی توان تحمل آن را ندارد بر آنان مسلط فرما و فرمان ده که این عذاب با شتاب بیشتر آنان را در کام خود فرو بزد؛ فرمانی که هرگز کسی آن را نادیده نخواهد گرفت و هرگز تأخیری در آن روی نخواهد داد. همانا ذات پاکت گواه بر هر گرفتار نهانی است و تو به آنچه در دلها می‌گذرد آگاهی و هیچ یک از کارهای بندگان بر تو

كُلِّ فَخَوِي وَ لَا تَخْفِي عَلَيَّكَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ خَافِيَةً وَ لَا تَذْهَبِ عَنْكَ مِنْ
 أَعْمَالِهِمْ خَائِبَةً وَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ عَالِمٌ بِمَا فِي الضَّمَائِرِ وَ الْقُلُوبِ .
 وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ وَ أُنَادِيكَ بِمَا آدَاكَ بِهِ سَيِّدِي وَ سَأَلْتُكَ بِهِ نُوحٌ إِذْ قُلْتُ
 تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ « وَ لَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ » أَجَلُ، اللَّهُمَّ
 يَا رَبِّ أَنْتَ نِعْمَ الْمُجِيبُ وَ نِعْمَ الْمَدْعُوُّ وَ نِعْمَ الْمَسْئُولُ وَ نِعْمَ الْمُنْغَطِي،
 أَنْتَ الَّذِي لَا تُخَيِّبُ سَائِلَكَ وَ لَا تُرَدُّ رَاجِيَكَ وَ لَا تَطْرُدُ الْمُلِيعَ عَنْ بَابِكَ
 وَ لَا تُرَدُّ دُعَاءَ سَائِلِكَ وَ لَا تَمُلُّ دُعَاءَ مَنْ أَمَلَكَ وَ لَا تَسْبِرُومُ بِكَ كَثْرَةَ
 حَوَائِجِهِمُ إِلَيْكَ وَ لَا يَقْضَاهَا لَهُمْ فَإِنَّ قَضَاءَ حَوَائِجِ جَمِيعِ خَلْقِكَ إِلَيْكَ
 فِي أَسْرَعِ لَحْظٍ مِنْ لَمَعِ الطَّرْفِ وَ أَخَفِّ عَلَيَّكَ وَ أَهْوَنُ عِنْدَكَ مِنْ جَنَاحِ
 بُعُوضَةٍ وَ حَاجَتِي يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ مُعْتَمِدِي وَ رَجَائِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
 مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي فَقَدْ جِئْتُكَ ثَقِيلَ الظَّهْرِ بِعَظِيمِ مَا
 بَارَزْتُكَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِي وَ رَكِبْتِي مِنْ مَظَالِمِ عِبَادِكَ مَا لَا يَكْفِينِي وَ لَا
 يُخَلِّصُنِي مِنْهَا غَيْرُكَ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ وَ لَا يَمْلِكُهُ سِوَاكَ فَاغْنُ يَا سَيِّدِي
 كَثْرَةَ سَيِّئَاتِي بِسِيرِ عِبْرَاتِي بَلْ بِقِسَاوَةِ قَلْبِي وَ جُمُودِ عَيْنِي لَا بَلْ
 بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَ أَنَا شَيْءٌ فَلْتَسَعْنِي رَحْمَتُكَ يَا رَحْمَنُ
 يَا رَحِيمُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

لَا تَمْتَحِنِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا بِشَيْءٍ مِنَ الْمِحْنِ وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا
 يَزْحَمُنِي وَ لَا تُهْلِكُنِي بِذُنُوبِي وَ عَجِّلْ خَلَاصِي مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَ اذْقِعْ
 عَنِّي كُلَّ ظَلَمٍ وَ لَا تُهْتِكْ سِتْرِي وَ لَا تُفْضَخْنِي يَوْمَ جَمْعِكَ الْخَلَائِقَ
 لِلْحِسَابِ يَا جَزِيلَ الْعَطَاءِ وَ الثَّرَابِ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ

پوشیده نمی ماند و اعمال خیانت بار آنان از تو پنهان نخواهد بود، زیرا تو بر عالم غیب و آنچه در قلب و جان آفریده شدگان می گذرد، آگاهی.

خداوند! از پیشگاه مقدّست می خواهم و تو را به نامی قسم می دهم که آقا و مولای من نوح پیامبر تو را خواند و در قرآنت از زبان نوح چنین فرموده ای: «به تحقیق، نوح ما را خواند و نیکو جوابش دادیم». آری، ای خداوند یکتا و ای آفریدگار من! تو پاسخگویی نیکو و بهترین کسی هستی که به درگاهت دست نیاز می آوردند و تو را می خوانند و به آنها عطا می کنی. تو هرگز گدای در خانه ات را ناامید نمی کنی و دعای آرزومندان بارگاه با عظمتت را مستجاب می فرمایی. کسی که در حاجتش اصرار ورزد او را نمی رانی و کسی که به درگاهت دست نیاز آورد، او را ردّ نمی کنی. فزونی نیار حاجت مندان تو را آورده نمی کند و برآوردن خواسته ها بر تو سنگین نمی آید. برآوردن حوایج تمام نیازمندان برای تو از یک چشم بر هم زدن آسانتر و از [حمل | یک بال مگس سهلتر خواهد بود. اینک حاجت من، ای سید و مولای بزرگوام! این است که بر محمّد و آل محمّد درود فرستاده، گناهانم را بیامری. من با بار سنگین گناه به سوی تو آمده ام، آن هم با گناهان آشکار، و دربارهٔ بندگان مظالمی مرتکب شده ام که غیر از ذات پاک تو دیگری توان جبران آن را ندارد و نیز قدرتمندی غیر از تو قادر بر انجام آن (رد واقعی مظالم نسبت به بندگان) نیست و جز تو کسی توان نجات مرا ندارد و ذات پاک توست که همه چیز را در اختیار دارد. اینک، ای مولای من! گناهان سنگین مرا در برابر ریختن چند قطره اشک در مقابل آستان کبریایی ات محو و نابود کن. چه کنم که قلبم تیره و چشمانم خشکیده است؛ بلکه از باب رحمت واسعۀ تو که همه چیز را فرا گرفته است و من هم یکی از چیزها (اشیاء) هستم رحمت بی نهایت شامل حالم گردد، ای مهربانترین مهربانان!

مرا در این دنیا آزمایش مکن. آن کس را که رحم ندارد بر من مسلّط مفرما. به خاطر گناهانم مرا هلاک نکن. مرا از همهٔ بدیها نجات بده. همهٔ ستمها را از من دور کن. پرده از روی بدیهایم عقب مزن و در روز حساب در میان مردم رسوایم نکن. ای کسی که بخشش و عطای تو قطعی است! از تو تمناً دارم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی و مرا مانند نیکبختان زنده کنی و مانند شهیدان

مُحَمَّدَ وَ أَنْ تُحْيِي حَيوةَ السُّعْدَاءِ وَ تَمِيتِي مَيِّتَةَ الشُّهَدَاءِ وَ تَقْبَلِي
 قَبولَ الأَوْدَاءِ وَ تَحْفَظِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا الدِّيَّةَ مِنْ شَرِّ سُلَاطِينِهَا وَ
 فُجَارِهَا وَ شَرَارِهَا وَ مُجِيبِهَا وَ العَامِلِينَ لَهَا وَ مَا فِيهَا وَ قِنِي شَرَّ طُعْغَاتِهَا وَ
 حُسَادِهَا وَ بَاغِي الشُّرُكِ فِيهَا حَتَّى تَكْفِيْتِي مَكْرَ المَكْرَةِ وَ تَفْقَأَ عَنِّي
 أَعْيُنَ الكُفْرَةِ وَ تُفْجِمَ عَنِّي ألسِنَ الفَجْرَةِ وَ تَقْبِضَ لِي عَلَى أَيْدِي الظَّلْمَةِ
 وَ تُوهِنَ عَنِّي كَيْدَهُمْ وَ تُمِيتَهُمْ بِعَيْظِهِمْ وَ تَشْعَمَ بِأَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ وَ
 أَفْئِدَتِهِمْ وَ تَجْعَلِنِي مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فِي أَمْنِكَ وَ أَمَانِكَ وَ حِرْزِكَ وَ
 سُلْطَانِكَ وَ حِجَابِكَ وَ كَنْفِكَ وَ عِيَاذِكَ وَ جَارِكَ وَ مِنْ جَارِ الشُّوءِ وَ
 جَلِيسِ الشُّوءِ، أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ إِنَّ وَلِيَّيَ اللهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ
 وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ.

اللَّهُمَّ بِكَ أَعُوذُ بِكَ الْوُدُ وَ لَكَ أَعْبُرُ وَ إِيَّاكَ أَرْجُو وَ بِكَ أَسْتَعِينُ وَ
 بِكَ أَسْتَكْفِي وَ بِكَ أَسْتَعِيثُ وَ بِكَ أَسْتَقْبِذُ وَ مِنْكَ أَسْأَلُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
 مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تُرَدَّنِي إِلَّا بِذَنْبٍ مَغْفُورٍ وَ سَعِي مَشْكُورٍ وَ تِجَارَةٍ
 لَنْ تَبُورَ، أَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ لَا تَفْعَلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَهْلُ
 التَّقْوَى وَ أَهْلُ المَغْفِرَةِ وَ أَهْلُ الفُضْلِ وَ الرَّحْمَةِ.

إِلَهِي وَ قَدْ أَطَلْتُ دُعَائِي وَ أَكْثَرْتُ خِطَابِي وَ ضَيِّقُ صَدْرِي حِدَانِي عَلَى
 ذَلِكَ كُلِّهِ وَ حَمَلَنِي عَلَيْهِ عِلْمًا مِنِّي بِأَنَّهُ يُجْزِيكَ مِنْهُ قَدْرُ المِلْحِ فِي
 العَجِينِ بَلْ يَكْفِيكَ عَزْمُ إِرَادَةٍ وَ أَنْ يَقُولَ العَبْدُ بِنَيْتِهِ صَادِقَةٍ وَ لِسَانِ
 صَادِقٍ يَارَبِّ فَتَكُونُ عِنْدَ ظَنِّ عِبْدِكَ بِكَ وَ قَدْ نَاجَاكَ بِعَزْمِ الإِرَادَةِ
 قَلْبِي فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُفَرِّقَ دُعَائِي
 بِاللَّجَابَةِ مِنْكَ وَ تُبَلِّغَنِي مَا أَمَلْتُهُ فِيكَ مِنْهُ مِنْكَ وَ طَوْلًا وَ قُوَّةً وَ حَوْلًا

بمیرانی. آنچنان که دوستان خودت را می‌پذیرد مرا نیز بپذیر و در این دنیای بی‌ارزش مرا از شرّ پادشاهان و فسادورزان و دیوسیرتان و دنیاطلبان و کارگزاران آن در امان خودت بدار و از شرّ گردن فرازان و حسودان و مشرکان بدرفتار نگهبانم باش تا در برابر نیرنگ فریبکاران مرا کفایت کنی. چشم کافران را درآور و از دیدن من آنان را محروم فرما. زبان نابکاران را در مورد من، گُنگ ساز. دست ستم‌پیشگان را از دراز شدن به طرف من کوتاه گردان و مرا از مکرشان در امان بدار. آنها را با همان خشم و کینه‌ای که دارند بمیران. گوشها و چشمها و دل‌هایشان را به خودشان مشغول کن و مرا از میان همهٔ این سختیها و رنجها در پناه و امنیت و آرامش و حفاظت و قدرت و نگهبانی و سرپرستی و بنده‌نوازی خودت قرار ده و نیز مرا از همسایه و هم‌نشین بد حفظ فرما، که تو بر هر چیزی توانایی. همانا ولیّ و سرپرست من خداوندی است که کتاب را نازل فرموده و از بندگان صالحش نگاهداری می‌کند.

خداوند! به تو پناه می‌برم و به حمایت تو دل بسته‌ام؛ تو را می‌پرستم و به لطف تو امیدوارم؛ از تو کمک می‌خواهم و خودم را به تو می‌سپارم؛ از تو امان می‌طلبم و از آستان عزّت تو استمداد می‌جویم، و از درگاه با عظمت تو می‌خواهم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی و مرا از درگاه باشکوه خود، جز با گناهان آمرزیده شده و کوشش به ثمر رسیده و تجارتي سودبخش و بدون زیان، باز نگردانی و آنچه شایستهٔ مقام کبریایی تو است دربارهٔ من رفتار کنی نه آن‌گونه که من سزاوارم. همانا تو شایستهٔ تقوی و آمرزش و لطف و بخششی.

خداوند! دعاهايم را طولانی کردم و خواسته‌هايم را بر شمردم. تنگی سینه مرا بر آن داشت، زیرا می‌دانم یک اشاره و یک «یاالله» گفتن کافی است و از همهٔ نیازهای من مطلقى و احتیاج به تفصیل ندارد. آری، به شرط اینکه من راست بگویم و نیت من خالص باشد، همان توجه کفایت می‌کند. [خداوند!] قلب من با اراده تو را خواند. اینک از پیشگاه مقدّس تو استدعا می‌کنم که بر محمّد و آل او درود فرستی و دعای مرا به اجابت مقرون فرمایی و مرا به آرزوهایم برسانی، چون همهٔ قدرتها از آن تو است، و من از جای خودم برنخیزم مگر با حوايج

لَا يُعْمَى مِنْ مَقَامِي هَذَا إِلَّا بِقَضَاءِ جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ فَإِنَّهُ عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَ
حَطَرُهُ عِنْدِي جَلِيلٌ كَثِيرٌ وَ أَنْتَ عَلَيْهِ قَدِيرٌ يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرُ.

إِلَهِي وَ هَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ وَ الْهَارِبِ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِ
تَهَجَمَتْهُ وَ عُيُوبِ فَضَحَتْهُ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَانظُرْ إِلَى
نَظْرَةِ رَحِيمَةٍ أَفُورُ بِهَا إِلَيَّ جَنَّتِكَ وَ اعْطِفْ عَلَيَّ عَطْفَةً أَنْجُو بِهَا مِنْ
عِقَابِكَ فَإِنَّ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ لَكَ وَ بِيَدِكَ وَ مَفَاتِيحُهُمَا وَ مَغَالِيقُهُمَا إِلَيْكَ
وَ أَنْتَ عَلَى ذَلِكَ قَادِرٌ وَ هُوَ عَلَيْكَ هَيِّنٌ يَسِيرٌ فَافْعَلْ بِي مَا سَأَلْتُكَ يَا
قَدِيرٌ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ
نِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ حَمَادٍ أَخَذْتُ هَذَا الدُّعَاءَ مِنْ أَبِي الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْعَلَوِيِّ
الْعَرِضِيِّ وَ اشْتَرَطَ عَلَيَّ أَنْ لَا أَبْذُلَهُ لِمُخَالِفٍ وَ لَا أُعْطِيَهُ إِلَّا لِمَنْ أَغْلَمَ
مَذْهَبَهُ وَ أَنَّهُ مِنْ أَوْلِيَاءِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ كَانَ عِنْدِي
أَدْعُو بِهِ وَ اخواني ثُمَّ قَدِمَ عَلَيَّ إِلَى الْبُصْرَةِ بَغْضَ قُضَاةِ الْأَهْوَازِ كَانَ
مُخَالِفًا وَ لَهُ عَلَيَّ أَيَادٍ وَ كُنْتُ أَخْتَاجُ إِلَيْهِ فِي بَلَدِهِ وَ أَنْزَلَ عَلَيَّ فَقَبِضَ
عَلَيْهِ السُّلْطَانُ قَصَادَرَهُ وَ أَخَذَ حَظَّهُ بِعِشْرِينَ أَلْفَ دِرْهَمٍ فَسَرَقْتُ لَهُ
وَ رَحْمَتُهُ وَ دَفَعْتُ إِلَيْهِ هَذَا الدُّعَاءَ فَدَعَا بِهِ فَمَا اسْتَمَّ أَشْبُوعًا حَتَّى أَطْلَقَهُ
السُّلْطَانُ ابْتِدَاءً وَ لَمْ يَلْزِمَهُ شَيْئًا مِمَّا أَخَذَ حَظَّهُ وَ رَدَّهُ إِلَيَّ بِلَدِهِ مَكْرُومًا وَ
شَيَّعْتَهُ إِلَى الْإِبِلَةِ وَ عُدْتُ إِلَى الْبُصْرَةِ. فَلَمَّا كَانَ بَعْدَ أَيَّامٍ طَلَبْتُ الدُّعَاءَ
فَلَمْ أَجِدْهُ وَ فَتَشْتُ كُنْبِي كُلَّهَا فَلَمْ أَرَ لَهُ أَثَرَ فَطَلَبْتُهُ مِنْ أَبِي السُّخْتَارِ
الْحُسَيْنِيِّ وَ كَانَتْ عِنْدَهُ نُسخَةٌ بِهَا فَلَمْ يَجِدْهُ فِي كُتُبِهِ فَلَمْ نَزَلْ

برآورده شده؛ چه آنکه انجام خواسته‌های من برای تو بسیار ناچیز و برای من سخت مهم است. تو قادر بر انجام آن هستی، ای خداوند بینا و شنوا!

بارها! در جایگاه کسی قرار گرفته‌ام که از ترس آتش به تو پناه آورده و از عذاب تو به سوی تو گریخته است؛ گناهان بر او یورش برده و کارهای زشت او آب‌ویش را ریخته است. پس بر محمد و آل محمد درود فرست و با دیده رحمت بر من بنگر تا در پرتو آن رستگار شوم و در بهشت جایگزین گردم، و مهر و لطف خود را شامل حالم فرما تا از عذاب عالم آخرت در امان باشم. [خداوند!] بهشت و دوزخ از آن تو و در دست توانای توست و کلید گشودن و بستن آن در دست تو. پس آنچه استدعا کردم برای من مقرر فرما، ای خداوند توانا! همه تواناییها و قدرتها در سایه عنایت خداوندی است؛ بنابراین خدا ما را کفایت می‌کند و او بهترین یاوران، آن هم نیکو یآوری است. حمد و سپاس مختص ذات پاک خداوند جهانیان است و درود خداوند و تحیات او بر محمد و آل محمد باد.

علی بن حماد می‌گوید: این دعا را از ابوالحسن فرزند علی علوی عریضی گرفتم و نامبرده با من شرط کرد که آن را به مخالف و کسی که مذهبش را نمی‌دانم و اطلاع ندارم که از دوستان و اولیای محمد و آل محمد علیه السلام هست یا خیر و ندهم و این دعا در نزد من بود و من و برادرانم آن را می‌خواندیم. در یکی از روزها یک نفر از قضات اهواز که از مخالفان بود به نزد من آمد و جریان خویش را برای من نقل کرده، اظهار نمود که پادشاه بر او خشم گرفته است و در نتیجه اموالش را مصادره کرده و بیست هزار درهم از او گرفته‌اند. من نسبت به او احساس ترحم کردم و به جهت اینکه در مورد من کارهایی انجام داده بود، دعا را به او دادم. هفته‌ای نگذشته بود که پادشاه او را مورد محبت قرار داد و آنچه از او گرفته بودند پس دادند و با احترام او را به منزلش بازگرداندند. چندی بعد که به سراغ دعا رفتم آن را نیافتم و هر چه در

نَطْلُبُهُ فِي كُتُبِنَا فَلَا نَجِدُهُ عِشْرِينَ سَنَةً فَعَلِمْتُ أَنَّ ذَلِكَ عُقُوبَةٌ مِنْ اللَّهِ
 عَزَّ وَجَلَّ لِمَا بَدَلْتُهُ لِمُخَالِفٍ فَلَمَّا كَانَ بَعْدَ الْعِشْرِينَ سَنَةً وَجَدْنَاهُ فِي كُتُبِنَا
 وَقَدْ فَتَّشْنَاهَا مِرَاراً لَا تُحْصَى فَأَلَيْتُ عَلَى نَفْسِي أَلَّا أُعْطِيَهُ إِلَّا لِمَنْ آتَى
 بِدِينِهِ مِمَّنْ يَعْتَقِدُ وَآيَةَ آلِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ بَعْدَ أَنْ أَخَذَ
 عَلَيَّ الْعَهْدَ إِلَّا يَسْبُدُّهُ إِلَّا لِمَنْ يَسْتَحِقُّهُ وَبِاللَّهِ نَسْتَعِينُ وَعَلَيْهِ
 نَتَوَكَّلُ^١.

میان کتابهای خود جستجو کردم از آن نشانی نبود. به ابوالمختار نیز که قبلاً نسخه‌ای از دعا را به او داده بودم مراجعه کردم؛ نامبرده هم دعا را پیدا نکرد. از این ماجرا بیست سال گذشت و ما همچنان در جستجوی این دعا بودیم و آن را پیدا نمی‌کردیم و دانستم که این موضوع، عقوبت و مجازاتی است از جانب خداوند متعال و ولیّ عزیز او در نتیجه آنکه دعا را به نااهل داده‌ام.

پس از آنکه بیست سال از ماجرا گذشت ناگهان دعا را در میان کتابهای خود پیدا کردیم در حالی که مکرراً در میان همان کتابها جستجو کرده و آن را نیافته بودیم. لذا با خود عهد کردم این دعا را فقط به کسانی بدهم که از پیروان اهل بیت [علیهم‌السلام] بوده و ولایت آنان را قبول داشته باشند و از آنان پیمان بگیرم که به غیر از شیعیان و مخلصان و ارادتمندان خاندان رسالت آن را به کسی ندهند. از خدا یاری جسته، امور را به او واگذار می‌کنیم.

از جمله دعا‌های حضرت بقیة الله (علیه السلام)
برای رهایی از شدايد

رَبِّ أَسْأَلُكَ مَدَدًا رُوحَانِيًّا تَقْوَى بِهِ قُوَى الْكَلْبِيَّةِ وَالْجُرْئِيَّةِ حَتَّى أَفْهَرَ
بِمَبَادِيءِ نَفْسِي كُلَّ نَفْسٍ قَاهِرَةٍ فَتَنْقِضُ لِي إِشَارَةَ دَقَائِقِهَا انْقِبَاضًا
تَسْقُطُ بِهَا قُوَّتُهَا حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْكُونِ ذُو رُوحٍ إِلَّا وَنَارُ قَهْرِي قَدْ
أَحْرَقَتْ ظُهُورَهُ يَا شَدِيدُ يَا شَدِيدَ الْبَطْشِ الشَّدِيدِ يَا قَاهِرُ يَا قَهَارًا أَسْأَلُكَ
بِمَا أَوْدَعْتَهُ عِزْرَائِيلَ مِنْ أَسْمَائِكَ الْقَهْرِيَّةِ فَانْفَعَلْتَ لَهُ النَّفُوسَ بِالْقَهْرِ أَنْ
تُودَّعَنِي هَذَا السَّرِّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ حَتَّى أَلَيَّنَ بِهِ كُلَّ صَغْبٍ وَأُذَلِّ بِهِ كُلَّ
مَنْعٍ بِقُوَّتِكَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ^۱

خداوند! از پیشگاه با عظمت تو مسئلت می‌نمایم که مرا به وسیله نیروهای روحانی
آنچنان یاری و مدد فرمایی که تمام نیروهای کلی و جزئی من تقویت شوند، به صورتی
که بر همه موجودات عالم وجود، استیلا یابم و آتش قهر و قدرت من پشت آنها را در هم
شکند. ای از همه قویتر و ای صاحب قدرتهای کوبنده و ای قهّار! از درگاهت تقاضا
می‌کنم که همان نیرویی که به جناب عزرائیل [علیه السلام] عنایت فرمودی و در سایه آن تمام
بندگان مقهور و مغلوب او شده‌اند، از همان سر، هم اکنون و در این ساعت به من
مرحمت فرمایی تا تمام سختیها بر من آسان گردد و همه گردن‌کشان خوار و ذلیل شوند،
ای آن که صاحب قدرتهای استواری!

تسبیح حضرت قائم (علیه السلام)
از روز هجدهم تا آخر ماه

سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ أَرْضَى نَفْسَهُ سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ
سُبْحَانَ اللَّهِ زِينَةَ عَرْشِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلُ ذَلِكَ. ۱

خداوند را به عدد تمام مخلوقاتش تسبیح می‌کنم و پاکیزه می‌دانم او را در حدی که رضای ذات اقدس وی در آن است. خدای را به تعداد و شماره کلماتش تسبیح می‌کنم و همچنین ستایش می‌کنم، ذات مقدّسش را، و او را از هر عیب و نقصی دور می‌دانم و همتای عرش وی، او را تسبیح می‌کنم. او سزاوار همان قدر حمد و ستایش من است که او را تسبیح و تقدیس می‌کنم.

دعای حضرت بقیة الله (روحي له الفداء)
در روز عید فطر پس از نماز صبح

اللَّهُمَّ إِنِّي تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ أَمَامِي وَعَلِيٍّ مِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَ
أَيْمَنِي عَنْ يَسَارِي أَسْتَتِرُ بِهِمْ مِنْ عَذَابِكَ وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ زُلْفَى لَا أَجِدُ
أَحَدًا أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْهُمْ فَهُمْ أَيْمَنِي فَأَمِنْ بِهِمْ خَوْفِي مِنْ عِقَابِكَ وَ
سَخَطِكَ وَأَدْخِلْنِي بِرُحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ أَصْبَحْتُ بِاللهِ مُؤْمِنًا
مُوقِنًا مُخْلِصًا عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ وَسُنَّتِهِ وَعَلَى دِينِ الْأَوْصِيَاءِ وَسُنَّتِهِمْ،
أَمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَأَزْعَبُ إِلَى اللهِ فِيمَا رَغِبَ إِلَيْهِ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ
وَالْأَوْصِيَاءُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَلَا عِزَّةَ وَلَا مَنَعَةَ وَ
لَا سُلْطَانَ إِلَّا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ.

تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللهَ بِالْعِزِّ أَمْرُهُ.

خداوندا! در حالی به پیشگاه مقدّس تو روی نیاز می‌آورم که وجود مبارک حضرت محمد [ﷺ] در پیشاپیش من و حضرت علی [علیه السلام] در عقب سر و طرف راست من و ائمه و پیشوایان معصوم [علیهم السلام] در سمت چپ من هستند [و این عزیزان واسطهٔ منند]. از عذاب تو به این عزیزان پناه می‌برم و به وسیلهٔ این مشعلهای فروزان به تو تقرّب می‌جویم و این بدان جهت است که می‌دانم هیچ کس از نظر شخصیت و شفاعت به پای این انوار تابناک نمی‌رسد. آری، اینان پیشوایان منند. در سایهٔ وجود آنها، مرا از عذابت ایمنی بخش و از غضبت، مرا پناه ده و از برکات رحمت بی‌پایانت مرا در زمرهٔ بندگان شایسته و صالح خود محسوب فرما. خداوندا! من در حالتی صبح کرده و به روز آورده‌ام که به تو ایمان دارم و از روی اخلاص، دین تو و سنت این عزیزان را پذیرا هستم و به آنچه در باطن این ذوات مقدّسه است و آنچه که علناً انجام می‌دهند، ایمان دارم و آنچه که موجب رغبت آنان به ذات پاک تو شده است من نیز همان را راغبم و همهٔ قدرتها را از آن ذات پاک تو می‌دانم، و همهٔ عزّتها و حکومتها مختصّ ذات بی‌همتای و قهار و مقتدر تو است و من امر خود را به تو واگذار می‌کنم. آری، آن کس که کارش را به خداوند بزرگ واگذار نمود، او مشکلات و

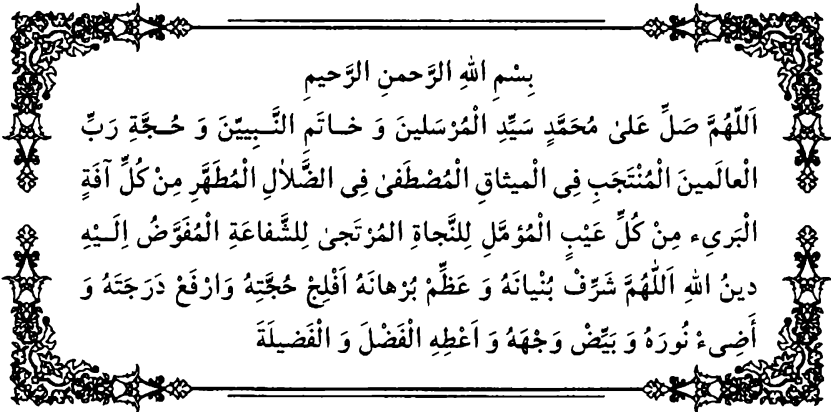
۳۰۶..... تحفه امام مهدی (عج)

مهماتش را کفایت خواهد نمود و قطعاً خداوند خواسته‌اش را جامهٔ عمل می‌پوشاند.

● خوانندهٔ گرامی، موفقیت هر انسانی در سایهٔ همین اصل حیاتی است.

صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی

● سید بن طاووس و مصباح کفعمی نقل کرده‌اند که از طرف وجود مقدس حضرت بقیة الله فی الارضین ارواحنا له الفداء صلواتی به افتخار ابوالحسن ضراب اصفهانی شرف صدور یافته است. این صلوات در زمان غیبت کبری در عصر روزهای جمعه خوانده می‌شود. اینک متن صلوات و ترجمه آن به نظر خوانندگان گرامی می‌رسد:



خداوند! بر محمد سرور فرستادگانت درود فرست؛ بر کسی که خاتم پیامبران و حجّت تو بر همه مخلوقات و برگزیده‌ات در روز عهد و میثاق^۱ و پاک و پاکیزه از هر گونه عیب و نقص است؛ بر کسی که از طرف ذات مقدس تو برای خلق انتخاب شده است و تو دین خود را به او سپرده‌ای. پروردگارا!

۱. ممکن است اشاره به عالم ذر باشد.

وَ الْمُنَزَّلَةَ وَ الْوَسِيلَةَ وَ الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَ ابْتَعَثَهُ مَقَاماً مَخْمُوداً يَغِيظُهُ بِهِ
 الْأَوْلُونَ وَ الْآخِرُونَ وَ صَلَّى عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَاثِرِ الْمُؤْسَلِينَ وَ
 قَائِدِ الْعُرَى الْمُحَجَّلِينَ وَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى عَلَى
 الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَاثِرِ الْمُؤْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 وَ صَلَّى عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَاثِرِ الْمُؤْسَلِينَ وَ حُجَّةِ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَاثِرِ
 الْمُؤْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ
 الْمُؤْمِنِينَ وَ وَاثِرِ الْمُؤْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى عَلَى جَعْفَرِ بْنِ
 مُحَمَّدِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَاثِرِ الْمُؤْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى
 عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَاثِرِ الْمُؤْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَاثِرِ الْمُؤْسَلِينَ
 وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَاثِرِ
 الْمُؤْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ إِمَامِ

شرافت برهان و عظمت او را ابدی و براهین اقامه شده از سوی آن حضرت را آشکار و نور وجودش را روشن تر و جمال پر فروغش را نورانی تر فرما.

● کنایه است از فراگرفتن تعلیمات عالیّه آن سرور در سراسر جهان هستی، و البتّه

این موضوع در ظهور حضرت مهدی، عجل الله تعالی فرجه، مصداق پیدا خواهد کرد، ان شاء الله.

خداوند! تمام کمالات و مقام منزلت و شفاعت و وسیله بودن برای نجات و دستگیری بندگان را از جانب خود به او عطا کن و مقام وی را بالاتر نموده به مقام محمود برسان!؛ مقامی که تمام خلائق و همه بندگان صالح و انبیاء و اولیاء و صدیقین بدان غبطه خوردند. [بار خدایا!] بر پیشوای اهل ایمان [علی بن ابی طالب علیه السلام] که وارث همه فرستادگان تو و حجّت و نماینده ذات پاک تو و سرور همه فرستادگان و اوصیای تو است، درود فرست. [خداوند!] بر حسن بن علی علیه السلام] که او نیز مانند پدرش رهبر اهل تقوی و یقین و حجّت تو بر همه خلائق است، درود فرست. [خداوند!] بر حسین بن علی علیه السلام] که پیشوای مؤمنان و حجّت بالغه تو در روی زمین است، درود فرست. [خدایا!] بر علی بن حسین علیه السلام] که او نیز پیشوای اهل ایمان و حجّت حق در زمین است، درود فرست. [بار خدایا!] بر محمد بن علی علیه السلام] رهبر اهل ایمان و وارث همه پیامبران و حجّت تو که پرورش دهنده و خالق همه مخلوقات و درود فرست. [آفریدگارا!] بر جعفر بن محمد، علیه السلام] پیشوای اهل تقوی و وارث پیامبران و حجّت تو در زمین، درود فرست. [خداوند!] بر موسی بن جعفر علیه السلام] پیشوای مؤمنان و وارث همه پیامبران و حجّت بالغه تو در زمین، درود فرست. [پروردگارا!] بر علی بن موسی علیه السلام] رهبر اهل ایمان و وارث و حجّت تو در زمین، درود فرست. [خداوند!] بر محمد بن علی علیه السلام] که پیشوای مؤمنان و جانشین تو در زمین است و درود فرست. [پروردگارا!] بر علی بن محمد که حجّت تو و امام اهل ایمان

الْمُؤْمِنِينَ وَ وَاٰرِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى عَلٰى الْحَسَنِ
 بْنِ عَلِيٍّ اِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَاٰرِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى
 عَلٰى الْحُجَّةِ الْمُنتَظَرِ الْخَلْفِ الْقَائِمِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ اِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ
 وَاٰرِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ الْاَتْمَّةِ الْهَادِيْنَ الْمَهْدِيْنَ الْعُلَمَاءِ
 الصّٰدِقِيْنَ الْاَبْرَارِ الْمُتَّقِيْنَ دَعَائِمِ دِيْنِكَ وَ اَزْكَانِ تَوْحِيْدِكَ وَ تَرٰجِمَةِ
 وَحِيْكَ وَ حُجَجِكَ عَلٰى خَلْقِكَ وَ خُلَفَايِكَ فِيْ اَرْضِكَ، الَّذِيْنَ اخْتَرْتَهُمْ
 لِنَفْسِكَ وَ اضْطَفَيْتَهُمْ عَلٰى عِبَادِكَ وَ اَنْصَيْتَهُمْ لِدِيْنِكَ وَ حَصَصْتَهُمْ
 بِمَعْرِفَتِكَ وَ جَلَّلْتَهُمْ بِكِرَامَتِكَ وَ عَسَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ وَ رَبَّيْتَهُمْ بِبِعْمَتِكَ
 وَ عَدَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ وَ اَلْبَسْتَهُمْ نُورَكَ وَ رَفَعْتَهُمْ فِىْ مَلَكُوْتِكَ وَ
 حَفَفْتَهُمْ بِمَلٰئِكَتِكَ وَ شَرَفْتَهُمْ بِبَيْتِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ عَلَيْهِمْ صَلَوةً زَاكِيَّةً نَامِيَةً كَثِيْرَةً دَائِمَةً طَيِّبَةً لَا
 يُحِيْطُ بِهَا اِلَّا اَنْتَ وَ لَا يَسْعُهَا اِلَّا عِلْمُكَ وَ لَا يُخْصِيْهَا اَحَدٌ غَيْرُكَ.
 اللّٰهُمَّ وَ صَلَّى عَلٰى وَلِيِّكَ الْمُخْيِي سُنَّتِكَ الْقَائِمِ بِاَمْرِكَ الدّٰعِي اِلَيْكَ
 الدّٰلِيْلِ عَلَيْكَ وَ حُجَّتِكَ عَلٰى خَلْقِكَ وَ خَلِيْفَتِكَ فِيْ اَرْضِكَ وَ شَاهِدِكَ
 عَلٰى عِبَادِكَ.

و وارث همه فرستادگان تو است درود فرست. [خداوندا!] بر حسن بن علی [علیه السلام] که امام مؤمنان و وارث همه پیامبران و حجّت تو است، درود فرست. [بار خدایا!] به امام مؤمنان و وارث همه پیامبران و حجّت تو است، درود فرست. [با خدایا!] به امام هدایت کننده بعد از پدرش حضرت مهدی [عجل الله فرجه الشریف] که پیشوای اهل ایمان و وارث همه پیامبران و حجّت بالغه تو در روی زمین است، درود فرست.

خداوندا! بر محمد و آل او که هدایت کننده بندگان تو و دانشمندان راستگو و نیکوکار و پرهیزگار روی زمین هستند درود فرست. [بار خدایا!] اینان ستونهای دین تو و ارکان عالم توحید و مترجم وحی تو و حجّت و جانشینان تو در روی زمین اند. [خداوندا!] محمد و آل او کسانی هستند که آنها را برای خودت اختیار کرده‌ای و از میان بندگان تو و برای دین تو برگزیده شده‌اند و آنها را به شناسایی و معرفت ذات پاکت مخصوص گردانیدی و به لطف و کرمّت به آنها جلالت بخشیدی و در دریای رحمت آنان را غوطه‌ور ساختی و به نعمت خاص خودت آنها را پرورش دادی و به وسیله حکمت خود آنها را تغذیه فرمودی و از نور وجود خویش آنها را پوشاندی و مقام آنان را در ملکوت خود رفیع گردانیدی و به وسیله وجود مقدس حبیب خود آنها را مفتخر و سربلند قرار دادی.

● خواننده عزیز! خاندانی که رهبری خلق جهان را به عهده دارند باید از نعمت

مخصوص تربیت خداوندی بهره‌مند باشند تا مرکز تجلی صفات مطلقه الهی گردند.

خداوندا! بر محمد و آل او درود فرست؛ درودی که پاکیزه و پیوسته در فزونی باشد و غیر از تو کسی نتواند آن را احصا نماید و غیر از علم بی‌نهایت تو کس دیگری نمی‌تواند آن را بفهمد.

خداوندا! بر نماینده عزیزت [بقیة الله فی الارضین] درود بفرست؛ آن نماینده‌ای که سنت و احکام تو را زنده می‌سازد و به امر تو قیام می‌کند و بندگان را به ایمان فرا می‌خواند و راهنمای بندگان به سوی تو و حجّت تو بر خلائق و جانشین تو در روی زمین و شاهد بر بندگان تو است.

اللَّهُمَّ أَعِزَّ نَصْرَهُ وَمُدِّ فِي عُمُرِهِ وَزَيِّنِ الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ
 اللَّهُمَّ اكْفِهِ بَعَى الْحَاسِدِينَ وَاعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ وَارْجُزْ عَنْهُ إِرَادَةَ
 الظَّالِمِينَ وَخَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ.^۱

خداوند! به او عزت با پیروزی عطا کن و عمر او را پر برکت و طولانی قرار ده.
 خداوند! کرهٔ رمین را به وجود مبارکش مزین و پرنور فرما و وجود عزیزش را از شر
 حسودان در پناه خودت حفظ کن و وی را از شر مکاران در کنف حمایت خود قرار ده و
 از سوء قصد ستمکاران دورش بدار و از چنگال ستمگانش رهایی بخش.

● خوانندهٔ گرامی! بدین ترتیب وجود عزیز حضرت مهدی، امام زمان، روحی له
 الفداء و عجل الله تعالی فرجه الشریف، در زندان هستند. آری، زندان غیبت، همگی
 از خداوند کریم بخواهیم که هرچه زودتر حضرتش را از زندان نجات مرحمت
 فرماید. ان شاء الله.

امر به دعا برای وجود مقدس امام زمان (عج)

و خاندان و فرزندان و شیعیان وی

و تجدید حیات احکام دین به وسیله آن حضرت

اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ شِعْبَتِهِ وَ رَعِيَّتِهِ وَ خَاصَّتِهِ وَ عَامَّتِهِ وَ
عَدُوِّهِ وَ جَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَ تَسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ وَ بَلَّغُهُ أَفْضَلَ مَا
أَمَّلَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا أَمْتَحَنِي [مُجِبِّي] مِنْ دِينِكَ وَ أَخِي بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ كِتَابِكَ
وَ أَظْهِرْ بِهِ مَا غُيِّرَ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَ عَلَيَّ يَدِيهِ

خداوند! خواسته آن حضرت را در حق خود آن بزرگوار و فرزندان و نوادگان و شیعیانش و همه رعایا و یاران مخصوص و عموم دوستان و نیز در ارتباط با دشمنانش و تمام مردم روی زمین عطا فرما آنچنان که موجب روشنی دیده و شادی دل آن سرور گردد. [خداوند!] آن حضرت را به کاملترین آرزوهایش در دنیا و آخرت برسان که تو بر هر چیز توانایی.

خداوند! آنچه را از احکام دین تو که نابود شده و احکام قرآن تو را که تغییر داده‌اند و قوانینی که از اسلام تبدیل شده است، با قیام شکوهمند آن حضرت زنده فرما و آنچه از حکمت‌های تو که به دست دشمنان دگرگون شده است، ظاهر ساز تا اینکه دین تو حیات

عَصَاً جَدِيداً خَالِصاً مُخْلِصاً لَا شَكَّ فِيهِ وَلَا شُبُهَةَ مَعَهُ وَلَا بَاطِلَ عِنْدَهُ وَ
لَا بِدْعَةَ لَدَيْهِ.

اللَّهُمَّ نَوِّرْ بُنُورِهِ كُلَّ ظَلَمَةٍ وَ هُدِّ بِرُكْنِيهِ كُلَّ بِدْعَةٍ وَ اهْدِهِم بِعِزِّهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ
وَ اقْصِمْ بِهِ كُلَّ نَارٍ وَ أَهْلِكَ بِعَذْلِهِ كُلَّ جَوْرٍ | جَوْرٌ كُلُّ جَائِرٍ | وَ أَجْرِ حُكْمَهُ
عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَ اذِلَّ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ.

اللَّهُمَّ اذِلَّ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ وَ أَهْلِكَ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ وَ امْكُرْ بِمَنْ كَادَاهُ وَ
اسْتَأْصِلْ مَنْ حَجَّجَهُ حَقَّةً وَ اسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ وَ سَعَى فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ وَ أَرَادَ
إِخْمَادَ ذِكْرِهِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُضْطَفَى وَ عَلَى الْمُزْتَضَى وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ
وَ الْحَسَنِ الرَّضَا وَ الْحُسَيْنِ الْمُصَفَّى وَ جَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ مَصَابِيحِ الدُّجَى
وَ أَعْلَامِ الْهُدَى وَ مَنَارِ التَّقَى ، الْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَ الْحَبْلِ الْمَتِينِ وَ الصَّرَاطِ
الْمُسْتَقِيمِ وَ صَلِّ عَلَى وَ لِيكَ وَ وُلَاةِ عَهْدِكَ وَ الْوَالِيَّةِ مِنْ وَ لَدِهِ وَ مَدْفِي
أَعْمَارِهِمْ وَ رِذْفِي أَجَالِهِمْ وَ بَلَّغْهُمْ أَقْصَى آمَالِهِمْ دِيناً وَ دُنْيَاً وَ آخِرَةً
إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .^١

خویش از سرگیرد و خالی از هرگونه شائبه و شک و تردید باشد و هرگونه بدعتی و باطلی از آن دور گردد.

بار خدایا! به نور جمالش تاریکی‌های عالم را روشن فرما و هر بدعتی را به دست توانای او ویران ساز و هر گمراهی را در دوران عزت‌ش نابود کن و هر گردنکشی را از میان بردار و آتش فتنه و فساد را با قدرت او خاموش گردان و از برکات عدالتش به عمر ستمگران خاتمه ده و حضرتش را بر همه فرمانروایان جهان فرماندهی عطا کن و در سایه سلطنت او تمام پادشاهان را ذلیل و خوار فرما.

خداوند! مخالفان حضرتش را ذلیل و نابود گردان و هر کس که با او دشمن است هلاک فرما و هر که با او مکر ورزد با مجازات مکر از میانش ببر و آن که حق حضرتش را سبک شمارد، مستأصل و بیچاره‌اش فرما و هر کس که بخواهد نور او را خاموش کرده، یادش را از میان ببرد، نابودش کن.

خدایا! بر محمد برگزیده‌ات و علی و فاطمه زهرا و حسن، عزیزی که به رضای تو راضی است و حسین عزیزی که برگزیده بر همه مردم است و تمام اوصیا که مشعلهای فروزان جهان تاریک و نشانه‌های هدایت و مظاهر تقوی و حلقه محکم و زنجیر مستحکم میان تو و بندگانت و راه مستقیم خلق هستند، درود فرست. [خداوند!] بر ولی محبوب خود [امام عصر علیه السلام] و والیان تو که از فرزندان آن حضرتند درود فرستاده، عمر آنان را طولانی و دوران حکومتشان را زیاده فرما و آنان را به آرزوهای دینی و دنیوی و اخروی خود برسان که تو بر هر کاری توانایی.

دعای اول ماه مبارک رجب

از ناحیه مقدسه امام عصر

(ارواحنا له الفداء)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَمَانِي جَمِيعِ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وِلَاةُ أَمْرِكَ الْمَأْمُونُونَ
 عَلَى سِرِّكَ الْمُسْتَبْشِرُونَ بِأَمْرِكَ الْوَاصِفُونَ لِقُدْرَتِكَ الْمُغْلِبُونَ
 لِعَظَمَتِكَ أَسْأَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مَشِيئَتِكَ فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِكَلِمَاتِكَ وَ
 أَرْكَانًا لِتَوْحِيدِكَ وَ آيَاتِكَ وَ مَقَامَاتِكَ الَّتِي لَا تَغْفِيلُ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ
 يَعْرِفُكَ بِهَا مَنْ عَرَفَكَ لَا فَوْقَ بَيْنِكَ وَ بَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَ خَلْقُكَ
 فَتَقْهَا وَ رَتْقُهَا بِيَدِكَ بَدْوُهَا مِنْكَ وَ غَزْدُهَا إِلَيْكَ أَعْضَادٌ وَ أَشْهَادٌ وَ مَنَاءٌ
 وَ أَذْوَادٌ وَ حَفْظَةٌ وَ رُؤَادٌ فِيهِمْ سَمَائِكَ مَائِكَ وَ أَرْضُكَ حَتَّى ظَهَرَ أَنَّ لَا
 إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَبِذَلِكَ أَسْأَلُكَ وَ بِمَوَاقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ بِمَقَامَاتِكَ وَ
 غَلَامَاتِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَنْ تَزِيدَنِي إِيْمَانًا وَ تَشْبِيئًا يَا
 بَاطِنًا فِي ظَهْرِهِ وَ ظَاهِرًا فِي بَطْنِهِ وَ مَكْنُونِهِ يَا مَعْرُوقًا بَيْنَ السُّورِ
 وَ الدِّينَجُورِ يَا مَوْصُوفًا بِغَيْرِ كُنْهِ وَ مَعْرُوفًا بِغَيْرِ شَبْهِ حَادٍ كُلِّ مَخْدُودٍ وَ
 مَشَاهِدٍ كُلِّ مَشْهُودٍ وَ مُوجِدٍ كُلِّ مُوجُودٍ وَ مُخْصِيٍّ كُلِّ مَعْدُودٍ وَ فَاقِدٍ كُلِّ
 مَفْقُودٍ لَيْسَ دُونَكَ مِنْ مَعْبُودٍ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْجُودِ يَا مَنْ لَا يُكَيِّفُ
 بِكَيْفٍ وَ لَا يُؤَيِّنُ بِأَيِّنٍ يَا مُحْتَجِبًا عَنِّ كُلِّ عَيْنٍ يَا دَيْمُومٌ يَا قَيُّومٌ وَ عَالِمٌ
 كُلِّ مَعْلُومٍ

به نام خداوند بخشاینده مهربان

خداوند! از پیشگاه مقدّس تو درخواست می‌کنم به تمام معانی و آنچه که صاحبان امر (انبیاء، اوصیاء و اولیاء) به آن دعا کردند و می‌کنند، آنان که امین بر اسرار تو بودند و به بیان عظمت و شرح قدرت تو مشغولند، درخواست می‌کنم بدانچه مشیت تو دربارهٔ آنان گفته است و آنها را معدن کلمات و ارکان توحید خود قرار داده‌ای و اینان نشانه‌های قدرت تو در هر مکانی هستند و به وسیلهٔ این آیات تو را می‌شناسند. تنها فرقی که میان تو و آنان وجود دارد، این است که تو خالق و آنها بندگان و مخلوق تو هستند و رتق و فتق عالم و آنان یکسره به دست تو است. آنان پشتیبان دین تو و گواه بر خلق تو اند و نگهبان و رسانندهٔ احکام دین تو که از تو و آنان زمین و آسمان پر شده است^۱ تا اینکه معلوم و روشن شد که خدایی جز ذات پاک تو نیست. پس به آنها و نیز به مواقع عزّت و جلال و رحمانیت و به مقامات و نشانه‌های تو درخواست می‌کنم که بر محمّد و خاندان عزیزش درود فرستاده، بر ایمان و استقامت من بیافزایی. ای آن که در عین آشکار بودن، پنهانی و در عین پنهان بودن، عیانی! ای جدا کنندهٔ نور از تاریکی! ای آن که بدون پی بردن خرد به کنه ذات مقدّست توصیف می‌شوی! ای آن که بی مثل و مانند و شبیه شناخته شده و معروفی و خود، برای هر موجودی اندازه و حد معین می‌کنی و بر هر چیز گواه و به وجود آورندهٔ هر موجود و احصاء کنندهٔ هر معدود و فاقد گردانندهٔ هر مخلوقی و کسی جز تو شایستهٔ پرستش نیست! ای اهل کبریا و جود! ای آن که تو را به کیفیتیتی نتوان یاد کرد و مکانی نداری! ای پنهان از همهٔ دیده‌ها! ای وجود دائمی

۱. اشاره به قدرت بی‌نهایت خداوندی و توانایی فوق‌العادهٔ فرستادگان خدا است.

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عَلَى عِبَادِكَ الْمُتَّحِينَ وَ بَشْرِكَ الْمُخْتَجِينَ وَ
 مَلَائِكَتِكَ الْمُقْرَبِينَ وَ الْبُهْمِ الصَّافِينَ الْحَاقِينَ وَ بَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا
 الْمُرَجَّبِ الْمُكْرَمِ وَ مَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَشْهُرِ الْحُرْمِ وَ أَسْبِغْ عَلَيْنَا فِيهِ النَّعْمَ وَ
 أَجْزِلْ لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ وَ ابْرُرْنَا فِيهِ الْقِسْمَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ
 الْأَكْرَمِ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى النَّهَارِ فَأَضَاءَ وَ عَلَى اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ وَ اغْفِرْ لَنَا مَا
 تَعَلَّمْنَا مِنْهُ وَ مَا لَا نَعْلَمُ وَ اغْصِنْنَا مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرِ الْعِصْمِ وَ اكْفِنَا كَوَافِي
 قَدْرِكَ وَ آمِنُنْ عَلَيْنَا بِحُسْنِ نَظْرِكَ وَ لَا تَكِلْنَا إِلَى غَيْرِكَ وَ لَا تَمْنَعْنَا مِنْ
 خَيْرِكَ وَ بَارِكْ لَنَا فِي مَا كَتَبْتَهُ لَنَا مِنْ أَعْمَارِنَا وَ أَضْلِحْ لَنَا خَيْبَةَ أَسْرَارِنَا
 وَ أَعْظِنَا مِنْكَ الْأَمَانَ وَ اسْتَعْمِلْنَا بِحُسْنِ الْإِيمَانِ وَ بَلِّغْنَا شَهْرَ الصِّيَامِ وَ مَا
 بَعْدَهُ مِنَ الْأَيَّامِ وَالْأَعْوَامِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ١

و ابدی و دانای همه چیز! بر محمد و آل او درود فرست و نیز بر بندگان برگزیده و پرده‌برداران از قدرت و ملائکه مقرب و آماده فرمانت. خداوندا! در این ماه برکات خود را نصیب ما بفرما. آری، در ماه مبارک رجب که صاحب اکرام است و نیز در ماههای پس از آن، نعمتهای فراوان به ما کرامت فرما و سهم ما را در این ماه فزونی بخش و سوگند ما را بریء ساز. به اسم اعظم و جلال و کرم خود، بدان اسمی که بر روز نهادی و روشن شد و بر شب نهادی و تاریکی گرفت^۱، از هر گناهی که ما مرتکب شده‌ایم و تو می‌دانی و ما خود نمی‌دانیم، درگذر و ما را از ارتکاب گناه به بهترین وجه نگاهداری فرما و به وسیله مقدرات خود امور ما را کفایت کن و به حسن نظر خود بر ما منت گذار و ما را به غیر خودت وا مگذار و از احسان خود بهره‌مندمان فرما و آنچه را در سرنوشته ما مقرر فرموده‌ای بر ما مبارک ساز. باطن ما را از بدیها اصلاح و از سوی خود به ما امنیت عنایت کن. ما را به حسن ایمان و کردار شایسته موفق بدار و توفیق بهره‌برداری از ماه رمضان و ماهها و سالهای پس از آن را به ما عنایت فرما، ای صاحب جلال و بزرگواری!

۱. معلوم می‌شود که ظلمت و روشنایی از آثار اسم اعظم است.

دعاى ديگر ماه مبارك رجب

از ناحیه مقدسه امام عصر

(روحی له الفداء)

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالتَّوَلُّودَيْنِ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي وَابْنِهِ
عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُتَنَجِّبِ وَاتَّقَرَّبُ بِهِمَا إِلَيْكَ خَيْرَ التَّقَرُّبِ يَا مَنْ إِلَيْهِ
الْمَعْرُوفُ طَلِبٌ وَفِيمَا لَدَيْهِ رُغَبٌ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ
أَوْبَقْتَهُ ذُنُوبُهُ وَآتَقَيْتُهُ عُيُوبَهُ فَطَالَ عَلَى الْخَطَايَا دُؤُوبُهُ وَمِنَ الرِّزَايَا
خُطُوبُهُ يَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْأُوبَةِ وَالتَّزْوُعَ عَنِ الْخَوْبَةِ وَمِنَ النَّارِ
فَكَأكَ رَقَبَتِهِ وَالْعَفْوَ عَمَّا فِي رِبْقَتِهِ فَأَنْتَ مَوْلَايَ أَعْظَمُ أَمَلِهِ وَثِقَتِهِ.
اللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ السَّرِيفَةِ وَ سَائِلِكَ الْمُنِيفَةِ أَنْ تَتَّعَدَّنِي فِي
هَذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَأَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَأَسْأَلُكَ
إِلَى نَزُولِ الْحَافِرَةِ وَ مَحَلِّ الْأَخِرَةِ وَ مَا هِيَ إِلَيْهِ صَائِرَةٌ^١.

خداوند! به حقّ آن دو مولودی که در این ماه (رجب) متولّد شدند، محمّد بن علی و علی بن محمّد، که هر دو برگزیده تو هستند از تو مسئلت دارم و به این دو بزرگوار به تو بهترین تقرّیبا و نزدیک شدن را می‌جویم. ای آن که هر خوبی را از تو می‌خواهند و بدانچه نزد تو است، مشتاق و آرزومندند! از تو می‌خواهم همانند کسی که غرق گناه و عیب است و مدّتی طولانی به گناهان خو گرفته است و کارش با غم و اندوه می‌گذرد و تقاضا دارد که بروی ببخشایی و توبه‌اش را قبول فرمایی و او را از گناهان بیرون آوری و از آتش دوزخ آزادش سازی و هر چه بر ذمّه اوست عفو فرمایی. تو مولا و بالاترین آرزوهای من و تنها کسی هستی که به او اعتماد دارم.

خدا یا! از تو مسئلت دارم به مسایل شریفه و اسباب عالیات که مرا در این ماه در دریای رحمت بی‌پایان خود غرق فرموده، جانی عنایتم نمایی که به روزی و بخشش تو قانع باشد، تا فرود آمدن در قبر و عالم آخرت که بازگشت همه به سوی آن خواهد بود.

زیارت رجبیه از ناحیه مقدسه امام زمان

(ارواحنا له الفداء)

از جناب حسین بن روح

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ وَ أَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ
حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ وَ صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُتَنَجِّبِ وَ عَلَى أَوْصِيَائِهِ
الْحُجُبِ.

اللَّهُمَّ فَكَمَا أَشْهَدْنَا مَشْهَدَهُمْ فَانْجِزْ لَنَا مَوْعِدَهُمْ وَ أَوْرِدْنَا مَوْرِدَهُمْ غَيْرَ
مُحَلِّسِينَ عَنَّا وَرِدِّ فِي دَارِ الْمَقَامَةِ وَ الْخُلْدِ وَ السَّلَامِ عَلَيْنَا إِيَّاهُمْ قَصْدُكُمْ
وَ اعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسْئَلَتِي وَ حَاجَتِي وَ هِيَ فَكَأَنَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ الْمَقَرَّةِ
مَعَكُمْ فِي دَارِ الْفَرَارِ مَعَ شِيَعَتِكُمُ الْآبِرَارِ وَ السَّلَامُ عَلَيْنَا بِمَا صَبَرْتُمْ
فَنِعْمَ غَثْبِي الدَّارِ اَنَا سَأَلْتُكُمْ وَ أَمَلْتُكُمْ فِيمَا إِلَيْكُمْ التَّفْوِضُ وَ عَلَيْنَا
التَّفْوِضُ فَبِكُمْ يُجَبِرُ الْمَهِيضُ وَ يُشْفَى الْمَرِيضُ وَ مَا تَزْدَادُ الْأَرْحَامُ وَ مَا
تَغِيضُ إِنِّي بِسِرِّكُمْ مُؤْمِنٌ وَ لِقَوْلِكُمْ مُسَلِّمٌ وَ عَلَى اللَّهِ بِكُمْ مُقْسِمٌ فِي
رَجْعِي بِخَوَائِجِي وَ قَضَائِهَا وَ اِمْضَائِهَا وَ اِنْجَاحِهَا وَ اِبْرَاحِهَا وَ بِشَوْنِي
لَدَيْكُمْ وَ صَلَاحِهَا وَ السَّلَامُ عَلَيْنَا سَلَامٌ مُوَدَّعٌ وَ لَكُمْ خَوَائِجُهُ مُوَدَّعٌ
يَسْأَلُ اللهُ إِلَيْكُمْ الْمَرْجِعَ وَ سَعِيَهُ إِلَيْكُمْ غَيْرُ مُنْقَطِعٍ وَ أَنْ يَرْجِعَنِي مِنْ
خَضْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ إِلَى جَنَابِ مُرْعِعٍ وَ خَفِضَ مُوسِعٍ وَ دَعَا وَ مَهَلٍ إِلَى
حِينَ الْأَجَلِ وَ خَيْرِ مَصِيرٍ وَ مَحَلٍّ فِي التَّعْمِيمِ الْأَزَلِ

حمد و ستایش خدایی را سزد که در ماه مبارک رجب ما را به زیارت اولیای خود مشرف کرد و آنچه از اطاعت و ترک مخالفت آنان بر ما لازم بود، واجب فرمود و درود بر پیامبر بزرگ حضرت محمد و خاندان او باد که همه برگزیده اویند.

خدایا! همان گونه که ما را به زیارت آنان موفق فرمودی وعده‌های مربوط به آنها را محقق ساز و ما را در جایگاه آنان که بهشت باشد، مستقر فرموده و در آن خانه ابدی منزل ده. ای اولیای من! سلام بر شما. من بارگاه شما را قصد نموده، شما را وسیله حاجت خودم که آزادی از آتش جهنم و بودن در خدمت شما و شیعیان پاک شما است، قرار دادم. سلام بر شما که در مصایب صبر نمودید و خداوند بهترین جایگاه را در بهشت به شما عطا فرمود. من گدای در خانه شما هستم و تنها امیدم به خیراتی است که از طرف خداوند به شما واگذار شده است و بدانچه که به وسیله شما در سایه آن اختیار دل‌های شکسته التیام یافته و بیماران شفا می‌یابند و نامه‌هایی که در رجم مادران زیاد یا کم (سرنوشت افراد) تعیین می‌شود به فرمان شماست. من به اسرار شما ایمان دارم و به فرمان شما تسلیمم و خداوند را به شما قسم می‌دهم که با خواسته‌های برآورده شده و به امضای شما رسیده به وطنم بازگردم و حواجج من بر اساس مصلحت به اندازه مقام شما تثبیت گردد. سلام و درود بر شما؛ درود و سلامی که در حال خداحافظی عرض می‌شود و حواجج و نیازهایم را نزد شما به امانت می‌گذارم و استدعای تشرف مجدد دارم و اینکه پیوسته کوشا باشم و این ارتباط قطع نشود و از درگاه شما به بهترین مکانها

وَالْعَيْشِ الْمُقْتَبِلِ وَدَوَامِ الْأَكْلِ وَشُرْبِ الرَّحِيقِ وَالسَّلْسَلِ وَعَلٍّ وَنَهْلٍ لِأَسَامٍ مِنْهُ وَلَا مَلَلٍ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ وَتَجِيَّاتِهِ عَلَيْكُمْ حَتَّى الْعَوْدِ إِلَى حَضْرَتِكُمْ وَالْفَوْزِ فِي كَرَوَاتِكُمْ وَالْحَشْرِ فِي زُمُرَتِكُمْ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ عَلَيْكُمْ وَصَلَوَاتِهِ وَتَجِيَّاتِهِ وَهُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ^۱.

بازگشت نمایم با برکت و زندگی خوب و راحت در تمام ابعاد زندگی و بدون زاوال که در آن ناگواری و ملال نباشد. رحمت بی پایان خداوندی و برکاتش بر شما باد تا اینکه بار دیگر به سوی شما برگردم و نیز در بازگشت شما به دنیا و در آن روز (روز رجعت) با شما باشم. رحمت و اوسعۀ الهی و برکات بی پایانش و تحیت‌های او بر شما باد و او کفایت کننده همه کارهای ما و بهترین وکیل است.

دعا به افتخار محمد بن صلت قمی

از ناحیه مقدسه امام عصر

(روحي له الفداء)

اللَّهُمَّ رَبَّ التُّورِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ
 وَ مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَ رَبَّ الظَّلِّ وَالْحَرُورِ، مُنْزِلَ الرَّبُورِ وَالْقُرْآنِ
 الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالنَّبِيَّاءِ الْمُؤَسَّلِينَ أَنْتَ إِلَهٌ مَنْ فِي
 السَّمَاءِ وَ إِلَهٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ لَا إِلَهَ فِيهِمَا غَيْرُكَ وَ أَنْتَ جَبَّارٌ مَنْ فِي
 السَّمَاءِ وَ جَبَّارٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ لَا جَبَّارَ فِيهِمَا غَيْرُكَ وَ أَنْتَ خَالِقٌ مَنْ فِي
 السَّمَاءِ وَ خَالِقٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ لَا خَالِقَ فِيهِمَا غَيْرُكَ وَ أَنْتَ حَكَمٌ مَنْ فِي
 السَّمَاءِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ لَا حَكَمَ فِيهِمَا غَيْرُكَ.

ای پروردگار نور عظیم و کرسی رفیع و بلند پایه و ای پروردگار دریای بیکران، و ای آن که تورات و انجیل و زبور و قرآن عظیم را فرو فرستادی! ای پروردگار ملائکه مقرب و انبیاء و رسولان! تو خداوند ساکنان آسمان و زمینی و غیر از تو در آسمان و زمین خدایی نیست؛ تنها قدرتمند آسمان و زمین تویی و جز تو صاحب قدرتی نیست؛ تو خالق همه موجوداتی و جز ذات پاک تو آفریدگاری نیست؛ تنها حکمفرمای آسمان و زمین تویی و غیر از تو حکم کننده ای نیست.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبُنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ وَ مُلْكِكَ
 الْقَدِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ
 وَالْأَرْضُونَ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَضْلُجُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ
 حَيٍّ وَ يَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ وَ يَا مُخَيِّبَ الْمُؤْتَمِنِ وَ يَا
 حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ
 مُحَمَّدٍ وَ ارزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ ، مِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ رِزْقًا وَاسِعًا
 حَلَالًا طَيِّبًا وَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كُلَّ غَمٍّ وَ كُلَّ هَمٍّ وَ أَنْ تُعْطِيَنِي مَا أَرْجُوهُ وَ
 أَمْلُهُ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ١


بار خدا یا! تو را به کریم و آن فروغی که از جمال احدیت تو جلوه گر است و نیز تو را به هستی و حیات دایمی و جاودانت می خوانم. ای آن که زنده و پابرجایی! تو را به آن اسمی که آسمان و زمین را بدان وسیله روشن کردی و نیز به نامی که بدان همه پیشینیان و اولین و آخرین را اصلاح فرمودی می خوانم. ای کسی که پیش از همه موجودات بوده‌ای و پس از همه مخلوقات خواهی بود! ای آن که زنده‌ای آنگاه که موجود زنده‌ای نیست و ای حیات‌بخش و زنده‌کننده مردگان! ای خداوند حی و زنده! خدایی جز ذات پاک تو نیست. ای پروردگار زنده و باقی و استوار! از تو تقاضا می‌کنم که بر محمد و آل او درود فرستی و از جایی که گمان آن را دارم و ندارم مرا روزی دهی، روزی بسیار و حلال و پاکیزه، و نیز غمهای مرا از بین ببری و آنچه امید و آرزوی مرا دارم به من عطا کنی؛ زیرا تو بر همه چیز قادر و توانایی.

و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین



Tel: +98-21-8956167-8
-Design by Mohammad Shafiq Sarvestani

ISBN 964696842-2



9 799646 196842 >

موسکود
مرکز بخش ۸-۶۹۵۶۱۶۷